نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۸۶۵
Mojahed 865
دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۸۶ ۶شعبان ۱۴۲۸
August 20 2007
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

اعدامهای وحشیانه در ایران هم‌چنان ادامه دارد

حلق‌آویز ۱۰نفر در یک هفته و تشدید شکنجه دانشجویان پلی‌تکنیک و دیگر زندانیان سیاسی

دو نفر در تایباد، یک نفر در رامسر، یک نفر در زاهدان، سه نفر در ارومیه و نقده و سه جوان بیگناه در ساوه، در ملأعام به دار آویخته شدند

ـ آخوند جنایتکار ابراهیم رئیسی معاون اول قوه قضاییه رژیم: «آن‌چه به تمامی دادستانها و روٴسای دادگستریها اعلام کرده‌ایم این است که فاصله بین وقوع جرم و مجازات باید در مسائل امنیتی بسیار کوتاه باشد. تاکید داریم که باید با قاطعیت و بدون ترحم قانون را اجرا کرد»

ـ دژخیم مرتضوی خطاب به خانواده دانشجویان: هنوز شکنجه نکرده‌ایم که بفهمید شکنجه یعنی چه

ـ پیش از اعدام سه جوان در ساوه روزنامه حکومتی اعتمادملی در شماره روز ۲۵مرداد خود، به بیگناهی این جوانان اعتراف کرده و نوشته بود: «متهمان، هیچ‌گونه سابقه کیفری نداشته و تاکنون حتی یک شکایت توسط اهالی محل از آنها مطرح نشده است؛ ولی قرعه نخستین اوباشان ساوه به نام آنها درآمده است»

مأموریت دژخیم جعفر الموسوی از سوی حکومت آخوندی علیه مجاهدان اشرف با موج اعتراض بین‌المللی و نیروهای دموکراتیک عراقی روبه‌رو شد

ـ دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس فاش کرد دژخیم الموسوی هفته پیش با نوری مالکی در تهران بوده و دستورات ولی فقیه ارتجاع به او ابلاغ شده است

ـ در پی اذعان آخوند دری نجف‌آبادی دادستان کل رژیم و وزیر پیشین اطلاعات، در مورد همکاری و همدستی با جعفر الموسوی، سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو، جست‌وخیزهای میمونی و شتابزدگی ابلهانه دادستان کل و اطلاعات و رسانه‌های آخوندی و اعلام حمایت آنها از دژخیم الموسوی را نشانه آشکار مزدوری و تدوین جزء به جزء سناریوی دعاوی او، توسط قلاده به‌دستانش در قم و تهران، توصیف کرد. این سخنگو گفت سازمان مجاهدین خلق ایران دژخیم الموسوی را یک جنایتکار جنگی می‌شناسد و برای ارائه اسناد و شواهد مزدوری او به دادگاه بین‌المللی آمادگی دارد

ـ کمیته بین‌المللی حقوقدانان برای دفاع از اشرف به نمایندگی ازسوی ۸۵۰۰حقوقدان اروپایی، دژخیم الموسوی را به یک دادگاه بین‌المللی فراخواند و اظهارات او علیه مجاهدین را یک جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت اعلام نمود

ـ تام تانکردو، کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا، باب فیلنر، رئیس گروه پارلمانی حقوق‌بشر و دموکراسی در مجلس نمایندگان، اد تاونز از گروه نمایندگان سیاهپوستان و جان لوئیز، مشهورترین نماینده آمریکا در دفاع از حقوق مدنی شهروندان، در نامه‌های خود به مقامات آمریکایی، فرماندهان ارشد نیروهای چندملیتی و رؤسای کمیساریا و صلیب سرخ و کمیسر عالی حقوق‌بشر ملل متحد، سیاست اخراج و دستگیری ومحدود کردن ساکنان اشرف را که از سوی نوری مالکی و جعفر الموسوی، پیگیری می‌شود، به زیرسؤال کشیدند. آنها اعلام کردند: درخواست دولت مالکی باید رد شود و تعهدات ما نسبت به افراد «حفاظت شده» اپوزیسیون ایران باید مورد احترام قرار بگیرد.

ـ کمیته پارلمانی دوستی و همبستگی با مردم ایران در مجلس عراق، که از دهها نماینده از فراکسیونهای مختلف تشکیل شده، جبهه گفتگوی ملی عراق به ریاست دکتر صالح مطلق، خالد عیسی، رئیس سازمان وکلای بدون مرز، علامه محمد علی‌الحسینی، دبیرکل شورای اسلامی عربی، انتفاضه شعبانیه نجف و انتفاضه شعبانی بصره، جبهه ملی برای نجات دیالی، تجمع عشایر دموکراتیک و ملی و مستقل استان دیوانیه، رئیس تجمع حقوقدانان مستقل عراق، تجمع عشایر ملی و مستقل، نایب‌دوم کنگره همبستگی برای صلح و آزادی، روشنفکران و حقوقدانان عراقی و ... اظهارات دادستان مزدور رژیم در مورد مجاهدین را محکوم کردند

در صفحات ۵ و۶ و ۱۵

سومین هفته اعتراضات حامیان مقاومت ایران در اروپا، آمریکا و کانادا علیه اعدامهای وحشیانه در ایران

ـ در این تظاهرات ایرانیان آزاده با سردادن شعارهای کوبنده خشم و نفرت مردم ایران را از اظهارات دژخیم الموسوی و نوری مالکی علیه مجاهدان شهر اشرف ابراز کردند

ـ روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی: منافقین با برگزاری نمایشگاه عکس و فیلم و اجرای نمادین مراسم اعدام و تجمعات اعتراض آمیز علیه اعدامهای اخیر در کشورمان، چهره‌یی بسیار تیره از جمهوری اسلامی در جهان ایجاد کرده‌اند

در صفحات ۱۵ و۱۶

۳۲۳تن از نمایندگان کنگره آمریکا از وارد کردن نام سپاه پاسداران در لیست گروههای تروریستی حمایت کردند

واشینگتن پست: آمریکا تصمیم گرفته است که سپاه پاسداران را در لیست سازمانهای تروریستی وارد کند

سناتور اسمیت از وزیر دارایی آمریکا خواست بر مبنای بخشنامه اجرایی که جرج بوش دو هفته پس از حملات تروریستی ۱۱سپتامبر صادر کرد، اموال سپاه پاسداران را ضبط و توقیف کند

ـ تلویزیون سی.ان.ان: با گنجاندن نام سپاه‌پاسداران در لیست تروریستی، این اولین بار است که دولت آمریکا تصمیم می‌گیرد ارگان رسمی نظامی یک دولت را در چنین لیستی قرار دهد.

ـ تلویزیون فاکس نیوز: نامگذاری سپاه پاسداران به عنوان یک گروه تروریستی قطعی است

رهبران کنگره آمریکا از گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست گروههای تروریستی استقبال کردند

ـ سناتور دورین، نفر شماره۲ رهبری سنای آمریکا: قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست گروههای تروریستی اقدامی ضروری به‌منظور افزایش فشار بر رژیم تهران و توقف ارسال سلاح و بمبهای مرگبار از ایران به عراق است

ـ تام لانتوس، رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان: گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست گروههای تروریستی از سوی دولت جرج بوش مانع اقدامات رژیم ایران برای ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در جهان خواهد شد

در صفحه۴

ژنرال اودیرنو: ما باید شبکه‌های افراطیون را که از سوی رژیم ایران حمایت می‌شوند ازهم‌بگسلیم و تلاشمان در همین راستاست

جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق: ما مشاهده می‌کنیم که مردم عراق درباره نفوذ رژیم ایران در این کشور صحبت می‌کنند و این امر از اهمیت برخوردار است... ما به مقابله با آن‌چه که من آن‌را تهدیدی جدی از سوی رژیم ایران به‌شمار می‌آورم ادامه می‌دهیم.

در صفحه۷

در یک بحران جدید، احمدی‌نژاد دو وزیر خود را برکنار کرد

ـ به دنبال برکناری وزیران نفت و صنایع و معادن کابینه پاسدار احمدی‌نژاد، رسانه‌های رژیم از احتمال عزل وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی رژیم خبر دادند

ـ تشدید جنگ گرگها: برکناری وزیران نفت و صنایع و معادن، استعفای رئیس کل بانک مرکزی و مدیر عامل سازمان حسابرسی، احتمال استعفای وزیران اقتصاد و ترابری و درگیری شدید بین دولت احمدی‌نژاد و آخوند شاهرودی

ـ یک نماینده مجلس ارتجاع: این کشمکش و دعواها به سیاست دستوری رئیس دولت برمی‌گردد؛ چرا که احمدی‌نژاد به ویژه در مسائل تخصصی اقتصادی، با سیاست دستوری و غیرعلمی با وزیران برخورد می‌کند

ـ الوطن چاپ عربستان: برکناری دو وزیر نفت و صنایع رژیم ایران، نتیجه تشدید بحران اقتصادی است

در صفحه۳

در صفحات دیگر

پیتر زیمرمن: ما با وارد شدن به مذاکراتی پایان‌ناپذیر به رژیم ایران زمان مورد نیاز برای پیشبرد برنامه اتمی را داده‌ایم

پیتر زیمرمن، از اعضای کمیته امور خارجی سنای آمریکا: رژیم ایران برای پیشبرد برنامه تسلیحات اتمی به زمان نیاز داشت و ما با وارد شدن در مذاکراتی پایان‌ناپذیر این زمان را به او دادیم. غرب، روسها و چین به‌خاطر اکراهشان در اعمال تحریمهای مؤثر علیه رژیم ایران، باید بهای نزدیک‌شدن این رژیم به‌سلاح اتمی را بپردازند. در صفحه۹

خبرگزاری آسوشیتدپرس: دولت فرانسه در حال بررسی مواد یک قطعنامه جدید شورای امنیت ملل متحد، برای هدف قراردادن مقامات ارشد رژیم ایران است که با جامعه بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌یی به‌مقابله‌جویی پرداخته‌اند در صفحه۹

واکنش هیستریک حکومت آخوندی:

«دولت تازه وارد سارکوزی که به تازگی از سفر آمریکا بازگشته گوی سبقت مخالفت با ایران را از آمریکاییها ربوده و شدیدتر از آمریکا قصد برخورد با مقامات عالیرتبه کشور را دارد... فرانسه کشوری که هم‌اکنون بالغ بر ۱۰میلیارد دلار مبادلات اقتصادی و قراردادهای صنعتی و نفتی با ایران دارد در یک اقدام گستاخانه و توهین‌آمیز اعلام نمود که قصد دارد بندی به قطعنامه آتی شورای امنیت سازمان ملل متحد اضافه نماید و خواستار برخورد با مقامات عالیرتبه نظام جمهوری اسلامی شود. اگرچه سخنگوی مزبور وارد جزئیات نشد ولی قویاً سخن از «اقدام مناسب تحریمی» علیه این مقامات به میان آورده است»(جمهوری اسلامی ۲۸مرداد).

روزنامه دارالسلام متعلق به حزب اسلامی عراق: رژیم ایران در منفجر کردن اماکن مذهبی شیعیان دست دارد تا به این وسیله آتش جنگ فرقه‌یی را برافروزد در صفحه۷

جاده صاف‌کنهای جنگ

بخش اول مقالاتی از دکتر کریم قصیم درباره سیاست ایپزمنت غرب در مقابل فاشیسم در دهه۳۰ قرن بیستم

ـ بنا به استنباط مبتکران این خطمشی، سیاست آیپزمنت می‌توانست با استمالت و دلجویی از دیکتاتورها و راه آمدن و مماشات فعال با آنها، یعنی با امتیاز بخشیدن و پذیرفتن و حتی تدارک و تنظیم دیپلوماتیک ـ عملی خواستهای توسعه طلبانه آنها از راه مذاکره و حصول قرارداد، البته به‌ضررطرف سوم، صلح در اروپا راحفظ نماید.

در صفحه۱۱

تظاهرات مردم بانه و چابهار

ـ مردم خشمگین چابهار در اعتراض به کشته شدن یک جوان توسط مأموران جنایتکار پاسگاه مرزی این شهر، چندین دستگاه خودرو را به آتش کشیدند.

ـ مردم بانه در اعتراض به قتل سه نفر توسط مأموران جنایتکار انتظامی دست به تظاهرات زدند و با سردادن شعارهای ضدحکومتی پاسگاه انتظامی بانه را به آتش کشیدند.

در صفحه۹

عکس از آرشیو

فاجعه انفجار با بیش از ۵۰۰قربانی در موصل

طارق الهاشمی معاون رئیس جمهور عراق طی بیانیه‌یی انفجارهای موصل را که به کشته‌شدن بیش از ۵۰۰نفر منجر شد، محکوم کرد و گفت: این انفجارها و ربودن معاون وزیر نفت نتیجه سکوت دولت نوری‌مالکی در برابر این جنایت است

در صفحه۲

فرمان «اسلامی» کردن مجدد نظام بانکی ایران به چه منظور صادر شده است یزدان حاج‌حمزه

دولت پاسداران، با دستاویز «شرعی»تر کردن بخش پولی و بانکی، به‌سمت کشاندن قدرتهای پولی حاشیه‌یی به متن حکومت و یکپارچه کردن و متشکل کردن آنها تحت مدیریت واحد و امنیتی دولت، روی آورده است. در صفحه۹

سناتور کیت باند، معاون رئیس کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا: به محض دستگیری اعضای سپاه پاسداران در عراق آنها را به مجازات می‌رسانیم

مقالات:

ـ آخوند اژه‌ای گوشخوار و بازمصرف شاگرد جلاد اوین سعید شاهسوندی

ـ فاشیسم آخوندی در فاز شکست و بن‌بست(۸) مهیار برومند

ـ آنها که پمپ‌بنزینها را آتش زدند کجای «صد» بودند حسین باقرزاده صفحه۱۰

ـ جاده‌صاف‌کنهای جنگ دکتر کریم قصیم

ـ زمان، زمان برخاستن است محمد قرایی صفحه۱۱

ـ دلارهای آمریکایی آب رفته را به جوی باز می‌گردانند جمشید پیمان

ـ نقش شورای رهبری در پایداری باشکوه دکتر ابراهیم جدی صفحه۱۲

ـ از آن عاشقان شرزه... سعید صداقت صفحه۱۳

ـ معرفی کتاب «همسفر ماه» و رستاخیز گل» گزیده شعرها و ترانه‌های حمید نصیری «ح/اختر»

ـ طنز تلخ تاریخ علی خلخال

ـ میکل آنجلو آنتونیونی: معلم بزرگ جمشید آشوغ صفحه۱۴

سرمقاله

سپاه تروریسم

در این هفته که صحبت از تصمیم دولت آمریکا به واردکردن نام سپاه پاسداران حکومت آخوندی در لیست سازمانهای تروریستی به‌میان آمده، مقامها و رسانه‌های آمریکا، به زوایایی از عملکرد سپاه پاسداران در حاکمیت آخوندها پرداخته و ازجمله نوشته‌اند که سپاه پاسداران به‌عنوان «ارگان تروریسم دولتی» آخوندها « از افغانستان و عراق تا لبنان و فلسطین و از بوسنی تا آفریقا و آمریکا به ترویج تروریسم مشغول است» «برنامه تولید سلاح اتمی رژیم ایران را پیش می‌برد» درعین حال «میراتوری مالی‌اش از میادین نفتی تا مزارع زنبور عسل را در بر می‌گیرد» و می‌توان آن را «تجارتخانه انقلاب» نامید که «قطعات بزرگی از زمین را در نواحی مرفه‌نشین شهرهای بزرگ، به‌طور خاص در تهران، به زور تحت‌کنترل گرفته است»، «دهها کمپانی شامل کارخانه‌های تولید قطعات خودرو و شرکتهای پیمانکار دارد» و« وقتی رژه می‌رود آن‌چه درظاهر دیده نمی‌شود، پولهای کلانی است که در جیبهای پاسداران وجود دارد»، رسانه‌های آمریکا از قول «مقامهای آمریکایی» نوشته‌اند که «اگر این نامگذاری صورت بگیرد، سپاه پاسداران، اولین شاخه نظامی یک دولت خواهد بود که در این لیست قرار می‌گیرد. احمدی‌نژاد در صفوف سپاه پاسداران ترفیع یافت و با حمایت شبکه نیروهای قدیمی آن به قدرت رسیده است».

اینها،گوشه‌های کوچکی است از حقایق بزرگ مکتوم‌مانده درباره ماهیت و عملکرد سپاه پاسداران که جهان خوانرده ممانات هنوز برجرائم اصلی‌اش در حق ملت ایران چشم نگشوده است. از قیام آزادیخواهانه و مسالمت‌آمیز مردم تهران در۳۰خرداد ۱۳۶۰ ـ که خمینی «اذن» آتش‌گشودن به روی مردم بیدفاع را خطاب به همین پاسداران از رادیوی دولتی اعلام کرد ـ تا قیامهای به خاک وخون کشیده شده بعدی مردم ایران در اراک و شیراز و بوکان و مشهد و قزوین و قیام تیرماه سال۷۸ و خیزشهای سرکوب‌شده مردم به‌جان‌آمده در سالهای اخیر، همواره سپاه پاسداران به‌عنوان حافظ اصلی رژیم ولایت‌فقیه به وحشیانه‌ترین کشتارها مبادرت کرده و هولناک‌ترین جو ارعاب و ترور را برجامعه ایران تحمیل کرده است. بنابراین درمقابل تتمه مماشاتگران ورشکسته به‌تقصیری که درخصوص دادن عنوان تروریسم به نیروی خلص تروریسم آخوندی اما و اگر می‌کنند، باید نتایج وخیم چشم‌پوشی بر جنایات فعالترین حامی تروریسم و رکوردار اعدام در جهان را یاد آوری کرد و در دفاع از حق مقاومت و آزادی مردم ایران و صلح منطقه و جهان، یک بار دیگر تأکید روشن‌بینانه رهبر مقاومت ایران در ۶سال پیش را خاطرنشان نمود:

«سیاست ضدتروریستی خواه و ناخواه بایستی به کانون صدور ارتجاع و تروریسم در دنیای معاصر، راه ببرد والا فاقد هرگونه موضوعیت و جدیت است. پیوسته گفته‌ایم که استمالت از دیکتاتوری تروریستی و مذهبی که تهدید جدی صلح و آرامش در این منطقه از جهان است، صدور تروریسم و ارتجاع از جانب این رژیم را تشویق می‌کند. هم‌چنان‌که برچسب تروریستی علیه مجاهدین، باعث هرچه حریزتر شدن و تشجیع این رژیم در سرکوب و صدور تروریسم و کاربرد سلاحهای کشتارجمعی است»(مسعودرجوی ۲۲بهمن۸۰).

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

رژیم آخوندی برای اعدامهای بیشتر و اعمال مجازاتهای وحشیانه دادسرای ویژه امنیت تشکیل می‌دهد

مقاومت ایران نسبت به تشکیل «دادسرای ویژه امنیت» از سوی رژیم آخوندی هشدار می‌دهد و آن‌را نشانی از اهداف شوم ملایان برای اعدام جوانانی می‌داند که در جریان خیزشهای مردمی در ماههای اخیر دستگیر شده‌اند. روزنامه‌های حکومتی به نقل از سردژخیم محمد زارع دهنوی معروف به قاضی حداد، معاون امنیت دادستان عمومی رژیم آخوندی در تهران، از طرح جنایتکارانه تشکیل «دادسرای ویژه امنیت» خبر دادند.

در جریان قیام مردم سراسر کشور علیه جیره‌بندی بنزین در روزهای ۲۵و ۲۶آذرنیز، شمار زیادی از جوانان دستگیر شدند که رسیدگی به پرونده آنها به «دادسرای ویژه امنیت» سپرده شده است.

بدین ترتیب اکنون رژیم آخوندی حداقل از ۳دادسرای ویژه برخوردار است. دادسرای ویژه روحانیت، دادسرای ویژه نیروهای نظامی و دادسرای ویژه امنیت. هدف تشکیل دادسراهای ویژه، اتخاذ اقدامات سرکوبگرانه بیشتر علیه مخالفان سیاسی است.

تشکیل ارگانهای ریز و درشت سرکوبگر ازجمله تشکیل یازده ارگان جدید پلیسی طی یکسال گذشته، تشدید اقدامات سرکوبگرانه و اعدامهای جمعی که از ابتدای ژوییه ابعاد دهشتناکی به خود گرفته است، بیانگر منتهای ضعف و ناتوانی رژیم ضدبشری آخوندی، در فاز اضمحلال و سرنگونی است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۸مرداد۱۳۸۶ (۱۹اوت۲۰۰۷)

موج جدید سرکوب و صدور احکام ظالمانه علیه معلمان و فرهنگیان ایران

بنا به گزارشهای منتشرشده توسط رژیم، «محمد هاشمی» دبیرکل سازمان معلمان ایران، به سه سال حبس تعزیری محکوم شده است. اتهام هاشمی اقدام علیه امنیت ملی، اخلال در نظم عمومی و تمرد از دستور پلیس عنوان شده است. محمد هاشمی در تاریخ ۲۳اسفند ۸۵، در تجمع معلمان در مقابل مجلس رژیم، دستگیر شد و از آن زمان تا ۱۱فروردین امسال، در سلول انفرادی در زندان اوین نگهداری می‌شد.

یادآوری می‌شود که به‌دنبال تظاهرات اعتراضی معلمان در مقابل مجلس رژیم، در بهمن و اسفند سال ۸۵، سه نفر از اعضای سازمان معلمان ایران (محمد داوری،علی پورسلمان و محمد هاشمی) دستگیر شدند و تاکنون تنها دادگاه هاشمی برگزار شده است.

به‌دنبال تظاهرات معلمان، تاکنون برای ۴۰نفر از فرهنگیان پرونده قضایی تشکیل شده و ۲۷۰معلم با پرونده تخلفات اداری مواجه شده‌اند که برای بسیاری از آنها حکم انفصال از خدمت صادر شده است.

به نیا به سایر گزارشهای رسیده، محمد قدیمی، عضو کانون صنفی معلمان، طی حکمی به پنج سال تبعید به استان خراسان جنوبی محکوم شده و دو معلم دیگر به نامهای عمادی و دیباجی نیز به شهرهای اراک و کهکیلویه و بویراحمد تبعید شده‌اند. هم‌چنین، اسکندر لطفی، یک فرهنگی دیگر ازسوی دادگاه تخلفات اداری استان کردستان به ۳سال تبعید به استان اردبیل محکوم شد.

یک عضو کانون صنفی معلمان، با اشاره به حکم اخراج مجیری یکی دیگر از اعضای این کانون، از موج جدید صدور احکام در دادگاهها علیه معلمان خبر داد.

این‌گونه فشارها در شرایطی است که معلمان آزاده در بدترین شرایط معیشتی به‌سر می‌برند و به علت سیاستهای ضدمردمی رژیم گاهی برای چند ماه از دریافت حقوق ناچیز خود نیز، محروم می‌شوند. به نوشته روزنامه حکومتی انتخاب، ۴۶مرداد، معاون وزیر آموزش و پرورش رژیم اعلام کرد که بخشی از حقوق معلمان حق‌التدریسی از ماههای فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر هنوز پرداخت نشده است.

مقاومت ایران فشار روزافزون بر معلمان و صدور احکام ظالمانه برای معلمانی که تنها به جرم تظاهرات برای ابتدایی‌ترین خواستهای خود دستگیر شده‌اند را محکوم می‌کند و از مجامع بین‌المللی حقوق بشری و سازمان جهانی کار (ILO) خواستار محکومیت این‌گونه اقدامات ضدمردمی رژیم ایران و آزادی فوری دستگیرشدگان می‌باشد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۴مرداد۱۳۸۶ (۱۵اوت۲۰۰۷)

رژیم جنایتکار آخوندی سه جوان بی‌گناه از یک خانواده را تحت عنوان «اراذل و اوباش» در ملأعام به‌دار آویخت

رژیم ضدبشری آخوندی صبح روز یکشنبه ۲۸مرداد، سه جوان بیگناه را به اتهام آخوندساخته اراذل و اوباش، در ملأعام در ساوه به‌دار آویخت. این سه جوان محمد شارعی ۲۴ساله، محمودمقیمی ۲۷ساله و داوود شارعی ۲۸ساله نام داشتند و اعضای یک خانواده بودند. این در حالی است که مردم ساوه نسبت به این حکم اعدام آنها اعتراض داشتند و با امضا توماری بی‌گناهی آنان را اثبات کرده بودند.

روزنامه اعتماد ملی در شماره ۲۵مرداد خود به بیگناهی این جوانان اعتراف کرده و نوشته بود: این حکم در حالی قرار است اجرا شود که متهمان هیچ‌گونه سابقه کیفری نداشته و تاکنون حتی یک شکایت توسط اهالی محل از آنها مطرح نشده است، ولی قرعه نخستین اوباشان ساوه به نام آنها در آمده است.

وکیل‌مدافع متهمان در مورد زندگی آنها گفته بود: محمود جوانترین متهم این پرونده، ۲۴ساله است. او در مغازه پدرش شاگردی می‌کرد و اهالی محل برای محمود هم مانند پدرش احترام قائل بودند. پدر محمود معتمد محله است. او با شنیدن حکم اعدام تنها پسرش به‌شدت شوکه شد. وضعیت مادر محمود بدتر از پیرمرد است. او به غیر از شنیدن خبر اعدام پسرش، خبر اعدام دو نوه‌اش را هم تحمل کرد. محمود، دایی محمد و داوود بود. نه‌تنها در محله، در کل شهرستان ساوه هیچ‌کس تا به حال از این سه جوان شکایت نکرده و آنها پیش از این حادثه حتی پایشان هم به کلانتری باز نشده بود.

روزنامه اعتماد ملی افزوده بود: چهار روز دیگر یعنی دوشنبه هفته آینده قرار است این افراد به عنوان اولین اشرار و اوباش ساوه در این شهرستان به دار آویخته شوند. نه‌تنها خانواده متهمان، بسیاری از اهالی ساوه از اجرای این حکم نگرانند و با امضا توماری صلاحیت اخلاقی این افراد را تأیید کرده‌اند. بدون شک با اعدام این افراد، نگرانی اهالی این شهرستان به بسیاری استانها و شهرستانهای دیگر سرایت می‌کند.

بنا بر یک گزارش دیگر این توماز توسط ۵۰۰تن از کسبه و اهالی منطقه امضا شده بود که صلاحیت اخلاقی سه جوان را تأیید کرده بودند.

وکیل این سه جوان گفته بود: در حال حاضر این سه جوان که در انتظار اجرای حکم اعدام به‌سر می‌برند، در زندان ساوه و در مکان مخصوص اعدامیها نگهداری می‌شوند. تا مناسک مذهبی پیش از اجرای حکم را یاد بگیرند. نقاط تاریک بسیاری در پرونده آنها به‌چشم می‌خورد ولی دادگاه به هیچ یک از ایرادات وارده از سوی او توجهی نکرده است و تمامی مقدمات مرگ آنان ازجمله کارهای پزشکی قانونی و صدور جواز فوت و دفن نیز انجام گشته است. او گفت سه بیگناه در روز دیگر بالای دار می‌روند.

لازم به‌ذکر است که در پی فشارهای مردم قرار بود اعدام این سه جوان به‌تأخیر بیفتد ولی جنایتکاران رژیم که شدیداً نیازمند ایجاد جو رعب و وحشت هستند، برای ممانعت از عقب‌افتادن اعدام این جوانان بیگناه یک روز زودتر از تاریخ اعلام شده آنها را به‌دار آویختند.

دیوان عالی رژیم نیز اعدام آنها را تأیید کرده بود.

محکومیت جهانی اعدام، شکنجه و سرکوب مردم ایران توسط رژیم آخوندی

وزارت امور خارجه آمریکا سرکوب مطبوعات و آزادی بیان توسط رژیم آخوندی را محکوم کرد

وزارت امور خارجه آمریکا طی بیانیه‌ی که روز ۲۵مرداد منتشر کرد، سرکوب مطبوعات و آزادی بیان توسط رژیم آخوندی را محکوم کرد و خواستار لغو صدور حکم اعدام دو روزنامه‌نگار کرد ایرانی گردید.

به گزارش خبرگزاری رویتر، شان مک کورمک سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در این بیانیه اعلام کرد: گزارشهای مربوط به افزایش فشار بر رسانه‌های خبری در ایران، تصویری تیره و تار از آنچه در ایران می‌گذرد ترسیم می‌کند. شمار چشمگیری از ناشران و روزنامه‌نگاران ایرانی به‌خاطر استفاده از حق آزادی بیان و اجتماعات، مورد آزار و اذیت قرار گرفته، بازداشت و محکوم شده‌اند و این امر نشانگر تحمل‌ناپذیری رژیم ایران در مقابل آزادی بیان است.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا افزود: با صدور حکم اعدام برای عدنان حسن‌پور، روزنامه‌نگار و عبدالواحد بوتیمار، نویسنده و فعال محیط زیست، رژیم ایران بار دیگر قصد خود را برای پایمال‌کردن حقوق شهروندان و نادیده‌گرفتن ابتدایی‌ترین معیارهای رفتار بین‌المللی نشان داد.

حزب سبزهای فرانسه اعدامهای وحشیانه در ایران را محکوم کرد

حزب سبزهای فرانسه روز ۲۵مرداد در یک بیانیه رسمی، اعدامهای وحشیانه توسط رژیم آخوندی را محکوم کرد و خواستار لغو حکم اعدام برای دو روزنامه‌نگار کرد ایرانی شد.

حزب سبزهای فرانسه در این بیانیه، رژیم ایران را متع اصلی در راه تحقق دموکراسی در ایران دانست و اعلام کرد: همه مستبدان، از آزادی مطبوعات هراس دارند و روزنامه‌نگاران مستقل و آزادمنش را پیوسته مورد سرکوب قرار می‌دهند.

حزب سبزهای فرانسه در بیانیه خود دستگاه قضاییه رژیم ایران را فاقد صلاحیت دانست و روش زندان و شکنجه‌های جسمی و روانی برای اعتراف گرفتن را از شگردهای دیکتاتورها عنوان کرد.

حزب سبزهای فرانسه در ادامه این بیانیه، رژیم ایران را عامل بی‌عدالتی و فقر در کشور و مسبب سرکوب زنان، دانشجویان، روشنفکران و کارگران معرفی کرد و افزود: «رژیم ایران تا کنون مسئول اعدامهای وحشیانه و دشمن آزادی و دموکراسی و حقوق بشر بوده و امروز در تدارک توطه دیگری علیه جامعه است».

کمیته حمایت از حقوق بشردر فرانسه خواستار توقف موج اعدامها در ایران شد

کمیته حمایت از حقوق بشردر فرانسه طی بیانیه‌ی خواستار توقف موج اعدامها در ایران شد. در این بیانیه که روز ۱۹مرداد در پاریس منتشر شد، آمده است: رژیم ایران تحت پوشش اعدامهای جمعی، مخالفان سیاسی را نیز اعدام می‌کند. این کمیته فرانسوی که در دفاع از حقوق شهروندان ایرانی فعالیت می‌کند، اعلام کرد: نامه‌یی به وزارت امور خارجه فرانسه و سفارت پرتغال در پاریس که هم اکنون ریاست اتحادیه اروپا را به‌عهده دارد، ارسال کرده و از آنان خواسته است از سازمان ملل بخواهند در مورد نقض حقوق بشر در ایران دخالت کند.

درخواست کمک از دبیرکل ملل متحد برای جلوگیری از اعدام دو روزنامه‌نگار ایرانی

سازمان خبرنگاران بدون مرز در روز ۲۳مرداد از بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد خواست، برای جلوگیری از اعدام دو روزنامه‌نگار کرد ایرانی، به رژیم ایران فشار بیاورد. دستگاه قضاییه رژیم، این دو روزنامه‌نگار را که عدنان حسن‌پور و هیوا بوتیمار نام دارند، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به اعدام محکوم کرده است. به گزارش سازمان خبرنگاران بدون مرز، این دو تن از یک ماه پیش تا کنون دراعتصاب غذا به‌سر می‌برند.

دژخیمان رژیم دو نفر را در تایباد به‌دار آویختند

دستگاه قضایی آخوندها دو نفر را در تایباد به دار آویخت و حکم اعدام یک جوان ۲۰ساله را در تهران صادر کرد. دو نفری که در تایباد حلق‌آویز شدند، م.ت و م.م معرفی شدند.

خبرگزاری فرانسه در روز ۲۳مرداد ضمن مخابره این خبر گفت: با اعدام این دو تن تعداد اعدامهایی که امسال توسط رژیم ایران صورت گرفته به ۱۵۹نفر می‌رسد که اکثراً درملأعام و از طریق حلق‌آویز انجام شده است.. سازمان عفو بین‌الملل نیز گزارش کرده است که در سال۲۰۰۶، حداقل ۱۷۷نفر در ایران به جوخه اعدام سپرده شده‌اند.

رژیم آخوندی ٤ جوان را در تهران به اعدام محکوم کرد

دستگاه قضاییه آخوندها، حکم اعدام ۳نفر را در تهران صادر کرد. این سه نفر علی اکبر ۲۱ساله،ابوالفضل ۳۱ساله و غلامرضا ۲۸ساله می‌باشند(قدس ۲۵مرداد۸٦). هم‌چنین حکم اعدام یک جوان دیگر در تهران صادر شد. وی رضا نام دارد(اعتماد ۲۲مرداد۸٦).

جنایت تازه آخوندهای جنایتکار در مهاباد

روز ۲۱ مرداد مأموران جنایتکار رژیم در مهاباد، یک جوان را به ضرب گلوله به‌قتل رساندند.

این جوان که بایزید سیداحمدی فرزند عبدالله نیکجویان نام داشت، در جاده پیرانشهر هدف گلوله یکی از مأموران نیروی انتظامی قرار گرفت و به‌قتل رسید.

وی ساکن منطقه پشت‌تپه مهاباد بود.

سه نفر در ارومیه و نقده و یک نفر در زاهدان به‌دار آویخته شدند

صبح روز ۲۷مرداد نیز یک نفر در زندان مرکزی زاهدان حلق‌آویز شد. این فرد میربلوچی زهی میرآبادی نام داشت(کیهان ۲۸مرداد).

۵جوان نیز در تهران به اعدام محکوم شدند.

موج دستگیری و سرکوب و تشدید شکنجه‌های وحشیانه در زندانها

گزارشهایی از تشدید شکنجه در بند۲۰۹ زندان اوین

منصور اسانلو، رئیس سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که در بند ۲۰۹ زندان اوین زندانی است، تحت شکنجه‌های جسمی و روحی شدیدی قرار دارد.

بنابه این گزارش دنده‌های وی بر اثر شکنجه دچار آسیب‌دیدگی گشته و گفته می‌شود هنگام انتقال برای بازجویی به سختی قدم برمی‌دارد.

رژیم آخوندی ۷ نفر از معترضین به بازداشت وی را نیز که روز ۱۸مرداد تجمع کرده بودند، دستگیر و ممنوع الملاقات کرده است. مأموران زندان اوین از تحویل‌گیری داروهای دستگیرشدگان نیز خودداری می‌کنند.

روز ۲۸مرداد، خانواده‌های افراد دستگیرشده در مقابل دادگاه به اصطلاح انقلاب درخیابان معلم تهران تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواهان آزادی بستگان خود شدند.

تجمع‌کنندگان گفتند مددی، نایب‌رئیس سندیکای رانندگان شرکت و احد، هنگام انتقال از دادسرای شعبه به زندان اوین، به‌خانواده‌های تجمع‌کننده گفت: محکم بایستید. حق با ما است.

گزارشهای رسیده،هم‌چنین حاکیست که در روز ۲۱مرداد، سعید متین‌پور، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر که چهارم اردیبهشت امسال در شهر زنجان دستگیر شد، در بند ۲۰۹زندان اوین زیر شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارد. بنا به این گزارش متین‌پور در اثر شکنجه و تحلیل قوای جسمانی، چندین بار بیهوش شده است. وی به‌رغم سپری‌شدن ۸۰روز از بازداشت هم‌چنان در سلول انفرادی نگهداری می‌شود و از حق ملاقات با وکیل نیز محروم است.

گفته می‌شود بازجویان با شکنجه‌های جسمی و روحی تلاش می‌کنند تا سعید متین‌پور وادار کنند که به جاسوسی اعتراف کند.

رژیم آخوندی بودجه امنیتی خود را ۲۰برابر افزایش داده است

رژیم آخوندی در وحشت از خیزشهای مردمی و به منظور مقابله با آن، بودجه امنیتی خود را ۲۰برابر افزایش داده است.

محمد شاعری از معاونین وزارت کشور رژیم با اعلام این خبر، گفت: «رقم این اعتبارات، پارسال ۷هزار میلیارد ریال بود که اکنون به ۱٤۰هزار میلیارد ریال رسیده است».

وی که در جمع خبرنگاران حکومتی در اهواز سخن می‌گفت، افزود: «این امر تأثیر بسیار جدی در مقابله با اشرار، قاچاق و ناامنیهای احتمالی در کشور خواهد داشت»(روزنامه ایران ۲۳مرداد۸٦).

آخوند پورمحمدی وزیر کشور کابینه پاسدار احمدی‌نژاد: بودجه امنیتی ۱۰۰میلیارد تومان افزایش یافته است

آخوند پورمحمدی وزیر کشور کابینه پاسدار احمدی‌نژاد اعلام کرد بودجه امنیتی ۱۰۰میلیارد تومان افزایش یافته است. وی گفت: بودجه تأمین امنیت مرزهای کشور از ده میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده و ۲۰میلیارد تومان بودجه‌یی که حاصل سفرهای استانی بود، به ۱۳۰میلیارد تومان افزایش یافته است(خبرگزاری رژیم- مهر ۲۵مرداد۸٦).

۲٤۲نفر در یک مهمانی در کرج دستگیر شدند

دستگاه قضاییه آخوندها برای ۲٤۲ نفر که در یک مهمانی در کرج دستگیر شدند قرار مجرمیت صادر کرد.

علی صمدی از دژخیمان قوه قضاییه در کرج در مصاحبه با روزنامه حکومتی قدس گفت: «مأموران پلیس، هفته گذشته پس از اطلاع از برگزاری یک مهمانی، در یک باغ در محمدشهر کرج، بلافاصله راهی محل شده و با هماهنگی دادستان کرج، ۲٤۲نفر از افراد حاضر در مهمانی را دستگیر کردند. این تعداد ۱٤۲نفر مرد و ۱۰۰ نفر دختر بودند که میانگین سنی آنها بین ۱۸ تا ۲۲ سال است».(قدس ۲٤مرداد۸٦).

۲۵هزار نفر در گیلان مورد بازجویی خیابانی قرارگرفتند و ۳۹۲۵نفر دستگیر شدند

مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی در گیلان در چارچوب طرح موسوم به امنیت اجتماعی به بهانه بدحجابی بیش از ۲۵هزار نفر را مورد بازجویی خیابانی قرار داده و ۳۹۲۵نفر را دستگیر کردند.

پاسدار یدالله حسینی از سرکردگان نیروی انتظامی در استان گیلان ضمن اعلام این آمار، گفت: از این تعداد، ۲هزار و ۷۷ نفر به مراجع قضایی معرفی شدند(خبرگزاری فارس ۲٤مرداد۸٦).

۱۸۲نفر در ورامین به بهانه خمینی‌ساخته اراذل و اوباش دستگیر شدند

مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی، در ورامین، در راستای طرح موسوم به ارتقای امنیت اجتماعی، ۱۸۱نفر را به بهانه واهی اراذل و اوباش دستگیر کردند. پاسدار احمد قاسم‌خانی سرکرده نیروی انتظامی رژیم در ورامین ضمن اعلام این آمار گفت: «در راستای طرح ارتقای امنیت اجتماعی مأموران نیروی انتظامی هم‌چنین با همکاری بسیج با ایجاد گشتهای ویژه در حال پاکسازی تفرجگاهها و مناطق استراحتگاهی در سطح شهرستان هستند(جوان ۲۲مرداد۸٦).

پارکها تحت کنترل بیشتر نیروی سرکوبگر انتظامی قرار می‌گیرند

رژیم آخوندی در راستای طرح سرکوبگرانه موسوم به امنیت اجتماعی، ٤۱پارک تهران را تحت کنترل نیروی انتظامی قرار داده است. پاسدار رادان سرکرده نیروی انتظامی تهران بزرگ، گفت: «در طرح امنیت اجتماعی حضور پلیس در پارکها و بوستانها مدنظر قرار گرفته است».

وی در دفاع از یکی از مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی که در میدان هفت تیر تهران یک زن را مورد ضرب و شتم قرار داده بود، گفت: «خانم فوق مرتکب ۲ تخلف شده بود: فیلمبرداری از عملیات پلیس و مقاومت و درگیری با پلیس...»(خبرگزاری رژیم- فارس ۲۲مرداد۸٦).

تشدید اقدامات سرکوبگرانه در ایلام

مأموران نیروی انتظامی در ایلام برای مقابله با اعتراضات جوانان، اقدامات سرکوبگرانه خود را افزایش داده و به‌حالت آماده‌باش درآمده‌اند. بنا به گزارشهای رسیده روز ۱۹مرداد مأموران رژیم به تجمع جوانان در مناطق مختلف ایلام از جمله خیابان امیرکبیر و پارک چقاسبز حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و تعدادی را دستگیر کردند.

یکی از جوانان که توسط مأموران نیروی انتظامی مجروح شده بود، به بخش اورژانس بیمارستان موسوم به امام ایلام منتقل شد. در روز پنجشنبه ۱۸مرداد نیز مأموران نیروی انتظامی در خیابان ۲۲بهمن به جوانان حمله کرده و عده‌یی را دستگیر کردند. شاهدان گفتند تعداد دستگیرها به حدی بود که نیروی انتظامی، درخواست خودروهای کمکی برای انتقال دستگیرشدگان را کرد.

معاون اول دستگاه قضاییه رژیم: باید با قاطعیت و بدون ترحم قانون را اجرا کرد

آخوند ابراهیم رئیسی معاون اول دستگاه قضاییه رژیم، اعتراف کرد جرائم جوانان دستگیر شده به بهانه آخوند ساخته اراذل و اوباش، امنیتی می‌باشد و در زمان کوتاهی حکم آنان باید صادر شود.

آخوند رئیسی در جمع تعدادی از ایادی رژیم گفت: «آن‌چه به‌تمامی دادستانها و رؤسای دادگستریها اعلام کرده‌ایم این است که فاصله بین وقوع جرم و مجازات باید در مسائل امنیتی بسیار کوتاه باشد. کوتاه‌شدن فاصله مجازات می‌تواند عبرتی برای دیگران باشد».

وی افزود: «ما تأکید داریم که باید با سرعت این پرونده‌ها مورد رسیدگی قرار گیرند، باید با قاطعیت و بدون ترحم قانون را اجرا کرد»(خبرگزاری رژیم -ایسنا ۲۷مرداد۸٦).

دفاع سخنگوی دستگاه قضاییه آخوندها از صدور احکام اعدام و زندان برای جوانان

سخنگوی دستگاه قضاییه آخوندها از صدور احکام اعدام و زندان برای جوانان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و فعالان کارگری دفاع کرد. علیرضا جمشیدی اعتراف کرد که شماری از دانشجویان دانشگاه پلی‌تکنیک تهران هم‌چنان در اسارت هستند و خانواده‌های آنها نسبت به شکنجه و اذیت و آزار این دانشجویان شکایت کرده‌اند و دژخیمی به‌نام علیرضا آوایی رئیس کل دادگستری رژیم در استان تهران مأمور رسیدگی به‌وضعیت این دانشجویان شده است. سخنگوی دستگاه قضاییه آخوندها به یورش مأموران سرکوبگر به تجمع ۱۸مرداد در مقابل منزل منصور اسانلو، دبیر کل سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی نیز اذعان کرد و گفت: این تجمع به‌صورت غیرقانونی برگزار شده بود و پنج تا شش نفر در این رابطه دستگیر شده‌اند.جمشیدی جنایتکار به دستگیری تعدادی از جوانان کرج در یکی از پارکهای این شهر به اتهام برگزاری کنسرت نیز اعتراف کرد و مدعی شد که این پرونده عادی نیست و اهدافی پشت پرده آن بوده است. وی هم‌چنین به صدور حکم اعدام برای دو روزنامه‌نگار کرد ایرانی که موجی از اعتراضات بین‌المللی را برانگیخته اذعان کرد و مدعی شد که اتهام این دو نفر «محاربه از طریق مبارزه با نظام و جرائم علیه امنیت کشور» بوده است(خبرگزاری رژیم ۲٤مرداد۸٦).

سرکرده بسیج هنرمندان رژیم: پیامهای هنری دشمن از بمبارانهای جنگ بدتر است

پاسدار حسین قادیان، سرکرده بسیج هنرمندان رژیم، گفت: پیامهای هنری دشمن از بمبارانهای جنگ بدتر است. وی که از رژیم آخوندی به عنوان تمدن اسلامی نام می‌برد در جمعی از ایادی رژیم در استان چهارمحال و بختیاری، اظهار داشت، دشمنان نظام، فرهنگ و تمدن ایران اسلامی را هدف قرار داده‌اند و برای تخطئه ملتها، لشکر هنرمندان فضادرزشی را ساماندهی می‌کنند(کیهان ۲۳مرداد۸٦).

تدابیر سرکوبگرانه رژیم در اینترنت

رژیم آخوندی تدابیر سرکوبگرانه خود را به اینترنت نیز کشانده است. پاسدار مهرداد امیدی از سرکردگان نیروی انتظامی گفت: به‌منظور برخورد با برخی جرائم، گشت اینترنتی پلیس راه‌اندازی می‌شود. به گزارش خبرگزاری رسمی رژیم در روز ۲۵مرداد، پاسدار امیدی هدف از ایجاد این گشتها را تحقیق درباره آگهیهای مشکوک اینترنتی عنوان کرد و گفت تاکنون دهها مورد گزارش مشکوک برای رسیدگی، به مراجع مربوطه فرستاده شده است.

شکنجه‌گران دانشجویان دربند پلی‌تکنیک را زیر فشار بیشتر قرار داده‌اند

خانواده‌های احمد قصبان، احسان منصوری و مجید توکلی، طی نامه سرگشاده‌یی خطاب به رئیس قوه قضاییه رژیم، گوشه‌یی از فشارها و اذیت و آزارهای غیرانسانی که دانشجویان در طول مدت بازداشت متحمل شده‌اند را شرح داده‌اند.

به گزارش خبرنامه امیرکبیر احمد قصبان به همراه دو دانشجوی دیگر هفته گذشته با ارسال نامه‌یی از زندان ضمن تأیید شکنجه‌ها و فشارهای وارده بر ایشان، اعترافات خود را که تحت فشار اخذ شده بی‌اعتبار خواند. به‌نظر می‌رسد قطع تماس تلفنی این دانشجو در پی افشاگری وی و خانواده‌اش در خصوص نحوه رفتار بازجوها با دانشجویان باشد.

گفتنی است پس از آن که احمد قصبان حاضر به انجام اعترافات تلویزیونی مقابل دوربین نشده بود، از طرف تیم بازجویی تهدید شده بود که به شرایط سلول انفرادی باز خواهد گشت و بار دیگر تحت شکنجه قرار می‌گیرد. در همین حال تماس تلفنی هفتگی وی روز پنجشنبه این هفته قطع شده است. عدم تماس تلفنی احمد قصبان در هفته جاری بر نگرانیها نسبت به وضعیت دانشجویان بازداشت شده به‌شدت افزوده است.

پس از انتشار نامه خانواده‌ها، تیم بازجویی با احضار این سه خانواده به دفتر پیگیریهای وزارت اطلاعات، از ایشان خواستند لحن خود را در نامه‌ها و مصاحبه‌هایشان تغییر دهند و با انتشار نامه‌های خود در رسانه‌ها قاضی پرونده را عصبانی نکنند. تیم بازجویی هم‌چنین از خانواده سه دانشجویی که هم‌چنان در بند به‌سر می‌برند خواسته بودند، از این پس چنان‌چه خواستند نامه‌یی را خطاب به مقامات بنویسند به این تیم تحویل دهند تا آنها به‌دست مقامات برسانند.

تیم شکنجه‌گر دانشجویان، خانواده منصوری، قصبان و توکلی را تهدید کرده بودند اگر دست از افشاگری برندارند، قاضی پرونده عصبانی شده و قرار بازداشت فرزندانشان را تمدید کرده و تماسهای ایشان را قطع می‌کند.

دژخیم مرتضوی خطاب به‌خانواده دانشجویان: هنوز شکنجه نکرده‌ایم که بفهمید شکنجه یعنی چه!

خبرنامه امیرکبیر ۲۸مرداد۸٦، «سعید مرتضوی، دادستان کل استان تهران، صبح یکشنبه ۲۸ مردادماه۸٦، طی تماس تلفنی با خانواده احسان منصوری، احمد قصبان و مجید توکلی، سه دانشجوی در بند دانشگاه امیرکبیر، ایشان را به دفتر خود دعوت کرد. پس از حضور سه خانواده در دفتر مرتضوی، وی با لحنی عصبانی و تحکم‌آمیز به ایشان گفت: بارها به شما هشدار دادیم که جایی صحبت نکنید، مصاحبه نکنید، اخبار آن داخل (بند ۲۰۹) را بیرون انتشار ندهید، با کسی ملاقات نکنید، اما شما باز کار خودتان را کردید. حالا هم دوباره بچه‌هایتان را متنقل کردهام به انفرادی و تا رویه‌تان را عوض نکنید از ملاقات و تماس تلفنی هم خبری نیست. مرتضوی در پاسخ به اعتراض خانواده‌ها که به او هیچ‌کس را ندارید. نه مقام سیاسی و نه مقامات مسئول. فقط باید رویه تان را عوض کنید تا دوباره اجازه ملاقات و تماس تلفنی بدهم. فرزندانتان هم باید نداماتنامه بنویسند تا آزاد شوند، همین!» در پی این اقدام سعید مرتضوی خانواده این سه دانشجوی شکنجه‌شده دانشگاه امیرکبیر که به امید دریافت خبر آزادی فرزندانشان به دفتر دادستانی مراجعه کرده بودند با چشمانی اشکبار دفتر مرتضوی را ترک کردند.

خانواده‌ها که پرسیدند «پس دستورقوه قضاییه چه می‌شود؟!» گفت: دستور قوه قضاییه به من مربوط است نه به شما. از این به بعد هم حق دیدار با هیچ‌کس را ندارید. نه مقام سیاسی و نه مقامات مسئول. فقط باید رویه تان را عوض کنید تا دوباره اجازه ملاقات و تماس تلفنی بدهم. فرزندانتان هم باید نداماتنامه بنویسند تا آزاد شوند، همین!»

در یک بحـــران جـــدیـــد، پاسدار احمدی‌نژاد دو وزیـــر خـــود را بـــر کنار کـــرد

• تشدید جنگ گرگها: برکناری وزیران نفت و صنایع و معادن، استعفای رئیس کل بانک مرکزی و مدیرعامل سازمان حسابرسی، قوت‌گرفتن استعفای وزیران اقتصاد و ترابری و درگیری شدید بین دولت احمدی‌نژاد و آخوند شاهرودی

• یک نماینده مجلس ارتجاع: دعواها به سیاست‌دستوری رئیس دولت برمی‌گردد، چرا که احمدی‌نژاد به ویژه در مسائل تخصصی اقتصادی، با سیاست دستوری و غیرعلمی با وزیران برخورد می‌کند

جنگ باندهای درونی رژیم برسر به‌دست‌آوردن سهم هر چه بیشتر از ثروتهای غارت‌شده مردم ایران است

با اوجگیری بحران درونی رژیم، پاسدار احمدی‌نژاد دو وزیر نفت و صنایع و معادن را از کار برکنار کرد.

به گزارش رسانه‌های حکومتی، کاظم وزیری هامانه از پست وزارت نفت برکنار شد و غلامحسین نوذری به عنوان سرپرست این وزارتخانه منصوب گردید.علیرضا طهماسبی وزیر صنایع و معادن رژیم نیز که از هفته‌ها پیش خواستار استعفا شده بود، برکنار و فردی به اسم علی‌اکبر محرابیان به سرپرستی وزارت صنایع و معادن گماشته شد. این عزل و نصبها در وزارتخانه‌های کلیدی اقتصادی، به دلیل جنگ باندهای درونی رژیم برسر به‌دست‌آوردن سهم هرچه بیشتر از ثروتهای غارت‌شده مردم ایران است.

خبرگزاری رژیم(مهر) در روز ۲۱مرداد۸۶، طی مطلبی درباره عزل دو وزیر کابینه پاسدار احمدی‌نژاد، نوشت: برخی رسانه‌ها از احتمال استعفای وزیران اقتصاد و دارایی و راه و ترابری نیز خبر داده‌اند.

در پی برکناری وزیران نفت و صنایع و معادن کابینه پاسدار احمدی‌نژاد، داریوش قنبری از اعضای مجلس ارتجاع از تصمیم وزیر اقتصاد رژیم برای استعفا خبر داد.

وی گفت: با توجه به قرائن و شواهد موجود، زمینه استعفا و حتی عزل دانش جعفری مهیا شده است.

وی علت تصمیم دانش جعفری را برای استعفا، اختلاف شدید وی با احمدی‌نژاد بر سر تعیین نرخ سود بانکی، دانست و افزود: این کشمکش و دعواها به سیاست‌دستوری رئیس دولت برمی‌گردد، چرا که احمدی‌نژاد به‌وی‌ژه در مسائل تخصصی اقتصادی، با سیاست دستوری و غیرعلمی با وزیران برخورد می‌کند»(سایت آفتاب ۲۵مرداد۸۶).

سایت آفتاب که وابسته به حسن روحانی، دبیر سابق شورای عالی امنیت رژیم است، در روز ۲۲مرداد، نوشت: کارشناسان مهم‌ترین دلیل استعفای علیرضا طهماسبی از وزارت صنایع و معادن را اختلاف شدید وی با احمدی‌نژاد برسر مدیریت صنایع مهمی مانند خودروسازی و سازمان گسترش و نوسازی صنایع، عنوان کرده‌اند...

این منبع افزود: طهماسبی در ماههای اخیر با اشخاصی که از سوی احمدی‌نژاد برای مدیریت بنگاههای اقتصادی معرفی می‌شدند، مخالفت کرده و از اجرای دستورات وی سر باز می‌زده است...»

احمد توکلی رئیس مرکز پژوهشهای مجلس ارتجاع نیز در مرکز خبری خود به اختلاف باندهای درونی رژیم اعتراف کرد و درباره برکناری دو وزیر کابینه پاسدار احمدی‌نژاد نوشت: برکناری وزرای نفت و صنایع و معادن چندان هم غیرمنتظره نبوده‌است، وی دلیل اصلی برکناری این وزرا را مخالفت وزرای سابق در برابر استخدام برخی افراد توصیه شده در معاونتها و مدیریتهای دستگاههای تحت امرشان، عنوان کرد.

الوطن چاپ عربستان: برکناری دو وزیر نفت و صنایع رژیم ایران، نتیجه تشدید بحران اقتصادی است

روزنامه الوطن چاپ عربستان در شماره ۲۴مرداد، نوشت: برکناری دو وزیر نفت و صنایع رژیم ایران، در نتیجه تشدید بحران اقتصادی است. این اقدام به‌خوبی نشان می‌دهد که احمدی‌نژاد نتوانسته است به وعده‌های داده شده جامه عمل بپوشاند.

کاظم انبارلویی از اعضای باند مؤتلفه، به روزنامه الوطن عربستان گفت: استعفای وزیران صنایع ومعادن و نفت در شرایط حاضر، شگفتی بسیاری را به‌همراه داشت. به‌دلیل این‌که این دو نفر در دولت احمدی‌نژاد جایگاه ویژه‌یی داشتند. دلایل زیادی در خصوص استعفای آنان وجود دارد که عدم همکاری آنان با سیاستهای دولت احمدی‌نژاد از اهم آنها است.

بهزاد نبوی از مهره‌های باند شکست خورده خاتمی نیز به‌منظور تسویه حساب با باند ولی‌فقیه گفت: با توجه به افزایش قیمت نفت ما هیچ تغییری در بهبود وضعیت رفاهی و معیشتی مردم ایران نمی‌بینیم. اعلام گزارش اخیر وزیر رفاه و تأمین اجتماعی مبنی بر وجود ۹میلیون ایرانی زیر خط فقر، دلیلی بر این ادعاست.

دویچه وله: علت برکناری وزیر نفت مشکلات ناشی از جیره‌بندی بنزین و انتقادهای فراوان به قرارداد خط لوله گاز است

رادیو دویچه وله گفت: علت برکناری کاظم وزیری هامانه وزیر نفت مشکلات ناشی از جیره‌بندی بنزین و انتقادهای فراوان به قرارداد خط لوله گاز است.

دلیل استعفای طهماسبی وزیر صنایع و معادن نیز رسماً اعلام نشده، اما یکی از اعضای مجلس و عضو کمیسیون صنایع، علت کناره‌گیری وی را اختلاف با احمدی‌نژاد و عزل و نصب مدیران و معاونان این وزارتخانه توسط وی اعلام کرده است. «رمضانعلی صادق‌زاده عضو مجلس، گفت: وزیران دولت احمدی‌نژاد مجبورند برای انتخاب معاونان خود با افرادی که احمدی‌نژاد تعیین کرده، مشورت کنند(دویچه وله ۲۴مرداد۸۶).

دو عضو دیگر کابینه برکنار می‌شوند

به‌دنبال برکناری وزیران نفت و صنایع و معادن کابینه پاسدار احمدی‌نژاد، رسانه‌های رژیم از احتمال عزل وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی رژیم خبر دادند.

ارگان وابسته به پاسدار محسن رضایی در مطلبی با عنوان «شیبانی قربانی سوم ترمیم کابینه» از برکناری احتمالی ابراهیم شیبانی رئیس کل بانک مرکزی رژیم خبر داد و نوشت اگر چه شیبانی با سیاستهای اقتصادی احمدی‌نژاد هماهنگی داشت ولی مشکلات و تضادهای اقتصادی موجود باعث شده که احمدی‌نژاد تصمیم بگیرد فرد دیگری را جانشین وی سازد(بازتاب ۲۶مرداد۸۶).

رئیس قوه قضاییه رژیم در یک مقابله‌جویی با پاسدار احمدی‌نژاد گفت: تغییر مکرر مدیر و وزیر مسأله‌یی حل نمی‌کند

آخوند شاهرودی، رئیس قوه قضاییه رژیم، در واکنش به برکناری دو وزیر توسط احمدی‌نژاد، در یک مقابله‌جویی آشکار با گماشته ولی‌فقیه ارتجاع، گفت: تغییر مکرر مدیر و وزیر مسأله‌یی حل نمی‌کند. وی که این اظهارات را در گردهمایی سالانه گردانندگان دیوان محاسبات رژیم مطرح می‌کرد، افزود: روشهای برخوردمان با مدیران نباید مضراته باشد به‌گونه‌یی که برای این‌که ابرو را اصلاح کنیم، چشم را کور کنیم، نباید طوری برخورد کنیم که بی‌انگیزگی در مدیران ایجاد شود.

بازتاب، ارگان پاسدار محسن رضایی که این اظهارات را درج کرده، افزود: رئیس قوه قضاییه با انتقاد از کندبودن روند خصوصی‌سازی و خسارتهای ناشی از توقف برخی قراردادها، نحوه برخورد با برخی مدیران و تغییر مکرر مدیر و وزیر، توجه به این نکته را ضروری دانست که نباید به‌گونه‌یی رفتار شود که ثروتهای عظیم خود را از دست بدهیم.

خبرگزاری فرانسه روز ۲۵مرداد، نوشت: انتقاد علنی شاهرودی به احمدی‌نژاد، به‌دلیل برکناری دو وزیر انتقادی بی‌سابقه است. این خبرگزاری افزود: شاهرودی این انتقاد را در همان هفته‌یی به‌عمل آورد که رئیس‌جمهور رژیم ایران در کشاکش مشکلات اقتصادی ایران، به‌طور غیرمنتظره‌یی وزرای نفت و صنعت خود را جایگزین کرد.

حمله عوامل پاسدار احمدی‌نژاد به‌آخوند شاهرودی

آخوند شاهرودی رئیس دستگاه قضاییه رژیم که علیه تصمیم پاسدار احمدی‌نژاد برای عزل وزیران نفت و صنایع و معادن موضعگیری کرده بود، توسط دارودسته این پاسدار مورد حمله و هتاکی قرار گرفت.

روزنامه « سیاست روز » از حامیان پاسدار احمدی‌نژاد خطاب به شاهرودی نوشت: «شش سال گذشت و هنوز بر اریکه ریاست قضاییه نشسته‌اید و از وضعیت ویرانه می‌نالید. خنده‌دار نیست؟ آش آن‌قدر شور است که به نمایندگان مجلس به بهانه دخالت در کار قاضی، اجازه تحقیق‌وتفحص نمی‌دهید و وقتی نمایندگان خواستار رسیدگی به منابع مالی قوه مواضع الجزایر را به خودش نزدیک کند و مقداری از انزوای رژیم در سطح منطقه بکاهد، اما به هدفش نرسید.

سفر احمدی‌نژاد به الجزایر و آثار و عوارض آن به‌تفصیل در دفتر مطالعات سرد مقامات الجزایری همراه بوده است و رژیم به هیچ‌یک از اهداف از پیش‌تعیین‌شده‌اش نرسیده و این سفر هیچ دستاورد سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی برای رژیم نداشته است.

پاسدار احمدی‌نژاد می‌خواست در این سفر از طریق معاملات اقتصادی و به تاراج‌دادن دارایی مردم ایران، موافع الجزایر را به خودش نزدیک کند و مقداری از انزوای رژیم در سطح منطقه بکاهد، اما به هدفش نرسید.

سفر احمدی‌نژاد به الجزایر و آثار و عوارض آن به‌تفصیل در دفتر مطالعات ریاست‌جمهوری رژیم مورد بحث و بررسی قرارگرفته و نتیجه‌گیریهای ژیم به‌عمل آمده است:

در آخرین انتخابات مجلس الجزایر، تنها ۴۰درصد از واجدان شرایط شرکت کردند که بیانگر مخالفت احزاب شیعی با نزدیکی الجزایر به آمریکا بوده است. از این نظر سفر احمدی‌نژاد به الجزایر وملاقات با رئیس‌جمهور الجزایر ومقامات این کشور به‌استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران لطمه واردکرده و باعث شده است که احساسات ضدحاکمیت گروههای شیعه و هوادار جمهوری اسلامی در الجزایر فروکش کند.

در بحث اتحادیه کشورهای صادرکننده گاز یعنی «اوپک گازی» که از طرف ایران مطرح شده است، الجزایر با تشکیل چنین اتحادیه‌یی موافقت نکرده و به‌دلیل وجود لوله گاز بین الجزایر و اروپا و هم‌چنین صادرات گاز طبیعی و مایع الجزایر به کشورهای ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، تونس، اسلوونی، فرانسه، آمریکا و ترکیه، دولت الجزایر حاضر نشده است که خود را در چهارچوب این اتحادیه محصور کند و در این زمینه، الجزایر خود را رقیب ایران می‌داند.

سفر پاسدار احمدی‌نژاد به الجزایر با شکست مواجه شده است

حمله پاسدار حسین شریعتمداری به رفسنجانی

پاسدار حسین شریعتمداری، در روزنامه کیهان ۲۷مرداد۸۶، در یک حمله به آخوند رفسنجانی نوشت: «آقای هاشمی رفسنجانی در جلد هفتم از سلسله کتابهای خاطرات خود که اخیراً در ۶۸۸صفحه و با عنوان "بسوی سرنوشت" منتشر شده است آورده‌اند که حضرت امام(ره) با حذف شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی موافقت کرده و منتظر فرصت مناسب برای انجام آن بوده‌اند. و اما، ضمن احترام به جناب آقای هاشمی رفسنجانی که می‌تردید از استوانه‌های انقلاب هستند، یادآوری نکته‌یی از وصیتنامه سیاسی- الهی حضرت امام(ره) درباره آن‌چه به ایشان نسبت می‌دهند، ضروری است. امام راحل(ره) می‌فرمایند: "... آن‌چه به من نسبت داده و یا می‌شود مورد تصدیق نیست، مگر آن که صدای من یا خط من و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان، یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم. با توجه به این توصیه اکید حضرت امام بدیهی است آن‌چه آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود یاد کرده‌اند قابل‌پذیرش نیست، چرا که اولاً با بیانات صریح حضرت امام و مواضع شناخته‌شده و مستند آن بزرگوار در تناقض آشکار است و ثانیاً آقای هاشمی برای اثبات نظر خود، هیچ‌یک از معیارهای مورد اشاره در وصیتنامه سیاسی- الهی حضرت امام(ره) را ارائه نکرده‌اند و...

۷- و بالاخره باید به این نتیجه منطقی رسید که جناب هاشمی رفسنجانی در برداشت خود از نظر حضرت امام(ره) دچار خطا شده‌اند و بی‌آن که خود بخواهند یک نظر غیرواقعی را به امام راحل(ره) نسبت داده‌اند که این خطا، با توجه به شرایط این روزها و نیز با توجه به دریافت روشن و مستند و تعریف شده‌یی که مردم از دیدگاههای حضرت امام(ره) دارند، قبل از آن که برای ملت زیان‌آور باشد به شخصیت جناب هاشمی آسیب می‌رساند و صد البته تصحیح آن ضروری است».

وزیر سابق دادگستری کانادا: ما خواهان آن هستیم که پرونده سران رژیم ایران را به دادگاه جنایات بین‌المللی بکشانیم

ایروین کانلر، وزیر سابق دادگستری کانادا، رژیم ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت جهان دانست و گفت: «ما خواهان آن هستیم که پرونده سران این رژیم را به دادگاه جنایات بین‌المللی بکشانیم».

ایروین کانلر، وزیر سابق دادگستری کانادا، روز ۲۶مردادب در مصاحبه با تلویزیون صدای آمریکا، به‌اقدامات تروریستی رژیم آخوندی و جنایات آن علیه مردم ایران پرداخت و تصریح کرد که این رژیم و سران آن را باید به‌دادگاه بین‌المللی کشاند.

وی با اشاره به پرونده بمبگذاری آرژانتین در سال ۱۹۹۴ گفت: «رفسنجانی و دیگر کسانی که قرار بازداشتشان صادر شده بود، در این اقدام تروریستی که در تاریخ آرژانتین، بعد از جنگ دوم، سابقه نداشته، دخالت داشتند و کسانی که این جنایت را سازمان داده و رهبری کردند، باید پاسخگوی اعمال خود باشند».

وزیر سابق دادگستری کانادا هم‌چنین گفت: «مردم ایران، قربانیان ساستهای احمدی‌نژاد هستند. زنان، کارگران، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و اقلیتهای دینی، همه، قربانیان نقض حقوق بشر در ایران هستند و هدف ما این است که نه‌تنها در برابر جامعه بین‌المللی، بلکه به‌خاطر مردم ایران، نقاب را از چهره این رژیم برداریم».

ایروین کانلر افزود: «احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور رژیم ایران اعلام کرده است که خواهان نسل‌کشی است و ایدئولوژی نفرت را تبلیغ می‌کند. وی موشکهای ویرانه‌یی که امروز نام ویرانه را هم به زحمت می‌توان بر آن نهاد بپردازد، درخصوص تغییر وزرا اظهارنظر می‌کنید. بحث، باید عوض شود. بار اولتان نیست.

این منبع برای لجن‌مال کردن آخوند شاهرودی افزود: سخن از فرار سرمایه به میان آمد که بزرگترین فساد اقتصادی، فراری دادن سرمایه‌ها با حرفهای زاید است. باید با ناامنی اقتصادی مبارزه کرد و الحق که شما در این فرافکنی موفق بودید»(سایت بازتاب ۲۷مرداد۸۶).

تشدید تخریب توکلی و طهماسبی توسط حامیان پاسدار احمدی‌نژاد

باند احمدی‌نژاد، احمد توکلی رئیس مرکز پژوهشهای مجلس ارتجاع را مورد حمله قرار داد.

ارگان پاسدار محسن رضایی باعنوان «تشدید تخریب توکلی و طهماسبی توسط حامیان دولت احمدی‌نژاد» نوشت:

یکی از سایتهای حامی دولت در توجیه برکناری دکتر طهماسبی از وزارت صنایع و انتصاب محرابیان به سرپرستی این وزارتخانه، تخریب طهماسبی و توکلی را تشدید کرد.

این سایت نوشته است: پس از پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره نهم، احمد توکلی به تعدادی از نمایندگان مجلس و نیز برخی از اصحاب رسانه گفت: در مجلس می‌مانم و به دولت کمک می‌کنم. او مرکز پژوهشهای مجلس را خلوتی برای خود یافته بود اما خیالات دیگری را در ذهن می‌پروراند. احمدی‌نژاد... توصیه توکلی در مورد استفاده از فرشیدی و طهماسبی در کابینه نهم را قبول کرد. پس از انتصاب طهماسبی به عنوان وزیر صنایع و معادن، تحرکات توکلی برای رسیدن به اهدافش آغاز گردید...(بازتاب ۲۷مرداد۸۶).

وزیری همانه: من استعفا نداده‌ام، زیرا هنوز توانایی کارکردن را دارم

خبرگزاری فرانسه در روز ۲۸مرداد۸۶، نوشت: وزیر برکنار شده ایرانی نسبت به یک فاجعه در زمینه انرژی هشدار داد. روز یکشنبه ۲۸مرداد رسانه‌ها گزارش کردند که وزیر نفت برکنار شده ایران طی هشداری به پرزیدنت احمدی‌نژاد ، پیش‌بینی کرد که یک فاجعه در بخش انرژی ایران ، بدلیل مصرف زیاد، در چشم انداز است. خبرگزاری رژیم(ایسنا) روز ۲۷مرداد به‌نقل از کاظم وزیری در مراسم خداحافظی‌اش نوشت: «اگر ما راه‌حلی برای مشکل انرژی در ۱۵سال آینده پیدا نکنیم، کشور با یک فاجعه روبه‌رو خواهد شد».

مرکز پرنفوذ پژوهشی مجلس رژیم نسبت به آینده صنعت گاز کشور اظهار بدبینی کرد و گفت که صادرات در ۱۰سال آینده با این میزان از مصرف داخلی ممکن نیست... وزیری گفت: «من استعفا نداده‌ام، زیرا هنوز توانایی کارکردن را دارم. هرکس که توانایی کارکردن را داشته باشد، استعفا نمی‌دهد. برکنار کردن من از وزارت، ایده رئیس‌جمهور بود و من چاره‌یی جز پذیرش آن نداشتم...»

شیبانی سومین قربانی ترمیم کابینه

رسانه‌های رژیم در روز ۲۶مرداد از تعویض رئیس کل بانک مرکزی توسط پاسدار احمدی‌نژاد دادند.

مدیرعامل سازمان حسابرسی رژیم استعفا داد

خبرگزاری رژیم(فارس) در روز ۲۷مرداد، خبر داد: هوشنگ نادریان، مدیرعامل سازمان حسابرسی استعفا داد. این خبر افزود: دریی ارائه استعفای کتبی مدیرعامل سازمان حسابرسی به وزیر امور اقتصادی و دارایی، دانش جعفری ضمن پذیرش استعفا از وی خواست تا تعیین جانشین، مسئولیت مزبور را کماکان برعهده داشته باشد. براساس این گزارش برخی منابع دلیل استعفای نادریان را درخواست انحلال سازمان حسابرسی و ادغام آن با دیوان محاسبات عنوان می‌کنند در حالی که این درخواست چند سال گذشته به مجلس ارائه شده بود اما به دلیل مشکلات قانونی که داشت این طرح رد شد.

برخی مسئولان دیوان محاسبات معتقد بودند که امکانات سازمان حسابرسی باید به دیوان محاسبات منتقل شود.

حباب تبلیغاتی دستاوردهای دولت نهم در عرصه صنعت ترکید

وی در دوره عدم تصدی ریاست سازمان حسابرسی، اقدام به تأسیس مؤسسه حسابرسی «مفید راهبر» کرد که حسابرسی مؤسسات وابسته به دفتر رهبر انقلاب را بر عهده دارد و از عناصر معتمد رهبر انقلاب در سلامت و مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی به‌شمار رفته و پیگیریهای متعددی را برای تحقق فرمان مبارزه با مفاسد رهبر انقلاب در شش سال گذشته انجام داده بود.

نادریان که در آغاز دولت نهم برای ایجاد آزادی عمل مسئولان، استعفا کرده بود، با اصرار و تأکید دکتر دانش جعفری ابقا شد، اما گفته می‌شود بروز فشارهای برخی مراکز قدرت به وزیر اقتصاد در ماههای اخیر، موجب پذیرش استعفای دکتر نادریان شده است.

هرچند برخی منابع خبری، ارایه گزارشی مستند از سوی سازمان حسابرسی درباره بیمه ایران و بی‌پایه‌بودن بسیاری از اتهامات مطرح‌شده در گزارش دیوان محاسبات را علت این فشارها عنوان کرده و از تلاش رحیمی، رئیس دیوان محاسبات، برای تصاحب و ادغام این سازمان در دیوان محاسبات خبر می‌دهند، که البته به دلیل صراحت قانون و اصل تفکیک قوا چنین امری محقق نخواهد شد.

آخرین اخبار، حکایت از آن دارد که نادریان و دانش جعفری برای همکاری یک ماهه تا تعیین رئیس جدید برای سازمان حسابرسی به توافق رسیده‌اند.

حالی که رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام نسبت به‌هتک حرمت و تخریب مسئولان نظام هشدار داده بودند، مشاوران رئیس‌جمهور در واکنش به سخنان آیت‌الله شاهرودی، اهانتهای بی‌سابقه‌یی به رئیس دستگاه قضایی کردند. امروز ارگان رسمی دولت، تیتر نخست خود را به واکنش به سخنان آیت‌الله شاهرودی اختصاص داد و در صفحه نخست خود، به نقل از مشاور مطبوعاتی رئیس‌جمهور، اظهارات آیت‌الله شاهرودی را نقض تفکیک قوا دانسته و خواستار جبران این اشتباه به نحو مقتضی و جلوگیری از تکرار آن شد! این روزنامه همچنین در صفحه دوم خود به نقل از آرمن‌منش، یکی از نمایندگان وابسته به دولت در مجلس، نوشت: «مشکلات دستگاه قضایی فراوان‌تر از آن است که مسئولان ارشد آن، فرصت پرداختن، نقد عملکرد دستگاه اجرایی و برشمردن صفت‌های آن را بدهند...»

ریاست سازمان حسابرسی دولت پاسدار احمدی‌نژاد استعفا داد

بازتاب ۲۷مرداد: «با کناره‌گیری دکتر نادریان از ریاست سازمان حسابرسی، یکی دیگر از عناصر فعال در مبارزه با مفاسد اقتصادی از دولت خارج شد.

نادریان که مؤسس سازمان حسابرسی در دولت مهندس موسوی بود، پس از گذشت ده سال، بار دیگر مدیریت این سازمان را بر عهده گرفت و در دوره مسئولیتش، تحولات بزرگی در شفاف‌کردن عملکرد مالی شرکتهای دولتی و کاهش زمینه مفاسد اقتصادی انجام شد.

حمله پاسدار احمدی‌نژاد شورای پول و اعتبار رژیم را منحل کرد

سخنگوی دولت پاسدار احمدی‌نژاد، از انحلال شورای پول و اعتبار که از مهمترین نهادهای تصمیم گیری در نظام بانکی رژیم است، خبرداد.

بر اساس این تصمیم، ۲۸شورای عالی دولتی در یک‌دیگر ادغام شده و به‌جای آنها چهار شورای عالی جدید تشکیل می‌شود.

غلامحسین الهام در همین زمینه به تشکیل «شورای عالی‌مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی» اشاره کرده که از ادغام ۱۱شورای دیگر به‌وجود آمده است. از مهمترین شوراهایی که به‌دنبال ایجاد تشکیلات جدید منحل شدند، شورای پول و اعتبار، شورای اقتصاد و هیأت امنای صندوق ذخیره ارزی است.

از اواخر سال گذشته اخباری مبنی بر حذف شورای پول و اعتبار از دایره تصمیم‌گیریها منتشر شده بود و به دلیل دخالت مستقیم احمدی‌نژاد در کاهش نرخ سود بانکی، عملا اختلاف میان این شورا و نهاد ریاست‌جمهوری بالا گرفته بود.

شورای پول اعتبار به عنوان یکی از ارکان پنج‌گانه بانک مرکزی که وظیفه اظهار نظر در مسائل بانکی، پولی و اعتباری کشور را بر عهده داشت، همزمان با تأسیس بانک مرکزی ایران در سال۱۳۳۹ ایجاد شد.

دستور کاهش نرخ سود بانکی توسط رئیس‌جمهور رژیم، در اول خرداد، رویارویی با شورای پول و اعتبار که وظیفه تعیین نرخ بهره بانکی در کشور را برعهده داشت، قلمداد شد.

کارشناسان اقتصادی می‌گویند ادغام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در نهاد ریاست‌جمهوری و بخشهای سیاستگذاری اقتصادی بانک مرکزی در دیگر نهادهای زیر مجموعه ریاست‌جمهوری، به پررنگ‌شدن نقش رئیس‌جمهور رژیم در سیاستگذاری اقتصادی منجر شده است.

کاهش نرخ سود بانکی در حالی صورت گرفت که شورای پول و اعتبار به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی در این زمینه اوایل اردیبهشت ماه، رأی به ثابت‌ماندن نرخ تسهیلات سود بانکی به میزان ۱۴درصد داده بود.

پررنگ‌ترشدن «نقش اقتصادی» رئیس جمهور رژیم

بر اساس گزارش خبرگزاریهای رژیم، بر اساس تصمیمات جدید دولت پاسدار احمدی‌نژاد، شورای عالی آموزش، پژوهش و فناوری نیز با ادغام ۱۲شورای دیگر تشکیل خواهد شد.

در همین زمینه وظایف پنج شورای عالی دیگر قرار است که به دو کمیسیون زیر نظر نهاد ریاست‌جمهوری تفویض شود.

برخی کارشناسان اقتصادی بر این باورند که با متمرکزشدن تصمیم‌گیریهای اقتصادی در نهاد ریاست‌جمهوری، جایگاه دیگر شخصیتها نهادهای اقتصادی ایران تضعیف خواهد شد.

پیش از ادغام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در نهاد ریاست‌جمهوری، اختلاف‌نظر میان احمدی‌نژاد و فرهاد رهبر، رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، موجب شد تا رهبر از این نهاد برنامه‌ریزی اقتصادی کناره‌گیری کند.

در تیرماه سال۱۳۸۶ و به دستور رئیس‌جمهور رژیم به عنوان «رئیس شورای عالی اداری»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در معاونتی به نام «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور» ادغام شد.

کارشناسان اقتصادی می‌گویند ادغام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در نهاد ریاست‌جمهوری و بخشهای سیاستگذاری اقتصادی بانک مرکزی در دیگر نهادهای زیر مجموعه ریاست‌جمهوری، به پررنگ‌شدن نقش رئیس جمهور رژیم در سیاستگذاری اقتصادی منجر شده است.

بازتاب: اهانت بی‌سابقه مقامات و روزنامه‌های دولت به آیت‌الله شاهرودی

سایت بازتاب ۲۷مرداد: «اهانت بی‌سابقه مقامات و روزنامه‌های دولت به آیت‌الله شاهرودی- در

واشینگتن‌پست: آمریکا تصمیم گرفته است که سپاه پاسداران را در لیست سازمانهای تروریستی وارد کند

• ۳۲۳تن از نمایندگان کنگره آمریکا از لایحه گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی حمایت کردند

• سناتور اسمیت از هنری پالسون، وزیر دارایی آمریکا خواست بر مبنای بخشنامه اجرایی که جرج بوش دو هفته پس از حملات تروریستی ۱۱سپتامبر صادر کرد، اموال سپاه پاسداران را ضبط و توقیف کند

• سی.ان.ان: این اولین بار است که ارگان رسمی نظامی یک دولت در لیست تروریستی قرار می‌گیرد

تلویزیون سی.ان.ان روز ۲۴مرداد به نقل از مقامهای ارشد آمریکایی اعلام کرد که این کشور قصد دارد، سپاه پاسداران رژیم ایران را به‌عنوان یک سازمان تروریستی نامگذاری کند.

روزنامه واشینگتن‌پست در شماره ۲۴مرداد خود، نوشت: «ایالات متحده تصمیم گرفته است سپاه پاسداران رژیم ایران را در فهرست سازمانهای تروریستی وارد کند. منابع مذکور گفتند، علت این اقدام دولت بوش، دخالتهای فزاینده سپاه پاسداران در عراق و افغانستان و همچنین حمایت آن از افراطیون در سراسر خاورمیانه می‌باشد.

واشینگتن‌پست به نقل از مقامهای آمریکایی، افزود: «این تصمیم، به‌دنبال فشارهای کنگره بر روی دولت، به‌منظور سختتر کردن موضعش علیه رژیم تهران و نیز ناامیدی آمریکا از تاکتارآمدی قطعنامه‌های سازمان ملل علیه برنامه هسته‌یی این رژیم، اتخاذ می‌شود».

نامگذاری سپاه پاسداران به‌عنوان یک گروه تروریستی، بر اساس بخشنامه اجرایی ۱۳۲۲۴ صورت خواهد گرفت که جرج بوش آن را دو هفته بعد از ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱ و به‌منظور متوقف‌کردن تأمین مالی برای تروریستها امضا کرد. سی.ان.ان در گزارش خود افزود: اگر این اقدام تأیید شود، به وزارت خزانه‌داری آمریکا اجازه تعقیب سپاه پاسداران و تمامی شبکه‌هایی که با آن معامله می‌کنند را خواهد داد.

آمریکا از سال ۱۹۸۴ رژیم ایران را در فهرست دولتهای حامی تروریسم وزارت خارجه‌اش قرار داده، اما مقامهای آمریکایی می‌گویند، اگر این نامگذاری صورت بگیرد، سپاه پاسداران، اولین شاخه نظامی یک دولت خواهد بود که در این لیست قرار می‌گیرد. روزنامه واشینگتن‌پست در این باره نوشت نامگذاری سپاه پاسداران، «به‌غایت غیرمعمول است»، «چرا که این گروه، بخشی از دولت به‌شمار می‌رود و یک سازمان تروریستی غیردولتی نیست». آموشینه‌پرس نیز این اقدام را قابل‌توجه توصیف کرد. واشینگتن‌پست نوشت: «احمدی‌نژاد در صفوف این نیرو ترفع درجه پیدا کرده و با حمایت شبکه‌یی از نیروهای قدیمی آن به قدرت رسیده است. فرماندهان این نیرو، با عمده شرکتهای اصلی در ایران، مرتبط هستند».

۳۲۳تن از نمایندگان کنگره آمریکا از لایحه گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی حمایت کردند

لایحه قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست گروهها یا سازمانهای تروریستی تاکنون از حمایت ۳۲۳تن از قانونگذاران در مجلس نمایندگان آمریکا برخوردار شده است. این لایحه، از تصویب کمیته‌های مربوطه گذشته و ماه سپتامبر به رأی کل کنگره گذاشته خواهد شد.

سناتور گوردون اسمیت و تام لانتوس، رئیس دموکرات کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان ارائه‌دهندگان این لایحه می‌باشند.

آنها روز هشتم و بیست و دوم مارس، دو لایحه جداگانه ارائه کردند که از وزرای خارجه و دارایی آمریکا می‌خواهد نام سپاه پاسداران رژیم ایران را به‌دلیل ترویج و تدارک تروریسم در سراسر خاورمیانه و نقش آن در برنامه هسته‌یی و معاملات اقتصادی، در فهرست گروههای تروریستی قرار داده و مشمول تحریم کند.

در لایحه سناتور گوردون اسمیت آمده است، کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا باید بر مبنای بخش ۲۱۹ قوانین داخلی آمریکا سپاه پاسداران را به‌عنوان گروه تروریستی خارجی معرفی کند.

سناتور اسمیت همچنین از هنری پالسون، وزیر دارایی آمریکا خواست بر مبنای بخشنامه اجرایی که جورج بوش دو هفته پس از حملات تروریستی ۱۱سپتامبر صادر کرد، اموال سپاه پاسداران را ضبط و توقیف کند.

سناتور گوردون اسمیت در لایحه خود، وزیر خارجه و دارایی آمریکا را ملزم می‌کند حداکثر طی ۱۸۰روز از زمان تصویب، کمیته‌های مسئول در کنگره را در جریان پیشرفت قرار دادن سپاه در لیست تروریستی قرار دهد.

تام لانتوس نیز طی لایحه‌یی درخواستی مشابه سناتور اسمیت مطرح کرد. این لایحه کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا را ملزم می‌کند تا سپاه پاسداران را در لیست تکثیرکنندگان سلاحهای کشتار جمعی و حامیان آن قرار دهد.

نمایندگان کنگره آمریکا، قراردادن موشکهای پیشرفته در اختیار حزب‌الله لبنان، حمایت از حماس در فلسطین، طالبان در افغانستان و ارسال سلاحهای جنگی مدرن و مرگبار برای گروههای افراطی شیعه در عراق را ازجمله موارد حمایت و ترویج تروریسم در منطقه توسط سپاه پاسداران نامیدند.

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا: ما خواهان توقف فعالیتهای تروریستی مورد حمایت سپاه پاسداران هستیم

گردون جاندرو، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا، روز ۲۶مرداد، گفت: سپاه پاسداران و نیروی قدس عواملی هستند که در فعالیتهایی مانند حمایت از گروههای حزب‌الله و حماس و همچنین شبه‌نظامیان در عراق دست دارند. شبه‌نظامیانی که در کشتن سربازان آمریکایی در عراق دخالت دارند. وی که در یک کنفرانس مطبوعاتی در ایالت نگزاس سخن می‌گفت، افزود: ما خواهان توقف فعالیت آنها می‌باشیم.

رهبران کنگره آمریکا از گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست گروههای تروریستی، استقبال کردند

رهبران کنگره آمریکا از گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست گروههای تروریستی، استقبال کرده و آن را اقدامی درست برای مقابله با رژیم ایران دانستند.

سناتور دورین، نفر شماره۲ رهبری سنای آمریکا، روز ۲۶مرداد، گفت: قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست گروههای تروریستی اقدامی مناسب و به‌جاست به منظور افزایش فشار بر رژیم تهران و توقف ارسال سلاح و بمبهای مرگبار برای کشتن نیروهای آمریکایی به‌کار گرفته می‌شود. سناتور دیک دوربن، که به تازگی از سفر به عراق و افغانستان بازگشته است افزود در دیدار با ژنرال ریموند ادیرنو، معاون فرماندهی نیروهای چندملیتی در عراق، بمبهای کنار جاده‌یی قابل‌نفوذ به زرهپوش را که توسط نیروهای تخریب خنثی شده با چشم خود دیده که مارک ساخت ایران به وضوح بر آن قابل مشاهده بوده است.

وی روز چهارشنبه در مصاحبه‌یی با شبکه خبری سی.ان.ان تصریح کرد، ما خواهان قطع ادامه ارسال تسلیحات و بمبهای ساخت ایران به داخل عراق هستیم. وی هم‌چنین گفت: «ما نمی‌خواهیم شاهد دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌یی باشیم».

سناتور دورین با اشاره به نقش گسترده سپاه پاسداران در ارکان اقتصادی رژیم ایران، گفت: «قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست گروههای تروریستی، حاوی این پیام به دیگر کشورها خواهد بود که معامله با سپاه پاسداران، امری خطرناک است که مسئولیت خطر این معامله، بر عهده خود آنهاست. ما در پی داد و ستد با یک رژیم حامی تروریسم نیستیم».

تام لانتوس، رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا نیز که ماهها پیش، خواهان قرار دادن سپاه در لیست گروههای تروریستی شده بود روز چهارشنبه ۲۴مرداد، با انتشار بیانیه‌یی اعلام کرد، گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی از سوی دولت جرج بوش، مانع اقدامات رژیم ایران برای ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در جهان خواهد شد.

سپاه پاسداران و نیروی قدس آن، در سراسر خاورمیانه ازجمله عراق، لبنان و فلسطین، در حال آموزش تروریستهاست و نقشی مهم در برنامه تولید سلاح هسته‌یی رژیم ایران ایفا می‌کند.

وی افزود، سپاه پاسداران حامی عمده احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور این رژیم است و تشکیلات اقتصادی عظیمی را در اختیار دارد. از این رو قرار دادن نام این گروه در لیست گروههای تروریستی، بانکهای خارجی را برای معامله با رژیم ایران، بیش از پیش مردد می‌سازد.

اقدام برای تحریم سپاه پاسداران می‌تواند تا پایان ماه توسط کاندولیزا رایس اعلام شود

روزنامه واشینگتن تایمز با اشاره به ضرورت گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی آمریکا نوشت: شورای ملی مقاومت ایران مستقر در پاریس که سرسخته مخالف رژیم تهران است فهرستی از معاملات تجاری سپاه پاسداران در زمینه‌های مختلف را فاش ساخته است.

واشینگتن‌تایمز در شروع گزارش خود، نوشت: «سپاه پاسداران که با چشم‌انداز نامگذاری به عنوان یک «سازمان تروریستی» و تحریمهای شدید مالی آمریکا مواجه است، با توجه به امپراتوری تجاری چند میلیارد دلارش که از میادین نفتی تا مزارع زنبور عسل را در برمی‌گیرد، یک هدف دوسوءانگیزی به‌شمار می‌رود. مقامهای دولت بوش به‌طور خصوصی اذعان کردند که اقدام برای تحریم سپاه پاسداران، فعالانه مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تصویب، می‌تواند تا پایان ماه، توسط کاندولیزا رایس وزیر خارجه اعلام شود.

واشینگتن‌تایمز با اشاره به این که برخی فرماندهان سپاه پاسداران رژیم در قطعنامه‌های شورای امنیت هدف قرار گرفته‌اند، می‌افزاید: «نامگذاری تروریستی توسط آمریکا، هرگونه دارایی سپاه پاسداران را در این کشور مسدود می‌کند، اما تحلیلگران مالی می‌گویند، تأثیر وسیعتر چنین اقدامی، منصرف کردن شرکتها و بانکهای سایر کشورها از همکاری با شرکتهای مختلف وابسته به سپاه پاسداران خواهد بود... سپاه پاسداران که مدتها است از بازیگران اصلی اقتصاد ایران بوده... با روی کار آمدن احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور در سال۲۰۰۵، سلطه‌اش را بر اقتصاد ایران به‌نحو چشمگیری گسترش داده است».

واشینگتن تایمز با استناد به تحقیق گروه بحران بین‌المللی مستقر در بروکسل درباره قراردادهای میلیاردی سپاه پاسداران در میادین و پروژه‌های نفتی رژیم افزود: «شورای ملی مقاومت ایران مستقر در پاریس... که سرسختانه مخالف رژیم تهران است... فهرستی از معاملات تجاری سپاه پاسداران منتشر ساخته است... در میان دارایی‌های سپاه پاسداران، می‌توان از شرکتها و سرمایه‌گذاریهای آن در زمینه‌های مختلف ازجمله مالی، تولید فیلم (سینمایی)، صنایع مرغداری و مزارع تولید عسل نام برد. شورای ملی مقاومت گفته است: «سپاه پاسداران در موقعیتهای مختلف، قطعات بزرگی از زمین را در نواحی مرفه‌نشین شهرهای بزرگ، به‌طور خاص در تهران، تحت کنترل گرفته و با استفاده از زور، سایر آژانسهای دولتی را که مدعی این زمینها بودند، پس زده است» (واشینگتن تایمز ۲۵مرداد۸۶).

تلویزیون فاکس نیوز: نامگذاری سپاه پاسداران به عنوان یک گروه تروریستی قطعی است

تلویزیون فاکس نیوز در روز ۲۵مرداد، به نقل از مقامهای ارشد آمریکا بر قطعی‌بودن نامگذاری سپاه پاسداران به عنوان یک گروه تروریستی تأکید کرد. بنابه‌این گزارش، مقامات ارشد آمریکایی تأیید نمودند که سپاه پاسداران ـ شاخه نظامی رژیم ایران به زودی به‌طور رسمی به‌عنوان یک سازمان تروریست جهانی توسط دولت آمریکا معرفی خواهد شد.

فاکس نیوز افزود: سپاه پاسداران در برنامه هسته‌یی رژیم ایران نقش اساسی دارد و مشغول قاچاق و تهیه تجهیزاتی است که مقامهای امنیتی آمریکا معتقدند برای تولید بمب اتمی به‌کار می‌روند. به گفته فرماندهان آمریکایی سپاه پاسداران هم‌چنین بمبهای کنار جاده‌یی قدرتمند به عراق می‌فرستد. فاکس نیوز افزود: دولت آمریکا خواهان اعمال تحریمهای سختتر علیه رژیم ایران در شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد.

سفیر سابق آمریکا در مراکش: نیروهای سپاه پاسداران هماهنگ‌کننده کشتار هستند

مارک گیبنس برگ، سفیر سابق آمریکا در مراکش، در مصاحبه با تلویزیون فاکس‌نیوز، گفت: «نیروهای سپاه پاسداران هماهنگ‌کننده کشتار هستند. آنها به‌مثابه "دولت در دولت" عمل می‌کنند. آنها تنها در تروریسم دست ندارند، بلکه کنترل بخش عمده‌یی از صنعت، پروژه‌های در دست اجرا، فرودگاهی که در تهران در حال کار است و هم‌چنین صنعت تولید سلاح در داخل ایران را در دست دارند». مارک گیبنس برگ افزود: «اکنون سپاه پاسداران در ایران به مثابه "ارتش در ارتش" است. آنها دارای نیروی قدس می‌باشند ـ یک گروه تروریستی که به نیروهای آمریکایی در عراق و در افغانستان با حمایت از طالبان حمله می‌کند. اما سپاه پاسداران، یک ارتش گسترده‌تر است. این نیروی نظامی خود احمدی‌نژاد می‌باشد» (فاکس نیوز ۲۵مرداد۸۶).

تلویزیون العربیه در روز ۲۵مرداد، درباره قصد آمریکا برای گنجاندن سپاه پاسداران در لیست سازمانهای تروریستی، گفت: منابع می‌گویند دولت آمریکا در حاشیه نشستهای مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر آینده در نیویورک، به‌صورت رسمی این خبر را اعلام خواهد کرد. العربیه افزود: بازهای دولت آمریکا در دفتر دیک چینی معاون رئیس‌جمهور آمریکا، عقیده دارند همکاری دیپلوماتیک با رژیم ایران بی‌فایده است و دنبال گامهای جدیتری هستند.

سی.ان.ان: این اولین بار است که ارگان رسمی نظامی یک دولت در لیست تروریستی قرار می‌گیرد

تلویزیون سی.ان.ان در روز ۲۴مرداد گزارشی درباره تصمیم آمریکا برای گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست سازمانهای تروریستی پخش کرد و گفت: این اولین بار است که ارگان رسمی نظامی یک دولت در این لیست قرار می‌گیرد. در این گزارش آمده است: جرج بوش مستمراً تأکید کرده است که رژیم ایران یک نیروی بی‌ثبات‌کننده در جهان است. او به‌دلیل این که به‌اندازه کافی علیه رژیم ایران سختگیری نکرده، مورد انتقاد شدید قرار دارد. دولت بوش در گذشته به‌دنبال افراد، یا مؤسسات و بانکها می‌رفت. تاکنون دیده نشده که دولت آمریکا به‌طور مستقیم به‌دنبال یک ارگان نظامی وابسته به یک دولت برود.

کاخ سفید در بیانیه‌یی که روز چهارشنبه ۲۴مرداد منتشر شد، از رژیم ایران خواست دست از حمایت از تروریسم بردارد. تلویزیون سی.ان.ان به تناقض اظهارات نوری مالکی با اظهارات مقامهای آمریکایی درباره رژیم ایران و فعالیتهای آن در عراق اشاره کرد و افزود: شرایط برای دولت آمریکا نسبت به تحولاتی که بین ایران و عراق صورت می‌گیرد، بسیار پیچیده است. دولت نوری مالکی متهم است که روابط بسیار نزدیکی با رژیم ایران برقرار کرده است. دولت نوری مالکی بین آمریکا و ایران درحال مانور می‌باشد. زیرا هر دو کشور منافع زیادی در عراق دارند. دولت بوش به‌خاطر سختگیری‌نکردن علیه رژیم ایران نه تنها از سوی جامعه جهانی، بلکه از داخل خود نیز زیر فشار قرارداده‌یی قرار دارد که نتوانسته است رویکرد رژیم ایران را تغییر دهد و آن‌چه که تاکنون انجام داده، مؤثر نبوده است. رژیم ایران به تسلیح شبه‌نظامیان شیعی در عراق ادامه می‌دهد. از سوی دیگر جاه‌طلبیهای هسته‌یی رژیم ایران نیز متوقف نشده است. دولت بوش هم‌چنین می‌داند که دولتهای عرب خلیج فارس رژیم ایران را که درحال گسترش نفوذ و دخالتهای خود می‌باشد یک منبع نگرانی می‌دانند. این مجموعه شرایط باعث شده است که دولت آمریکا تصمیم به گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی بگیرد.

تلویزیون سی.ان.ان طی گزارش دیگری در روز ۲۴مرداد، به‌تشریح وضعیت سپاه پاسداران و نقش آن در صدور تروریسم به خارج و سرکوبی مخالفان پرداخت. سی.ان.ان گفت: سپاه پاسداران، یک ارتش معمولی نیست... آنها یک نهاد تجاری هستند که می‌توان نام آنها را «تجارتخانه انقلاب» گذاشت. ۳۰سال پیش که خمینی به قدرت رسید، اعتمادی به ارتش موجود نداشت. به‌همین جهت ارتش مخصوص خودش، یعنی سپاه پاسداران را تشکیل داد. این نهاد سیستم اطلاعاتی، نیروی هوایی، دریایی و زمینی خود را دارد.

سپاه پاسداران یک نیروی ۱۵۰هزار نفره است که نصف ارتش معمول رژیم ایران می‌باشد. ولی بسیار مجهزتر از ارتش معمول ایران است. وقتی آنها رژه می‌روند، آن‌چه که در ظاهر دیده نمی‌شود، پولهایی است که در جیبشان وجود دارد. افراد سپاه پولدار هستند. آنها کمپانیهای تجاری و تبلیغاتی زیادی دارند که دولت بوش قصد هدف قرار دادن آنها را دارد. سپاه دهها کمپانی شامل کارخانه‌های تولید قطعات خودرو و شرکتهای پیمانکار دارد. یک مقام سابق آمریکا گفت سپاه پاسداران سالانه یک میلیارد دلار درآمد دارد. در حالی که وظیفه رسمی آنها حراست و صدور انقلاب است. آنها اپوزیسیون داخلی را سرکوب می‌کنند و در خارج کشور نیز نفوذ می‌کنند. بال بین‌المللی سپاه پاسداران، نیروی قدس است که از افغانستان در شرق گرفته تا اروپا و یوسنی در غرب و لبنان و سایر نقاط خاورمیانه گسترش دارد. البته آنها که یک نیروی بدنام و نفرت انگیزی هستند در عراق نیز حضور دارند. آمریکا بیشتر تحریمهایی را علیه رژیم ایران اعمال کرده بود. سازمان ملل نیز تحریمهایی را علیه مقامات ارشد سپاه پاسداران اعمال کرده است. ولی به‌نظر می‌رسد که دولت آمریکا قصد گسترش مجازاتها علیه رژیم ایران را دارد.

بوش در کنفرانس مطبوعاتی هفته پیش خود گفت: «به‌دلیل اعمال رژیم ایران، این رژیم منزوی شده و ما هم به تلاش خود برای انزوای بیشتر آن ادامه می‌دهیم. زیرا تا آن‌جا که ما شاهد هستیم، آنها یک نیروی بی‌ثبات کننده هستند».

البته رژیم ایران این اتهامات را تکذیب می‌کند و یک مدافع دیگر هم دارد که به‌طور علنی با اتهامات آمریکا علیه رژیم مخالفت است. این مدافع، نخست‌وزیر عراق است. او حتی از رژیم ایران به‌دلیل کمکش برای مبارزه با تروریسم هم تشکر کرد! عراق معاملات زیادی با رژیم ایران دارد و قصد دارد این معاملات را نیز گسترش دهد. سی.ان.ان افزود: سلاحهای زیادی از چین، شامل موشک‌اندازها، تفنگهای تک تیرزن و سایر سلاحها در عراق هستند که دولت آمریکا می‌گوید رژیم ایران آنها را وارد عراق کرده است. دولت آمریکا می‌گوید سپاه پاسداران این سلاحها را از چین دریافت می‌کند و وارد عراق می‌کند.

آخوند احمد خاتمی قرارگرفتن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی را ناشی از افشاگریهای مقاومت ایران دانست

آخوند احمد خاتمی عضو خبرگان ارتجاع در نمایش جمعه این هفته تهران قرارگرفتن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی را ناشی از افشاگریهای مقاومت ایران دانست و با سوزوگداز گفت: «می‌دانیم چه کسانی به آمریکا خط داده‌اند. آن ضد انقلابهای فراری به آمریکایها گفته‌اند بیایید با سپاه مبارزه کنید، سپاه را تخریب کنید. سپاه را بی‌تأثیر کنید».

آخوند احمد خاتمی عضو خبرگان ارتجاع در تروریستی تهدید کرد و گفت: «من به آمریکاییها می‌گویم که اینها دزند. دوباره شما را در باتلاق و چاله می‌اندازند. آمریکاییها بدانند اگر بخواهند، در این عرصه هم دیوانگی کنند، باتلاقی برای آنها پیدا خواهد شد که رفتن به داخل، با آنهاست، ولی بیرون آمدنش با آنها نیست. اینها با پای خود دارند وارد باتلاق می‌شوند» (خبرگزاری رژیم ۲۶مرداد۸۶).

واکنش هیستریک رئیس ستاد کل نیروهای مسلح رژیم

فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح رژیم، در یک واکنش هیستریک و پر سوزوگداز نسبت به قرارگرفتن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی، گفت: «در داخل آمریکا عده‌یی دیوانه و بی‌عقل دست در کار جنگ روانی جدیدی شده‌اند و آن این است که می‌خواهند نام مبارک و مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را که هدیه امام و انقلاب اسلامی و شهدا است، با عنوانی آلوده و بی‌دلیل و بی‌جهت، تروریست معرفی کنند. این پیشنهاد تاریخه و قراردادن نام پرافتخار سپاه در لیست فلان احمقانه است و باید ببینیم چرا آمریکا در انقلاب اسلامی دست روی برجسته‌ترین نهاد انقلاب گذاشته و با این گونه با جنگ روانی مقابله می‌کند».

پاسدار فیروزآبادی به‌تبدیل‌شدن سپاه پاسداران به یکی از بزرگترین کارتلهای دزدی و غارت اعتراف کرد و افزود: «سپاه پاسداران امروز در زمان صلح یکی از بزرگترین دستگاههای اجرایی سازندگی در ایران است که مسئول ساختن سدها و کانالهای آب‌رسانی و کارخانجات و ایجاد خطوط لوله‌ی انتقال نفت و گاز و بنادر است».

پاسدار فیروزآبادی در مورد دولت احمدی نژاد گفت: «این دولت شعارهای حضرت امام را زنده کرده، پرچم ولایت فقیه را در این کشور بالاتر برده و عظیمتر گسترانده، فاصله دولت ـ ملت را که در دهه‌اخیر بیشتر شده بود و همچنین در روند اقتصادی کشور که سالها به سمت دوری از حقوق و معیشت مردم می‌رفت، تحول ایجاد کرده است» (خبرگزاری رژیم ـ ایسنا ۲۷مرداد۸۶).

اظهارات پاسدار صفوی برای روحیه‌دادن به نیروهای وارفته رژیم

پاسدار رحیم صفوی سرکرده سپاه پاسداران برای روحیه دادن به نیروهای وارفته و ریزشی رژیم آخوندی و در واکنش به تصمیم آمریکا برای گنجاندن این ارگان سرکوبگر در لیست سازمانهای تروریستی با لحن تهدیدآمیزی گفت: آمریکا در آینده ضربات سنگین‌تری از سپاه خواهد خورد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۲۷مرداد، اظهارات پاسدار رحیم صفوی را سخنانی به‌منظور مصرف داخلی توصیف کرد و با عنوان «سپاه پاسداران تهدید کرد که با "مشت" به آمریکا پاسخ می‌دهد» نوشت: اظهارات رحیم صفوی، به‌جای این‌که در مجاری خبری رسمی کشور منعکس شود، در روزنامه‌های محلی منعکس شد و این موضوع، این حقیقت را نشان می‌دهد که این اظهارات برای مصرف داخلی می‌باشند.

خبرگزاری فرانسه: احمدی‌نژاد، لاریجانی و... همه سپاهی بودند

خبرگزاری فرانسه در روز ۲۷مرداد، در گزارشی نوشت: سپاه پاسداران که قرار است در لیست تروریستی آمریکا قرار داده شود، نیرویی خشن وضعیت سپاه پاسداران و نقش آن در صدور تروریسم به خارج و سرکوبی مخالفان پرداخت. سی.ان.ان گفت: سپاه پاسداران، یک ارتش معمولی نیست... آنها یک نهاد تجاری هستند که می‌توان نام آنها را «تجارتخانه انقلاب» گذاشت. ۳۰سال پیش که خمینی به قدرت رسید، اعتمادی به ارتش موجود نداشت. به‌همین جهت ارتش مخصوص خودش، یعنی سپاه پاسداران را تشکیل داد. این نهاد سیستم اطلاعاتی، نیروی هوایی، دریایی و زمینی خود را دارد.

خبرگزاری فرانسه در پاسخ به سؤالهای متعدد خبرنگاران درباره احتمال نامگذاری سپاه پاسداران در لیست تروریستی آمریکا، تصریح نمود: «ما درباره هرگونه تصمیم‌گیری احتمالی که به‌طور فعال تحت بررسی است، صحبت نخواهیم کرد».

وی با اشاره به حمایت سپاه از شبه‌نظامیان در عراق، افغانستان، لبنان و تروریستها در سراسر جهان، افزود: «این یک ارگان داخلی رژیم ایران است که در زمینه‌های مختلف، فعالیت می‌کند. طبعاً در زمینه فعالیتهای آنها در برنامه هسته‌یی رژیم ایران، بدگمانیهایی وجود دارد و طبعاً ما تا حد توانمان، از نزدیک بر فعالیتهای این گروه نظارت می‌کنیم».

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تصریح کرد که خبرگزاری فرانسه با اشاره به سوابق برخی از مقامات رژیم، نوشت: احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور رژیم تهران از اعضای سابق سپاه بوده است. هم‌چنین پنج تن از اعضای دولت او از پاسداران سابق هستند. علی لاریجانی، دبیرشورایعالی امنیت رژیم ایران و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌یی، یکی از افسران ارشد سپاه و محمد باقر قالیباف، شهردار تهران نیز فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران بوده است.

ریموند تنتر تنها راه مقابله با رژیم ایران و جاه‌طلبیهای آن را حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت دانست

ریموند تنتر، عضو پیشین شورای امنیت ملی آمریکا، روز ۲۵مرداد، در مصاحبه با تلویزیون بی.بی.سی تنها راه مقابله با رژیم ایران و جاه‌طلبیهای آن را حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت دانست.

وی از تصمیم آمریکا برای گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی استقبال کرد و گفت: دولت باید به سراغ اپوزیسیون ایران که در پاریس و هم‌چنین در عراق مستقر است برود و این امر، تغییر رژیم را روی میز قرار می‌دهد.

ریموند تنتر افزود: ایران سه برابر عراق جمعیت و وسعت دارد. شما نمی‌توانید به ایران حمله کنید و رژیم را سرنگون کنید. بنابراین، تنها چیزی که حیات رژیم را مورد تهدید قرار می‌دهد، دست دراز کردن به‌سوی اپوزیسیون ایران است، یعنی مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران».

پاتریک کلاوسون: تصمیم دولت آمریکا تهدیدی برای سپاه پاسداران است و آنها با پیامدهای جدی روبه‌رو خواهند شد

پاتریک کلاوسون، معاون تحقیقات انستیتوی واشینگتن برای سیاستهای خاورنزدیک، روز ۲۴مرداد، طی مصاحبه‌یی، درباره پیامدهای قرارگرفتن سپاه پاسداران رژیم در لیست گروههای تروریستی، گفت: «تصمیم دولت آمریکا تهدیدی برای سپاه پاسداران است و آنها با پیامدهای جدی روبه‌رو خواهند شد، زیرا این تصمیم درآمد این سازمان را کاهش خواهد داد و به‌درآمدهای شخصی سران سپاه نیز لطمه خواهد زد».

وی افزود: «سپاه پاسداران یک گروه تبهکار به‌شمار می‌آید که برای رهبران سپاه درآمدهای هنگفتی می‌سازد. این درآمدها از طریق فعالیتهای گسترده قاچاق و هم‌چنین فعالیت شرکتهایی ماننده خاتم الانبیا به‌دست می‌آید.

پاتریک کلاوسون هم‌چنین گفت: «سپاه پاسداران از اقدامهای تروریستی حماس، حزب‌الله، طالبان، القاعده و شبه‌نظامیان در عراق حمایت می‌کند و سلاح در اختیار بسیاری از بدترین گروههای تروریستی جهان قرار می‌دهد».

وی افزود: «تصمیم دولت آمریکا برای قراردادن سپاه پاسداران در لیست گروههای تروریستی از شدت حمایت رژیم ایران از گروههای تندرو در عراق، افغانستان، غزه و لبنان خواهد کاست و هم‌چنین مقاومت رژیم ایران در مقابل قطعنامه‌های شورای امنیت در ارتباط با برنامه هسته‌یی‌اش را نیز کاهش خواهد داد.

سخنگوی وزارت خارجه آمـریکا: ما با رفتار رژیم ایـران در جبهه‌های گوناگون و در میدانهای مختلف نبرد، مقابله می کنیم

شان مک‌کورمک، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، تأکید کرد: «ما با رفتار رژیم ایران در جبهه‌های گوناگون و در میدانهای مختلف نبرد، مقابله می‌کنیم. ما با رفتار این رژیم در زمینه تسلیح و تأمین تجهیزات گروههایی که نیروهایمان را تعقیب می‌کنند، مقابله می‌کنیم. ارتش ما با آنها در صحنه عراق، مقابله می‌کند. در پهنه بین‌المللی نیز، ما با آنها به‌طور دیپلوماتیک در زمینه برنامه اتمی، مقابله می‌کنیم».

به‌نوشته روزنامه واشینگتن‌پست، دیپلوماتهای اروپایی نسبت به استفاده از واژه «میدانهای نبرد» در توصیف سیاست آمریکا علیه رژیم ایران، اعلام خطر کردند.

شان مک‌کورمک در پاسخ به سؤالهای متعدد خبرنگاران درباره احتمال نامگذاری سپاه پاسداران در لیست تروریستی آمریکا، تصریح نمود: «ما درباره هرگونه تصمیم‌گیری احتمالی که به‌طور فعال تحت بررسی است، صحبت نخواهیم کرد».

وی با اشاره به حمایت سپاه از شبه‌نظامیان در عراق، افغانستان، لبنان و تروریستها در سراسر جهان، افزود: «این یک ارگان داخلی رژیم ایران است که در زمینه‌های مختلف، فعالیت می‌کند. طبعاً در زمینه فعالیتهای آنها در برنامه هسته‌یی رژیم ایران، بدگمانیهایی وجود دارد و طبعاً ما تا حد توانمان، از نزدیک بر فعالیتهای این گروه نظارت می‌کنیم».

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تصریح کرد که آمریکا قصد دارد با افزایش فشار روی رژیم ایران از طرق مختلف، قیمت ادامه چنین رفتارهایی را برای این رژیم بالا ببرد.

شان مک‌کورمک در بخش دیگری از سخنان خود افزود گفتگوهای مقامهای آمریکا با همتایان خارجیشان بر سر گام بعدی شورای امنیت در قبال برنامه هسته‌یی رژیم ایران، هم‌چنان فعال است. وی ابراز اطمینان کرد در نهایت قطعنامه بعدی تحریمها به تصویب خواهد رسید.

دانا پرینو، سخنگوی کاخ سفید هم درباره احتمال نامگذاری سپاه پاسداران به‌عنوان یک گروه تروریستی گفت هرگونه اقدامی در این زمینه، می‌بایست توسط وزارتخانه‌های خارجه یا خزانه‌داری این کشور صورت گیرد.

وی در عین‌حال، افزود: «فکر می‌کنم این امر پوشیده‌یی نیست که رژیم ایران یک دولت حامی تروریسم است و مدتها است که آنها این‌طور نامگذاری شده‌اند».

سخنگوی کاخ سفید هم‌چنین، تأکید کرد: «هم‌اکنون موضوع حمله نظامی علیه رژیم ایران در نظر گرفته نشده، ولی هم‌چنان که رئیس‌جمهور (آمریکا) گفته است، هیچ رئیس‌جمهوری نباید این گزینه را از روی میز بردارد. اما هدف ما دیپلوماسی و فعالیتهایمان در شورای امنیت می‌باشد» (سایت کاخ سفید و سایت وزارت خارجه آمریکا ۲۴مرداد۸۶).

دیوید جانسون: مذاکره با رژیم ایران برسر مسائل عراق بی‌نتیجه است

دیوید جانسون مدیر اجرایی اتحاد آمریکا برای ایران دموکراتیک در واشینگتن تأکید کرد برای مقابله با دخالتهای رژیم ایران در عراق باید از آلترناتیو در رژیم یعنی سازمان مجاهدین خلق، حمایت نمود.

وی طی مقالیی در مرکز اطلاع‌رسانی گلوبال پولیتیشن نوشت: مذاکره با رژیم ایران برسر مسائل عراق بی‌نتیجه است. چرا که این رژیم تهدیدی منحصر به فرد برای مردم ایران، منطقه و جهان است.

زمان برای تغییر رفتار رژیم ایران از طریق گفتگو به‌سر آمده است. تا زمانی که سیاست جدیدی اتخاذ نشود شرایط امنیتی در عراق وخیمتر می‌شود. ما برای حل مسأله عراق و تحرک‌بخشیدن به جنبش دموکراسی‌طلبانه در ایران نیازمند مجاهدین خلق ایران هستیم (سایت گلوبال پولیتیش ۲۵مرداد۸۶).

دعاوی دژخیم جعفر الموسوی علیه مجاهدین در پی سفر وی و نوری مالکی به تهران

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس فاش کرد که دعاوی جعفرالموسوی درمورد «پرونده قصاص قضایی مجاهدین» در سفر هفته گذشته وی به تهران بر اساس دستورات ولی‌فقیه ارتجاع به او دیکته شده است

در پی سفر نوری مالکی به تهران، روز ۲۲مرداد، رژیم آخوندی خبر داد که پرونده قصاص قضایی مجاهدین در عراق وارد مرحله تازه‌یی شده است!

رژیم آخوندی به نقل از دادستان مزدورش در عراق (دژخیم جعفر الموسوی) خبر داد: «اقدامات اصولی قضایی پیرامون سازمان مجاهدین خلق ایران انجام گرفته» و «در خصوص محکومیت سازمان مذکور، به‌اتهام غارت اموال عراق و قتل و قمع هموطنان عراقی، وارد مرحله قضایی شده است»!

روزنامه آخوندی رسالت در روز ۲۳مرداد به‌نقل از موسوی جلاد نوشت: «این امکان برای نیروهای آمریکایی وجود ندارد که از این گروهک دربرابر دستگاه قضایی عراق که از آن دادخواهی کرده است، حمایت کند. دستگاه قضایی عراق تحت امر آمریکاییها یا هیچ گروه دیگر نیست، بلکه دستگاهی مستقل است و هیچ گروهی درجهان نمی‌تواند به قاتلان ملت عراق مصونیت بدهد».

دیدبان اطلاعات آخوندها نیز در این‌باره به‌نقل از دژخیم موسوی می‌افزاید: «نیروهای آمریکایی نمی‌توانند در مقابل قوه قضاییه عراق که مجازات مجاهدین را دنبال می‌کند، از آنان حمایت کنند. قوه قضاییه عراق در مقابل فشار آمریکاییها و دیگران سر فرود نمی‌آورد...»

دیدبان نظام آخوندی همچنین نوشت: «برخی از گروهها و احزاب در دولت کنونی عراق، به‌سبب متهم‌بودن این سازمان به‌قلع و قمع انتفاضه جنوب در سال ۱۹۹۱ و ترور اپوزیسیون عراقی، خواستار اخراج آن از خاک عراق هستند».

یادآوری می‌کنیم که همزمان با سفر نوری مالکی به تهران، وزیر اطلاعات رژیم آخوندی اعلام کرد: مجاهدین تروریست هستند و اولین اقدام عراق و آمریکا باید اخراج و مجازات آنها باشد و ما اقداماتی در این زمینه داشتیم.

از سوی دیگر سپاه تروریستی قدس در ارگان عراقی خود، «البینه الجدیده» ادعا کرد.

مجاهدین ۷۸۰شهروند عراقی را در مدتی که در خاک عراق حضور داشتند کشته‌اند و این روزنامه تنها روزنامه‌یی است که اسامی کشته‌شدگان عراقی به‌دست مجاهدین خلق ایران را که از منابع قضایی مانند دژخیم الموسوی دریافت نموده، منتشر می‌کند تا رهبران مجاهدین محاکمه و قصاص گردند!

اگر سپاه تروریستی قدس به‌نحو مضحکی می‌افزاید: سازمان خلق این شیعیان را «در جریان شورش مبارک شعبانیه در سال ۱۹۹۱ در نقاطی از قبیل ناصریه و کوت و انبار و محمودیه و بغداد و العماره به‌قتل رسانده است».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت: ۸۵۰۰حقوقدان اروپایی اظهارات دژخیم موسوی را کمک به زمینه‌سازی برای قتل‌عام مجاهدین و یک جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت توصیف کرده‌اند

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس با یادآوری نفرت و انزجار کمیته بین‌المللی حقوقدانان برای دفاع از اشرف، نسبت به دژخیم جعفر الموسوی، در نامه مورخ ۱۲مارس۲۰۰۷، اعلام کرد: به‌رغم درخواستهای مستمر این کمیته برای دریافت کپی شکایتها و دعاوی موردنظر الموسوی، پس از گذشت پنج ماه، تا امروز حتی یک برگ از دعاوی او علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را دریافت نکرده است. امری که به روشنی حاکی از دیکته‌شدن این دعاوی رذیلانه از سوی رژیم آخوندی است و اظهارات جدید هم در سفر هفته گذشته دژخیم الموسوی به تهران به او دیکته شده است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت خاطرنشان کرد: در اسفند ماه گذشته کمیته بین‌المللی حقوقدانان به نمایندگی از سوی ۸۵۰۰حقوقدان اروپایی، اظهارات دژخیم موسوی را کمک به زمینه‌سازی برای قتل‌عام مجاهدین و یک جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت خواند و خطاب به او نوشت:

از اظهارات شما به‌خوبی روشن است که شما با اصل نقض برائت پیشاپیش حکم نهایی را نیز صادر کرده‌اید. این اظهارات شما نقض فاحش موقعیت به‌رسمیت شناخته‌شده اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق، به‌عنوان افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو می‌باشد.

دعاوی شما تکرار تبلیغات دروغین رژیم ایران است. ادعای شما مبنی بر شرکت مجاهدین در «کوچ‌دادن هزاران عراقی در شمال و جنوب» و «به هدردادن سرمایه‌های مردم عراق» هیچ مبنای مادی ندارد و به‌نظر می‌رسد که دیکته‌شده توسط تهران باشد.

شما همچنین به‌خوبی مطلعید که یک تحقیقات جامع در مورد تک تک افراد مجاهدین توسط سرویسهای مختلف آمریکایی ازجمله وزارتخارجه صورت گرفته است. یک مقام ارشد آمریکایی گفت: «براساس یک بررسی ۱۶ماهه توسط ایالات متحده هیچ مبنایی برای متهم‌کردن اعضای این گروه اپوزیسیون ایرانی به‌دست نیامده است» (نیویورک تایمز ۲۷ژوئیه۲۰۰۴).

علاوه براین ۱۲۰۰۰حقوقدانان عراقی در ژانویه۲۰۰۶ اعلام کردند که براساس تحقیقات آنها «ادعای شرکت مجاهدین در سرکوب اکراد یا شیعیان دروغ محض است». رهبران کرد عراقی نیز قبلا اعلام کرده‌اند که «ما می‌توانیم تأیید کنیم که مجاهدین نه در دوران قیام و نه پس از آن، در سرکوب مردم کرد شرکت نداشتند. ما به هیچ شواهدی برخورد نکرده‌ایم که نشان دهد مجاهدین کمترین خصومتی نسبت به مردم عراق روا داشته‌اند» (رویتر ۲۲مه۲۰۰۲).

همچنین شهادتنامه‌های امضا شده توسط گروههای مختلف شیعه عراقی درمورد وقایع سال۱۹۹۱ در جنوب عراق که پیشاپیش کذب اظهارات شما علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را برملا می‌کند برای اتحادیه اروپا و دیگر مجامع بین‌المللی ارسال گردیده است.

از سوی دیگر برای شما کاملاً روشن است که هدف رژیم ایران قتل‌عام ساکنین شهر اشرف می‌باشد و در این زمینه علاوه بر اقدامات تروریستی علیه ساکنین اشرف ازجمله ربودن دو تن از آنها، از هیچ توطئه‌یی تاکنون فروگزار نکرده است. بنابراین اظهارات شما کمک به زمینه‌سازی برای قتل‌عام مجاهدین محسوب می‌شود که یک جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت است.

از همین رو کمیته بین‌المللی حقوقدانان تصمیم گرفته در این رابطه دست به اقدام قانونی نزد دادگاههای بین‌المللی ذیربط بزند. لطفاً کپی شکایات و دعاوی مورد نظر خود را برای ما بفرستید.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس متذکر گردید: همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ۲۰مارس۲۰۰۷ در باره این قبیل موضعگیریهای مربوط به «اخراج» استرداد یا محاکمه» ساکنان اشرف، نوشت:

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ وضعیت را در عراق یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی ارزیابی می‌کند والتزام طرفهای این مخاصمه را در احترام به مقررات لازم الاجرای قانون انسان‌دوستانه بین‌المللی خاطرنشان می‌نماید(ماده سوم مشترک در کنوانسیونهای ژنو و احکام حقوق بین‌الملل عرفی که در یک تخاصم مسلحانه غیر بین‌المللی لازم‌الاجراست).

در مورد گزارشهای پیگرد قضایی ساکنان اشرف، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ التزامهای طرفهای این امر را طبق قوانین بین‌المللی به آنان خاطرنشان می‌کند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به نظارت بر وضعیت ادامه خواهد داد و تمامیهای خود با مقامات ذیربط را پیگیری می‌کند تا به آنها خاطرنشان کند که اصول قوانین بین‌المللی می‌باید در قبال ساکنان قرارگاه اشرف محترم شمرده شوند.

در فوریه گذشته نیز کمیته بین‌المللی حقوقدانان برای دفاع از حقوق ساکنان اشرف به سخنگوی نوری مالکی خاطرنشان کرد:

شما پروپاگاند شناخته‌شده ملایان حاکم بر ایران علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را که مصرفی جز جنگ روانی علیه نیروی اصلی اپوزیسیون رژیم ندارد، نکته به نکته تکرار کردید و گفتید: «این سازمان... در سرکوب انتفاضه شرکت کرد، در قتل عراقیان شرکت کرد، کشتار جمعی انجام داد» و «۱۵استان را که در مقابل صدام قیام کردند سرکوب نمود»!

آقای عزیز! ما فقط توجه شما را به‌بیانیه ۱۲۰۰۰تن از حقوقدانان عراقی در ژانویه۲۰۰۶ جلب می‌کنیم که «با توجه به تجربه بیست سال حضور مجاهدین در عراق، آمادگی خود را برای شهادت‌دادن و دفاع از حقوق مجاهدین خلق ایران در هرادعاگاهی اعلام» کردند. حقوقدانان و وکلا بر اساس تحقیقاتشان درباره اقامت ۲۰ساله سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق، تأکید کردند «مجاهدین هیچ دخالتی در امور داخلی عراق نداشتند و ادعای شرکت مجاهدین در سرکوب اکراد یا شیعیان دروغ محض و ساخته و پرداخته رژیم ایران برای خراب‌کردن چهره مقاومت و بدیل این نظام است» (واشینگتن‌تایمز ۷فوریه۲۰۰۶، نیویورک‌تایمز ۲۱آوریل۲۰۰۶).

خبرگزاری رویتر در ۲۲مه۲۰۰۲ در گزارشی نوشت: «رویتر به‌طور جداگانه نسخه‌یی از یک سند قانونی مورخ۱۹۹۹ را که توسط یک مقام ارشد در یک گروه کرد عراقی امضا شده است، دریافت نمود که در آن گفته شده هیچ‌گونه شواهدی وجود ندارد که مجاهدین در کارزار دولت عراق علیه کردها در سال ۱۹۹۱ شرکت کرده باشند»، همان مقام ارشد کردی در این سند که به‌یک دادگاه اروپایی ارائه شد تصریح کرده است: «ما می‌توانیم تأیید کنیم که مجاهدین نه در دوران قیام و نه پس از آن در سرکوب مردم کرد شرکت نداشتند. ما به هیچ شواهدی برخورد نکرده‌ایم که نشان دهد مجاهدین کمترین خصومتی نسبت به مردم عراق روا داشته‌اند».

علاوه بر این، هزاران شهروند و شماری از گروهها و رهبران سیاسی کرد و شیعه عراقی، با نوشتن استشهاد و نامه به مراجع بین‌المللی، براین اتهامات مهر ابطال زده‌اند که اسناد آن موجود و قابل‌انتشار است. ازجمله «انتفاضه شعبانیه درعراق سال ۱۹۹۱» به خاویر سولانا هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا نوشت: «اعضای سازمان مجاهدین تماماً از مهین‌پرستان و مبارزین علیه حکومت تحمیل شده بر ایران هستند و منافع کشورشان وجهه همت آنهاست. برخی اجیرشدگان ادعا می‌کنند سازمان مجاهدین در سرکوب انتفاضه در سال ۱۹۹۱ دست داشته است، این سازمان نه‌تنها هیچ نقشی علیه ما نداشته است بلکه برعکس آنها برادران ما و ما نیز برادران آنها هستیم. مجاهدین به چیزی جز منافع کشورشان و دفاع از آزادی اقتصادی به مبلغ ۴میلیارد دلار با نوری مالکی امضا کرد و دست‌نشاندگی دولت کنونی عراق، مقامات آمریکایی را به خشم آورد.

سخنگوی مجاهدین افزود: ایادی رژیم در عراق، تاکنون مدعی قتل‌عام و کشتار هزاران هزار شیعه و کرد عراقی توسط مجاهدین بودند، اما ولی‌فقیه ابله ارتجاع از فرط شتاب برای محاکمه و قصاص مجاهدین، این بار به ۷۸۰ نفر رضایت داده کسی است؟ این افراد چه کسانی هستند؟... چون واقعاً مدرکی نداریم که آنها چه کسانی هستند، آیا بیرون رفتند؟ آیا هستند؟ آیا مرده‌اند یا کشته شده‌اند؟ چه افرادی با صدام در آن شرکت داشتند؟»

بی‌پایگی قانونی و حقوقی چنین اتهامات سنگینی از سوی شما، ارائه یک دادخواست اعاده حیثیت از سوی شخصیت حقوقی (سازمان مجاهدین خلق ایران) و هزاران شخصیت حقیقی (تمام اعضای این سازمان) را امکانپذیر می‌سازد.

یادآوری می‌کنیم که در ۲۶اسفند۸۵، منیر حداد، قاضی محکمه تمیز عراق که با ۹ قاضی در سلسله مراتب قضایی این کشور، عالیترین مرجع رسیدگی به احکام دادگاههای ویژه رسیدگی به پرونده مقامات پیشین عراق است، همراه با دادستان کل مُنقذ آل‌فرعون، در یک گفتگوی مطبوعاتی که از تلویزیون رسمی این کشور پخش شد، اعلام کرد: اظهارات آقای جعفر موسوی درباره مجاهدین خاص خود اوست و دادگاه علم و اطلاعی از آن‌چه موسوی گفته است ندارد.

متعاقباً دفتر اروپایی سازمان مجاهدین خلق ایران فاش کرد که: طبق گزارشهای رسیده به دفتر ولی‌فقیه ارتجاع، اطلاعات آخوندها و سپاه تروریستی قدس در تهران، روز شنبه ۱۹اسفند جعفر الموسوی و علی دباغ، با نماینده سفارت رژیم در بغداد و فرد دیگری از وزارت خارجه رژیم دیدار کردند و دستورالعملهای مربوط به اقدام علیه مجاهدین و شکایت و پرونده‌سازی علیه آنها را در مناطق جنوب و شمال دریافت نمودند.

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین: آخوندها و دست‌نشاندگانشان در عراق، در آخر خط کارزار شیطان‌سازی از مجاهدین به‌سر می‌برند و هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند!

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو روز ۲۳مرداد، اعلام کرد: چیز عجیبی نیست که نوری مالکی و دژخیم الموسوی بلادرنگ پس از بازگشت از تهران، در حسرت اخراج مجاهدین به امتحان‌کردن مجدد شانس ولی‌فقیه ارتجاع در بهره‌برداری از قضایه عراق علیه مجاهدین روی آوردند. به‌خصوص که کلیه نیروهای میهن‌پرست و دموکراتیک عراقی سفر نوری مالکی به تهران را که از پیش با وعده سرکوب مجاهدین روسیاه شده بود، مفتضح و محکوم شناختند. دژخیم موسوی نیز هفته گذشته همزمان با نوری مالکی برای دریافت دستورالعملهای آخوندها به تهران فراخوانده شده بود و دستور کار او مشخصاً تلاش دوباره برای پاپوش‌دوزی علیه مجاهدین بود. در همین سفر رژیم آخوندی توافقهای اقتصادی به مبلغ ۴میلیارد دلار با نوری مالکی امضا کرد و دست‌نشاندگی دولت کنونی عراق، مقامات آمریکایی را به خشم آورد.

سخنگوی مجاهدین افزود: ایادی رژیم در عراق، تاکنون مدعی قتل‌عام و کشتار هزاران هزار شیعه و کرد عراقی توسط مجاهدین بودند، اما ولی‌فقیه ابله ارتجاع از فرط شتاب برای محاکمه و قصاص مجاهدین، این بار به ۷۸۰ نفر رضایت داده است ! لاکن باز هم لازم ندیده که حتی برای خالی‌نبودن عریضه مکان و روز و تاریخ این کشتارهای موهوم و رد و نشان کشته‌شدگان را هم ذکر کند! بگذریم که بعد از ۵ماه دژخیم موسوی هنوز حتی یک برگ سند و مدرک به کمیته بین‌المللی حقوقدانان ارائه نکرده است.

ازسوی دیگر سران رژیم آخوندی و مزدورانش در عراق از آمدن به یک دادگاه بیطرف بین‌المللی که مقاومت ایران برای آن فراخوان داده است، به‌شدت در هراسند و در شریعت پلید آنها دژخیم مرتضوی و دژخیم الموسوی برای محاکمه و اعدام و حلق‌آویز جمعی کفایت می‌کنند. چرا که سازمان مجاهدین خلق ایران، دژخیم الموسوی را یک جنایتکار جنگی می‌شناسد و برای ارائه اسناد و شواهد مزدوری او به‌دادگاه بین‌المللی آمادگی دارد.

سخنگوی مجاهدین خاطرنشان کرد: که اگر ولی‌فقیه ارتجاع و مزدوران او در عراق گمان می‌کنند که می‌توانند از مکافات جنایتهای یومیه ازجمله ربودن مجاهدان خلق حسین پویان و محمدعلی زاهدی و کشتار کارگران اشرف و بالا کشیدن بیست و چند میلیارد پول نفت عراق، با متهم‌کردن مجاهدین در عراق یا در قطاری که از لوکزامبورگ به فرانسه می‌رود، بگریزند، سخت در اشتباهند! چرا که اکنون، هم آنها و هم دست‌نشاندگانشان در عراق، در آخر خط کارزار شیطان‌سازی از مجاهدین به‌سر می‌برند و هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند!

هم‌چنان‌که قرآن گفته است، داستان رفتار آنان با مقاومت و مجاهدین خلق ایران، تا روز سرنگونی، مانند سگی است که در هر حال زبان گشوده و پارس می‌کند:

كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث

رهبر مقاومت در پیام خود به کنگره همبستگی مردم عراق برای صلح و آزادی، در خرداد ماه گذشته گفت:

«از سال۲۰۰۳ به‌بعد، رژیم ولایت‌فقیه سیاست اشغال خزنده عراق را به‌اجرا گذاشت و اکنون به گواهی برجسته‌ترین سیاستمداران و تحلیلگران و نویسندگان عراقی و عربی، به اشغالگر اصلی تبدیل شده است...

فاشیسم دینی برای پوشیده نگه‌داشتن و قفل‌کردن راه‌حل، یک بسیج حیرت‌انگیز شیطان‌سازی و دروغ‌پراکنی علیه نیروی اصلی اپوزیسیون ایران به‌راه انداخته است...

دروغهای بزرگ به شوه گوبلز، یک روش شناخته‌شده فاشیستی است که در رژیم ملایان لباس دین پوشیده و به‌شیطان‌سازیهای مستمر و وارونه‌گوییهای پیشدسته ارتقا یافته است تا پروژکتور را برجهت مخالف بیندازد و خود در زاویه تاریک به‌کار خود مشغول شود...

صورت‌مسأله عراق، تقابل و جنگ دو آلترناتیو عمده در خاک عراق در این وضعیت به‌خصوص است: آلترناتیو ملایان حاکم بر ایران در برابر آلترناتیو عراقی. آلترناتیو رژیم فاشیستی ولایت‌فقیه با همه شبکه‌ها و مزدوران و پشتیبانانش در برابر آلترناتیو ضدفاشیست عراقی با همه جریانها و گروهها و احزاب و شخصیتهای دموکراتیک و میهن‌پرست و حامیان آنها در عرصه عربی و بین‌المللی.

هدف رژیم ایران واضح است: تقدیم عراق به فاشیسم ولایت فقیه در سینی طلایی!

چیزی که هیچ نیروی دموکرات و میهن‌پرست و هیچ جریان یا عنصر ضدفاشیست و ضددیکتاتوری در ایران و عراق، نمی‌تواند آذرا بپذیرد. به‌خصوص که ولایت‌فقیه به اسلحه اتمی هم مجهزشده و بیش از پیش، از دیالی تا غزه و از بیروت و صنعا تا بصره و بغداد و کابل، چنگ و دندان نشان بدهد».

موج محکومیت اظهارات دژخیم جعفر الموسوی علیه مجاهدین توسط نیروها و شخصیتهای ملی و دموکراتیک عراقی

رئیس تجمع حقوقدانان مستقل عراق

رئیس تجمع حقوقدانان مستقل عراق رژیم آخوندی را دشمن مردم عراق معرفی کرد و بر ضرورت حضور سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق تأکید نمود

محمد عبدالکرخی، رئیس تجمع حقوقدانان مستقل عراق طی مقالهی در روزنامه الزمان رژیم آخوندی را دشمن مردم عراق معرفی کرد و بر ضرورت حضور سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق که مطابق قوانین و کنوانسیونهای بین‌المللی است، تأکید نمود.

وی در این مقاله با اشاره به توطئه اخراج مجاهدین از عراق نوشت: ما تجمع حقوقدانان مستقل عراق از اظهارات نخست‌وزیر در رابطه با دیدارش از ایران تعجب نکردیم هم‌چنان‌که ما به این اظهارات و به اظهارات تمامی مقامات دولت جدید عراق از حکم شورای حکومتی منحله تا دیگر مقامات عادت کرده‌ایم و این نیز آخرین اظهارات نخواهد بود، به‌طوری‌که اخراج سازمان مجاهدین خلق را از اولویتهای خواستهای ملی عراق به‌شمار می‌آورند. انگار که دولت وحدت ملی مستقر شده و تحقق یافته و تروریسم را از بین برده و برای نیروهای پیکار، ایجاد کار کرده و برای مردم عراق خدمات و آب و برق و غیره را ارائه کرده است و دیگر هیچ مشکلی باقی نمانده است مگر حل مشکل مجاهدین خلق ایران.

تأکید می‌کنم که هیچ چانه‌زنی و تعارفی برسر حضور این سازمان در عراق وجود ندارد این حق برآمده از قوانین و کنوانسیونهای بین‌المللی و از پرنسیپهای عام حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر است و علاوه براینها، مجاهدین براساس کنوانسیون چهارم ژنو افرادی حفاظت‌شده هستند و نمی‌توان ساده‌سازانه همچون مقامات حکومتی دم از اخراج آنها زد(روزنامه الزمان ۲۱مرداد۸۶).

نایب‌دوم کنگره همبستگی برای صلح و آزادی

کریمه داوود جواری، حقوقدان و نائب دوم کنگره همبستگی برای صلح و آزادی: اتهامی که جعفر الموسوی به سازمان مجاهدین نسبت داده فاقد هرگونه اعتبار قانونی است

خانم کریمه داوود جواری، حقوقدان و نائب دوم کنگره همبستگی برای صلح و آزادی، طی یک اظهارنظر مطبوعاتی در مورد دعاوی جعفر الموسوی دادستان دادگاه جنایی عراق علیه مجاهدین، گفت: «اتهامی که جعفر الموسوی تحت نام قوه قضاییه عراق به سازمان مجاهدین نسبت داده است، غیرقانونی می‌باشد چرا که سازمان مجاهدین خلق دارای شخصیت معنوی است و نمی‌توان آنذرا مورد پیگرد قانونی قرار داد. پس باید دید موضوع چیست؟ این اظهارات دقیقاً بعد از سفرمالکی به ایران بیان شده وتماماً دیکته شده توسط رژیم ملاهاست. ما تاکنون چیزی در اثبات ادعاهای مطرح شده مشاهده نکرده‌ایم به‌جز در حرف و اظهارات جعفر الموسوی نیز که فاقد هرگونه اعتبار قانونی می‌باشد.

با توجه به سوابق امر، این اقدام جعفر الموسوی جز تلاشهای مذبوحانه و شکست خورده رژیم ایران در کادر یک جنگ کثیف روانی علیه مجاهدین، هیچ تفسیر دیگری ندارد و فاقد هرگونه پایه و اساس می‌باشد. زیرا بیش از دو دهه است که مجاهدین خلق به‌عنوان پناهندگان سیاسی در عراق حضور دارند و تحت قوانین کنوانسیون چهارم ژنو افراد حفاظت شده محسوب می‌شوند.

تجمع عشایر ملی و مستقل

تجمع عشایر ملی و مستقل عراق اظهارات موسوی علیه مجاهدین خلق را محکوم کرد

تجمع عشائر ملی و مستقل عراق در ذیقار و العماره طی بیانیه‌ای جداگانه‌یی اظهارات موسوی علیه مجاهدین خلق را محکوم کرده و اعلام نمودند که موسوی بلافاصله بعد از برگشت از تهران می‌خواهند یکبار دیگر شانس ولی‌فقیه رژیم ایران را در سوءاستفاده از دستگاه قضایی عراق علیه مجاهدین امتحان کند.

دراین بیانیه‌ها ازجمله آمده است:

ما از سازمانهای بین‌المللی مانند کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد و کمیته صلیب سرخ جهانی می‌خواهیم که مسئولین دولت مالکی را نسبت به عواقب این اظهارات آگاه کنند و از فرماندهی نیروهای آمریکایی در عراق می‌خواهیم که در مقابل این اباطیل غیرقانونی، موضع صریح اتخاذ کنند چرا که مسئولیت امنیت و حفاظت مجاهدین شهر اشرف به‌عهده آنان است، هم‌چنین اعلام می‌کنیم که:

اظهارات موسوی کوچکترین شکی باقی نمی‌گذارد که رژیم ایران این فرد را به‌منظور توجیه در مورد توطئه علیه مجاهدین ساکن اشرف به تهران کشانده و این اظهارات را به این دژخیم دیکته کرده است.

ما اعلام می‌کنیم که اگر ولی فقیه ارتجاع و مزدورانش فکر می‌کنند با نسبت‌دادن اتهام به مجاهدین برای خراب‌کردن چهره آنها، آن‌هم در روند آخر حیاتشان، می‌توانند از عواقب جنایات روزانه‌شان و چهاول بیش از ۴۰میلیارد دلار درآمد نفت عراق خلاص شوند، در اشتباه سنگینی به‌سر می‌برند. اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو افراد حفاظت شده هستند و هرگونه تعدی به آنها جنایت جنگی محسوب می‌شود.

خبرگزاری اخبار عراق

خبرگزاری اخبار عراق اظهارات دژخیم موسوی علیه مجاهدین را یک خواست دیکته شده از جانب رژیم آخوندی دانست

خبرگزاری اخبار عراق در روز ۲۳مرداد۸۶، طی مقاله‌یی به قلم یوسف جمال، نویسنده و روزنامه‌نگار عراقی اظهارات دژخیم موسوی علیه مجاهدین را یک خواست دیکته شده از جانب رژیم آخوندی دانست و آن را محکوم کرد. در این مقاله آمده است: جعفر الموسوی دو روز قبل از ایران برگشت و بلافاصله اظهارات آتشینی در باره محاکمه اعضای سازمان مجاهدین خلق عنوان کرد و گفت: مجاهدین به اتهام هدر دادن اموال و شرکت در کشتار عراقیان محاکمه خواهند شد. ما به موسوی که این سخنان را بدزبان آورد و اولین بار هم نیست که چنین اظهارات غیر مسئولانه‌یی از او دیده می‌شود می‌گوییم که او قانون و عرفها و میثاقهای بین‌المللی را که بر حمایت از حقوق انسانی افراد حفاظت شده، تأکید می‌کند نادیده می‌گیرد، او به‌خوبی می‌داند که تحقیقاتی که آمریکاییها از همه اعضای مجاهدین خلق مقیم شهر اشرف بدون هیچ استثنایی انجام دادند و ماهها به‌طول انجامید به اثبات رساند که این مجاهدین از همه اتهامات منتسب بری هستند. اتهاماتی که همگان انگیزه‌ها و سوابق آن، و قبیحی را که از قبل برای نسبت دادن آن به مجاهدین گرفته شده می‌دانند، قبیحی که همه کسانی که مشوفهایشان را از رژیم ایران می‌گیرند، آذرا انکار می‌کنند. اولین خواسته‌یی که رژیم ایران و طرفدارانش در عراق برای آن می‌جنگند اخراج سازمان مجاهدین خلق از عراق است، سازمانی که برنامه هسته‌یی این رژیم و اسامی ۳۲۰۰۰ مزدور عراقی را که در خدمت منافع رژیم ایران در عراق کار می‌کنند، افشا کرد، این همان سازمانی است که شیوه‌ها و حجم دخالتهای رژیم ایران در عراق را افشا کرد و همان سازمانی است که سد محکمی در مقابل دخالتهای رژیم ایران در این کشور است.

هشدار اعضای برجسته کنگره آمریکا در مورد اعمال فشارهای حکومت آخوندی علیه ساکنان اشرف توسط نوری مالکی و جعفر الموسوی

اعضای برجسته کنگره ایالات متحده، تام تانکریدو، کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا، باب فیلنر رئیس گروه پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی در مجلس نمایندگان، اد تاونز از گروه نمایندگان سیاهپوستان و جان لوئیز مشهورترین نماینده آمریکا در دفاع از حقوق مدنی شهروندان، در نامه‌های خود به مقامات آمریکایی، فرماندهان ارشد نیروهای چندملیتی و رؤسای کمیساریا و صلیب سرخ و کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد، سیاست اخراج و دستگیری ومحدود کردن ساکنان اشرف را که از سوی نوری مالکی و جعفر موسوی، پیگیری می‌شود، به زیر سؤال کشیدند.

تام تانکریدو کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا و باب فیلنر رئیس گروه پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی در مجلس نمایندگان در نامه خود نوشتند:

ما اخیراً گزارشی دریافت کرده‌ایم حاکی از این‌که رژیم ایران شدیداً دولت عراق را تحت فشار قرار داده است تا اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران را که در حال حاضر در کمپ اشرف ساکن می‌باشند دستگیر، تحویل ایران یا از عراق اخراج نماید. همچنین ما متوجه شدیم که دولت نخست‌وزیر مالکی به بعضی از این فشارها تن داده و در نتیجه حتی از ورود افراد عادی که امرار معاش و زندگیشان به کارکردن و سرویس دادن در اشرف بستگی دارد، ممانعت گردیده است.

سازمان مجاهدین خلق ایران موافقت کرد که سلاحهای خودرا تحویل دهد. همچنین بسیار مهم است که توجه شود بعد از ۱۶ماه تحقیقات بسیار فشرده و جامع بود که استانوی «افراد تحت حفاظت»، توسط نیروهای ائتلاف به افراد و اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در کمپ اشرف ابلاغ گردید و طبق کنوانسیون ژنو، نیروهای چندملیتی مسئولیت تضمین امنیت آنها را به عهده دارند.

امیدواریم شما نگرانی ما را به دولت عراق منتقل کرده و مطمئن شوید که دولت مالکی حقوق شهروندان اشرف و همچنین مصونیتی را که این کنوانسیون بین‌المللی به آنها داده است، تضمین و مورد احترام قرار دهد. علاوه بر این، ما امیدواریم شما این امر را بدطور شفاف به دولت عراق توضیح دهید که نیروهای چندملیتی حاضر در عراق، حق حفاظت از اشرف را که مسئولیت آنها می‌باشد نه به واحدهای دولت عراق تحویل می‌دهد و نه به‌شبه‌نظامیان...

اد تاونز وجان لوئیز دو تن دیگر از اعضای ارشد کنگره ایالات متحده در نامه خود اعلام کردند: مخالفت با خواسته رژیم ایران که آرزو دارد مجاهدان ایرانی که در شهر اشرف مستقر هستند عراق را ترک کنند، شاخص رشد و پیشرفت دولت عراق است.

یادآوری می‌کنیم که جان لوئیز، دستیار و تنها سخنران بازمانده از دوره مارتین لوتر کینگ است. وی ۲۲سال است که مستمراً به نمایندگی کنگره انتخاب می‌شود و نائبی پلوسی سخنگوی کنگره آمریکا او را «وجدان کنگره آمریکا» خوانده است.

اد تاونز و جان لوئیز می‌نویسند:

به‌عنوان اعضای گروه پارلمانی سیاهان کنگره، ما با نماینده باب فیلنر، رئیس گروه پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی موافقیم که دولت عراق باید به قوانین بین‌المللی که برای برقراری ثبات در عراق، رشد سیاسی و حکومت قانون ضروری است، پایبند باشد.

مخالفت این دولت با خواسته رژیم ایران که آرزو دارد مخالفان ایرانی مستقر در شهر اشرف، عراق را ترک کنند، شاخص رشد و پیشرفت این دولت است.

ما بسیار نگران فعالیتهای رژیم ایران در عراق هستیم.

تمامی شواهد دال بر این است که دخالتهای رژیم ایران مشکل اصلی برقراری صلح در عراق است.

همچنین ما به‌تازگی متوجه شدیم که رژیم ایران فشار زیادی روی دولت عراق و به‌طورخاص نخست‌وزیر مالکی وارد می‌آورد تا به دستگیری، بازگرداندن و اخراج اعضای سازمان اپوزیسیون مجاهدین خلق مستقر در شهر اشرف اقدام کند. کسانی که مدت ۲۰سال است در عراق زندگی می‌کنند.

درخواست دولت عراق یک علامت آشکار از نقض قوانین بین‌المللی و به‌طورخاص آن مواردی است که به تنظیم رابطه با افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو مربوط می‌شود. این امر همچنین نقض موافقتنامه‌یی است که سازمان مجاهدین خلق و نیروهای ائتلاف در مه۲۰۰۳ مشترکاً امضا نمودند. تحت این معاهده بود که سازمان مجاهدین خلق سلاحهای خود را تحویل داد و حفاظت آن از سوی نیروهای ائتلاف بر عهده گرفته شد. مهمتر این‌که بعد از یک تحقیقات ۱۶ماهه به تمامی اعضای سازمان مجاهدین در اشرف استانوی «افراد حفاظت‌شده» داده شد. از این رو مطابق کنوانسیون چهارم ژنو، نیروهای ائتلاف و به‌طور خاص ایالات متحده مسئول تأمین امنیت آنها می‌باشد. مضافاً این‌که، سپردن حفاظت آنها به ارتش عراق که به‌طور خیلی شناخته شده‌یی توسط مأموران ایران و شبه‌نظامیان مورد نفوذ قرار گرفته است، منجر به یک تراژدی انسانی می‌شود.

این درخواست دولت مالکی باید رد شود و از نیروهای ائتلاف در عراق می‌خواهیم تعهدات ما به افراد «حفاظت شده» اپوزیسیون ایران مورد احترام قرار گیرد.

دعاوی دژخیم الموسوی در خبرگزاری حکومتی مهر مبنی بر پیگیرد قضایی ۱۵۰نفر از مجاهدین دلیل آشکار مزدوری وی برای رژیم آخوندی است

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو مصاحبه دژخیم الموسوی در تهران مبنی بر پیگیرد قضایی ۱۵۰نفر از مجاهدین را که در تاریخ ۲۳مرداد توسط خبرگزاری مهر آخوندی منتشر شده است، دلیل آشکار مزدوری وی برای رژیم آخوندی و غلطهای اضافی ولی‌فقیه ارتجاع توصیف کرد که مجاهدین با تمام قوا در مقابل آن ایستادگی خواهند کرد.

سخنگوی مجاهدین همزمان با سالگرد قتل‌عام‌زندانیان سیاسی در سال۱۳۶۷ با یادآوری مهرورزیهای پاسدار هزارتیر در اعدامهای جمعی در خیابانهای تهران و دیگر شهرهای میهنمان، گفت: اگر کار به رژیم آخوندی باشد، این رژیم قصد صدور الگوی خودش را به تمامی خاورمیانه و دنیای اسلام دارد و آشکارا در نقش پدرخوانده دولت عراق هم ظاهر می‌شود و برای امنیت عراق اشک تمساح می‌ریزد. حضور بدون سلاح مجاهدین را هم در عراق بر نمی‌تابد و نزدیک به چهار سال و نیم است که با تمام قوا برای قصاص و محاکمه و اخراج مجاهدین از عراق تلاش می‌کند. در همین راستا مزدورانش را یک به یک به میدان می‌فرستد و بخت آنها را به آزمایش می‌کشد، چرا که خود بیش از همه یقین دارد که بدون سرکوب مجاهدان آزادی و بدون حلق‌آویز و قتل‌عام، دوام نمی‌آورد، و مردم و مقاومت ایران بند از بندش خواهند گسست.

موج محکومیت اظهارات دژخیم جعفر الموسوی علیه مجاهدین توسط نیروها و شخصیتهای ملی و دموکراتیک عراقی

جبهه گفتگوی ملی عراق به ریاست دکتر صالح مطلق

اظهارات جعفر الموسوی چیزی جز تخریب روابط تاریخی بین مردم دو کشور نیست

بیانیه

بسم الله الرحمن الرحیم

جبهه گفتگوی ملی عراق قویاً اظهارات جعفر الموسوی، دادستان دادگاه جنایی در رابطه با سازمان مجاهدین خلق ایران را محکوم می‌کند. این اظهارات ساختگی، چیزی جز تخریب روابط تاریخی بین مردم دو کشور نیست، روابطی که برپایه احترام متقابل، عدم دخالت در امور یکدیگر، حسن همجواری و مبارزه مشترک علیه بردگی و دیکتاتوری سیاسی و دینی بنا شده است.

جبهه گفتگوی ملی عراق به رژیم ایران هشدار می‌دهد که از کشتار مردم عراق و تخریب زیر بناهای اجتماعی و مذهبی عراق دست برداشته و دستگاه قضایی عراق را بازیچه اهداف خود قرار ندهد و عدالت را بین خلقهای دو کشور محترم شمرده و مرزها را بر روی مرگ که به‌طور روزانه به‌عنوان هدیه برای مردم عراق ارسال می نماید، ببندد و سلسله اتهاماتی را که مزدورانش در داخل عراق علیه عراقیان و غیرعراقیان شریفی که در عراق ساکن هستند، ازجمله سازمان مجاهدین خلق ایران، روا می دارد، متوقف کند.

بیانیه جبهه ملی برای نجات دیالی

جبهه ملی برای نجات دیالی اظهارات جعفر الموسوی علیه مجاهدین خلق را به‌غایت شرم‌آور و تن دادن تمام‌عیار به خواست رژیم ایران توصیف کرد

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا ان تصیبوا قوماً بجهاله

اگر فاسقی خبری را آورد آن را تدقیق کنید

اطلاعیه مطبوعاتی

در پاسخ به اظهارات جعفر الموسوی در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران ظاهراً موسوی دیگر جزء انسانهای حرفه‌یی در تهیه و تنظیم اتهام شده است. چرا که روز دوشنبه اعلام کرد که تهیه دلایل محکومیت سازمان مجاهدین خلق، که بیش از ۲۰سال است به‌عنوان میهمانان گرامی و عزیز مردم شریف عراق هستند، پایان یافته است. اتهاماتی که موسوی با فراتر گذاشتن از اصلاحیتهای خود و با نقض معاهدات بین‌المللی پایان آماده‌شدن آنها را اعلام نمود، عبارتند از:

هدر دادن اموال عراق! تصور کنید که سازمان مجاهدین خلق بنا به ادعای موسوی سازمانی است که اموال عراق را حیف و میل نموده است! اما تهمت دوم: کشتن مردم عراق! خدایا این چه امر عجیبی است!

سازمانی که به‌مظور کمک به بیش از ۱۵روستای عراقی اموالش را برای رساندن آب آشامیدنی وتأمین نیازهای درمانی اهالی این روستاها صرف نموده و در حال حاضر هزاران کارگر بیکار را شاغل نموده، اقدام به کشتار هزاران نفری می کند که هم اکنون روزانه در عراق به قتل می‌رسند!

به خدا سوگند که جادارد انسان عراقی به‌دلیل این میزان از سقوطی که در دستگاه قضایه عراق رخ داده و این میزان از ظلم و بیداد که با اجرای آشکار دستورات رژیم ایران عملا جریان یافته، از شرم بمیرد. همان رژیمی که با تمامی قوا برای تخریب عراق تلاش می کند.

جبهه ملی برای نجات دیالی از طرف اهالی این استان ضمن رد این اظهارات باطل، از وزیر دادگستری می‌خواهد که دستگاه قضایی عراق را از این سقوط شتابان نجات دهد و مانع زباله‌گردانهایی شود که زباله‌یی را یافته و آن را در برابر همه علنی می‌سازند. همچنین دستگاه قضایی را از غرشدن در ظلم و بیدادگری و دورشدن از حق و حقیقت مانع شود و آبروی پاکیزه قوه قضایی عراقی را به آن بازگرداند.

هرگونه تلاش باطل برای ضربه‌زدن به میهمانان عراقی و میهمانان استان دیالی، یعنی سازمان مجاهدین خلق، مردم این استان را برمی‌انگیزد تا جهت حفاظت از این سازمان زنجیره انسانی تشکیل دهند و کسی نمی‌تواند به آنها نزدیک شود، مگر این‌که از روی اجساد اهالی این استان، که همچون علاقه‌شان به عراق به میهمانان‌شان علاقمند هستند، عبور نماید. آنها این تلاشهای ظالمانه را تن دادن تمام‌عیار به خواست رژیم ایران که برای عراق چیزی جز مرگ و ویرانی نمی‌خواهد، به‌شمار می‌آورند.

جبهه ملی برای نجات دیالی

۱۵اوت۲۰۰۷

خالد عیسی طه، رئیس سازمان وکلای بدون مرز

هیچ‌ارگانی نمی‌تواند سازمانی را که دهها سال است بر اساس قوانین بین‌المللی به عنوان یک سازمان قانونی شناخته شده است، به دادگاه احاله کند

رئیس سازمان وکلای بدون مرز در پاسخ به این سؤال که نامه صلیب سرخ بین‌المللی بعد از اظهارات اخیر نخست‌وزیر عراق علیه مجاهدین و تأکید بر مسئولیت دولت عراق در این مورد چه جایگاهی دارد گفت: من آن‌را قویتر از دیوار بزرگ چین می‌دانم، دیواری که عرضش هفت متر است، این یک دیوار قانونی برای حفاظت از سازمان مجاهدین است که عرضش ۱۰۰متر است. نه مالکی و نه هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند حتی یکنفر از مجاهدین را جابه‌جا کند

رئیس سازمان وکلای بدون مرز خالد عیسی طه، طی مصاحبه‌یی با خبرگزاری اخبار عراق درباره اظهارات دژخیم جعفر الموسوی دادستان مزدور رژیم در عراق، گفت: هرگونه تعدی علیه حضور مجاهدین خلق در عراق تجاوز به کنوانسیونهای ژنو وقوانین عراق می‌باشد.

وی افزود: دولت نوری مالکی از تأمین امنیت و آب و برق عاجز است و در چنین شرایط سختی که مردم عراق نمی‌توانند یک زندگی معمول داشته باشند، این دولتی که خودش در حال غرق‌شدن است، شعار اخراج سازمان مجاهدین خلق را سر داده، شعاری جدا از میهمانوازی که مردم مشرق زمین به آن معروف هستند. این‌گونه اظهارات از آن‌جا که مخالف قانون و قانون اساسی و کنوانسیونهای ژنو می‌باشد، اصلاً موضوعیتی ندارد.

رئیس سازمان وکلای بدون مرز، افزود: جعفر الموسوی نمی‌تواند اختیارات قانونی خودش را در این‌جا به‌کار ببرد یا این‌که موضوعی را با این شعار که خودش نیز غلط است، به دادگاه بکشاند. چرا که او می‌داند نفوذ قانونی‌اش از صحنه دادگاه جنایی ویژه که اساساً هیچ شایستگی هم در اداره دادستانی نشان نداده، فراتر نمی‌رود. من می‌گویم که حتی وزیر کشور نیز در این رابطه ناتوان و دست‌بسته است چرا که چنین کیسی غیرقانونی و بسیار به‌دور از قانون می‌باشد. مجاهدین خلق به شکلی مخفیانه هم چون گروانهای شبه‌نظامیان و به‌خصوص بدر، وارد عراق نشدند، بلکه به‌شکل قانونی و با موافقت سیاسی وارد عراق شدند.

در پاسخ به این سؤال آیا می‌توان پرونده سازمان مجاهدین خلق را به دستگاه قضایی عراق احاله داد؟ خالد عیسی طه رئیس سازمان وکلای بدون مرز، گفت: به‌نظر کارشناسی من که نتیجه ده‌ها تجربه است، هیچ نیرویی به‌جز نیروی قانونی بین‌المللی نمی‌تواند سازمان مجاهدین خلق را به‌دادگاه بکشاند، زیرا هیچ ارگانی نمی‌تواند سازمانی را که دهها سال است بر اساس قوانین بین‌المللی و کنوانسیونهای ژنو به عنوان یک سازمان مشروع و قانونی شناخته شده است، به دادگاه احاله کند و آن‌چه که الان اتفاق افتاده صرفاً برای اهداف تبلیغاتی است. من تأکید می‌کنم که سازمان مجاهدین خلق ابداً یک مانع تروریستی علیه عراق نیست بلکه یک سازمان اپوزیسیون علیه رژیمی است که اساساً دشمن عراق بوده است. زدن اتهام تروریسم امری خوده‌خودی نیست، بلکه بر اساس بررسی صورت می‌گیرد و در عمل نیز تحقیقات و بررسیهایی در سطوح مختلف صورت گرفته که نشان می‌دهد سازمانهایی که بر اساس یک آرمان ملی کار می‌کنند، تروریست نیستند و نمی‌توان آنها را در لیست تروریستی قرار داد.

خالد عیسی طه، رئیس سازمان وکلای بدون مرز، در مورد رأی دادگاه عدالت اروپا مبنی بر حذف نام سازمان مجاهدین خلق از لیست سازمانهای تروریستی گفت: این یک تصمیم بسیار بسیار مهم است، زیرا که از سوی یک مرجع قانونی به غیر از یک کشور مشخص هست که در ارتباط با اتهام تروریسم رأی داده است... بنابراین به نظر من این یک تصمیم قانونی از سوی یک مرجع مشروع محسوب می‌شود که بایستی بر اساس آن عمل نمود و کنگره‌های مختلف مردمی و قانونی برای توضیح ابعاد این تصمیم و اهمیت آن به‌منظور آگاه نمودن همگان، تشکیل داد.

رئیس سازمان وکلای بدون مرز در پاسخ به این سؤال که نامه صلیب سرخ بین‌المللی بعد از اظهارات اخیر نخست‌وزیر عراق در این مورد چه جایگاهی دارد و تأکید بر مسئولیت دولت عراق در این مورد چه جایگاهی می‌دانم، دیواری که عرضش هفت متر است، این یک دیوار قانونی برای حفاظت از سازمان مجاهدین است که عرضش ۱۰۰متر است چرا که امور بدیهی که این نامه شامل آنها است باعث شده که نه مالکی و نه هیچ‌کس دیگری بتواند حتی یک نفر از اعضای مجاهدین خلق را جابه‌جا کند. به‌نظر من حضور مجاهدین خلق در این شرایط به نفع عراق است.

سازمان وکلای بدون مرز یک سازمان بین‌المللی است که نزد وزارت دادگستری انگلستان به ثبت رسیده است و آقای خالد عیسی، که ریاست این سازمان را به عهده دارد، از حقوقدانان برجسته عراقی است که با سابقه ده‌ها وکالت در عراق از سرشناس‌ترین وکلای عراق به‌شمار می‌رود. وی هم‌چنین معاونت جمعیت حقوقدانان انگلیسی عراقی را به‌عهده دارد(خبرگزاری عراق ـ واع ۲۳مرداد۸۶).

بیانیه انتفاضه شعبانیه نجف

انتفاضه شعبانیه نجف: موضعگیری جعفر الموسوی علیه مجاهدین را تلاشی برای پرده‌پوشی جنایتهای رژیم ایران در عراق است

روز سه‌شنبه ۱۴اوت۲۰۰۷ جعفر الموسوی رئیس دادگاه ویژه جنایی عراق، گفت اقدامات اولیه قضایی در خصوص پرونده سازمان مجاهدین خلق ایران شروع شده است.

از طرف جبهه انتفاضه شعبانیه به اطلاع می‌رسانیم: جبهه ما که از عراقیان مسلمان و شیعه تشکیل شده است در شهرهای مختلف استانهای جنوبی دفتر رسمی دارد. مردم و به‌ویژه شیعیان عراق امید و آرزو داشتند که بعد از تحمل سالها جنگ و تحریم طاقت‌فرسا، بتوانند جامعه‌یی آزاد و دموکراتیک، مبتنی بر حکومت قانون همراه با احترام به حقوق انسان و قوانین بین‌المللی بنا نموده و در یک روند دموکراتیک به آبادی کشورشان بپردازند. تا جایگاه اسلامی و تاریخی و عربی خود را در میان ملل عالم باز یابند. ولی متأسفانه طمع رژیم ایران برای اشغال عراق نه تنها چنین امکانی را به مردم ما نداد، بلکه عامل اصلی و آتش‌افروز جنگ خانمان‌سوز طایفه‌یی در کشورمان شد که هولناکترین جنایات را علیه هموطنانمان اعم از شیعه و سنی در پی داشته است.

رژیم ایران برای پرده‌پوشی جنایتهای خود در عراق سعی می کند از انواع روشهای رذیلانه مانند، اعمال تروریستی، توطئه‌های سیاسی، پرونده‌سازی، تهمت‌زنی و شایعه‌پراکنی... علیه مجاهدین استفاده کند تا زمینه را برای استرداد یا اخراج آنها از عراق و اعمال تروریستی علیه مجاهدین آماده نماید. ازجمله این اتهامات رژیم ولایت‌فقیه ادعای پوشالی دست‌داشتن مجاهدین در سرکوب انتفاضه جنوب در سال۱۹۹۱ می‌باشد. به‌عنوان وظیفه انسانی مایلیم که به‌عنوان جبهه انتفاضه شعبانیه که خود از نزدیک درگیر مسائل آن دوران بوده‌ایم، شهادت دهیم که سازمان مجاهدین در آن وقایع هیچ نقش و حضوری نداشته است. ما در طول ۲۱سال اقامت مجاهدین در عراق همواره شاهد، مواضع غیردخالت‌جویانه آنها در امور عراق بوده‌ایم و آنها را به‌عنوان دوستان استراتژیک خود در برابر دشمن مشترکمان یعنی بنیادگرایی و تروریسم که همواره تحت پوشش عمل کرده و ما از آن رنج برده‌ایم، می‌شناسیم.

ما این اظهارات را که هنگام دیدار موسوی از تهران در هفته گذشته به وی دیکته شده به‌شدت محکوم می کنیم چرا که برای قلع‌عام مجاهدین زمینه‌سازی می کند و به‌همین دلیل جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت به‌شمار می آید.

روشنفکران و حقوقدانان عراقی

۱۲هزار حقوقدان عراقی حمایت خود را از سازمان مجاهدین و حضور آن در عراق اعلام کردند و بر بی اساس‌بودن اتهام تروریسم به این سازمان تأکید نموده‌اند

روشنفکران و حقوقدانان عراقی دعاوی جعفر الموسوی علیه مجاهدین را غیرقانونی دانسته و نسبت به وجود انگیزه سیاسی در دستگاه قضایی عراق هشدار دادند.

خانم آمال الشیبانی حقوقدان و عضو کانون وکلای عراق، گفت: در اظهارات جعفر الموسوی دادستان عراق علیه مجاهدین خلق ایران یک جهت‌گیری که بیانگر سیاسی کردن قوه قضاییه عراق است کاملا آشکار می‌باشد، امروز همگی می‌دانیم که اعضای سازمان مجاهدین خلق افرادی حفاظت شده بر اساس کنفوانسیون چهارم ژنو می‌باشند، حقوقدانان عراقی نیز در این مورد مواضع روشنی دارند. آنها مخالف هرگونه تلاش برای سیاسی کردن دستگاه قضایی هستند.

عبدالجبار الربیعی، حقوقدان از کانون وکلای عراق، گفت: اظهارات جعفر الموسوی علیه مجاهدین بیانگر وارد کردن اراده و خواست سیاسی از خارج عراق است. ۱۲هزار حقوقدان عراقی حمایت خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران و حضور آن در سرزمین عراق اعلام کرده و بر بی‌اساس‌بودن اتهام تروریسم به این سازمان تأکید نموده‌اند.

عضو کانون وکلای عراق افزود: اگر امروز علیه افراد این سازمان پرونده‌یی سرهم‌بندی گردد، تدارک بینندگان آن خواهند دید که حقوقدانان مانند دیوار استواری در مقابل آن ایستاده و برای احقاق حق و بزیر کشیدن باطل خواهند کوشید، ما نسبت به بازیچه قراردادن و مخدوش‌کردن چهره قوه قضاییه عراق هشدار می‌دهیم و این برای همه ما امری مهم است.

خانم هیفا سعد النوری حقوقدان از کانون وکلا و رئیس انجمن دفاع از حقوق زنان عراق، گفت: ما نسبت به باطل‌بودن هرگونه اتهامی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران یقین داریم و اینها همه ادعاهای ساختگی است. این را قبل از ما استادان ما یعنی کسانی مانند آقای دکتر مالک دوهان حسن، وزیر سابق دادگستری عراق و کمال حمدون، رئیس پیشین کانون وکلای عراق، و ۱۲هزار وکیل و حقوقدان عراقی گفته‌اند. آیا می‌توان اظهارات همه این شخصیتهای حقوقی را دروغ دانست و ادعایی را که هیچ‌گونه دلیلی برای آن ارائه نشده است باور کرد؟!

حقوقدان اسامه الباع عضو کانون وکلای عراق و عضو انجمن حقوقدانان بدون مرز، گفت: نقض ادعای گشودن پرونده برای سازمان مجاهدین خلق با وضعیت فعلی آن در خاک عراق به‌عنوان یک سازمان حفاظت شده بر اساس قوانین بین‌المللی خود یک نقض قانون می‌باشد. آن‌چه جعفر الموسوی در این مورد می‌گوید یک نظر شخصی است که همه ما به‌عنوان نمایندگان قضاییه عراق از آن دوری و برائت می‌جوییم و قضاییه عراق را نیز از آن بری می‌دانیم.

استاد فرید السمعان، دبیر کل اتحادیه نویسندگان و ادبای عراقی، گفت: بنام کلیه روشنفکران عراقی با تبدیل کردن قوه قضاییه عراق به یک بازیچه سیاسی مخالفت می‌کنم.

جواد الحطاب شاعر و عضو اتحادیه نویسندگان و ادبای عراقی، در رد اظهارات جعفر الموسوی، گفت: خیانت به میهمان در شأن فرهنگ عراقی نیست.

خانم بلقیس العزاوی شاعر و عضو اتحادیه نویسندگان و ادبای عراقی، تصریح کرد: چه روزگار مسخره‌یی است... به رژیم ایران اجازه داده شده است که به سنگر قضاییه نیز دست درازی کند. قضاییه‌یی که دارای حسن شهرت در طول تاریخ کهن ما بوده است، ما اعتراض خواهیم کرد نه‌تنها به‌خاطر سازمان مجاهدین خلق ایران بلکه در قدم اول به‌خاطر خودمان به‌عنوان یک عراقی.

حسام الصفار روزنامه‌نگار معروف عراقی نیز گفت: چیزی نمانده است که رژیم ایران به رختخوابها و در اتاق خواب ما نیز بیاید... بر جعفر الموسوی است که از این اقدام دست بکشد و گرنه عراقیان از همه اقشار به دفاع از استقلال قوه قضاییه که با اظهارات اخیر وی آسیب دیده است، برخواهند خاست.

صافی الیاسری، نویسنده و روزنامه‌نگار عراقی، گفت: من همان‌گونه که جعفرالموسوی وعده داده است تا زمانی که این پرونده باز شود حق عکس‌العمل و پاسخ‌دادن را برای خودم محفوظ می‌بینم، من دارای دانشنامه لیسانس حقوق از دانشگاه سوربن فرانسه هستم و الموسوی با نظریه‌های من آشناست و می‌تواند به تحقیقی که کرده‌ام نیز مراجعه کند که در کتاب من با عنوان «مجاهدین خلق ایران در عراق» نوشته شده است. در این کتاب سلسله مقالات حقوقی من در باره موقعیت قانونی مجاهدین در عراق و ترها و نظریات متخصصان و حقوقدانان سرشناس جهان، ازجمله لرد اسلین و حقوقدان برجسته دکتر مالک دوهان حسن و استاد کمال حمدون و دیگر متخصصان با تجربه حقوق در عراق درج شده که جعفر الموسوی بی‌شک آنها را در مقابل خود نه تنها برای دفاع از مجاهدین ـ که استحقاق آن‌را دارند ـ بلکه هم چنین به‌عنوان دفاع از استقلال قضاییه عراق خواهد دید(سایت خبرگزاری اخبار عراق ـ واع ـ ۲۷مرداد۸۶).

بیانیه انتفاضه شعبانیه در بصره

اظهارات دژخیم الموسوی تنها برای جلب رضایت ولی‌فقیه در ایران بوده است

مسافرت نوری مالکی و جعفر الموسوی رئیس دادستانی دادگاه عالی جنایی به ایران در سالگرد یکی از عملیات رژیم ایران علیه عراق، پرده‌ها را کنار زد ویرای مردم عراق آشکار شد که حکومت مالکی هیچ صداقتی با مردم کشورمان ندارد.

اظهارات دژخیم الموسوی تنها وتنها برای جلب رضایت ولی‌فقیه در ایران بوده و ما نیز منتظر آن بودیم. این اظهارات توسط رؤسای موسوی به وی دیکته شده و ما هیچ اهمیتی برای آن قائل نیستیم. برای اظهارات رئیس دادستانی دادگاه عالی جنایی عراق که بیشتر از ۹۰درصد از حکومتش عناصر مزدور اجاریی رژیم ایران و اطلاعات آن هستند. دروغپردازی و توطئه‌چینی علیه سازمان مجاهدین کار راحتی است. اوای بر دروغگویان آیا از عذاب خدا نمی‌ترسید؟! و اما سؤال اصلی این است که چرا جعفر الموسوی مدعی است که مجاهدین در جنوب، انتفاضه شعبانیه را سرکوب کرده‌اند؟ آیا می‌خواهد به‌نام انتفاضه شعبانیه به کشتار جمعی مجاهدین دست بزند؟ ما در برابر خدا و مردم و شهدای انتفاضه شعبانیه مسئولیم و شهادت می‌دهیم که در سال ۱۹۹۱ حتی یک عضومجاهدین در هیچ‌کدام از استانهای جنوبی به‌خصوص استان بصره که خودمان مستقیم در صحنه نبرد بودیم، حضور و شرکت نداشتند. ضمن این‌که سازمان مجاهدین خلق در آنزمان اساساً در استانهای جنوبی نبودند. به‌نام انتفاضه بصره تصریح می کنیم که مجاهدین خلق ایران دوست و هم‌پیمان استراتژیکی ما هستند و از ۳۱سال پیش میهمانان ما بوده‌اند و طبق قوانین سازمان ملل متحد از حق پناهندگی سیاسی برخوردارند و براساس کنوانسیون چهارم ژنو افراد حفاظت شده به‌حساب می‌آیند و بیشتر از ۵میلیون و ۲۰۰هزار عراقی همبستگی خودرا با آنها اعلام کرده‌اند و خواهان ماندن آنها در عراق می‌باشند. ما نیز این بیانیه را تأیید می‌کنیم و بر آن اصرار داریم و برای شهادت در برابر هردادگاه بین‌المللی و بی‌طرف به‌منظور دفاع از حقوق مشروع و قانونی سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام آمادگی می کنیم.

ژنرال اودیرنو: ما باید شبکه‌های افراطیون را که از سوی رژیم ایران حمایت می‌شوند از هم بگسلیم و تلاشمان در همین راستاست

- آسوشیتدپرس: شبه‌نظامیان ارتش مهدی، مناطقی را به‌طور کامل از شهروندان سنی تصفیه کرده و مساجد آنها را تصرف نموده‌اند
- روزانه صدها نفر کشته شده و هزاران نفر هم از خانه‌هایشان گریخته و به مناطق سنی‌نشین پناه برده‌اند
- نماینده پارلمان عراق: مردم شهر خالص از سوی نیروهای شبه‌نظامی و با کمک پلیس عراق و نیروی قدس سپاه پاسداران هدف کشتار جمعی و کوچ اجباری قرار گرفته‌اند
- دارالسلام: رژیم ایران در منفجرکردن اماکن مذهبی شیعیان دست دارد تا به این وسیله آتش جنگ فرقه‌یی را برافروزد

انفجارهای جنایتکارانه و تروریستی در استان موصل عراق سه روستا را با خاک یکسان کرد و بیش از ۵۰۰کشته و ۳۰۰مجروح بر جای گذاشت

به‌گزارش تلویزیون الجزیره سلسله‌یی از انفجارهای جنایتکارانه و تروریستی در استان موصل عراق، بیش از ۵۰۰کشته و بیش از ۳۰۰مجروح بر جای گذاشت. خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد: انفجار ٤کامیون مملو از بمب در دو روستا در نزدیکی استان نینوا که ساکنین آن از اقلیت ایزدی عراق بودند، یکی از خونین‌ترین حوادثی می‌باشد که طی اعمال جنگ عراق رخ داده است. کاخ سفید این بمبگذاریها را محکوم کرد و آن‌را تهاجمی «وحشیانه» نامید که با هدف بی‌ثبات کردن عراق صورت گرفته است.

کانال دو تلویزیون فرانسه در روز ۲٤مرداد۸٦ گزارشی از انفجارهای تروریستی در استان موصل عراق که بیش از ۵۰۰کشته برجای گذاشت، پخش کرد. این تلویزیون گفت: «هر روز کودکان عراق ناقص‌العضو می‌شوند، این کودکان قربانیان جدید تروریسم هستند. این افراد متعلق به ایزدیها، اقلیتی در کردستان می‌باشند که تاکنون تحت تأثیر خشونتهای فرقه‌یی قرار نگرفته بود... انفجار هماهنگ‌شده ٤ خودرو، از جمله ۳ کامیون، سه روستای آنها را با خاک یکسان کرد». کانال دو تلویزیون فرانسه، افزود: «این جنگ و تروریسم، از زمان اشغال عراق توسط آمریکا در سال۲۰۰۳، ۷۰هزار شهروند عراقی، کشته شده‌اند. آنها بیش از پیش قربانی بمبگذاری، آدم‌ربایی یا تصفیه‌حساب... هستند».

این گزارش در ادامه، گفت: «اختلافها دولت مالکی را تضعیف کرده و کاخ سفید ناامیدانه می‌خواهد شبحی از «دولت وحدت ملی» برقرار شود، این امر برای شروع خروج نیروهای آمریکایی ضروری است. زیرا به‌رغم برخی پیروزیهای کوتاه‌مدت عملیاتی بالاترین ارتش آمریکا، خود را فریب نمی‌دهند: بعد از کشته‌شدن حدود ۳هزار و ۷۰۰ تن از سربازانشان و خرج میلیاردها دلار، آنها در ارائه یک استراتژی جدید به جرج بوش با مشکل روبه‌رو هستند.

رابط کلیدی مالی شبه‌نظامیان عراقی با رژیم ایران دستگیر شد

خبرگزاری فرانسه روز ۲۲مرداد گزارش داد نیروهای آمریکایی در عراق، فردی را که «رابط کلیدی مالی شبه‌نظامیان عراقی با رژیم ایران بود»، دستگیر کردند. دستگیری این رابط کلیدی یک روز بعد از تهاجم ارتش آمریکا به شبه‌نظامیان مرتبط با رژیم ایران در شهرک صدر بغداد صورت گرفت.

ارتش آمریکا بدون این که هویت این رابط کلیدی را اعلام کند، اعلام نمود: «نیروهای چندملیتی طی حمله‌یی در بامداد ۲۲مرداد در غرب بغداد این رابط کلیدی گروههای ویژه تروریستی را دستگیر کردند. فرد مزبور فرمانده یک "گروه ویژه" در منطقه بیاع در غرب بغداد می‌باشد. چنین "گروههای ویژه‌یی" از افراطیون عراقی توسط نیروی ویژه قدس سپاه پاسداران آموزش می‌بینند و توسط آنها مسلح شده و کمک مالی دریافت می‌کنند. خبرگزاری فرانسه خاطرنشان کرد: ارتش آمریکا این گروهها را متهم به حملات مستقیم علیه نیروهای چندملیتی و دامن‌زدن به فرقه‌گرایی در عراق می‌کند...»

٤تروریست وابسته به رژیم ایران کشته و ۸ تن دستگیر شدند

نیروهای چندملیتی در عراق اعلام کردند در ساعات اولیه صبح روز سه‌شنبه۲۳مرداد، در جریان حمله‌یی به شهرک صدر، ٤تروریست وابسته به رژیم ایران را کشته و ۸ تن را دستگیر کردند.

سایت نیروهای چندملیتی که این خبر را درج کرده نوشت: هدف از این تهاجم، دستگیری یک شبه‌نظامی افراطی و عوامل او بود که ثبات و امنیت مناطقی در داخل بغداد را مورد تهدید قرار می‌دادند.

سخنگوی نیروهای چندملیتی در عراق گفت: «نیروهای ائتلاف به افزایش نیرو برای حمله به شبکه‌های شبه‌نظامی ادامه می‌دهند. این شبه‌نظامیان بمبهای کنار جاده‌یی و به‌خصوص بمبهای نفوذکننده صدذره را که از ایران قاچاق می‌شوند، به‌کار می‌گیرند، و به مردم غیرنظامی عراق و نیروهای چندملیتی حمله می‌نمایند. وی افزود: ما به عملیات خود علیه این شبه‌نظامیان ادامه خواهیم داد...»(سایت نیروهای چندملیتی در عراق ۲۳مرداد۸٦).

یک قاچاقچی سلاح مرتبط با سپاه قدس دستگیر شد

نیروهای چندملیتی در عراق اعلام کردند عصر روز پنجشنبه ۲۵مرداد، یک قاچاقچی سلاح را که روابط مستقیمی با فرماندهان اصلی شبه‌نظامیان و نیروی قدس سپاه پاسداران داشته و فعالانه مشغول ارسال سلاح و مهمات از ایران به عراق بوده، دستگیر کردند. این قاچاقچی سلاح که به‌شدت تحت‌تعقیب بود در یک حمله گسترده در شمال شرقی بغداد دستگیر شده است. وی مسئول قاچاق بمبهای نفوذکننده انفجاری، راکتهای کاتیوشا، و سایر سلاحها از ایران به عراق، همچنین مسئول توزیع این سلاحها در میان گروههای ویژه و شبه‌نظامیان افراطی بوده است، که از بغداد دست به عملیات می‌زنند. این منبع افزود: نیروهای چندملیتی همچنین ٦نفر دیگر را در جریان این تهاجم دستگیر کردند که مظنون به قاچاق سلاح و توزیع آن در عراق می‌باشند. خبرگزاری فرانسه روز ۲۵مرداد گزارش داد، ارتش آمریکا با انتشار بیانیه‌یی اعلام کرد، درهفته گذشته درعراق ۹شبه‌نظامی کشته و نزدیک به ۱۰نفر دستگیر شده‌اند. ارتش آمریکا می‌گوید رژیم ایران، گروههای ویژه افراطی عراقی را برای حمله به نیروهای این کشور، تسلیح کرده، آموزش داده و تأمین مالی می‌کند.

۱۲تروریست وابسته به رژیم ایران ازجمله ۸فرمانده ارشد تروریستها دستگیر شدند

به‌گزارش سایت رسمی نیروهای چندملیتی در عراق در روز ۲۳مرداد، ۱۲تن از «شبه‌نظامیان شیعی»، در بغداد دستگیر شده‌اند.

این حمله توسط نیروهای ارتش عراق به‌همراه نیروهای ارتش آمریکا صورت گرفت.

به گفته این منبع، افراد دستگیرشده به دست‌داشتن در فهرستی طولانی از فعالیتهای جنایتکارانه، از جمله ربودن و شکنجه شهروندان سنی و هم‌چنین ترور مقامهای محلی متهم می‌باشند. دستگیرشدگان شامل هشت تن از فرماندهان ارشد شبه‌نظامیان هستند. در میان دستگیرشدگان، یک فرمانده تیپ، یک فرمانده گردان، دو فرمانده گروهان و فرمانده یکی از جوخه‌های مرگ به‌چشم می‌خورند.

در اطلاعیه‌یی که در سایت نیروهای چند ملیتی درج شده، آمده است: «فرمانده تیپ مذکور، پنج گروه را تحت کنترل خود داشته است. گزارشها را از ایران به عراق منتقل کرده و به‌تازگی فرمان حمله‌یی را با استفاده از این بمبها صادر نموده که به‌کشته‌شدن دو سرباز آمریکایی منجر شده است. هم‌چنین گزارش شده که فرد مظنون، به اعضای تحت فرماندهیش دستور داده، برای دنبال‌کردن و کشتن شهروندان سنی، نقاط ایست و بازرسی غیرقانونی برپا کنند».

گمان می‌رود فرد مذکور از پولهای قاچاق‌شده، برای جذب شورشیان خارجی، آموزش‌دادن تاکتیکهای حملات کشنده و قاچاق غیرقانونی تسلیحات از ایران، استفاده می‌کرده است.

ارتش آمریکا چندین موشک آماده شلیک به یکی از پایگاههای آمریکایی در جنوب بغداد را کشف کرد که همه آنها ساخت ایران است

ژنرال کوین برگنر، از سخنگویان ارتش آمریکا در عراق روز ۲٤مرداد اعلام کرد: رژیم ایران انتقال سلاح و مهمات برای شبه‌نظامیان و جوخه‌های مرگ را افزایش داده است. وی افزود: ارتش آمریکا این هفته چندین موشک آماده شلیک به یکی از پایگاههای آمریکایی در جنوب بغداد را کشف کردند که همه آنها ساخت ایران است.

وی افزود: از بازجویهای برخی دستگیرشدگان هم‌چون موسی دقدوق به این نتیجه رسیدیم که رژیم ایران در حمایت از عملیات مسلحانه در عراق نقش دارد. موسی دقدوق که در بصره دستگیر شد از فرماندهان حزب‌الله لبنان است که به‌منظور ایجاد آشوب در عراق برای رژیم ایران فعالیت می‌کرد.

ژنرال کوین برگنر افزود: در بازجویی از قیس خزعلی از سران جریان صدر هم مشخص شد که رژیم ایران از گروههای مسلح حمایت می‌کند.

سخنگوی ارتش آمریکا بااشاره به انفجار تروریستی موصل که شمار زیادی کشته و مجروح برجای گذاشت گفت تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

عملیات ارتش آمریکا علیه تروریستهای رژیم در عراق

ارتش آمریکا در عراق، روز ۲۲مرداد طی بیانیه‌یی اعلام کرد، عملیات جدیدی به نام فاتنوم را با هدف به‌دام‌انداختن و نابودکردن عوامل وابسته به رژیم ایران و نیروهای القاعده در سراسر عراق آغاز کرده است. به گفته سخنگوی نیروهای آمریکایی در عراق، فشار نیروهای چندملیتی بر شبه‌نظامیان آشوبگر و به ویژه تروریستهای وابسته به رژیم ایران باعث تنگ‌شدن عرصه عملیات آنها در بغداد شده و عوامل آشوب‌طلب را به‌سوی مناطق روستایی آن کشور عقب رانده است.

ژنرال ریموند اودیرنو، معاون فرمانده نیروهای ایالات متحده در عراق، استان الانبار را کانون توجه و تمرکز این عملیات نظامی، خواند.

تلویزیون العربیه نیز روز ۲۲مرداد، گفت: این یک عملیات گسترده است. نیروهای آمریکایی معتقدند رژیم ایران گروههای مسلح را برای حمله به‌نیروهای آمریکایی آموزش می‌دهد و آنها را به بغداد و بقیه استانها می‌فرستد. به‌طور مشخص رژیم ایران متهم است که در حملاتی که در استان دیوانیه صورت می‌گیرد، دست دارد.

دستگیری یک ژنرال وابسته‌به وزارت کشور عراق توسط نیروهای آمریکایی

به‌گزارش تلویزیون سی.ان.ان ۲٦مرداد، در میان شماری از شبه‌نظامیان که در یکی از مناطق روستایی در مرکز عراق توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شدند، یک ژنرال وابسته به وزارت کشور عراق دیده می‌شود. دستگیری این ژنرال توسط یک مقام وزارت کشور عراقی مورد تأیید قرار گرفت.

دستگیری شبه‌نظامیانی که این ژنرال در زمره آنان است، در پی شلیک موشک به یکی از مراکز تویخانه آمریکا و مجروح‌شدن شماری از سربازان آمریکایی، صورت گرفت. در پی این حمله مناطق شبه‌نظامیان توپ‌باران شد و سپس مورد حمله نیروهای آمریکایی قرار گرفت و شماری ازشبه‌نظامیان دستگیر شدند. هم‌چنین براثر گشت هوایی آمریکا چند موشک دیگر شبه‌نظامیان که به‌سوی مرکز تویخانه آمریکا نشانه‌روی شده بود، کشف و منهدم گردید.

رژیم آخوندی روستاهای مرزی کردستان عراق را بمباران کرد

به‌گزارش تلویزیون الجزیره در روز ۲٦مرداد، یک مقام در استان سلیمانیه عراق گفت تویخانه رژیم ایران روستاهای مرزی کردستان عراق را توپ باران کرده است. این توپ‌باران خسارات زیادی به روستاییان وارد کرده و باعث آواره شدن آنها گردیده است.

جزگسترش بیکاری، خشونت و کوتاهی از این دولت نمی‌بینیم. ما به این دلیل وارد دولت شدیم تا خشونت، کوچ‌دادن و قتل متوقف شود. اما هیچ‌کدام از اینها متوقف نشد. ما بارها از دولت خواستیم به تعهداتش پایبند باشد اما پایبند نبوده است. به این دلیل مسیر میان ما و دولت بسته و قفل است و امکان ندارد کسی بتواند با این دولت به تفاهم برسد. در چنین شرایطی برادران شیعه ما در جنوب، مرکز و همه مناطق عراق از دخالت رژیم ایران شکایت می‌کنند. مجری تلویزیون الجزیره پرسید: شما از رهبران عرب استمداد طلبیدید و گفتید می‌خواهند بغداد را به یک شهر صفوی تبدیل کنند. دلیل شما چیست؟ رئیس جبهه توافق عراق گفت: تهاجم نیروهای شبه‌نظامی که مجهز به سلاح، پول و تجهیزات لجستیکی از ایران می‌باشند، ادامه دارد. دولت عراق، نیروهای آمریکایی و تمام جهان این را می‌دانند که یک تهاجم شریرانه علیه اهل سنت در بغداد صورت می‌گیرد. روحانی و افراد عادی را می‌کشند، نمازگزاران را بقتل می‌رسانند، مساجد را به تصرف در می‌آورند، مساجد را تخریب می‌کنند و اهل سنت را کوچ می‌دهند. ما چه شیعه و چه سنی باید این اعمال را محکوم کنیم.

جانشین فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق: من نسبت به نفوذ رژیم ایران، گروههای افراطی شیعی و تأثیر این امر بر آینده، نگران هستم

ژنرال ریموند اودیرنو، جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق، رژیم ایران را یک «تهدید جدی» خواند و بر ضرورت مقابله با عوامل تروریست آن در عراق، تأکید کرد. جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق که از طریق ارتباط ماهواره‌یی با خبرنگاران در پنتاگون صحبت می‌کرد، با اشاره به عملیات ارتش آمریکا علیه شبکه‌های تروریستی وابسته به رژیم ایران در استان دیالی، شهرک صدر بغداد و جنوب عراق، گفت: «ما هر روز با گروههای مختلف و زیادی روبه‌رو می‌شویم که می‌خواهند در کشف این شبکه‌ها به ما کمک کنند. علاوه بر این، به تدریج مشاهده می‌کنیم که مردم عراق درباره نفوذ رژیم ایران در این کشور صحبت می‌کنند و این امر، از اهمیت برخوردار است... ما به مقابله با آن‌چه که من آن را تهدیدی جدی از سوی رژیم ایران به‌شمار می‌آورم، ادامه می‌دهیم. ژنرال اودیرنو در ادامه، گفت: «توانایی رژیم ایران برای نفوذ در عراق از طریق ارسال تسلیحات، آموزش‌دادن نیروهای افراطی و ارسال پول به این کشور هم‌چنان قابل توجه است... ما با توسعه اطلاعاتمان، بیش از پیش نسبت به این شبکه‌ها در عراق و خارج از آن، مطلع می‌شویم... من برای رفع این تهدید در عراق به‌دقت کار می‌کنم».

ژنرال اودیرنو نیز شماره ده ارتش آمریکا در عراق در بخش دیگری از سخنان خود، تأکید کرد: «من نسبت به نفوذ رژیم ایران، گروههای افراطی شیعی و تأثیر این امر بر آینده، نگران هستم. ما نمی‌توانیم اجازه بدهیم که نفوذ و باغی‌گری رژیم ایران ادامه یابد». وی با اشاره به‌حملات گروههای تحت حمایت رژیم ایران به منطقه سبز بغداد، تصریح کرد که ما با این چالش مقابله کرده و این گروهها را هدف قرار می‌دهیم. ژنرال اودیرنو هم‌چنین، تصریح کرد: «تلاش واضحی وجود دارد که آموزشهایی از نوع آموزشهای حزب‌الله لبنان به‌عوامل افراطی در عراق منتقل شود. ما این موضوع را به‌دقت تحت نظر داریم و سعی می‌کنیم هر شبکه‌یی را که از آموزش این افراطیون در عراق حمایت می‌کند، تحت‌تعقیب قرار دهیم». ژنرال اودیرنو افزود: «ما باید درک کنیم که افراطیون عراقی از سوی رژیم ایران ازجمله کسانی بود که همیشه با قاچاق نفت عراق به ایران مخالفت می‌کرد، به‌همین دلیل هدف این آدمربایی قرار گرفته است».

رئیس جبهه توافق عراق: تهاجمات نیروهای شبه‌نظامی که مجهز به‌سلاح، پول و تجهیزات لجستیکی از ایران می‌باشند همچنان ادامه دارد

دکتر عدنان الدلیمی، رئیس جبهه توافق عراق، دخالتهای رژیم ایران در عراق را محکوم کرد و اعلام نمود: تهاجمات نیروهای شبه‌نظامی که مجهز به‌سلاح، پول و تجهیزات لجستیکی از ایران می‌باشند، هم‌چنان ادامه دارد. رئیس جبهه توافق عراق طی مصاحبه‌یی با تلویزیون الجزیره در روز ۲۳مرداد، گفت: ما خواستار وحدت عراق، مقابله با خشونتها و اصلاح روند سیاسی هستیم. همه ما از شیعه و سنی برای اصلاح اوضاع عراق در کنار هم هستیم. بین ما و آنها مشکلی وجود ندارد، مشکل ما با دولت نوری مالکی است. ما چیزی جزگسترش بیکاری، خشونت و کوتاهی از این دولت نمی‌بینیم. ما به این دلیل وارد دولت شدیم تا خشونت، کوچ‌دادن و قتل متوقف شود. اما هیچ‌کدام از اینها متوقف نشد. ما بارها از دولت خواستیم به تعهداتش پایبند باشد اما پایبند نبوده است. به این دلیل مسیر میان ما و دولت بسته و قفل است و امکان ندارد کسی بتواند با این دولت به تفاهم برسد. در چنین شرایطی برادران شیعه ما در جنوب، مرکز و همه مناطق عراق از دخالت رژیم ایران شکایت می‌کنند. مجری تلویزیون الجزیره پرسید: شما از رهبران عرب استمداد طلبیدید و گفتید می‌خواهند بغداد را به یک شهر صفوی تبدیل کنند. دلیل شما چیست؟ رئیس جبهه توافق عراق گفت: تهاجم نیروهای شبه‌نظامی که مجهز به سلاح، پول و تجهیزات لجستیکی از ایران می‌باشند، ادامه دارد. دولت عراق، نیروهای آمریکایی و تمام جهان این را می‌دانند که یک تهاجم شریرانه علیه اهل سنت در بغداد صورت می‌گیرد. روحانی و افراد عادی را می‌کشند، نمازگزاران را بقتل می‌رسانند، مساجد را به تصرف در می‌آورند، مساجد را تخریب می‌کنند و اهل سنت را کوچ می‌دهند. ما چه شیعه و چه سنی باید این اعمال را محکوم کنیم.

ایادی جنایتکار رژیم آخوندی در عراق شیخ احمد ناجی حسین جباره رئیس شورای شیوخ استان صلاح‌الدین و رئیس عشیره جبور در این استان را به‌شهادت رساندند

ایادی رژیم آخوندی در عراق در یک اقدام جنایتکارانه، شیخ احمد ناجی حسین جباره رئیس شورای شیوخ استان صلاح‌الدین و رئیس عشیره جبور در این استان را به‌شهادت رساندند. وی از چهره‌های بسیار سرشناس و محبوب در استان صلاح‌الدین بود که به‌دلیل مواضع ملی و مردمیش و به‌خاطر مخالفتهایی که با دخالتهای رژیم در عراق داشت، همواره آماج بغض و کین رژیم آخوندی و مزدوران بود و بارها ازجانب آنها مورد تهدید قرار گرفته بود.

شیخ ناجی جباره علاقه خاصی به مجاهدین داشت و می‌گفت : من افتخار می‌کنم که با مجاهدین آشنا هستم و تردیدی ندارم که با پیروزی مجاهدین، نه تنها مردم ایران بلکه مردم عراق نیز از سختیها و مشکلاتی که گرفتار آن هستند، نجات خواهند یافت.

شیخ ناجی جباره بمناسبت صدور حکم لغو اتهام تروریسم علیه مجاهدین توسط دادگاه عالی اروپا در مصاحبه تلفنی با سیمای آزادی ضمن تبریک به مجاهدین مستقر دراشرف و به فرماندهی مجاهدین گفت: این پیروزی را به خانم مریم رجوی تبریک میگویم. این خبری است که هر وطن پرست عراقی با شنیدن آن خوشحال میشود. چون با برداشته شدن این برچسب دشمن بدنام مجاهدین تحت فشار قرار میگیرد.

وی در یک موضعگیری دیگر به منظور محکوم کردن توطئههایی که از سوی رژیم آخوندی و عواملش علیه مجاهدین اشرف صورت می گیرد، گفته بود:

«این امر عجیبی نیست. چرا که دشمن بدنام است و همه رسانه‌های حکومتی را تحت کنترل دارد تا تبلیغات قوی داشته باشند وبتواند علیه مجاهدین تبلیغات کند، ولی واقعیت این است که سازمان مجاهدین، یک سازمان شرافتمند است که برای آزادی مردمش تلاش می‌کند».

سی.ان.ان: آیا کسی در پنتاگون خواهان حمله نظامی به ایران است

رئیس‌جمهور آمریکا اخیراً در یک کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید، رژیم ایران را یک عامل بی‌ثبات‌کننده در منطقه خواند. اکنون سؤال این است: با وجود این که جرج بوش، رژیم ایران را یک تهدید خطرناک برای منطقه می‌داند، آیا همتای او، با او همزبان است؟ وقتی بوش اواخر سال گذشته با مالکی در اردن دیدار کرد، دیدارشان محترمانه، ولی رسمی بود. اما اگر این دیدار را با سفر مالکی به ایران مقایسه کنیم، او در این سفر دیداری دوستانه و گرم با احمدی‌نژاد داشت. این نشاندهنده تشدید نفوذ ایران در خاورمیانه و چالشی که در برابر آمریکا به‌وجود آورده، می‌باشد.

سی.ان.ان پرسید: آیا کسی در پنتاگون هست که خواستار یک اقدام نظامی علیه رژیم ایران باشد؟ گزارشگر سی.ان.ان در پنتاگون گفت: پاسخ ساده به این سؤال، خیر است. هیچ‌کس این‌جا در مورد یک جنگ و درگیری نظامی با رژیم ایران صحبت نمی‌کند. رابرت گیتس و رئیس ستاد مشترک ارتش بارها گفته‌اند که هیچ طرحی برای جنگ با این رژیم ندارند و خواستار ادامه مسیر دیپلوماسی هستند. ولی با وجود افزایش دخالتها و اعمال نفوذ رژیم ایران در عراق، پایبندبودن به این سیاست یعنی خودداری از جنگ بسیار مشکل است. تنها در ماه ژوئن در عراق ۹۹حمله علیه نیروهای آمریکایی با استفاده از سلاحهای ساخت ایران صورت گرفت.

چه پاسخی برای این وجود دارد؟

سی.ان.ان گفت: در حالی که آمریکا تلاش کرده است با افزایش نیرو در عراق، اوضاع را آرام کند، رژیم ایران تلاش کرده تا با افزایش فعالیتهای خود در عراق، اوضاع را به وخامت بیشتر بکشاند. لذا علت مؤثرنبودن افزایش نیرو در عراق، همین است. سی.ان.ان پرسید آیا سایر همسایه‌های عراقی حاضرند خواستهای رژیم ایران که شامل: تکنولوژی هسته‌یی، کاهش حضور آمریکا در عراق، یک عراق تحت نفوذ شیعیان، و احترام و نفوذ در عراق باشد را بپذیرند؟

گزارشگر سی.ان.ان، گفت: خیر، همسایگان عراق می‌دانند که اگر قرار باشد رژیم ایران بتواند به‌عنوان یک نیروی سیاسی در منطقه قدرت کسب کند، عربستان سعودی اقلیت سنی را زیر فشار شیعیان در عراق خواهد یافت و بحث یک جنگ داخلی شدت می‌گیرد... اگر رژیم ایران قرار باشد تکنولوژی هسته‌یی داشته باشد، آنها هم خواستار دستیابی به تکنولوژی هسته‌یی هستند. اگر رژیم ایران سلاح بیشتری دارد، آنها هم همین را می‌خواهند.

تلویزیون سی.ان.ان افزود: پنتاگون سلاحهایی را که از ایران می‌آید به هم نشان می‌دهد و می‌گوید این رژیم در حال بی‌ثبات‌کردن منطقه و عراق است، ولی نمی‌خواهد با رژیم ایران وارد جنگ شود. هدف آنها از نشاندادن این سلاحها که از ایران می‌آید چیست؟

گزارشگر سی.ان.ان گفت: استراتژی این است که آمریکا در پی تعقیب شبکه‌هایی است که سلاح و شبه‌نظامی وارد عراق می‌کنند و پول در اختیار شبه‌نظامیان قرار می‌دهند. آنها هم‌چنین تلاش می‌کنند تمامی کارهایی را که نیروی قدس در عراق می‌کند کشف و خنثی کند. مقامهای نظامی آمریکا از یکسو سلاحها را به رسانه‌ها نشان می‌دهند و از طرف دیگر با رژیم ایران وارد مذاکره می‌شوند. ممکن است بخشی از این اقدام، پیش‌پردن یک دیپلوماسی باشد، و بخشی هم بی‌آبرو کردن رژیم ایران، ولی به‌نظر می‌رسد که هیچ‌یک از این تلاشها مؤثر نبوده است، زیرا در حالی که گفتگو میان رژیم ایران و آمریکا ادامه دارد، سلاحها به عراق سرازیر می‌شوند. سی.ان.ان در پایان گفت: آمریکا خواستار تغییر رژیم در ایران، توقف دخالت این رژیم در عراق و توقف برنامه هسته‌یی آن می‌باشد.(تلویزیون سی.ان.ان ۲۱مرداد۸٦).

در جریان بازدید طارق‌الهاشمی، معاون رئیس‌جمهور عراق: زندانیان یکی از زندانهای وزارت کشور جنایات گردانندگان این زندان را فاش کردند

زندانیان زندان الرصافه که تحت کنترل وزارت کشور عراق قرار دارد، توسط گردانندگان این وزارتخانه که شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران هستند، شکنجه شده و بدون هیچ جرمی در زندان نگه داشته شده‌اند.

طارق الهاشمی، معاون رئیس‌جمهور عراق پس از دیدار با زندانیان، به تلویزیون بغداد گفت: این دیدار عواطف ما را برانگیخت. نقض حقوق بشر و ظلمی را که بر بیگناهان رفته است دیدیم. صحبتهای شگفت‌انگیزی را شنیدیم که نیازمند تحقیق فوری است. در این دیدار زندانیان مشکلات خود را بیان کردند. یکی از زندانیان گفت: من دو سال است که این‌جا هستم نه دادگاهی شده‌ام و نه سؤالی از من کرده‌اند.

یک زندانی دیگر گفت: ما نفرات حفاظت سلام الزوبعی معاون نخست‌وزیر عراق از جبهه توافق هستیم چهار ماه است که در زندان هستیم و بیگناه می‌باشیم.

یک زندانی دیگر گفت: ما ۹۹نفر هستیم که توسط تیپ محمودیه دستگیر شدیم. به ما گفتند یک نفر علیه شما خبر داده است. آن نفر را که علیه ما گزارش کرده بود آوردند که تنها یک نفر را شناسایی کرد ولی تاکنون ما را آزاد نکرده‌اند.

یک زندانی دیگر عراقی گفت: دستگاه قضایی عادلانه نیست. نیروهای امنیتی عادلانه برخورد نمی‌کنند.

ما زندانیان تحت کنترل وزارت کشور عراق یک زندانی دیگر به ربوده‌شدن جوخه شبه‌نظامیان اشاره کرد و گفت: من رئیس یک شرکت بودم همه اموالم را دزدیدند و خودم را به زندان انداختند. زندانی دیگری گفت: من ۵سال است این‌جا هستم. دو تن از پسرانم را هم کشته‌اند.

یک زندانی خطاب به طارق الهاشمی گفت: برادر تو را کشتند، پسران من رانیز کشتند و خودم را زندانی کرده‌اند.

به گفته یک زندانی دیگر از زندانیان زیر شکنجه اعتراف گرفته‌اند.

طارق الهاشمی پس از شنیدن اظهارات زندانیان گفت: این‌جا ظلم واقع شده است و باید آن‌را بر طرف کنیم. می‌دانم که چه رخ داده است و چه رخ می‌دهد. آنهایی که شکنجه شده‌اند گزارش بنویسند. آسامی را بنویسید که چه کسانی شکنجه می‌کردند همه چیز برای ما روشن شده است(تلویزیون بغداد ۲٦مرداد۸٦).

گزارش تکاندهنده تلویزیون سی.ان.ان از وضعیت کودکان یتیم عراقی

تلویزیونهای سی.ان.ان و ای.بی.سی آمریکا در روز ۲۲مرداد، گزارشی از وضعیت تکاندهنده کودکان یتیم عراقی پخش کردند.

در این گزارش آمده است: در میان سرگذشت کودکان یتیم و بی‌سرپرست عراقی که آتش انفجار خشونتها همه چیز را از آنها گرفته است، داستان یک کودک ۹ ماهه به نام فاطمه است که مصیبتی بیش از آن‌چه بسیاری از مردم در تمامی طول زندگیشان تجربه می‌کنند، بر او گذاشته است. فاطمه جبوری، یک دختر ۹ ماهه پس از این که مادر و عمویش توسط جوخه‌های مرگ، تنها به‌خاطر سنی‌بودن به‌قتل رسیدند، توسط نیروهای آمریکایی در میان آتشها در یک منطقه خطرناک بغداد پیدا شد. پدر فاطمه پیشتر در جریان خشونتهای بغداد به‌قتل رسیده بود.

سی.ان.ان در گزارش خود از نحوه پیداشدن فاطمه گفت، برادر مادّه ساله او توجه یک ستون از نیروهای آمریکایی را که از محل عبور می‌کردند به خود جلب نمود. آنها فاطمه کوچک را در میان آتشها در یک خرابه، درحالی که از سوء تغذیه و بی‌آبی به حال اغما افتاده بود، پیدا کردند و با خود به بیمارستان ارتش در منطقه سبز منتقل نمودند. پزشکان گفتند مطمئن نبودند که فاطمه کوچک بتواند زنده بماند. او هنگامی که به بیمارستان منتقل شد، به دلیل سوءتغذیه جثه‌یی قدری سنگینتر از یک نوزاد تازه به‌دنیا آمده را داشت. ولی پتیم‌خانه‌ها درمی‌آورند. آینده آنها نیز مانند آینده کشورشان نامعلوم است.

مرگ جسته و می‌خندد و بازی می‌کند. فاطمه در نظر پرسنل بیمارستان یک هدیه خوش‌قدم برای فراموش‌کردن خشونتهای روزانه و کشته‌ها و مجروحینی است که هر روز به‌بیمارستان منتقل می‌شوند. سرپرستار بیمارستان یک ماه پیش در اثر یک حمله خمپاره‌یی کشته شد. به گفته یکی از پزشکان فاطمه یک خشونتی کوچک در یک شهر جنگ‌زده است. آنها می‌گویند امیدوارند که فاطمه به‌زودی سلامت خود را باز یابد.

عراق هزاران کودک یتیم دارد که به‌خاطر جراحات جنگ از آغوش خانواده جدا شده و با از دست دادن پدر و مادرشان سر از پتیم‌خانه‌ها درمی‌آورند. آینده آنها نیز مانند آینده کشورشان نامعلوم است.

سفیر آمریکا در عراق: رژیم ایران ارسال سلاح برای جوخه‌های مرگ در عراق را افزایش داده است

- سلام الزوبعی معاون نخست‌وزیر عراق: هرکسی با رژیم ایران رابطه برقرار کند حکم اعدام سیاسی خود را صادر کرده است
- معاون رئیس‌جمهور عراق خواستار احضار سفیر رژیم در بغداد شد
- صالح مطلق خواستار تشکیل دولت نجات ملی شد
- در عراق خواندن آمار و ارقام کشتارها به یک بازی مرگ تبدیل شده است

ایاد علاوی دولت نوری مالکی را یک دولت فرقه‌گرا نامید و خواستار تغییر آن شد

ایاد علاوی نخست‌وزیر پیشین عراق دولت نوری مالکی را یک دولت فرقه‌گرا نامید و خواستار تغییر آن شد و گفت: عراق به یک دولت جدید نیاز دارد. به گزارش خبرگزاری فرانسه وی دولت کنونی عراق را به‌خاطر نداشتن ابزار مناسب برای متوقف‌کردن هرج و مرج همه‌جانبه، در این کشور مورد حمله قرار داد و آن را یک دولت فرقه‌گرا نامید. وی افزود: دولت کنونی به مشکلات دامن می‌زند و کشور را به نابودی می‌کشاند. باید تمامی سیستم تغییر کند، و یک رژیم غیرفرقه‌گرا روی کار بیاید. مالکی بخشی از سیستم فرقه‌گرا است که نفوذ و تأثیرات منفی بر روی کشور می‌گذارد...» (خبرگزاری فرانسه ۲۳مرداد۸۶)

صالح مطلق خواستار تشکیل دولت نجات ملی شد

دکتر صالح مطلق، رئیس جبهه گفتگوی ملی عراق، خواستار تشکیل دولت نجات ملی شد. وی که با تلویزیون رافدین مصاحبه می‌کرد با اشاره به فراخوان مالکی برای بحث درباره مسائل اصلی روند سیاسی عراق، تصریح کرد که وضعیت به‌حدی خراب و وخامت‌بار است که این اقدامات راه به‌جایی نمی‌برند. دکتر صالح مطلق به خروج فراکسیونهای مختلف از دولت نوری مالکی اشاره کرد و افزود: دولت در حال حاضر با یک دوم وزرا کار می‌کند و این دولتی فلج است. ما فکر می‌کنیم راه‌حل، تشکیل دولت نجات ملی است که بتواند امنیت و ثبات کشور را تأمین کند و مردم را برای انتخابات آینده آماده نماید.(تلویزیون الرافدین ۲۱مرداد۸۶)

سناتور سام براون‌بک خواستار قطع کمکهای آمریکا به دولت نوری مالکی شد

سناتور سام براون بک، کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و نماینده کنگره از حزب جمهوریخواه، طی گفتگویی با تلویزیون ای.بی.سی در روز ۲۲مرداد، خواستار قطع کمکهای آمریکا به دولت نوری مالکی شد.

وی گفت: هنگامی‌که ژنرال پتریوس در ماه سپتامبر، گزارش خود را ارائه می‌دهد، خواهد گفت ما در زمینه نظامی، پیشرفت خوبی داشته‌ایم، اما پیشرفت در زمینه سیاسی، صفر بوده است. این همان موضوعی است که ما باید به آن بپردازیم. من هر چه جدیتر، در پی ایجاد یک طرح سیاسی در عراق خواهم بود. زیرا ما یک راه‌حل مؤثر در آن‌جا نداریم و این، موضوعی کلیدی است، برای این‌که ما بتوانیم در عراق پیش برویم، باید یک راه‌حل بادوام سیاسی برای این کشور بیابیم. من فکر می‌کنم آن‌چه که ما باید بعد از اواسط سپتامبر انجام دهیم، این است که پاسخ سیاسی بهتری برای دولت مالکی پیدا کنیم.

مجری ای.بی.سی پرسید: گزارش پیکر ـ همیلتون پیشنهاد کرده بود که درصورت عدم مصالحه دولت عراق، اعطای کمک به آن قطع شود. آیا شما خواهان چنین کاری هستید؟

براون بک پاسخ داد: من به شدت خواهان انجام چنین کاری هستم. بخش کلیدی این طرح، منابع مالی دولت مالکی است و می‌گوید، اگر شما به‌پیشرفتی در زمینه سیاسی دست نیابید، ما از شما حمایت مالی نخواهیم کرد.

شیخ حارث الضاری، دبیرکل هیأت علمای مسلمین عراق آمریکا را فراخواند تا از دولت «دست‌نشانده» نوری مالکی دست بکشد

به گزارش خبرگزاری رویتر در روز ۲۲مرداد، شیخ حارث الضاری، دبیرکل هیأت علمای مسلمین عراق، با تأکید بر این که روند سیاسی در این کشور به بن‌بست رسیده است، آمریکا را فراخواند تا از دولت «دست‌نشانده» نوری مالکی دست بکشد.

دبیرکل هیأت علمای مسلمین عراق طی مصاحبه‌یی با رویتر در امان، گفت: «دولت آمریکا باید سیاستش را در عراق تصحیح کرده و در گرو افراد دست‌نشانده‌یی که شکستشان به اثبات رسیده، باقی نماند». وی افزود: «اگر آمریکاییها بر ادامه سیاستی پافشاری کنند که بر روی افرادی بنا شده که چندین‌بار ناکام مانده‌اند، آنها عراق را با یک شکست ترک خواهند کرد». حارث الضاری تأکید کرد، زمان آن فرا رسیده که آمریکا به‌ظهور یک دولت بدون وابستگی فرقه‌یی، کمک کند.

سخنگوی حزب اسلامی عراق: ما هیچ امیدی به دولت مالکی نداریم

سخنگوی حزب اسلامی عراق، طی گفتگویی با تلویزیون بی.بی.سی دولت مالکی را یک دولت بی‌کفایت و در معرض فروپاشی خواند که تنها به‌دنبال وقت‌کشی است. فرید صبری در پاسخ به این سؤال تلویزیون بی.بی.سی که آیا حزب اسلامی عراق نسبت به پیامد گفتگوهایی که نخست‌وزیر، خواستار آن شده، امیدی دارد؟ گفت: حقیقتاً ما هیچ امیدی به آن نداریم. نخست‌وزیر، طی یک سال‌ونیم گذشته، زیاد حرف زده است، اما در عمل، هیچ‌کاری نکرده است! او در مورد آشتی ملی صحبت کرده، ولی هیچ اقدامی در راستای آن، انجام نداده است! حقیقت این است که شیعه‌نظامیانش، همان شیعه‌نظامیانی که پشت او در رسیدن به‌قدرت بوده‌اند. دست به‌قتل و غارت زده‌اند. فرید صبری سپس با اشاره به گوشه‌یی از کارنامه مالکی، گفت: در داخل عراق، دو میلیون پناهجو وجود دارد، دو میلیون پناهجو نیز در خارج از عراق زندگی می‌کنند. ۵۰هزار شهروند سنی طی یک سال و نیم اخیر، قتل‌عام شده‌اند. من فکر نمی‌کنم که نخست‌وزیر به این خصوص، جدی باشد. او تنها می‌خواهد، وقت‌کشی کند. فرید صبری در پاسخ به سؤالی در مورد نقش رژیم ایران در جریان ناآرامیهای عراق، گفت: البته، رژیم ایران، در این جریان یک بازیگر اصلی است. این رژیم به نیروهای القاعده و به شیعه‌نظامیان کمک می‌کند تا مردم عراق را هدف قرار دهند. از این رو، رژیم ایران نقش منفی، در دو طرف دارد. فرید صبری در پایان در پاسخ به این سؤال مجری بی.بی.سی که آیا شما فکر می‌کنید دولت وحدت ملی، در معرض یک فروپاشی خطرناک است؟ گفت: البته، در آن‌جا هیچ‌کس غیر از مالکی نمانده است!(بی.بی.سی ۲۲مرداد۸۶)

ایاد علاوی در جلسه سران فراکسیونها شرکت نخواهد کرد

ایاد علاوی، رئیس فراکسیون العراقیه طی اعلام کرد در اعتراض به عدم دعوت رسمی از وی برای شرکت در جلسه سران فراکسیونهای عراقی، در این جلسه شرکت نخواهد کرد.

در بیانیه‌یی که ازسوی دفتر علاوی منتشر شده آمده است: ایاد علاوی به‌دلیل این که از وی دعوت رسمی به عمل نیامده در جلسه فراکسیونهای عراق شرکت نخواهد کرد و دعوت نکردن از فراکسیون العراقیه ملی را ادامه همان سیاست حذف نیروهای ملی و عراقی و پیشبرد خط مشی سهمیه‌بندی و تقسیم‌بندی مذهبی و فرقه‌یی توسط نوری مالکی دانسته و محکوم می‌کند.

دفتر علاوی مسؤلیت مجازشمردن دخالتهای خارجی به‌ویژه دخالت تأسف‌بار رژیم ایران در امور داخلی عراق را که منجر به استمرار وخامت اوضاع در سراسر عراق شده، متوجه دولت مالکی دانست.(تلویزیون الشرقه ۲۲مرداد۸۶)

ابراز وحشت رژیم از سقوط نوری مالکی

روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان ولی‌فقیه رژیم، وحشت و نگرانی خود از سقوط دولت دست‌نشانده خامنه‌ای در عراق را ابراز کرد و نوشت:...بعضی رجال سیاسی و دولتمردان عراق سعی دارند با سیاستهای «گام به گام» و دیپلوماسیهای «انفعالی» این کشور را از بحران موجود رها سازند... بایستی در مقابل استکبار و اشغالگر حالت تهاجمی به‌خود گرفت و صلابت نشان داد و دستهای تجاوزشان را قطع کرد... اگر این روند انفعالی و این سیاست کهنه و پوسیده «گام به گام» همچنان ادامه یابد به یقین استکبار جهانی این فرصت طلایی را از دست مردم مسلمان عراق خواهد ربود و با یک کودتا و انقلاب نارنجی و قهوه‌یی و دورزدن دولت مردمی و قانونی آقای نوری مالکی دوباره سرنوشت این ملت و مملکت را به‌دست خواهد گرفت و یا به صدام دیگری خواهد سپرد...»(جمهوری اسلامی ۲۷مرداد۸۶)

معاون رئیس‌جمهور عراق خواستار احضار سفیر رژیم در بغداد شد

طارق الهاشمی، معاون رئیس‌جمهور عراق، طی بیانیه‌یی خواستار احضار سفیر رژیم ایران در بغداد به‌دلیل اظهارات پاسدار احمدی‌نژاد علیه مخالفان دولت نوری مالکی شد. تلویزیون البغدادیه در روز ۲۳مرداد گزارش داد: طارق الهاشمی از هوشیار زیباری وزیر خارجه عراق خواست تا حسن کاظمی قمی، سفیر رژیم ایران درعراق را احضار کند و اعتراض خود را علیه دخالت احمدی‌نژاد در امور داخلی عراق به وی ابلاغ نماید.

معاون رئیس‌جمهور عراق احضار سفیر رژیم را فوری و مهم خواند و افزود: اظهارات احمدی‌نژاد مرزهای دیپلوماتیک را رد کرده است. عراق هرگونه دخالت در امور داخلی‌اش را مردود می‌داند».

معاون نخست‌وزیر عراق: هرکسی با رژیم ایران رابطه برقرار کند حکم اعدام سیاسی خود را صادر کرده است

سلام الزوبعی معاون نخست‌وزیر عراق از جبهه توافق، دخالت رژیم ایران در عراق را محکوم کرد و گفت هرکسی که با رژیم ایران رابطه برقرار کند حکم اعدام سیاسی خود را صادر کرده است.

وی با اشاره به سفر نوری مالکی به ایران افزود: دخالت رژیم ایران در تمامی زمینه‌ها در امور عراق موج شک و شبهه‌یی جریان دارد. دلایل مستند و واضحی در این باره وجود دارد. دخالت رژیم ایران باعث آزار و رنج و کشتار عراقیان شده است، متأسفانه این دخالت در عراق، زخمی است برزخمهای عراقیان و خونریزی دیگری علاوه برخونی است که از عراقیان ریخته می‌شود. با تلخکامی تمام باید بگویم هرکسی که با رژیم ایران رابطه برقرار کند حکم اعدام سیاسی خود را صادر کرده است. الزوبعی تأکید کرد: ما قصد تعدی به ایران را نداریم و ابداً نمی‌خواهیم حتی یک خانه از مردم ایران خراب شود، ما می‌خواهیم رژیم ایران دست از دخالت در عراق بردارد.

متأسفانه هر سیاستمدار شیعی که با رژیم ایران رابطه دوستانه برقرار کند، باید بگویم که تاریخ وطن‌پرستی و پایداری و بزرگی و مواضع شرافتمندانه گذشته خود و مبارزات و قربانیان خود را از بین می‌برد. ما باید اعتراف کنیم که رژیم ایران بزرگترین آسیب و صدمه را به عراق می‌زند و تلاش می‌کند که عراق را تبدیل به زمینه جنگ نماید. من هر آن کس را که خط رژیم ایران را می‌رود و تروریسم را وارد عراق می‌کند، محکوم می‌کنم...(تلویزیون الجزیره ۲۳مرداد۸۶).

مشاور وزارت امور خارجه آمریکا: رژیم ایران باید دست از حمایت از گروههای مسلح عراقی بردارد

دیوید ساترفیلد، مشاور وزارت امور خارجه آمریکا و هماهنگ‌کننده امور عراقی، گفت: رژیم ایران باید دست از حمایت از گروههای مسلح عراقی بردارد و آنها را با پول و سلاح و آموزش تأمین نکند. این چیزی است که ما باید آن را در صحنه عمل ببینیم. وی که روز ۲۳مرداد با تلویزیون الحره مصاحبه می‌کرد، در مورد اظهارات اخیر عدنان دلیمی رهبر جبهه توافق عراق که رژیم ایران را به تسلیح جوخه‌های مرگ برای کشتارجمعی عربهای اهل سنت متهم نموده بود گفت: ما در این زمینه یعنی فعالیتهای رژیم ایران در عراق ازجمله تجهیز برخی گروههای مسلح و آموزش‌دادن به آنها برای کشتن آمریکاییها و همپیمانان ما و یگانهای عراقی بسیار نگران هستیم. ما بارها گفته‌ایم که باید این دخالت متوقف شود. ما با متحدان و دوستان خود در عراق و منطقه و جهان برای مقابله با تهدیدات سلطه‌جویانه رژیم ایران همکاری می‌کنیم.

نگرانی پاسدار رضایی از گزارش ماه سپتامبر پتریوس و کراکر

ارگان پاسدار محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت رژیم، بانگرانی نوشت: تمامی حملات رسانه‌های آمریکا به سپاه پاسداران بیشتر به گزارش نهایی ۳۰ روز آینده دیوید پتریوس و رایان کراکر برمی‌گردد، که در آن ایران در لبه انتقادات تند قرار گرفته و عامل بی‌ثباتی در عراق شناخته شده است.

این منبع اعدامیه داده تمامی حملات برای این است که جوآفکار عمومی آمریکا را علیه سپاه پاسداران سوق دهد و در نهایت ایران را به دخالت در امور عراق متهم نماید تا در نهایت نیروهای آمریکا بتوانند مدت بیشتری بدون مزاحمت کنگره در عراق باقی بمانند. ارگان پاسدار محسن رضایی افزود کراکر سفیر آمریکا در عراق که به همراه دیوید پتریوس فرمانده کل نیروهای چندملیتی در عراق که باید در گزارش مهمی وضعیت نظامی آمریکا و همچنین توفیقات سیاسی و آینده آمریکا در عراق را تبیین نماید، اکنون می‌گوید که در مذاکرات با ایرانیها عمداً از این مورد را ذکر کرده که آنها از بی‌ثباتی عراق دست بردارند!(سایت بازتاب ۲۶مرداد۸۶).

کراکر: بیرون کشیدن نیروهایی آمریکایی از عراق می‌تواند در را به روی «پیشروی اساسی رژیم ایران» بگشاید

روز پنجشنبه ۲۵مرداد، رایان کراکر، سفیر آمریکا در عراق، به آمریکاییان هشدار داد که بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی از عراق می‌تواند در را به روی «پیشروی اساسی رژیم ایران» بگشاید. کراکر که در نیمه سپتامبر به‌همراه ژنرال دیوید پتریوس باید در گزارش دهد، در مصاحبه‌یی با رویتر گفت: «اگر رهبری خواهان طی‌کردن مسیر دیگری است، من وظیفه دارم در مورد این‌که عراقیب بیرون‌کشیدن در یک مسیر متفاوت چه خواهد بود، کمی صحبت کنم. یکی از نگرانیهای واضحی که وجود دارد، رژیم ایران است. آنها هیچ‌جا نمی‌روند. من نگرانیهای قابل‌توجهی در این زمینه دارم که خروج نیروهای ائتلاف منجر به پیشروی اساسی رژیم ایران خواهد شد و ما نیاز داریم که بدانیم خروج نیروها چه عواقبی به‌دنبال خواهد داشت...»

ژنرال کوین برگنر از سخنگویان ارتش آمریکا در عراق نیز اعلام کرد: رژیم ایران انتقال سلاح و مهمات برای شیعه‌نظامیان و جوخه‌های مرگ را افزایش داده است. وی افزود: ارتش آمریکا این هفته چندین برخی دستگیرشدگان همچون موسی دقدوق به این نتیجه رسیدیم که رژیم ایران در حمایت از عملیات مسلحانه در عراق نقش دارد. موسی دقدوق که در بصره دستگیر شد از فرماندهان حزب‌الله لبنان است که به‌منظور ایجاد آشوب در عراق برای رژیم ایران فعالیت می‌کرد.

ژنرال کوین برگنر افزود: در بازجویی از قیس خزعلی از سران جریان صدر هم مشخص شد که رژیم ایران از گروههای مسلح حمایت می‌کند.

نیکلاس برنز، معاون وزارت امور خارجه آمریکا نیز طی سخنانی گفت: باید با شفافیت تمام برای جهانیان روشن ساخت که زیرپمهای نهران و دمشق یک تهدید جدی برای سراسر منطقه و حتی جهان محسوب می‌شوند، و واشینگتن، آنها را بزرگترین عامل به‌خطرانداختن صلح و ثبات خاورمیانه و پشتیبان اصلی تروریسم در منطقه می‌داند، و به هر اقدام لازم برای حمایت از کشورهایی که از سوی این رژیمها مورد تهدید واقع شوند، دست خواهد زد.

هم‌چنین روز پنجشنبه نیروهای ائتلاف، یک قاچاقچی سلاح را که روابط مستقیمی با فرماندهان اصلی شیعه‌نظامیان و نیروی قدس سپاه پاسداران داشته و فعالانه مشغول ارسال سلاح و مهمات از ایران به عراق بوده، دستگیر کردند.

سایت نیروهای چندملیتی در عراق که این خبر را منتشر کرده، می‌افزاید: قاچاقچی مذکورهم‌چنین مسئول قاچاق بمبهای نفوذکننده، موشکهای کاتیوشا، و سایر سلاحها از ایران به عراق، و هم‌چنین، مسئول توزیع این سلاحها در میان گروههای ویژه و شیعه‌نظامیان شیعی بوده است. برای ارتش آمریکا مسجل شده است که رژیم ایران، گروههای ویژه عراقی اواوامی را برای حمله به نیروهای این کشور، تسلیح می‌کند، آموزش می‌دهد و تأمین مالی می‌کند.

تلویزیون سی.ان.ان نیز گزارش داد در پی تهاجمی توسط شیعه‌نظامیان به یک مقر نیروهای آمریکایی، سربازان مقر مذکور در صدد جستجو و تعقیب شیعه‌نظامیان برآمدند و اعلام‌داشتند که قصد فرار داشتند دستگیر کردند. در تحقیقاتی که از دستگرشدگان صورت گرفت، مشخص شد که یکی از آنها، یک ژنرال وزارت کشور عراق است. در همین رابطه یک مقام وزارت کشور دستگیری ژنرال مزبور را تأیید کرد، اما از ذکر نام وی خود داری نمود. به گزارش سی.ان.ان، تهدید حملات از سوی دشمنی که در آن مقامات ارشد وزارت کشور عراق نیز حضور فعال دارند، بسیار واقعی است.

در عراق خواندن آمار و ارقام کشتارها به یک بازی مرگ تبدیل شده است

گزارشی از تلویزیون سی.ان.ان درباره وضعیت فاجعه بار مردم عراق براثر خشونتهای ناشی از سلطه شیعه‌نظامیان بر امور این کشور: زندگی برای مردم عادی عراق تیره و تار است. مرگ در یک دور بی‌پایانی از خشونتها، هرروزه سایه خود را بالای سر مردم این کشور گسترانیده، و هر لحظه دور از خانه، برای مردم عراق یک خطر محسوب می‌شود. کسانی که از این دور بی‌پایان جان به‌در نمی‌برند، خانه و خانواده‌یی پابجا می‌گذارند که زندگی برایشان به کابوسی مبدل می‌شود.

یک زن به‌نام نحله، هر روز اخبار مربوط به انفجارها و کشتارها را در روزنامه می‌خواند. نحله می‌گوید: خواندن آمار و ارقام کشتارها به یک بازی مرگ تبدیل شده است. هرکس تصور می‌کند که جزو آن آمار نیست. درد و رنج آنرا حس می‌کنیم، ولی خود را به‌دور از آن می‌پنداریم. این تصور در روز ۱۴آوریل(۲۵فروردین) فروریخت. محمد، همسر نحله، یک پزشک بود. او برای درمان بیماران خود حتی حاضر به دادن جان خود شد. مردی که عشق به‌زندگی در او پوشیده شود. ولی محمد، آنروز در آوریل هرگز به خانه و به نزد همسر و کودکش بازنگشت. نحله گفت: یکی از دوستانم به من زنگ زد و گفت انفجاری روی پل جادریه صورت گرفته است. این پلی بود که محمد هر روز از روی آن عبور می‌کرد. سیاه‌ترین شقی که از ذهن من عبور کرد این بود که محمد، به‌دلیل این که پزشک است، مشغول رسیدگی و درمان مجروحین می‌باشد.

نحله به‌بیمارستانهای مختلف سرزد. او گفت: «احساسی که هنگام لغزیدن انگشت بر روی لیست قربانیان و مشاهده اسامی به شما دست می‌دهد، یک احساس غریبی است. هر لحظه که می‌گذشت جدیت این حادثه ناگوار را بیشتر حس می‌کردم». نحله می‌گوید دیگر برای او رنگها وجود ندارند، او در یک دنیای سیاه و سفید زندگی می‌کند. او می‌گوید: «من یک ملافه آبی رنگ را به یاد می‌آورم. از یک طرف ملافه سر دخترک کوچکی که یک روبان قرمز دور آن بسته شده بود، قدری بیرون زده بود. در طرف دیگر یک پای کوچک غرقه به خون دیده می‌شد. ملافه آغشته به خون بود. برای لحظاتی فراموش کردم که برای چه به آن‌جا آمده‌ام. برای آنهایی که بر سر اجساد عزیزشان گریه می‌کردند، من نیز می‌گریستم. در همین لحظات بود که به خاطر آوردم باید به سردخانه بیمارستان بروم. در آن‌جا ۱۰جسد درهم ذوب شده بودند. زانوانم به من اجازه نمی‌داد به داخل سردخانه بروم. پدر همسرم تصویر دندانهای او را گرفت. اولین تصویری که دیدم گفتم، خود اوست. شکی ندارم. فقط دندانها و کناره لبهای او باقی مانده بود. بقیه صورت و سرش سوخته و جزغاله شده بود. تنها علامتی که برای شناسایی محمد باقی مانده بود، یک میله در زانوی او بود که پس از تصادفی در گذشته در پای او کار گذاشته بودند. ناگهان خاطرات به‌سرعت از ذهنم گذشت. این جند سوخته همان قلب پرطپشی بود که تا دیروز در کنارم می‌زیست. یک روز پیش خون درون این رگها جاری بود. یک روز پیش این لبها حرف می‌زدند.

بحران سیاسی در دولت عراق

به گزارش خبرگزاری فرانسه، روز پنجشنبه ۲۵مرداد، نوری مالکی و طالبانی یک اتحاد جدید سیاسی را میان دو حزب شیعی، یعنی مجلس اعلای حکیم، و حزب‌الدعوه مالکی، و دو حزب کردی اعلام کردند.

این اتحاد به‌دنبال گفتگو بین طالبانی، بارزانی، عادل عبدالمهدی و نوری مالکی اعلام شد و این گروه طی یک کنفرانس مطبوعاتی در روز چهارشنبه اعلام کردند که دولت اکثریت پارلمانی تشکیل خواهد داد.

جبهه توافق عراق به رهبری دکتر عدنان دلیمی، جبهه گفتگوی ملی به ریاست دکتر صالح مطلق، جنبش وفاق ملی به ریاست ایاد علاوی، حزب فضیلت و جریان صدر که پیشتر خروج خود را از دولت نوری مالکی اعلام کرده بودند، در این جبهه و در تشکیل چنین دولتی شرکت نخواهند داشت.

به گزارش تلویزیون الحره، تشکیل دولت اکثریت پارلمانی، از سوی برخی جریانها و فراکسیونهای عراق یک اقدام غیرقانونی محسوب می‌شود. چرا که مرحله فعلی مرحله انتقالی است و دولت باید دولت وحدت ملی باشد و بر اساس توافق تشکیل شود.

واکنش نیروهای سیاسی در قبال ائتلاف جدید

طارق الهاشمی معاون رئیس‌جمهور عراق و رئیس حزب اسلامی این کشور، در گفتگو با تلویزیون الجزیره گفت: مشکل امروز عراق پیوستن این فراکسیون به فراکسیون دیگر و از بین بردن ائتلافهای موجود و تشکیل ائتلافهای جدید نیست. مشکل در مورد مسائل اصولی و محوری است که عراقیان بر سر آن شدیداً تقسیم شده‌اند. اگر دیدگاهها برسر این مسائل یکی نشود، جدایی برسر مسائل جزیی و حتی ائتلافها نیز باقی خواهد ماند.

دکتر عبدالکریم السامرایی، عضو دفترسیاسی حزب اسلامی عراق، درباره تشکیل جبهه معتدلین گفت: شرکت‌کنندگان در این توافق همان عناصرحاکم هستند. موضوع دیگر این است که طرفهای سیاسی شرکت‌کننده در این ائتلاف در دایره سهمیه‌بندی فرقه‌یی قرار دارند که ما می‌خواهیم از قید آن رها شویم. السامرایی سپس افزود: با خروج ما از دولت، دولت وحدت ملی ساقط شد. جبهه توافق، اهل سنت را نمایندگی می‌کرد، حال که ما خارج شدیم دیگر این دولت، دولت وحدت ملی نیست... دولت جدید قادر نیست عراق را نجات بدهد.

صالح المطلق رئیس جبهه گفتگوی ملی، در گفتگو با تلویزیون الحره، ائتلاف چهارجانبه جدید را جداسازی مذهب‌گرایانه در درون روند سیاسی عراق توصیف نمود. المطلق گفت که این اقدام پایه و اساسی مشخصی برای حل بحران عراق ارائه نمی‌کند، بلکه در مقابل مذهب‌گرایی، فرقه‌گرایی و انحصارطلبی در قدرت و حذف دیگران را تثبیت و جا می‌اندازد و این چیزی است که بیشتر مسائل را پیچیده‌تر خواهد کرد.

عزت شاهبندر، عضو پارلمان عراق ائتلاف جدیدی را که توسط نوری مالکی اعلام شده یک دولت مذهبی و قومی نامید

عزت شاهبندر، عضو پارلمان عراق از فراکسیون العراقیه ملی ائتلاف جدیدی را که توسط نوری مالکی اعلام شده یک دولت مذهبی و قومی نامید و گفت من خوشبین نیستم و قابل قبول نیست که یک ملی‌گرای واقعی راضی شود وارد این ائتلاف بشود.

وی که با تلویزیون الجزیره مصاحبه می‌کرد، افزود: تنها ما نمی‌گوییم که دولت کنونی سیاست حذف و انحصارطلبی پیش گرفته، بلکه در نشست رسمی که با دوحزب کردی داشتیم، آنها نیز همین دیدگاه را داشتند و گفتند که ما با شما هم‌نظر هستیم و مشکل در انحصارطلبی در دولت است و به جریانهای دیگرسیاسی در دولت فرصت نمی‌دهد که در تصمیم‌گیریهای سیاسی زمینه سیاسی ائتلاف عراق متحد خیلی از همپیمانان اصلی‌اش را کنار گذاشته است. در حال حاضر تنها مجلس اعلا و بخشی از حزب الدعوه به‌اصطلاح شیعه را نمایندگی می‌کنند.

هم‌چنین دکتر عبدالکریم السامرایی، عضو دفترسیاسی حزب اسلامی عراق درباره تشکیل جبهه معتدلین گفت: شرکت‌کنندگان در این توافق همان عناصرحاکم هستند. موضوع دیگر این است که طرفهای سیاسی شرکت‌کننده در این ائتلاف در دایره سهمیه‌بندی فرقه‌یی قرار دارند که ما می‌خواهیم از قید آن رها شویم و از این چارچوب تنگ مشارکت سیاسی به چارچوب ملی که برگزیدگان سیاسی زیادی در آن شرکت می‌کنند، برویم.

وی که با تلویزیون الجزیره مصاحبه می‌کرد، افزود: تنها ما نمی‌گوییم که دولت کنونی سیاست حذف و انحصارطلبی پیش گرفته، بلکه در نشست رسمی که با دوحزب کردی داشتیم، آنها نیز همین دیدگاه را داشتند و گفتند که ما با شما هم‌نظر هستیم و مشکل در انحصارطلبی در دولت است و به جریانهای دیگرسیاسی در دولت فرصت نمی‌دهد که در تصمیم‌گیریهای سیاسی شریک باشند.

مجری تلویزیون الجزیره پرسید: آیا نگران نیستید که دولت وحدت ملی ساقط شود؟ السامرایی پاسخ داد: با خروج ما از دولت، دولت وحدت ملی ساقط شد. جبهه توافق اهل سنت را نمایندگی می‌کرد حال که ما خارج شدیم دیگر این دولت وحدت ملی نیست... این دکور جدید قادر نیست که عراق را نجات بدهد. تنها یک پیمان و یا یک پوشش سیاسی است تا این‌که دولت فعلی بتواند این چند روز و یا چند هفته خودش را بگذراند و این باعث شد که ما از این ائتلاف جدید فاصله بگیریم».

حسن الشمری از حزب فضیلت که یک حزب شیعی بوده و پیش از این در ائتلاف شیعی بود، در گفتگویی با تلویزیون الشرقیه گفت: اقدام سیاسی اخیر یعنی اعلان جبهه جدید تنها در نظر داریم که برخی مشکلات عراق مثل قانون نفت و کرکوک و پاکسازی حزب بعث و اختیارات ریاست‌جمهوری را حل و فصل کند که با دوحزب کردی داشتیم، عراق را که روند سیاسی آن می‌باشد حل کند. من فکر می‌کنم که این جبهه نتواند مشکل اساسی عراق را حل کند، از طرفی ترکیب این جبهه طوری است که دو حزب کردی را نماینده کردهای عراق و دو حزب شیعی را نماینده شیعیان عراق می‌داند درحالی‌که واقعیت این نیست.

اسامه النجفی از فراکسیون عراق ملی در گفتگو با تلویزیون بغدادگفت که این ائتلاف چهارگانه، توسط و تحت نظر رژیم ایران رهبری می‌شود و هدفش مقابله با طرح و برنامه ملی است. النجفی اضافه کرد که اعمال سلطه توسط رژیم ایران در عراق خیلی روشن شده است و در این تشکل خودش را بیشتر نشان می‌دهد. تأکید می‌کنم که این طرح زیر چتر ایران درست شده است و تأثیر منفی روی روند سیاسی خواهد داشت».

رایان کراکر سفیرآمریکا در عراق نیز، در رابطه با جلسه احزاب ائتلافی دولت عراق، گفت: ٤جریی که روز پنجشنبه ملاقات کردند از قبل نیز متحد همدیگر بودند، باید دید آیا با این دیدار چیزی تغییر کرده است. روشن است که مشکلات بسیار خطیری در عراق وجود دارد که بایستی با وحدت رهبران همه بخشهای جامعه یعنی سنیها، شیعه‌ها و کردها حل و فصل شوند. کراکر گفت: چالش اصلی مالکی آشتی ملی است. این، آن چیزی است که احزاب عراقی نیاز دارند تا بتوانند کشور را در مسیری رو به‌جلو حرکت بدهند.

از سوی دیگر، پس از اعلام تشکیل جبهه جبهه توافق عراق، نماینده سفارت آمریکا در بغداد و فرماندهان آمریکایی تشکیل جلسه داد.

این منبع افزود: این جبهه بعد از آن برگزارشد که گفته شده بود شورای بیداری و شورای نجات الانبار به‌جای جبهه توافق وارد دولت خواهند شد. ولی شورای بیداری الانبار به رهبری شیخ ستار ابوریشه تأکید کرد حمید الهایس که این اظهارات را بیان کرده بود را برکنار و شورای نجات الانبار را منحل کرده است.

تلویزیون العربیه در گزارش دیگری گفت: همه شیوخ استان الانبار از جبهه توافق حمایت کرده و از بقیه نیز خواستند که از جبهه توافق حمایت کنند.

اسکلتون، رئیس کمیته نیروهای مسلح کنگره آمریکا از حزب دموکرات با اشاره به تحولات جدید عراق، گفت: سیستم سیاسی عراق رو به اضمحلال است. اسکلتون افزود: این سیستم سیاسی به عوامل ناپایداری روی آورده است... من از این که آنها نمی‌توانند پارلمان خود را جمع‌وجور کنند و نمی‌توانند قانون یا محتوایی را که بتواند موجب آشتی ملی میان گروههای مختلف آنها شود، بسیار مأیوس شده‌ام».

سناتور جمهوریخواه، کیت‌باند نیز همین نگرانیها را تکرار کرد و گفت: «مالکی از عهده مشکلات برنمی‌آید. اگر او نمی‌تواند مشکل را حل کند، در این صورت من فکر می‌کنم عاقلانه خواهد بود که وی برای یک حکومت پارلمانی، خواستار انتخابات زودرس شود».

فرمان «اسلامی»کردن مجدد نظام بانکی ایران، به چه منظور صادر شده است؟

یزدان حاج‌حمزه

بخش اول(وضع موجود بازارپول ایران)

دولت پاسداران، زیر عنوان «اجرای سهل‌تر احکام نورانی اسلام در بخش بانکی و پولی» یورش جدیدی را به بانکهای کشور و سپرده‌های پولی مردم در این بانکها آغاز کرده است. رئیس این دولت، شورای ده نفره‌یی را برای «بازنگری بانکداری اسلامی» تشکیل داده است. مطابق حکمی که احمدی‌نژاد به اعضای این شورا ابلاغ کرده این افراد مأموریت دارند تا «نسبت به بازنگری در قانون صدور عادی بدون ربا، بازنگری در قوانین پولی و بانکی کشور و بازنگری در مأموریتها و کارکردهای بانک مرکزی و بانکهای دولتی و خصوصی اقدام کنند و نتایج کار را در قالب پیش‌نویس لوایح و مصوبه‌های مورد نیاز و راهبردی تحول نظام بانکی حداکثر ظرف مدت ۶ماه به اطلاع ریاست‌جمهوری برسانند تا با طی مراحل تصویب مقدماتی، تحول اساسی مورد نیاز در نظام بانکی کشور فراهم شود.» احمدی‌نژاد در حکم مأموریت شورای «بازنگری بانکداری اسلامی» دستور داده است «جهتگیریهای راهبردی» ۶گانه‌یی مورد تأکید و توجه قرار گیرند که سه محور اولیه آنها عبارتند از:

«۱- زمینه‌سازی لازم جهت اجرای سهل‌تر احکام نورانی اسلام در بخش بانکی و پولی.

۲- تأمین نیازهای ضروری مردم به‌صورت قرض‌الحسنه و ترویج فرهنگ مترقی قرض‌الحسنه در مراودات معمولی و جاری مردم

۳- ایجاد تمهیدات لازم به‌منظور حذف سود تسهیلات بانکی» (دنیای اقتصاد ۱۸مرداد۸۶).

اما در عمل مشاهده می‌شود که دولت احمدی‌نژاد برای تحقق منظوری که از صدور این حکم دارد منتظر تهیه مفاد «بازنگری بانکداری اسلامی» و «طی مراحل تصویب» آن نمانده و اجرای کار را شروع کرده است. روز قبل از انتشار این فرمان خبرگزاری حکومتی ایسنا، درمورد اجرای محور دوم فرمان پاسدار احمدی‌نژاد، به‌نقل از «معاون امور بانکی» پیمه و شرکتهای دولتی وزارت اقتصاد» خبر داد: «بزرگترین بانک قرض‌الحسنه» که «از بانکهای موجود بزرگتر است، به‌زودی تشکیل خواهد شد». داوود دانش‌جعفری، وزیر اقتصاد و دارایی احمدی‌نژاد، پیش از این اعلام کرده بود که بعد از تشکیل بانک قرض‌الحسنه، نظام بانکی کشور متحول خواهد شد و فعالیت کنونی بانکهای کشور در دو بخش جداگانه «سرمایه‌گذاری» و فعالیتهای «قرض‌الحسنه» تقسیم می‌شود. به‌طوری که «هر یک از بانکها می‌توانند یک بانک قرض‌الحسنه هم داشته باشند و فعالیتهای قرض‌الحسنه خود را از فعالیتهای سرمایه‌گذاری جدا کنند». با حضور شخص احمدی‌نژاد در هفته اول مردادماه۸۶ در مراسم افتتاح حساب قرض‌الحسنه جدیدی موسوم به «حساب قرض‌الحسنه طلا» در یکی از شعبات «بانک رفاه»، عملیات مربوط به این تحول بانکی به اصطلاح «کلید خورد».

تحرک تازه برای اسلامی‌ترکردن نظام بانکی ایران در شرایطی شکل می‌گیرد که اولا در بخش دولتی از یک ربع قرن پیش تا به‌حال، به‌دستور مقامات رژیم ولایت‌فقیهی ایران «عملیات بانکی بدون ربا» توسط بانکهای ایران آغاز شده است بانکهای قرض‌الحسنه جدیدی موسوم به «حساب قرض‌الحسنه طلا» در یکی از شعبات «بانک رفاه»، عملیات مربوط به این تحول بانکی به اصطلاح «کلید خورد».

تحرک تازه برای اسلامی‌ترکردن نظام بانکی ایران در شرایطی شکل می‌گیرد که اولا در بخش دولتی از یک ربع قرن پیش تا به‌حال، به‌دستور مقامات رژیم ولایت‌فقیهی ایران «عملیات بانکی بدون ربا» توسط بانکهای ایران آغاز شده است بانکهای قرض‌الحسنه جدیدی موسوم به «حساب قرض‌الحسنه طلا» در یکی از شعبات «بانک رفاه»، عملیات مربوط به این تحول بانکی به اصطلاح «کلید خورد».

این بانکها به‌سپرده‌های عادی مشتریان خود بهره ثابتی، که درحال‌حاضر حدود ۱۵درصد است، می‌دهند. اما این بهره‌دهی قطعی و ازپیش‌تعیین‌شده را به ملاحظه شرعی، «صور علی‌الحساب»ی عنوان می‌کنند که در چارچوب «عقود اسلامی» پرداخت می‌شود. ثانیاً در بخش غیردولتی ۵ تا ۱۰هزار «صندوق قرض‌الحسنه»، به‌کار مشغولند و با شگرد خاص خود سپرده قرض‌الحسنه جذب می‌کنند و به بعضی از این سپرده‌گذاران، وام شرعی ظاهراً بدون بهره می‌دهند. با این اوصاف، تا آن‌جا که به «شرع» برمی‌گردد، نکته جدید فرمان اخیر رئیس دولت پاسداران مبنی بر «اجرای سهل‌تر احکام نورانی اسلام در بخش بانکی و پولی»، محور سوم رهنمودهای استراتژیک این فرمان، یعنی «ایجاد تمهیدات لازم به‌منظور حذف سود تسهیلات بانکی» است. تحقق این ادعا، همان‌طوری که وزیر اقتصاد احمدی‌نژاد اشاره کرده، مستلزم آنست که:

۱- بانکهای ویژه سرمایه‌گذاری دست از پرداخت سود ثابت و قطعی بردارند، به‌واقع در سود و زیان سرمایه‌گذاری وام‌گیرنده، شریک شوند، ودر پایان کار، با سپرده‌گذارانی که پول خود را به این نوع بانکها می‌دهند به‌تسویه‌حساب نهایی بپردازند.

۲-بانکهای تجاری و سایر نهادهای حکومتی، که از محل نگهداری پول مشتریهایشان پول در می‌آورند، دست از پولبازی و تجارت روی پول مردم بردارند، و به واسطه‌های مزدبگیری تبدیل شوند که کارشان فقط انتقال پول سپرده‌گذاران به‌مقتاضیان وام است و نه تجارت. تشکیل «بانکهای قرض‌الحسنه» را با این ادعا دنبال می‌کنند. اما پیش از پرداختن به اصل موضوع و بررسی هدف اصلی دورخیزی که دولت پاسداران، برای تحول نظام بانکی برداشته، ضمن یادآوری رسمیت و تثبیت بهره پولی در اقتصاد، مروری می‌کنیم به قدرت پولی نهادهایی که سپرده‌های قرض‌الحسنه کنونی را اداره می‌کنند:

الف: قدرت پولی گردانندگان حسابهای قرض‌الحسنه؟

در بازار واقعی پول، به داوودنژاد پول و مایه‌گذاری پولی بهره تعلق می‌گیرد. بهره پولی که در تولید و توزیع و سایر فعالیتهای اقتصادی به‌کار می‌رود، حتی اگر این پول وام و استقراض نباشد، در محاسبه قیمت تمام‌شده محصول این فعالیتها و در قیمت فروش این محصولات، منظور می‌شود. از این طریق بهره پول در کل جامعه که مصرف‌کننده نهایی این محصولات است، به‌طور روزمره ساری و جاری است و انکار آن چشم بستن به روی واقعیتی انکارناپذیر است (در بانکداری بدون ربا کارگزاران نظام ولایت‌فقیه، خلط مبحث کرده‌اند و بانکهای دولتی به‌جای «بهره» از واژه «سود» استفاده می‌کنند. حال آن‌که «سود» در عرف اقتصادی، مابه‌ازا و اجرت خدمات و خطراتی است که کارفرما و فاعل فعالیت اقتصادی متقبل می‌شود). بااین‌حال مدعیان «قرض‌الحسنه» در حکومت ولایت‌فقیه در ظاهر منکر بهره پول هستند. با ظاهری شرعی پولهای بی‌بهره و مجانی مردم را به لطایف‌الحیل، اخاذی می‌کنند. این پولها وقتی در صندوقها و یا حسابهای بانکی قرض‌الحسنه متمرکز می‌شود به‌منبع و اهرم پرقدرتی تبدیل می‌گردد که با آن می‌توان در بازار سرمایه و بازار کالا، پول هنگفت درآورد و در بازار سیاست مسأله سیاسی حل کند. شیوه کار، حجم فعالیت نهادهای حکومتی که در حال حاضر فعالان عمده و اصلی بازار پولی قرض‌الحسنه در ایران هستند، این واقعیت را ملموس می‌کند:

۱-بانکهای دولتی

بانکهای دولتی، علاوه بر حسابهای معمولی خود، حسابی برای جذب پس‌اندازهای مردم باز می‌کنند، که بدون بهره یا «سود» است و به «حساب قرض‌الحسنه بانکی» معروف است. این بانکها، برای جلب سپرده «قرض‌الحسنه» صاحبان پس‌انداز باهم مسابقه گذاشته‌اند و با توسل به نوعی «بخت‌آزمایی اسلامی»، به تشویق مردم برای بازکردن حساب قرض‌الحسنه می‌پردازند و برای سپرده‌گذاری در حسابهای قرض‌الحسنه، جایزه‌های ریزودرشت از ساعت و لوازم خانه گرفته تا اتومبیلهای صفر کیلومتر و آپارتمان درنظر می‌گیرند. برای تطمیع صاحبان پس‌انداز، برخی از این جوایز، مثل اتومبیلهای نو را در کنار شعبه‌های خود به‌نمایش می‌گذارند. برخی از این بانکها با تبلیغات سرسام‌آور، هرساله چندبار قرعه‌کشی می‌کنند و این جایزه‌ها را بین کسانی توزیع می‌کنند، که برای مدتی، دست‌کم ۵هزار تومان، در یک حساب قرض‌الحسنه بانکی، سپرده‌گذاری کنند. این هیاهوی تبلیغاتی بانکی، البته، ناظریر منافع کلانی است که جمع‌آوری این‌چنینی پس‌اندازهای مردم دارد. دانش جعفری، وزیر اقتصاد دولت احمدی‌نژاد در مورد میزان موجودی پولی که با این ظاهرسازی شرعی در حسابهای قرض‌الحسنه در اختیار دولت قرار می‌گیرد، چندی پیش اعلام کرد «مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه در سال۸۵ دو هزار میلیارد تومان نسبت به‌سال ۸۴ رشد پیدا کرده و در حال حاضر میزان سپرده‌های قرض‌الحسنه در بانکها حدود ۱۴تا ۱۵هزار میلیارد تومان است». بدین‌ترتیب برمبنای گفته وزیر دولت پاسداران، عجالتاً این دولت حدود ۱۲درصد نقدینگی هنگفت بخش خصوصی را، که با ریخت‌وپاشهای امنیتی دولت طی دو سال گذشته دو برابر شده، ازطریق حیله قرض‌الحسنه در بانکهای دولتی جمع‌آوری کرده و در واقع به تصرف خود در آورده است.

اما دولت احمدی‌نژاد به این حد از تصرف در پس‌اندازهای مردم قناعت نمی‌کند. به تازگی در بانکهای دولتی، افتتاح حساب «قرض‌الحسنه طلا» را نیز آغاز کرده است تا با جمع‌آوری آن بخش از پس‌اندازهای مردم که به‌صورت سکه طلا درآمده است، امکان دست‌اندازی دولت به این پس‌اندازها رانیز فراهم آورد. وزیر اقتصاد احمدی‌نژاد چندماهشت دولت پاسداران به‌جمع‌آوری سکه‌های طلای مردم را با اعلام حجم و ارزش این سکه‌ها این‌طور برملا می‌کند «بیشتر از ۷۰میلیون قطعه سکه طلا در ایران موجود است که نزدیک به ۴۰میلیون قطعه آن سکه بهار آزادی است که حدود شش هزار میلیارد تومان ارزش دارد». (بانک رفاه که هجوم برای جمع‌آوری سکه‌های طلا در حساب «قرض‌الحسنه طلا» را آغاز کرده مدعی است که به کسانی که یک حساب قرض‌الحسنه حداقل ۱۰هزار تومانی باز کنند امکان استقراض سه سکه طلا از این بانک را می‌دهد تا آنها را به‌طور موقت هدیه بدهند یا به مصارف دیگر برسانند و در پایان مهلت مقرر به‌بانک برگردانند).

دولت احمدی‌نژاد پول متکاثف و هنگفت کلاهبرداری «شرعی» جمع‌آوری شده در حسابهای قرض‌الحسنه بانکی را با استفاده از رانت اطلاعاتی که در اختیار دارد، در بازبروسر و بازار کالا وخدمات به‌طور غیرمستقیم و مستقیم به‌کار می‌اندازد و از قبل این کاسبی به پولهایی می‌رسد که با آن بخشی از هزینه‌های امنیتی خود را تأمین می‌کند. یکی از موارد استفاده این کار و کاسبی جفت‌وجورکردن دخل و خرج «نامتعادل بانکهای دولتی است. بانکهایی که به‌دستور امنیتی رئیس دولت پاسداران به برخی از متقاضیان با نرخ ۱۲درصد وام می‌دهند و درعوض با نرخ ۱۵درصد سپرده جذب می‌کنند!

۲-«سازمان اقتصاد اسلامی»

این سازمان حکومتی، که کانون تشکل مالی بازاریان شریک در حاکمیت است، در اوائل انقلاب، همزمان با ملی‌شدن بانکهای کشور ایجاد شد و پس از رویه‌روشدن با مشکلاتی در تشکیل نخستین «بانک اسلامی» ایران، به‌سمت تکثیر «صندوقهای قرض‌الحسنه» و مدیریت فائقه این صندوقها، روی آورد. درحال‌حاضر این سازمان حدود ۱۴۰۰واحد «صندوق قرض‌الحسنه»، یعنی بیشترین تعداد از حدود ۵هزار صندوق قرض‌الحسنه فعال را تحت پوشش مدیریت خود دارد. بیشتر صندوقهای تحت پوشش این سازمان برای مشتریان خود، مثل بانکها هم حساب پس‌انداز باز می‌کنند و هم حساب جاری، بر اساس مقررات سازمان اقتصاد اسلامی، صندوقهای تحت پوشش این سازمان باید بین ۱۰ تا ۱۵درصد کل موجودی حسابهای پس‌انداز و جاری خود را به‌صورت سپرده نزد صندوق مرکزی «سازمان اقتصاد اسلامی» نگهداری کنند. بر مبنای همین مقررات این صندوقها باید ۷۰درصد وجوه حسابهای پس‌انداز و ۵۰درصد از کل مبلغ حسابهای جاری را به‌عنوان قرض‌الحسنه در اختیار برخی از متقاضیان این نوع وام قرار دهند. وام قرض‌الحسنه این صندوقها به برخی از متقاضیانی پرداخت می‌شود که در این صندوقها حساب بازکرده‌اند. به گزارش منابع داخلی، این صندوقها به ازای هر سه مورد سپرده‌گذاری، به یک سپرده‌گذار متقاضی وام پرداخت می‌کنند. از رقم موجودی صندوقهای قرض‌الحسنه تحت پوشش «سازمان اقتصاد اسلامی» اطلاعی در دست نیست. اما درمورد قدرت پولی این سازمان کافی است یادآور شویم این قدرت از اوائل انقلاب تا به امروز، رودرروی بانک مرکزی و نظام بانکی، بازار پول و سرمایه و بازار کالای ایران را تحت‌تأثیر دخالتهای خودسرانه‌اش قرار داده است. در مقاطعی در مقابل سیاستهای انقباض پولی بانک مرکزی، سیاست انبساط و تزریق پول به بازار را اتخاذ کرده است. بازاریان فعال در این سازمان، بعضی اوقات، با استفاده از پول هنگفت صندوقهای تحت پوشش خود، به‌هدف بالابردن «مضنه» و قیمت برخی کالاها، به جمع‌آوری و احتکار آنها می‌پرداختند، و پس از کمیاب‌شدن این کالاها در بازار، آنها را به‌قیمتهای دلخواه به بازار عرضه می‌کردند. بانک مرکزی و دولتهای قبل از دولت احمدی‌نژاد بارها برای تحت‌کنترل درآوردن صندوقهای قرض‌الحسنه تحت پوشش این سازمان تقلا کردند اما حریف قدرت و نفوذ سیاسی این سازمان نشدند. در سال ۱۳۷۱، طبق مصوبه دولت، نظارت صوری بانک مرکزی برکار «صندوقهای قرض‌الحسنه» از این بانک سلب گردید و به بهانه کنترل صندوقهای متعددی که پول سپرده‌گذاران را بالا کشیده بودند، این نظارت به «نیروی انتظامی» واگذار شد. در دولت احمدی‌نژاد، برای اولین بار نشانه‌هایی از تفاهم و همکاری دولت به سازمان اقتصاد اسلامی ظاهر شد. در جریان بحران بورس و افت شدید شاخص قیمتها در آغاز کار دولت احمدی‌نژاد، به توصیه رهبر رژیم خامنه‌ای، وخواست دولت، برخی از صندوقهای تحت پوشش سازمان اقتصاد اسلامی به خرید سهام بورس پرداختند و صندوقهای قرض‌الحسنه در بازار بورس، حضور چشمگیرتری پیدا کردند(به‌عنوان مثال صندوق قرض‌الحسنه موسوم به«صندوق قرض‌الحسنه انصارالمجاهدین» در یکروز ۷میلیارد تومان سهام خرید).

۳- صندوقهای قرض‌الحسنه سپاه وبسیج معروف به «صندوق قرض‌الحسنه نوع دوم»

نظارت توأم با دخالت «نیروی انتظامی» رژیم برکار صندوقهای قرض‌الحسنه که از سال ۱۳۷۱ آغاز گردید، به تشکیل و ایجاد صندوقهای قرض‌الحسنه‌یی متعدد وجدیدی منجر شد که بانک مرکزی آنها را «صندوق قرض‌الحسنه نوع دومی» عنوان کرد. به گزارش روزنامه شرق (۲۱مرداد۸۳) مدیران و «صاحبان غالب قرض‌الحسنه‌های نوع دوم» ریشه در مناسبات سنتی ندارند و بیشتر برآمده از نیروهای مسلح و نظامی هستند؛ از تعریف و کارکرد سنتی قرض‌الحسنه هم خارج شده‌اند و به‌مثابه یک مؤسسه مالی و اعتباری مثل یک بانک عمل می‌کنند اما بانکی با ترازنامه مخفی از دید سپرده‌گذاران و نمایندگان دولت رسمی، این پولیزان «نوع دومی» متعلق به «نیروهای مسلح» سپاه و بسیج، در مقابل صندوقهای قرض‌الحسنه تحت پوشش «سازمان اقتصاد اسلامی»، تشکلی موسوم به «اتحادیه قرض‌الحسنه‌های پایاپای» را بر پا کردند. «نوع دومی‌ها با سیستم بانکی تحت مدیریت دولت خاتمی بیش از «نوع اولی»ها درگیری داشتند. در حالی که همه «صندوقهای قرض‌الحسنه نوع اول»، با صدور دسته چک، مدیریت پولی بانک مرکزی را مختل نمی‌کردند، صندوقهای قرض‌الحسنه «نوع دوم» همه باهم به این کار مشغول شدند و بحرانهایی نظیر بحران زمستان سال۸۲ را که در اصفهان پدید آمد، به‌وجود آوردند.

با روی کار آمدن دولت پاسداران صندوقهای «نوع دومی» به این دولت متصل شدند و حضور آنها در معاملات بورس تهران افزایش چشمگیری پیدا کرد. به‌عنوان مثال، دو هفته پس از پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات، درحالی که بورس تهران با افت ۲۷۰واحدی شاخص کل مواجه شد، «صندوق قرض‌الحسنه بسیجیان» به اشاره دولت، ۱۰میلیارد تومان سهام بورس خرید کرد و به حمایت از بازار بورس پرداخت تا افت شدید شاخص سهام، که ناشی از فرار سرمایه‌های غیرحکومتی از این بازار بود، آهسته‌تر شود!

نتیجه‌گیری اولیه

بنا بر آن‌چه در این بخش از نظر گذشت، دولت پاسداران، با دستاویز «شرعی»کردن بخش پولی و بانکی، به‌سمت کشاندن قدرتهای پولی حاشیه‌یی به متن حکومت و یکپارچه‌کردن و متشکل‌کردن آنها تحت مدیریت واحد و امنیتی دولت، روی‌آورده است. نشانه‌هایی از نوعی تفاهم امنیتی و سازش برسر این مسأله، بین دولت احمدی‌نژاد و گردانندگان صندوقهای قرض‌الحسنه غیردولتی، ازجمله در ترکیب هیأت «بازنگری بانکداری اسلامی»، بارز شده است. این‌که دولت احمدی‌نژاد تا چه حد می‌تواند به اهداف ظاهری و اعلام شده این طرح جامه عمل بپوشاند، به‌خودی خود موضوع قابل‌بحثی است، که جای آن دارد صاحبنظران اسلامی و کارشناسان امور پولی و بانکی به آن بپردازند. اما از دید سیاسی امنیتی، مهم آنست که ببینیم، با توجه به فضای داخلی و بین‌المللی حاکم بر رفتار قوه مجریه رژیم، «اسلامگرایی بانکی» جدید، آن‌چنان‌که دولت پاسداران نظام ولایت‌فقیه آن‌را دنبال می‌کند، چه هدفگذاری در عرصه داخلی و منطقه‌یی دارد؟ در بخش بعدی بحث به این مسأله می‌پردازیم.

ادامه دارد

اخبار اعتراضات اجتماعی

مردم خشمگین چابهار در اعتراض به‌کشته‌شدن یک جوان توسط مأموران جنایتکار رژیم چندین دستگاه خودرو رژیم را به آتش کشیدند

مردم خشمگین چابهار روز۲۸مرداد، در اعتراض به کشته‌شدن یک جوان توسط مأموران جنایتکار پاسگاه مرزی این شهر، چندین دستگاه خودرو را به آتش کشیدند.

ارگان پاسدار محسن رضایی، در حالی‌که متعرضان را اشرار می‌نامید، نوشت: «بامداد امروز، اشرار، در مسیر روستای سنگان به مرز پاکستان، در یک اقدام تلافی‌جویانه، به‌دلیل کشته‌شدن یک موتورسیکلت‌سوار در درگیری با مأموران پاسگاه مرزی، چندین خودرو را به آتش کشیدند. آنان همچنین چند دستگاه سواری را نیز به همراه راننگانشان ربوده‌اند که زاره، مسئول آموزش و پرورش بخش دشتیاری چابهار هم در میان گروگانهاست».

رژیم آخوندی برای خنثی‌کردن این حرکت اعتراضی مزدوران خود را به این منطقه اعزام کرده است.

مردم خشمگین بانه به اعتراض به قتل سه نفر توسط مأموران جنایتکار پاسگاه انتظامی بانه را به آتش کشیدند

مردم خشمگین بانه روز ۲۱مرداد در اعتراض به قتل سه نفر توسط مأموران جنایتکار انتظامی دست به تظاهرات زدند و با سر دادن شعارهای ضدحکومتی پاسگاه انتظامی بانه را به آتش کشیدند. این حمله در پی آن صورت گرفت که مأموران نیروی انتظامی رژیم در ورودی شهر بانه بر روی سرنشینان یک خودرو آتش گشودند که براثر آن خودرو آتش گرفت و سه نفر از سرنشینان آن کشته و یک نفر به‌شدت مجروح شد.

مردم بانه پس از این جنایت هولناک دست به تظاهرات زده و در مقابل پاسگاه انتظامی اجتماع کردند. اما هنگامی که مأموران انتظامی به‌منظور متفرق‌کردن مردم به آتش حمله کردند، مردم خشمگین به پاسگاه «سیدلو» حمله کرده و آن را به آتش کشیدند.

درگیری میان مردم خشمگین و مأموران سرکوبگر رژیم به‌طول انجامید و در نتیجه جاده سقز به بانه ساعتها مسدود بود.بنابر گزارش شاهدان، رژیم آخوندی در وحشت از گسترش اعتراض مردم بانه، به این شهر حکومت نظامی اعلام نشده تحمیل کرده و نیروهای زیادی را از شهرهای اطراف به بانه اعزام کرده است. دو تن از کشته شدگان این جنایت هولناک، «ابوبکر و فایق» نام دارند.

لازم به ذکر است که این حرکت اعتراضی جسورانه در حالی صورت گرفت که رژیم آخوندی بسیج گسترده‌یی را برای برگزاری یک مانور سرکوبگرانه در بانه و سایر شهرهای کردستان شروع کرده است.

پاسدار نورالهی، سرکرده بسیج منطقه کردستان، اعلام کرد این مانور در جهت ارتقای آمادگی دفاعی برای مقابله باتهدیدهای احتمالی، دفاع از کوی و برزن، جنگ و گریز مردمی، مقابله با ناآرامیها و دفاع شهری صورت می‌گیرد و سراسر شهرهای استان کردستان را در برمی‌گیرد.

اعتصاب غذای دانشجویان در اعتراض به دستگیری سه دانشجوی پلی‌تکنیک

جمعی از دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور، در اعتراض به بازداشت و شکنجه دانشجویان زندانی، دست به اعتصاب غذا زدند. خبرنامه دانشجویی امیرکبیر روز ۲۵مرداد نوشت: جمعی از دانشجویان دانشگاههای منطقه شرق ایران، همزمان با دانشجویان سایر دانشگاههای کشور دست به اعتصاب غذا زده و در محل مسجد دانشگاه فردوسی مشهد، طی بیانیه‌یی، شکنجه و فشار بر دانشجویان را محکوم کردند.

اعتراض دانشجویان دانشگاه شیراز به‌حذف یک رشته تحصیلی

دانشجویان کاردانی الکترونیک دانشگاه صنعتی شیراز، روز ۲۳مرداد نسبت به حذف مقطع کارشناسی رشته الکترونیک این دانشگاه اعتراض کردند.

دانشجویان معترض اعلام کردند: با وجود آمادگی کلیه فارغ‌التحصیلان کاردانی الکترونیک برای شرکت در کنکور کارشناسی، مقطع کارشناسی این رشته یک روز قبل از کنکور حذف شد و دانشجویان با مشکل جدی مواجه شدند.

اعتراض نمایندگان بیش از ۱۰۰طایفه و عشیره ایل بختیاری علیه قطع سهمیه ارزاق

نمایندگان بیش از ۱۰۰طایفه و عشیره ایل بختیاری در چهارمحال و بختیاری، روز ۲۷مرداد، در مقابل اداره کل امور عشایر در استانداری رژیم تجمع کرده و علیه قطع سهمیه ارزاق اعتراض نمودند.

معترضان گفتند: سهمیه آرد، روغن، قند و دیگر نیازهایی که توسط این اداره به‌تأمین می‌شد، قطع شده و اکنون باید با قیمت گرانتر آن را از بازار آزاد تأمین نمایند.

نمایندگان عشایر معترض افزودند: سابقه سرمایه‌گذاری عشایر در اتحادیه‌های امور عشایری به قبل از سال ۱۳۵۷ برمی‌گردد اما غارتگری کارگزاران رژیم و سوءمدیریت باعث پاشیدگی اتحادیه‌ها وسرگردانی عشایر شده است.

تجمع‌کنندگان که از عشایر چهارمحال و بختیاری ازمناطق ییلاقی شهرستان کوهرنگ بودند اعلام کردند هزار و ۵۰۰خانوار عشایر موفق به دریافت دفترچه آرد نشده‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه دیلمان

بیش از ۴۰۰تن از کارگران کارخانه «دیلمان» در جاده قدیم کرج تهران روز ۲۴مرداد، تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارخانه تولیدکننده وسایل گرمایشی نفت سوز است. کارگران معترض که در مقابل فرمانداری رژیم در کرج تجمع کرده بودند، گفتند پنج ماه است که حقوق آنها پرداخت نشده و با مشکلات زیادی برای تأمین مخارج خود و خانواده‌هایشان روبه‌رو هستند.

اعتراض رانندگان تاکسی بوشهر به جیره‌بندی بنزین

رانندگان تاکسی شهری بوشهر در اعتراض به طرح ضدمردمی جیره‌بندی بنزین، روز ۲۴مرداد، در مقابل استانداری رژیم در این شهر تجمع کردند.

معترضان گفتند: این جیره‌بندی و تعلل در تحویل آن، موجب اخلال در تردد شهری شده است.

در وحشت از اوجگیری این حرکت اعتراضی، سرکرده کلانتری ۱۱ بوشهر در محل تجمع حاضر شد و به تهدید علیه آنان پرداخت.

آثار طرح جیره‌بندی بنزین بر زندگی مردم

طرح جیره‌بندی بنزین که آخوندهای غارتگر بر مردم ایران تحمیل کردند، هر روز پیامدهای مخربی بر زندگی و معیشت مردم می‌گذارد.

در جیرفت، رانندگان تاکسیهای تلفنی در اعتراض به صادرنشدن کارت سوخت ویژه در مقابل فرمانداری رژیم در این شهر تجمع کردند. راننگان معترض گفتند سازمان تاکسیرانی به آنان کارت سوخت ویژه تحویل نداده و در حال‌حاضر سهمیه سوخت خودروهایشان تمام شده است.

در طبس هم راننگان آژانسهای تاکسی تلفنی نسبت به‌جیره‌بندی بنزین اعتراض کردند. معترضان گفتند: ما روزی ۱۲لیتر سهمیه بنزین داریم و با این سهمیه کم امکان سرویس‌دهی به کارگران معدن که ۵۵کیلومتر با ما فاصله دارند را نداریم و حتی برای موارد اورژانسی که در معدن ذغال سنگ برای معدنچیان اتفاق می‌افتد و از ما کمک درخواست می‌کنند، متأسفانه به‌دلیل همین سهمیه ناچیز امکان کمک به کارگران زحمتکش سانحه‌دیده را نداریم.

در ارومیه به‌دلیل مشکل بنزین مجروحان تصادفات و سوانح مختلف به موقع به بیمارستان رسانده نمی‌شوند و درصد ضایعات و نقص عضو مجروحین بیشتر شده است.

یکی از کارکنان اتاق عمل در یکی از بیمارستانهای ارومیه گفت بعد از سهمیه‌بندی بنزین عموماً مجروحینی که برای عمل نزد ما می‌آورند با تأخیر زیاد است و بعضاً کار ازکار می‌گذرد. وی افزود راندمان کار پزشکی نیز به همین دلیل افت کرده است.

در تهران، کارگران شرکت آزمایش می‌گویند جیره‌بندی بنزین، کار در این شرکت را به عصرکاری! برگردانده است. در این شرکت عمده حمل و نقلهای محموله‌ها توسط لیفتراک انجام می‌گرفت، اما با جیره‌بندی بنزین اکثون کلیه حمل و نقل محموله‌ها اجباراً با گاری و فرغون یا سایر وسایل بسیار ابتدایی انجام می‌گیرد.

معترضان گفتند: این فشاری است که به حساب مهرورزی! اعضای دولت، ما باید آن را تحمل کنیم.

در شهرهای استان خراسان شمالی هم طرح ضدمردمی جیره‌بندی بنزین مشکلات جدی برای کشاورزان محروم به‌وجود آورده است. آنان می‌گویند اجرای این طرح استفاده از موتورهای آبیاری، موتورهای سمپاش و سایر ادوات و آلات حمل و نقل را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است.

بانکهای تحریم‌شده رژیم به‌دنبال ایجاد شعبه در کشورهای منطقه جنوب شرق آسیاهستند

بانکهای رژیم ایران که مشمول تحریمهای بین‌المللی شدند یا در معرض این تحریمها هستند، به‌دنبال ایجاد شعب بانکی در کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا می‌باشند.

روزنامه ژاپنی سانکی در شماره ۲۲مرداد خود به نقل از منابع مطلع نوشت: مالزی، اندونزی، سنگاپور و هنگ‌کنگ بانکهایی هستند که بانکهای ملی، سپه و صادرات به‌دنبال ایجاد شعبه در آنها هستند. بانک ملی ایران به‌دنبال آن است که تا چند ماه آینده شعبه‌یی در کشور مالزی افتتاح کند. این منابع می‌گویند رژیم ایران برای مقابله با تحریمهای بانکی، تصمیم گرفته است که به جای اروپا، منطقه جنوب شرق آسیا را محلی برای امکانپذیرکردن معاملات بانکی خود قرار دهد. سانکی افزود: انتظار می‌رود آمریکا از کشورهایی که بانکهای ایرانی قصد ایجاد شعبه در آنها دارند، بخواهد مانع این کار شوند.

تحریم و انزوای جهانی رژیم

دولت فرانسه در حال بررسی یک قطعنامه شورای امنیت برای هدف قراردادن مقامات ارشد رژیم ایران است

خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۲۶مرداد۸۶ گزارش داد: دولت فرانسه در حال بررسی مواد یک قطعنامه جدید شورای امنیت ملل متحد، برای هدف قرار دادن مقامات ارشد رژیم ایران است که با جامعه بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌یی به‌مقابله‌جویی پرداخته‌اند. این خبرگزاری افزود: سخنگوی وزارت خارجه فرانسه روز جمعه ۲۶مرداد در دیدار با خبرنگاران، گفت: «ما در حال بررسی اقدامات بیشتری در چهارچوب یک قطعنامه جدید در شورای امنیت علیه اعضا و حامیان رژیم ایران هستیم که از همکاری با خواستهای جامعه بین‌المللی سرباز می‌زنند».

روز چهارشنبه ۲۴مرداد نیز ژان موریس ریپر، سفیر فرانسه در سازمان ملل متحد، به‌خبرنگاران گفت: رژیم ایران هنوز خواستهای شورای امنیت را اجرا نکرده است و به‌جایی خواهیم رسید که تحریمهای بین‌المللی باید تشدید شوند.

وی افزود: از نظر دولت فرانسه باید در این زمینه کاملاً قاطع بود.

در همین حال، خبرگزاری فرانسه از مقر سازمان ملل متحد در نیویورک گزارش داد، در حالی که آمریکا با هدف قرار دادن سپاه پاسداران، فشار بر رژیم ایران را افزایش داده است، تصویب سومین قطعنامه تحریم علیه رژیم ایران توسط شورای امنیت، به‌دلیل خودداری این رژیم از تعلیق غنی‌سازی اورانیوم اجتناب‌ناپذیر است».

یک مقام هیأت چین در سازمان ملل متحد گفت احتمالاً موضوع تحریمهای بیشتر علیه رژیم ایران درماه سپتامبر در شورای امنیت مطرح شود.

پیتر زیمرمن، عضو سنای آمریکا: ما با واردشدن در مذاکراتی پایان‌ناپذیر به رژیم ایران زمان مورد نیاز برای پیشبرد برنامه اتمی را دادیم

پیتر زیمرمن از اعضای کمیته امور خارجی سنای آمریکا، نوشت: رژیم ایران سه کشور اتحادیه اروپا یعنی بریتانیا، فرانسه و آلمان را بازی داد. این رژیم بیش از ۱۸سال التزاماتش در قبال مقررات ایمنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نقض کرد. رژیم ایران هم‌چنین پیمان ان.پی.تی را با انجام تحقیقات و آزمایشهای مخفیانه نقض نموده است.

زیمرمن طی مقاله‌یی در روزنامه تایمز مالی چاپ انگلستان، افزود: «رژیم ایران برای این‌که برنامه پیشرفته تسلیحات اتمی را پیش ببرد به زمان نیاز داشت، و ما با واردشدن در مذاکراتی پایان‌ناپذیر با این رژیم این زمان را به او دادیم».

وی نوشت: رژیم ایران مدعیست که حق لایتفک خود می‌داند از تکنولوژی اتمی برخوردار باشد چون آن را صلح‌آمیز می‌داند. اما برعکس، این رژیم به‌دلیل این‌که قسمتهای مهمی از توافق‌نامه مقررات ایمنی آژانس را نقض کرده از این حق برخوردار نیست. غرب و روسها و چین به‌خاطر اکراهشان در اعمال تحریمهای مؤثر بر ایران در دو یا ۳سال قبل، باید بهای نزدیک‌شدن رژیم ایران به سلاح اتمی را بپردازند. در چنین شرایطی بازهای آمریکا به‌همراه نومحافظه‌کاران، دولت جرج بوش را برای برنامه شدیدتر و حملات نظامی علیه رژیم ایران تحت فشار قرار دادهاند. اگرچه باید گزینه نظامی در چشم‌انداز باشد اما برجسته‌کردن این طرح در حال حاضر کار صحیحی نیست»(تایمز مالی ۲۶مرداد۸۶).

آخوند اژه‌ای گوشخوار و باز مصرف شاگرد جلاد اوین سعیدشاهسوندی

حکم دادگاه جوامع اروپا مبنی‌بر لغو برچسب تروریستی علیه مجاهدین خلق ایران و باطل اعلام کردن این برچسب ناعادلانه، رژیم ضدبشری آخوندی را در وحشت و هراسی تکان‌دهنده فرو برد. چرا که میلیاردها دلار باج ارزانی به سردمداران ممامشات در اتحادیه اروپا برای استمرار محدودیت علیه سازمانی که آرمان آزادی مردم ایران را به پیش می برد، و تعهد آنها مبنی بر نگاه داشتن سازمان مجاهدین در لیست تروریستی، با حکم عالی‌ترین دادگاه اروپا، با شکستی تمام عیار روبه‌رو شده بود. در چنین شرایطی رژیم علاوه بر التماس‌ودرخواست سردمداران ممامشات در اتحادیه اروپا برای سرپیچی از حکم دادگاه عدالت اروپا ، تمامی مزدبگیران لوزنه خود را نیز بسیج کرد تا پیروزی عدالت بر سیاست زدوبند را که پیروزی مردم ایران بود مخدوش کنند. از جمله این تلاش و تقلاهای مذبوحانه، به‌کار گرفتن مزدوری بود که سالهاست کوس رسوایی خیانت ها وجنایاتش علیه مردم ایران و فرزندان دلیرش، در داخل و خارج کشور به‌صدا درآمده است.

این مزدور شاگرد جلاد اوین سعید شاهسوندی است که سیمای آزادی تلویزیون ملی ایران، و در افشای پرونده توطه های رژیم آخوندی در تاریخ اول مردادماه جاری طی برنامه‌یی، گوشه‌یی از تلاش‌ها و سوابق وی را بر ملا کرده‌است.

جنجال با انقلاب حقوقی وترس آخوندها؟

سایت وزارت اطلاعات آخوندی (نگاه نو ۴۲می‌ماه ۸۵) مصاحبه حسین مهری با سعید شاهسوندی را به‌شرح زیر پخش کرد:

حسین مهری:« ...در ارتباط با این دادگاه فرانسوی است که به مجاهدین خلق اجازه داد...(نامفهوم)...اون نقدینگی‌های خودشون رو باز یابند و ظاهرا" اونها را از لیست تروریست‌ها خارج کردند. لیست فرانسوی تروریست‌ها درست میگم؟»

شاگرد جلاد اوین: «نه . . . . . مجاهدین این داستان را با مقداری هووجنجال تبلیغاتی تبدیل کردند به خروج از لیست تروریستی اروپا. در حالی‌که لیست تروریستی اروپا در حالی‌که اخبار بعدی نشان داد حقیقت این‌طور نبوده ... ولی خود آزاد شدن حساب‌های بلوکه شده آنها فی‌النفسه خروج از لیست نیست ولی خوب مجاهدین نیاز داشتند به‌خاطر اینکه سالها در انزوا بودند ....

مجاهدین متأسفانه با نیروی سازمانیافته و متشکل منتهی با ذهنیت‌های بسیار خشک ایدئولوژیک و فرقه‌یی شده... به‌هرحال بخشی از نیروی جوان و مردم ایران هستند که در این وضعیت دچار شدند ...ولی این عاقبت کارشون هست ....».

در حالی که سیاستمداران و حقوقدانان اروپا و جهان اتفاق نظر دارند که حکم دادگاه عدالت اروپا در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۶ مبنی بر لغو برچسب تروریستی شورای وزیران اتحادیه اروپا علیه مجاهدین، یک رخداد بی‌سابقه و یک انقلاب قضایی و حقوقی است و در این زمینه شورای وزیران اتحادیه اروپا و وکلای آن نیز مات‌ومبهوت مانده‌شده‌اند، باید پرسید که چرا رژیم آخوندی و پادوهای جلاد و شاگرد جلادش یهوده می‌کوشند تا از اهمیت این حکم بکاهند و آن را جاروجنجال قلمداد کنند؟ به‌خصوص که بیان چنین اظهارنظری هیچ کودکی را هم نمی‌فریبد و فقط درماندگی و بلاهت رژیم و مزدوران و بلندگوهای ۲۴ساعته و زنجیره‌یی آن‌را برملا می‌کند.

در پاسخ باید گفت تنها هدف از این یاوه‌سرایی روحیه‌دهی به کارگزاران ترسان نظام و به نیروهای در حال ریزشی است که در پی لغو برچسب تروریستی مجاهدین توسط دادگاه عدالت اروپا، دچار وحشت و اضطراب شده‌اند، حاصل توطه‌های دهها میلیارد دلاری و زدوبندهای آخوندها از کیسه ملت ایران را بردادرفته می‌بینند و می‌دانند که برداشته‌شدن چنین راهبندی از پیش‌پای مجاهدین به‌ویژه در شرایطی که جو جامعه بیش از هر زمان دیگر انفجاری شده‌است، کابوس سرنگونی را در پیش روی آخوندها قرار میدهد.

سه‌سال پیش در پائیز سال ۱۳۸۳(۲۰۰۴) تروئیکای اروپایی با اشراف به همین واقعیت، حفظ نام مجاهدین در لیست تروریستی را به عنوان بهترین مشوق به فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران پیشکش کرد و در پیشنویس قرارداد خود با رژیم ایران، نوشت: «برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، آن‌هم تا زمانی که به یک قرارداد دراز مدت قابل قبول برسیم، اتحادیه اروپا به‌نگرستن به مجاهدین خلق به‌عنوان سازمانی تروریستی ادامه خواهد داد».

امری که به‌خاطر نقض عرف‌واخلاق و قوانین جهانی، اعتراضات گسترده بین‌المللی را برانگیخت.

پس قابل فهم است که وقتی آخوندها با حکم دادگاه عالی اروپا مبنی بر حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی مواجه می‌شوند، این‌چنین سراسیمه می‌شوند و به هر خس و خاشاکی چنگ می‌زنند و حتی برگهای سوخته خود را نیز بازمصرف می‌نمایند

مصرف شاگرد جلاد در جنایاتهای رژیم در عراق

از آن‌جایی که تداوم جنایت وکشتار در عراق مایه حیات حکومت آخوندی است ولی از طرف دیگر با رسوایی جهانی و نفرت شدید مردم عراق و منطقه روبه‌رو شده است، این امر باعث شده که در این زمینه نیز وزارت اطلاعات علاوه بر همه نمایشهای جمعه‌ورسانه‌های حکومتی، کارتهای سوخته و زنگ‌زده خود را هم وارد صحنه کند وآنها را نیز از شراکت در جنایات تروریستی سپاه قدس بی‌نصیب نگذارد. مزدورانی مثل شاهسوندی هم اگر در این جا بمعدد پاسداران و تروریستهای ولی‌نعمت خود نشانند، پس دیگر چه مصرفی برای اژهای دارند. از این روست که وقتی دخالتهای رژیم در عراق و عوامل مزد بگیرش در دولت و ارگانهای عراق توسط مجاهدین در لیستی ۳۲ هزار نفره افشا می‌شود، بازهم سروکله این مهره آخوندها پیدا می‌شود.

سایت اطلاعات آخوندی نگاه نو روز سی ام تیرماه ۱۳۸۵ -«گفتگوی حسین مهری با سعید شاهسوندی (قسمت ۸۰) را در این باره پخش می کند:

حسین مهری:«آقای سعید خان من می‌خواستم بپردازم به اظهارات نخست‌وزیر عراق... آقای نوری المالکی

شاهسوندی: و اما در مورد مصاحبه آقای نوری المالکی، نخست‌وزیر کنونی عراق یا نخست‌وزیر دائم عراق

ایشون اظهاری که کرده که خیلی مهم هست این هستش که مجاهدین بیش از اندازه در امور داخلی عراق مداخله می کنند که گویی یک سازمان عراقی هستند این شامیت صحبت ایشونه .

همچنین سایت نگاه نو در تاریخ ۱۳بهمن ماه ۸۵ گفتگوی دیگری از حسین مهری با سعید شاهسوندی را پخش می کند:

حسین مهری :« خیر گز ا ری آسوشیتدپرس خبرداده که دولت عراق فعالیت مجاهدین خلق را در عراق ممنوع اعلام کرده و علی دباغ اعلام کرده که دولت عراق فعالیت مجاهدین خلق را در خاک عراق ممنوع اعلام می‌کند...می‌شه توضیحی بدهید؟اگر اطلاعاتی دارید؟»

شاگرد جلاد اوین: «سازمانی که خودش را شیعی و در خدمت خلق قهرمان می‌دانست تبدیل شده در سایتهای خودش به دروغ یا به راست، حالا کار ندارم، لیست منتشر می‌کنه اسامی ۳۲۰۰۰نفر به‌گفته خودش از عوامل رژیم ایران را در عراق منتشر می‌کند ... این ادعا بسیار بزرگ ولی انتشار یک چنین چیزی در واقع تمام، بخش اعظم شیعیانی را که در کشور عراق هستند و بسا ایرانی نیستند را این سازمان، وجهه همت خودش قرار داده تخریب در روابط آن دولت عراق را. ... دولت عراق اعلام کرده که دولت عراق فعالیت مجاهدین خلق را در خاک عراق ممنوع اعلام می‌کند...می‌شه توضیحی بدهید؟اگر اطلاعاتی دارید؟»

شاگرد جلاد اوین: «سازمانی که خودش را شیعی و در خدمت خلق قهرمان می‌دانست تبدیل شده در سایتهای خودش به دروغ یا به راست، حالا کار ندارم، لیست منتشر می‌کنه اسامی ۳۲۰۰۰نفر به‌گفته خودش از عوامل رژیم ایران را در عراق منتشر می‌کند ... این ادعا بسیار بزرگ ولی انتشار یک چنین چیزی در واقع تمام، بخش اعظم شیعیانی را که در کشور عراق هستند و بسا ایرانی نیستند را این سازمان، وجهه همت خودش قرار داده تخریب در روابط آن دولت عراق را. ... دولت عراق ایران هستند...یعنی دشمنی بی‌پایان، بدون منطق، حتی انفجار حرمین سامرا را به جمهوری اسلامی نسبت دادند ...آخرین خبر اینه که براساس گفته های آقای دباغ کمیسیونی تشکیل شده از آمریکایی‌ها، دولت عراق و سازمان مجاهدین ... برای بررسی تعیین‌تکلیف این گروه، این‌که بشود ۱ماه یا ۶ماه یا یکسال دیگه من غیبگو نیستم...»

دم خروس البته خمینی

جالب‌تر این که شاگرد جلاد خودش اذعان می‌کند که دعوا قبل از آن که برسر دادگاه اروپا باشد با برسر دخالتهای رژیم در عراق، برسر سرنگونی حکومت آخوندی و جنایتکار آخوندی که هر روز در جنایاتهای شهر های ایران بساط داروشکنجه مردم ایران و جوانان و زنان را برپا کرده، و طی ۲۹سال حاکمیتش ایران را چند قرن به عقب برده‌است، بهتر از مجاهدین است.

سایت وزارت اطلاعات (نگاه نو آبان۸۵) صحبت سعید شاهسوندی با حسین مهری.

شاهسوندی: «امروزه سازمان مجاهدین تاثیری روی تحولات ایران ندارد که هیچ سهل است، بلکه اگر روزی مردم ایران را مخیر بکنند بین حکومت جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین، من امروزه اینو میگم تا عدمیی فردا به من فحاشی خواهند کرد، می‌دانم این گفته کمی سنگینی است و عدمیی از نیروهای مجاهدین خواهند گفت ببینید این دم خروس سعید درآمد از لای قبا...این جملات. ولی بنده بر این باور هستم روزی رژیم ایران را مخیر بکنند بین حکومت جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین، من امروزه اینو میگم تا عدمیی فردا به من فحاشی خواهند کرد، می‌دانم این گفته کمی سنگینی است و عدمیی از نیروهای مجاهدین خواهند گفت ببینید این دم خروس سعید درآمد از لای قبا...این جملات. ولی بنده بر این باور هستم که با همه نارضایی‌ها و حتی نفرتی که مردم از نظام کنونی دارند اگر روزی روزگاری مخیر بشوند بین این حکومت جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین، و حتی در یک انتخابات آزاد، مجاهدین شانسی نخواهند داشت.

و مردم احمق نیستند که بد را با بدتر جایگزین کنند.

نگاهی کوتاه به سوابق شاگرد جلاد

دوران خدمتگزاری شاگرد جلاد به آخوندها به۴دوره تقسیم می‌شود.

دوره اول: آموزشهای تئوری و عملی در دانشگاه اوین زیر نظر لاجوردی و کارآموزی حدود ۶ماهه در شکنجه و تیر خلاص زدن.

دوره دوم، جاسوسی در میان اقوام و آشنایان سابق و به زندان و شکنجه کشاندن شمار کثیری از هواداران مجاهدین در میان آشنایان سابق

دوره سوم خدمتگزاری سعید شاهسوندی، شرکت در سریالهای تلویزیونی و جنگ روانی آخوندها علیه مجاهدین.

و دوره چهارم، اعزام به خارج کشور و شرکت در توطئه‌های آخوندها در خارج کشور می‌باشد.

یکی از رزمندگان شهر اشرف و از اهالی شیراز در مورد شاگرد جلاد و سوابق جنایت‌بارش می‌گوید: «سعید شاهسوندی پس از این که در صحنه‌های نبردفروغ‌جاویدان، زیونانه‌وباالتماسهای عاجزانه خود را به مزدوران بسیج تسلیم نمود، به‌همکاری با رژیم پرداخت و در زندان اوین، مراحل آموزش شکنجه و بازجویی را در مکتب لاجوردی جلاد آموخت و به‌عنوان شاگرد جلاد کار خودش را رسماً آغاز کرد. پس از یک دوره فعالیت و کارآموزی با شرکت در بازجویی، شکنجه و اعدام جوانان مجاهد و مبارز میهن، ابتدا تلفنی و در مراحل بعد طی سفر به شیراز تحت نظر دژخیمان، با سوء استفاده از عدم اطلاع اقوام و آشنایان سابقش از وضعیت کنونی او، به جاسوسی و شناسایی هواداران مجاهدین و کشاندن آنها به قرارهای خیابانی و به‌تور انداختن آنها پرداخت. در جریان این اقدامات جنایتکارانه شماری از هواداران قدیمی مجاهدین راهی زندان و شکنجه‌گاه شدند.

در پائیز سال۶۷، شاگرد جلاد که تحت نظر مأموران به شیراز رفته بود، با سوء استفاده از آشنایی‌های قبلی با اعضای خانواده من، ضمن تماس و معرفی خودش به‌عنوان عضو مجاهدین، شروع به جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی نسبت به کلیه نفرات خانواده‌ام کرده، بدین‌وسیله باعث احضار، دستگیری، اسامی ۳۲۰۰۰نفر به‌گفته خودش از عوامل رژیم ایران را در عراق منتشر می‌کند ... این ادعا بسیار بزرگ ولی انتشار یک چنین چیزی در واقع تمام، بخش اعظم شیعیانی را که در کشور عراق هستند و بسا ایرانی نیستند را این سازمان، وجهه همت خودش قرار داده تخریب در روابط آن دولت عراق را. ... دولت عراق ایران هستند...یعنی دشمنی بی‌پایان، بدون منطق، حتی انفجار حرمین سامرا را به جمهوری اسلامی نسبت دادند ...آخرین خبر اینه که براساس گفته های آقای دباغ کمیسیونی تشکیل شده از آمریکایی‌ها، دولت عراق و سازمان مجاهدین ... برای بررسی تعیین‌تکلیف این گروه، این‌که بشود ۱ماه یا ۶ماه یا یکسال دیگه من غیبگو نیستم...»

مصرف شاگرد جلاد: از زدن تیر خلاص تا تواب‌سازی

جمهوری اسلامی
۶/خرداد/۶۸
گفتگوی سعید شاهسوندی
با دانشجویان دانشگاه تهران
بطور می توانید تویه‌تان را اثبات کنید؟
ج: من گفتم و تکرار می کنم که مردم حق دارند قبول نکنند. در مورد اثبات توبه، مرحله اول و گام اول اعتراف و اذعان به خطاها و اشتباهات است و علت تقصیر خواستن است و اگر عمری باقی بود و امکاناتی به انشای هر چه بیشتر سازمان و مجموعهٔ روابط سازمان با قدرتها و تلاش برای برگرداندن افراد سازمان خصوصاً در دل ها و مردمها و بالاخره حل شدن و محو شدن در مردم تحت رهبری امام. من هم محو خواهم شد در این خط و تا حد توان در این راه گام برخواهم داشت.

فاشیسم آخوندی در فاز شکست و بن‌بست (۸)

مهیار برومند

یادآوری: در قسمت قبلی این مطلب زیر عنوان: مقابله با مجاهدین و مخالفان رژیم مهمترین وظیفه وزارت اطلاعات و وزارت خارجه فاشیسم آخوندی، گفتیم که: «سرپا نگهداشتن لانه رسوا شده خط مماشات با ایجاد زمینه‌های دیپلماتیک وسیاسی وگسترش روابط تجاری با دول مربوطه انجام می‌شود، که شاخص آن قرار دادن نام نیروی محوری مقاومت مشروع مردم ایران در لیست تروریستی است. اینک تلاش برای ابقای آن در لیست مفتضح وغیرقانونی از جمله وظایف اصلی شبکه اطلاعاتی و تروریستی آخوندها در خارج محسوب می‌شود. متناسب با هر دوره و نیاز فوری رژیم حجم تحرکات وفعالیت حول مجاهدین، بالا وپائین رفته ولی هیچ‌گاه طی ۲۸سال گذشته متوقف نشده‌اند. در این میان تجربه ثابت نموده است که رژیم آخوندی با هر دولت وکشوری در چهارچوب خط استمالت وممامشات با فاشیسم ملایان، مناسبات تجاری گسترده‌تر و مراودات سیاسی بیشتری دارد، وبه‌درخواست ملایان فشار ومحدودیت بیشتری علیه مقاومت مردم ایران و دیگر مخالفان رژیم اعمال شده، در همان کشور از فعالیت تروریستی و اطلاعاتی و... بالاتری برخوردار است و با دست باز اهداف بنیادگرایانه خود را دنبال می کرده و می‌کند». سپس به بررسی برخی ازاستاد و فاکتها پرداختیم.

در ادامه این مطلب، توجه شما را به یکی دیگر از تجمعهای فرمایشی که توسط سفارت رژیم آخوندی در فرانسه، برای نمایش مخالفت با قاطعیت بین‌المللی درقبال ماجراجوییهای اخیر رژیم تدارک دیده شده بود، و در بروکسل برگزار شد، جلب می‌کنیم: سفارت رژیم در فرانسه علی اطلاعیه‌یی اعلام کرد «تظاهرات جامعه ایرانیان مقیم فرانسه در بروکسل، خرداد ماه و در حمایت از ایران برگزار می‌شود»

خبرگزاری حکومتی فارس در این باره نوشت: «جامعه ایرانیان مقیم فرانسه ۱۷خرداد ماه (۷ ژوئن) از ساعت ۱۵ الی ۱۷ در مقابل ساختمان اتحادیه اروپا در بروکسل در حمایت از جمهوری اسلامی ایران تظاهرات می‌کنند».

درمورد این فعالیتها کمیسیون مطالعات سیاسی شورای ملی مقاومت در تاریخ ۲۴خرداد۱۳۸۶ (۱۴ژوئن ۲۰۰۷) اطلاعیه‌یی صادر کرد که قسمتهایی از آن بدین شرح است:

«سفارت آخوندها در فرانسه، یکی از مراکز اصلی رژیم در اروپا »

نقش مأموران و انجمنهای پوششی وزارت اطلاعات در فرانسه

بر اساس اطلاعات و گزارشهای موثق دریافتی از درون رژیم، شورای‌عالی امنیت آخوندها، وزارت خارجه و وزارت اطلاعات را مؤظف کرده است که به‌موازات تشدید سرکوب در داخل کشور و مقابله وحشیانه‌تر با اعتراضات مردمی، با فعال‌کردن و گسترش کانونها و شبکه‌های پوششی، زمینه فعالیتها و اهداف جاسوسی، اطلاعاتی و تروریستی خود را علیه مقاومت‌ایران هموار سازند.

نیاز فزاینده رژیم به گسترش این کانونها و شبکه‌ها، از یک‌سو ناشی از لوجگیری بحرانهایی است که رژیم در مرحله انحلال و اضمحلال با آن روبه‌روست و از سوی دیگر واکنشی است در قبال خطر فزاینده‌یی که رژیم از جانب مقاومت ایران و اکثریتاتیو دموکراتیک احساس می‌کند. ذیلاً گذشته گزارشی که بر مبنای اطلاعات به‌دست آمده از رژیم تهیه گردیده ارائه می‌شود:

موقعیت سفارت رژیم در فرانسه، در اروپا

درپی افشاگریهای مؤثر مقاومت ایران درباره مرکز جاسوسی و تروریستی رژیم در سفارت آخوندها در آلمان، رژیم ناگزیر شد در این رابطه محتاط‌تر باشد و به جای آن، موقعیت سفارت خود در فرانسه را ارتقا داد و به یکی از مراکز اصلی رژیم در کل اروپا تبدیل کرد. درنتیجه مأموریتها و نقش این سفارت از هرجهت (از جمله در حیطه‌های جاسوسی، اطلاعاتی، صدور بنیادگرایی و تروریسم) گسترش یافت. به‌خصوص که در دوران شیراک، دولت فرانسه در جایگاه حامی شماره یک رژیم در اروپا قرار گرفت. در همین دوران بود که معاملات و زدوبندها بین طرفین به‌خصوص حول مهمترین خواسته و نیاز آخوندها، مبنی بر اعمال فشار و محدودیت و پرونده‌سازی علیه مقاومت ایران از یک‌سو و نیازها و مطامع اقتصادی دولت وقت فرانسه از سوی دیگر، ابعاد شگفت‌انگیز و بیسابقه‌یی پیدا کرد.

بالارتقاموقعیت سفارت آخوندها در فرانسه، تعداد پرسنل آن به بیش از ۵۰دیپلومات، تروریست و کارگزار اطلاعاتی افزایش یافت. در حالی که تعداد پرسنل سفارتهای رژیم در سایر کشورهای اروپائی از ۱۰ـ۱۵ نفر فراتر نمی‌رود. ضمناً سفیر رژیم در فرانسه، در موضع سفیر ارشد رژیم در اروپای غربی قرار دارد و در حال حاضر سفارت آخوندها در بلژیک را نیز مستقیماً زیر نظر دارد. علی آخنی قبلاً سفیر رژیم در بلژیک بود، اما پس از روی کار آمدن احمدی‌نژاد به سمت سفیر رژیم در فرانسه منصوب شد. در حالی که از دوره ماموریت صادق خرازی در این پست، هنوز یکسال باقی بود.

نکته دیگر این که رایزن علمی رژیم در فرانسه، مسئولیت رایزنی علمی در کل اروپا به‌جز انگلستان را به‌عهده دارد.

نمایندگی وزارت علوم و دانشجویان بورسیه، در سفارت مستقر است. نماینده وزارت علوم، محمدحسین عبدالهی‌نام دارد که فبلاً در دانشگاه امام حسین سپاه پاسداران بوده‌است.

مسؤلان و کارگزاران وزارت اطلاعات در سفارت:

۱. محمد شیرازی، مسؤل و گردانتده اصلی دستگاه اطلاعاتی رژیم در فرانسه

۲. غلامرضا جعفری، معاون شیرازی

۳. یغما، از کارگزاران اطلاعاتی

۴. حیدری یک کارگزار دیگر اطلاعات

علاوه بر عناصر فوق‌الذکر، شمار دیگری از کارگزاران و پرسنل سفارت، از جمله دو کارمند محلی به‌نامهای بهروز ترک‌زاده و مهدی جمشیدی نیز در ارتباط باپخش اطلاعات سفارت هستند. برخی از اعضای خانواده‌های کارگزاران وزارت اطلاعات در سفارت نیز از دست اندرکاران و پرسنل رسمی همین بخش هستند و کارها و مأموریتهایی را در این زمینه به‌عهده دارند. ازجمله افسانه رنجبران که همسر غلامرضا جعفری است، یک انجمن پوششی به نام «انجمن فرهنگی و هنری خورشید» در فرانسه به ثبت داده و برخی برنامه‌ها و کنفرانسهای اطلاعات و سفارت آخوندی در فرانسه را تحت پوش آن برگزار می‌کند.

بخش اطلاعات در سفارت، اهداف خود را عمدتاً به وسیله مأموران و انجمنهای پوششی وزارت پیش می‌برد. اما تلاش می‌کند آنها را اپوزیسیون یا حد اقل غیراوبسته به رژیم جلوه دهد.

اهداف بخش اطلاعات سفارت

مهمترین این اهداف عبارتند از:

ـ جذب: تحت فشار قراردادن و تهدید و تطمیع مخالفان و پناهندگان سیاسی، به‌منظور به ندامت و تسلیم کشاندن آنها و برقراری رابطه با سفارت رژیم و رفت‌وآمد به ایران تحت حاکمیت ملایان.

ـ خنثی‌سازی: نفوذ و تبلیغ برای پاسیوکردن جریانها و محافل سیاسی و ایرانیان مخالف، به‌خصوص از مبارزه برای سرنگونی رژیم آخوندی، و تلاش مستمر و همه‌جانبه برای ممانعت از نزدیک شدن، همراهی و اتحاد با اپوزیسیون اصلی و نیروی سرنگونی طلب.

ـ اتهام: ترور یکی از ابزارها و شیوه‌های شناخته‌شده دیکتاتوری مذهبی آخوندی است، به‌طوری که به عنوان پدر خوانده و بانک مرکزی تروریسم توصیف می‌شود. بیش از ۴۵۰ عملیات تروریستی در خارج کشور که بسیاری از آنها برضد مخالفان رژیم به‌ویژه مسئولان واعضای مجاهدین و مقاومت صورت گرفته، در کارنامه سیاه این رژیم ثبت شده است.

علاوه براین رژیم آخوندی با بهره‌گرفتن از سیاست ممامشات دولتهای غربی، هدف اتهام اپوزیسیون اصلی خود را از طریق زدو بند و معامله با آنها و دادن انواع امتیازهای اقتصادی در ازای قرار دادن نام مجاهدین در لیستهای تروریستی، بمباران قرارگاههای ارتش آذربایجان، شبه‌کودتای ۱۷ژوئن برضد مقاومت در فرانسه و اعمال فشارها و محدودیتهای مختلف توسط آنها دنبال کرده است

ـ بنیادگرایی: هدف مهم دیگر و زمینه دیگر فعالیتهای بخش اطلاعات سفارت، گسترش بنیادگرایی از طریق ایجاد و تقویت شبکه‌های بنیادگرا در بین جوامع مسلمان و ملیتهای دیگر ساکن کشورهای اروپایی ازجمله در فرانسه می‌باشد.

مأموران و انجمنهای پوششی وزارت اطلاعات در فرانسه

علاوه بر کارگزاران وزارت اطلاعات که در سفارت رژیم تحت عنوان دیپلومات و با استفاده از پوش و مصونیت دیپلوماتیک، اهداف و پروژه‌های محوله را دنبال می‌کنند، وزارت اطلاعات ماموراتی را با زست اپوزیسیون به خارجه اعزام کرده یا در کشورهای خارجی به استخدام خود درآورده و به وسیله آنها بسیاری از پروژه‌های خود برضد پناهندگان سیاسی، به‌خصوص علیه مقاومت ایران را به‌اجرا می‌گذارد. به این منظور انواع و اقسام انجمنها و کانونهای پوششی با عناوین جعلی و فریبکارانه فرهنگی، حقوق‌بشری، حمایت از پناهندگان و...توسط همین مأموران به‌ثبت داده و تأسیس کرده است.....

فاکتهای بالا که صرفاً برای نشان‌دادن ابعاد مختلف فعالیتهای تروریستی و ضدایرانی فاشیسم ملایان در خارج از ایران می‌باشد را در قسمت بعدی ادامه می‌دهیم تا بتوانیم درک روشنی از کارزار عظیم سیاسی که طی سه دهه گذشته میان مردم و مقاومت آنها از یکسو و رژیم آخوندی از سوی دیگر در جریان است، به‌دست آوریم.

ادامه دارد.

آنهایی که پمپ‌بنزینها را به آتش کشیدند کجای «صد» بودند

حسن باقرزاده

وقتی مردم تهران با یک خبر چنان به خروش و خشم درآمدند که «شب تاریک تهران» را با به‌آتش کشیدن پمپ‌بنزینها و آتش خشم خود به روز تبدیل کردند، و وقتی به‌هنگام آتش‌زدن پمپ‌بنزینها شعار مرگ‌بر احمدی‌نژاد سردادند و گفتند: «توپ، تانک، فتفشه، احمدی‌نژاد کشته‌شه» همه آخوندها به خود لرزیدند. حالا سؤال این‌جاست که خروش خشم خلق از خوشحالی بود و یا از نفرت نسبت به حکومت آخوندی که نان سر سفره‌شان را هم به یغما بردند.

اگر در جستجوی این سؤال سراغ دلقک نظام یعنی احمدی‌نژاد برویم می‌گوید مردم از خوشحالی و این‌که آنها چون دیگر پمپ‌بنزین نمی‌خواهند، با طرح جدید اضافی است اینها را به آتش کشیدند و می‌گوید مردم دیگر نمی‌خواهند با ماشین در شمال تهران پرش کنند!! و اضافه می‌کند که چه کسی گفته مردم مشکل دارند، ۵درصد مردم که اصلاً مشکلی ندارند، ۱۵درصد باقی می‌مانند، که ۱۰درصد آن واقعی نیست، می‌ماند ۵درصد که تازه این ۵درصد هم الان مشکل ندارند، ممکن است بعداً دچار مشکل شوند، آن هم این‌که کسی بخواهد برای روز مبادا سوخت ذخیره کند که احتمالاً با مشکل دبه برای ذخیره سوخت مواجه خواهد بود.

این جوک نظام به‌نظر می‌آید معنی و مفهوم درصد را نمی‌داند، ولی می‌داند که جمع همه آنها باید بشود صددرصد، و به‌خاطر این‌که زودتر به صددرصد برسد باید ۸۵درصد آن‌را یک‌جا ببرد ۱۰درصد آن‌را هم که برایش حرفی ندارد بگوید هیچی و در مورد ۵درصد باقی مانده لغز بخواند.

دو نفر دوست به‌هم رسیدند یکی پرسید شما صبحانه چی می‌خورید؟ دوستش که نخواست زیاد آبروریزی شود گفت روز شنبه و یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه، نان‌وپنیر و چهارشنبه و پنجشنبه، نان‌وپنیر و جمعه هم مثل سه‌شنبه، دوستش گفت شما وضعتان خوب است ما هر روز نان‌وپنیر می‌خوریم.

آیا باید حرفهای دلقک نظام را به حساب نفهمی او گذاشت که اساساً با این آمار و ارقام ریاضی سرو کار ندارد و نمی‌داند چه بگوید و یا بایستی گفت در سرهمکردن ترهات در مدرسه دولی‌فقیه درس خوانده است. که البته دومی درست‌تر است، چون هفته پیش وقتی رادیو جوان، ارگانی در همین رژیم کار خودبه‌خودی کرده بود و میزان محبوبیت احمدی‌نژاد را از طریق تلفن نظرسنجی کرده بود و خواست اعلام بکند، آن‌قدر افتضاح بود که نه تنها مانع پخش این درصد واقعی شدند بلکه دو تن از کارکنان این رادیو را هم دستگیر کردند. چون احتمالاً لو رفته بود که ۹۸درصد مردم ایران او را دلقکی بیش نمی‌دانند و دو درصد بقیه هم که ابراز علاقه کردند گفته‌اند که ما از کودکی به حیوانات علاقه داشتیم.

پس می‌بینیم که این طور جاها که عدد درصد واقعی می‌خواهد بیان شود دیگر برای رژیم ولایت فقیه خوب مفهوم است که دست‌زیا خطا نکند، و جایی است که دیگر نمی‌شود ترهات به‌هم بافت.

اما روشن است که جیره‌بندی سوخت و قطع‌شدن نان سفره کسانی که با ماشین امرار معاش می‌کردند پیامدهای به آتش‌کشیدن ۵۰پمپ‌بنزین در یک شب را به‌همراه دارد.

اگر در مطبوعات و رادیو تلویزیونهای همین رژیم که بسیاری از واقعیات را ناسنور می‌کنند بگردید بازتاب وحشتناک این تصمیم‌گیری ضدمردمی به‌خوبی دیده می‌شود، آن‌جا که حتی مردم برای بردن بیماران خود به بیمارستان آمبولانس ندارند چون سوخت نیست و برای انتقال اجسادشان به بهشت زهرا آمبولانس ندارند به‌طوری که روزنامه‌ها به طنز نوشتند تا اطلاع ثانوی مردن ممنوع است.

زمان این دجالیها تمام شده است و مردم ایران خودشان می‌دانند چه باید بکنند و حرفهای این ملیجک که نیروهای زُریم را هم بی‌آبرو کرده است، چیزی نیست جز این‌که قبله نزدیکتر خشم خلق را به انفجار نهایی نزدیکتر می‌کند

بنابراین آنها که پمپ‌بنزینها را به آتش کشیدند خود «صد» بودند که این طوری بالاترین خرمهره رژیم را به رقص درصدخوانی کشانده بود. به همین دلیل به جای حل مشکل و درمان درد مردم به اعدام آنها رو آورده است، راهی که بیش‌ازپیش رژیم را به سرنگونی محتوم خود نزدیکتر می‌کند. مردم ایران فقط یک مشکل دارند و آن صددرصد این رژیم کثیف آخوندی است و خودشان و مقاومت سازمانیافته‌شان حساب این رژیم را کف دستش خواهند گذاشت، که آن روز دور نیست.

جـــاده صـــاف کـــنهای جـــنگ

در باره سیاست اپیزمنت غرب در مقابل فاشیسم در دهه سی قرن بیستم

دکـــتر کـــریم قصـــیم

اپیزمنت در لفظ به‌معنای آرام کردن یک مشاجره و جلب رضایت از راه اجابت خواسته است. در سیاست خارجی این مفهوم اولین بار در دهه سی قرن پیش، به مثابه نوعی دیدگاه سیاسی و روش عملی در مقابل دیکتاتوریها مطرح شد.

بنا به استناط میتکران این خط‌مشی، سیاست اپیزمنت می‌توانست با استمالت و دلجویی از دیکتاتورها و راه‌آمدن و مماشات فعال با آنها، یعنی با امتیاز بخشیدن و پذیرفتن حتی تدارک و تنظیم دیپلوماتیک ـ عملی خواستهای توسعه‌طلبانه آنها از راه مذاکره و حصول قرارداد، البته به ضررطرف سوم، صلح در اروپا راحفظ نماید.

هدف اعلام شده این سیاست، پرهیز و جلوگیری از وقوع جنگ میان قدرتهای بزرگ اروپایی بود، اما به شهادت تاریخ، هرچه سیاست اپیزمنت بیشتر پیش رفت، دیکتاتورها و جنگ‌طلبان و در رأس آنها هیتلر، قویتر و جریتر شدند و سرانجام اروپا و جهان را به کام آتش جنگ (دوم جهانی) فروبردند. بدین‌ترتیب،سیاست اپیزمنت با استمالت از دیکتاتورها، به‌نتیجه‌یی درست در نقطه مقابل مدعای میتکران و عاملان آن منجرشد.

شناخت این فصل از تاریخ اروپا درسهای زیادی برای زمان ما دربردارد. باید دقیقتر دریافت که پراتیک این سیاست خارجی و علل و موارد شکست آن از چه قرار بوده‌اند و چگونه این روند به نتایج وارونه هدفهای اعلام شده خود درغلطید.

سیاست اپیزمنت از سال ۱۹۳۷،یعنی با شروع نخست‌وزیری نویل چمبرلین در بریتانیا به‌طورفعال و همه‌جانبه در دستورکار دولت انگلستان قرارگرفت و شخص او تلاشهای پیگیر و ابتکارات زیادی در اجرای این خط‌مشی از خود نشان داد. در آغاز،به‌ظاهر نیز موفقیتهایی به‌دست آورد. ولی سرانجام سیاست چمبرلین در «اوج پیروزی»، به یک شکست قطعی و نکاندهنده برای صلح اروپا و فاجعه‌ای مهیب و بی‌سابقه برای کل جهان منجرشد.(وقوع جنگ جهانی دوم).

گرچه «سیاست اپیزمنت » با نام نخست‌وزیر انگلستان نویل چمبرلین، و امضای معاهده ننگین مونیخ (۱۹۳۸) در تاریخ به‌ثبت رسیده، ولی در واقع کل سیاست خارجی دولت انگلستان دردهه سی در مقابل دیکتاتوریهای مهاجم، حتی پیش از نخست‌وزیری چمبرلین نیز کم‌وبیش به همین منوال بوده است.

چمبرلین عملاً بااین رویکرد سیاسی رسمیت و معروفیت جهانی بخشید و آن را بی‌محابا و با تمام قوا طی سالهای ۱۹۳۹ -۱۹۳۷ به خیال ادغام دیکتاتوریها در یک نظام امنیت جمعی اروپا به کار گرفت.

مقدمه

برای بررسی موضوع این رساله، یعنی سیاست استمالت غرب (عمدتاً انگلستان و فرانسه) نسبت به هیتلر (و بعضاً نیز موسولینی و فاشیسم ژاپن)، شاید بهتر باشد به یک روش مأنوس یعنی «شناخت پدیده به‌واسطه شناخت ضد آن» پیش رویم، یعنی سیاستها و مهمترین موارد نقض قراردادهای معتبر، هم‌چنین توسعه‌طلبی و تجاوزگری دیکتاتوریهای فاشیستی آن دوران را مطرح و مرور کنیم، سپس به واکشش طرف غربی در هر مورد بپردازیم و کم‌وکیف سیاست معروف به اپیزمنت را در این روال نشان دهیم.

اما، پیش از ورود به‌خود این فرآیند لازم است نظام حاکم بر روابط و سیاست خارجی اروپا درآن زمان و فضای عمومی این جوامع، به‌ویژه جامعه آلمان را به اختصار شرح دهیم تا بدانیم چرا اولین نظام دموکراسی و جمهوری کشور و ملت آلمان (جمهوری وایمار) تقریباً بدون دفاع به تصرف حزب نازی (یعنی دشمن اعلام شده دموکراسی) درآمد و هیتلر سهل وآسان قدرت را به چنگ آورد و پس نداد.

پایین‌تر خواهیم دید که او پس از روی کارآمدن، بلافاصله به عنوان طرف حساب مماشات و کوتاه‌آمدن دولتهای انگلستان و فرانسه پیش ازهمه استفاده بهره برد.

پیمان ورسای و مسائل زمانه

درطول دهه بیست و اوایل دهه سی قرن بیستم، نظم حاکم بر مناسبات و روابط دولتهای اروپایی برپایه معاهده ورسای[1] و معاهده‌های بعدی (قرارداد لوکارنو[2] و...) استوار شده بود. جامعه ملل[3] که بعد از جنگ جهانی اول، درسال ۱۹۱۹ بوجود آمده بود، مایه امید جهان برای حفظ صلح و حسن همجواری به‌شمارمی‌رفت. این ارگان بین‌المللی می‌بایست محل مراجعه اختلافها و مرجع و ضامن حل‌وفصل مشکلات فی‌مابین دولتها باشد...

البته قدرتمندترین فاتح جنگ اول، یعنی دولت ایالات متحده آمریکا، زیر فشار افکار عمومی کشور و تحت‌تأثیر خط‌مشی انزواطلبی، خودش را از صحنه سیاست اروپا و جهان کنار کشیده، نه عضویت جامعه ملل را پذیرفته و نه حاضرشده بود پای پیمان ورسای امضا گذارد و مرزها را ضمانت کند. بنابراین درعمل، دولتهای انگلستان و فرانسه که در ردیف فاتحان اصلی جنگ بودند، امضاکننده و ضامن اصلی پیمان ورسای به‌شمار می‌رفتند. انگلستان از وضعیت و توازن قوا و تقسیمات پایان جنگ و مفاد قرارداد ورسای راضی ولی فرانسه، که از حمله‌ها و تهاجمات نظامی مسبب جنگ یعنی میلیتاریسم آلمان بیشترین آسیبها را دیده بود، به‌رغم امضا پای پیمان ورسای ازتتایج آن ناراضی بود. فرانسه با ۴۰میلیون جمعیت درآن زمان خود را دربرابر آلمان ۷۰میلیونی تقسیم‌شده و پابرجا درخطر می‌دید و به این جهت به سادگی حاضرنبود طبق مفاد پیمان ورسای به امر کاهش تسلیحات گردن گذارد.

یک مسأله دیگر که در فهم شرایط سیاسی آن زمان اروپا اهمیت بسیار دارد، وجود و دوام فضای کاملاً متناقض سیاسی در افکار عمومی کشورهای فاتح و مغلوب بود.

از یکسو مخالفت قابل‌فهم افکار عمومی با جنگ نقشی مهم بازی می‌کرد. در دهه بیست، توده مردم هنوز تحت‌تأثیر ویرانیها و قربانیهای بی‌سابقه جنگ اول (بیش از ده میلیون کشته و رقمی بالاتر مجروحان و معلولان و آوارگان آن) عموماً خواهان حفظ صلح بودند. در همه کشورها، اما به‌ویژه در انگلستان، افکار عمومی به‌شدت در مورد پرهیز از وقوع جنگ حساس بود. درنتیجه مسأله بودجه نظامی وحتی ضرورت یا عدم‌ضرورت وجود قوای دفاعی برای کشور نیز دائماً به‌عنوان یک موضوع مشاجره، به‌خصوص در آستانه انتخابات درمی‌آمد. اما این صلح‌طلبی برحق وفقره‌فقره ابعاد و وضعیتی نامعقول پیدا کرد، طوری که رهبری احزاب- اعم ازحزب کارگر و محافظه‌کار و-...- در اواخر دهه بیست و نیمه اول دهه سی، حتی خطرفزاینده فاشیسم مهاجمی چون نازیها را نیز در بررسیها و تحلیل سیاسی خود درست منظورنمی‌کردند و برای کسب رأی، بیشتر دنباله‌روی توده مردم بودند تا رهبر احزاب و هدایت‌کننده کشورا بدینسان، ضرورت خلع سلاح عمومی بدون درنظرگرفتن الزامات گوناگون آن همین طوری به‌یک خواست و شعار عمومی تبدیل شده بود. پاسیفیسم به ویژه دربین نسل جوان ازاوج ازحد رسوخ کرده بود. حتی بعد از به‌قدرت رسیدن هیتلرهم شعارهای پاسیفیستی ادامه داشت، طوری که مثلاً دانشجویان شعار می‌دادند حاضر به جنگ برای حراست از کشورشان نیز نیستند. چرچیل درشرح نقداانه دراین باب جمله‌یی ازیک بیانیه دانشجویی سال ۱۹۳۳ نقل می‌کند:

«ما قسم می‌خوریم که تحت هیچ شرایطی حاضربه جنگ برای کشور نیستیم...»[4]

وی در ادامه به‌نکته‌یی دردناک اشاره می‌کند که:

«دانشجویان نادانی که این بیانیه را تصویب کرده‌بودند شاید فکرنمی‌کردند که به‌زودی عازم میدان جنگ خواهند شد و در راه دفاع ازکشورشان مجبورند با پیروز شوند و یا با افتخار جان سپارند. آنها نمی‌دانستند که نامشان درابن راه به‌مثابه کوشاترین نسل بزرگ شده درسرزمین ما ثبت خواهد شد. اما نسل مسن‌تر چی؟ آنها دیگر برای جبران خطا و غفلت خود به سختی می‌توانستند فرصت یابند و اشتباهات خود را در نبرد با فاشیسم رفع کنند».

از سوی دیگر در آلمان، کشور اصلی مغلوب، پایه‌یای جو صلح‌طلبی، از همان اول نیز یک فضای ناراضیتی نسبت به پیمان ورسای وجود داشت،که نخست به علت لحن تحمیلی و محکوم‌کننده آن نسبت به آلمان شکست‌خورده به‌وجود آمده بود، ولی بلافاصله دراثرجریان دائمی تبلیغات طیف راست و میلیتاریستها دامن زده شد و بعد هم نازیها اضافه شدند و این ناراحتیها را بازعم خود علیه ورسای و «اتحاد بولشویسم و بین‌الملل یهود» جای اندانختند و سمت‌وسو دادند. ناراضیتی از معاهده ورسای رفته رفته به صورت یک جریان تجدیدنظرطلبی درآمد که به‌خصوص تجدیدنظر در دو مورد ازمفاد پیمان ورسای را می‌طلبید: یکی مسأله پرداخت غرامتها که چندان سنگین نبودند، ولی به‌یک مسأله حاد حیثیتی تبدیل شده و رهبران احزاب دست‌راستی به‌وسیله این مسأله با افکارعمومی بازی می‌کردند. موضوع دیگر جریان تجدیدنظرطلبی ممنوعیت کسب تسلیحات سنگین و بازسازی ارتش در سطح تهاجمی و جنگی برای آلمان بود که البته قدرتمندترین فاتح جنگ اول، یعنی دولت ایالات متحده آمریکا، زیر فشار افکار عمومی کشور و تحت‌تأثیر خط‌مشی انزواطلبی، خودش را از صحنه سیاست اروپا و جهان کنار کشیده، نه عضویت جامعه ملل را پذیرفته و نه حاضرشده بود پای پیمان ورسای امضا گذارد و مرزها را ضمانت کند. بنابراین درعمل، دولتهای انگلستان و فرانسه که در ردیف فاتحان اصلی جنگ بودند، امضاکننده و ضامن اصلی پیمان ورسای به‌شمار می‌رفتند. انگلستان از وضعیت و توازن قوا و تقسیمات پایان جنگ و مفاد قرارداد ورسای راضی ولی فرانسه، که از حمله‌ها و تهاجمات نظامی مسبب جنگ یعنی میلیتاریسم آلمان بیشترین آسیبها را دیده بود، به‌رغم امضا پای پیمان ورسای ازتتایج آن ناراضی بود. فرانسه با ۴۰میلیون جمعیت درآن زمان خود را دربرابر آلمان ۷۰میلیونی تقسیم‌شده و پابرجا درخطر می‌دید و به این جهت به سادگی حاضرنبود طبق مفاد پیمان ورسای به امر کاهش تسلیحات گردن گذارد.

یک مسأله دیگر که در فهم شرایط سیاسی آن زمان اروپا اهمیت بسیار دارد، وجود و دوام فضای کاملاً متناقض سیاسی در افکار عمومی کشورهای فاتح و مغلوب بود.

از یکسو مخالفت قابل‌فهم افکار عمومی با جنگ نقشی مهم بازی می‌کرد. در دهه بیست، توده مردم هنوز تحت‌تأثیر ویرانیها و قربانیهای بی‌سابقه جنگ اول (بیش از ده میلیون کشته و رقمی بالاتر مجروحان و معلولان و آوارگان آن) عموماً خواهان حفظ صلح بودند. در همه کشورها، اما به‌ویژه در انگلستان، افکار عمومی به‌شدت در مورد پرهیز از وقوع جنگ حساس بود. درنتیجه مسأله بودجه نظامی وحتی ضرورت یا عدم‌ضرورت وجود قوای دفاعی برای کشور نیز دائماً به‌عنوان یک موضوع مشاجره، به‌خصوص در آستانه انتخابات درمی‌آمد. اما این صلح‌طلبی برحق وفقره‌فقره ابعاد و وضعیتی نامعقول پیدا کرد، طوری که رهبری احزاب- اعم ازحزب کارگر و محافظه‌کار و-...- در اواخر دهه بیست و نیمه اول دهه سی، حتی خطرفزاینده فاشیسم مهاجمی چون نازیها را نیز در بررسیها و تحلیل سیاسی خود درست منظورنمی‌کردند و برای کسب رأی، بیشتر دنباله‌روی توده مردم بودند تا رهبر احزاب و هدایت‌کننده کشورا بدینسان، ضرورت خلع سلاح عمومی بدون درنظرگرفتن الزامات گوناگون آن همین طوری به‌یک خواست و شعار عمومی تبدیل شده بود. پاسیفیسم به ویژه دربین نسل جوان ازاوج ازحد رسوخ کرده بود. حتی بعد از به‌قدرت رسیدن هیتلرهم شعارهای پاسیفیستی ادامه داشت، طوری که مثلاً دانشجویان شعار می‌دادند حاضر به جنگ برای حراست از کشورشان نیز نیستند. چرچیل درشرح نقداانه دراین باب جمله‌یی ازیک بیانیه دانشجویی سال ۱۹۳۳ نقل می‌کند:

«ما قسم می‌خوریم که تحت هیچ شرایطی حاضربه جنگ برای کشور نیستیم...»[4]

وی در ادامه به‌نکته‌یی دردناک اشاره می‌کند که:

«دانشجویان نادانی که این بیانیه را تصویب کرده‌بودند شاید فکرنمی‌کردند که به‌زودی عازم میدان جنگ خواهند شد و در راه دفاع ازکشورشان مجبورند با پیروز شوند و یا با افتخار جان سپارند. آنها نمی‌دانستند که نامشان درابن راه به‌مثابه کوشاترین نسل بزرگ شده درسرزمین ما ثبت خواهد شد. اما نسل مسن‌تر چی؟ آنها دیگر برای جبران خطا و غفلت خود به سختی می‌توانستند فرصت یابند و اشتباهات خود را در نبرد با فاشیسم رفع کنند».

از سوی دیگر در آلمان، کشور اصلی مغلوب، پایه‌یای جو صلح‌طلبی، از همان اول نیز یک فضای ناراضیتی نسبت به پیمان ورسای وجود داشت،که نخست به علت لحن تحمیلی و محکوم‌کننده آن نسبت به آلمان شکست‌خورده به‌وجود آمده بود، ولی بلافاصله دراثرجریان دائمی تبلیغات طیف راست و میلیتاریستها دامن زده شد و بعد هم نازیها اضافه شدند و این ناراحتیها را بازعم خود علیه ورسای و «اتحاد بولشویسم و بین‌الملل یهود» جای اندانختند و سمت‌وسو دادند. ناراضیتی از معاهده ورسای رفته رفته به صورت یک جریان تجدیدنظرطلبی درآمد که به‌خصوص تجدیدنظر در دو مورد ازمفاد پیمان ورسای را می‌طلبید: یکی مسأله پرداخت غرامتها که چندان سنگین نبودند، ولی به‌یک مسأله حاد حیثیتی تبدیل شده و رهبران احزاب دست‌راستی به‌وسیله این مسأله با افکارعمومی بازی می‌کردند. موضوع دیگر جریان تجدیدنظرطلبی ممنوعیت کسب تسلیحات سنگین و بازسازی ارتش در سطح تهاجمی و جنگی برای آلمان بود که برای پورژوازی میلیتاریستی و ارتش و سران باقیمانده از دوران امپراتوری گران می‌آمد. سران وقت ارتش، به‌خصوص ژنرال فون سیکت، فرمانده و نظریه‌پرداز نظامی وقت (و هوادار رابطه و اتحاد عملی نظامی با اتحاد شوروی)، دنبال برقراری رابطه مخفی نظامی با کشوری بود که جزء اعضاکنندگان و ضامنهای پیمان ورسای به شمارنمی‌رفت.[5] راجع به غرامتها نیز درطول ۵ - ۴ سال اول بعد ازجنگ، دولتهای وقت شیوه شگفتی را برای نپرداختن بدهی و خودنمایی در افکار عمومی پیشه کردند، که در نهایت صدمه بزرگی به‌مصالح عالیه ملتشان و کشور آلمان زد: روش «ابتکاری» آنها عبارت بود از ایجاد و تشدید تورم در داخل که درنتیجه ارزش تبدیلی ارز کشور سقوط می‌کرد و دولت وقت با اشاره به افلاس پول رایش آلمان خود را از پرداخت غرامت سالانه عاجز اعلام می‌نمود. نسبتهای زیر این وضع را نشان می‌دهد:

«در پایان جنگ ارزش مارک رایش آلمان نسبت به دلار، یک به ده بود. اما در سال ۱۹۲۲ درمقابل یک دلار، آلمانها می‌باید ۲۰۰۰۰ مارک می‌پرداختند».[6]

در آن زمان اشتغال کامل در آلمان وجود داشت و با سیاست فوق معمولاً کارگران و حقوق‌بگیران شدید متضرر نمی‌شدند، چون در اثر مبارزه سندیکاها حقوق آنها نیز بالا می‌رفت. ولی پس‌اندازهای طبقه متوسط نابود شد و افشاری که به این سرعت ارزش ذخیره مالی آنها سقوط کرد به نارضایتی و تجدیدنظرطلبان تندرو متمایل شدند. از نظر سیاسی گردش به‌راست طبقه متوسط آلمان، به‌خصوص گرایش به مواضع تلافی‌جویانه نازیها و شخص هیتلر بی‌آمد این سیاست مالی دولتها بود. یکی از نویسندگان معروف آن زمان (اشتفان سوایگ) در این باره چنین نوشته است:

«هیچ چیز شهروندان و طبقه متوسط آلمان را این اندازه پذیرای حرفهای هیتلر نکرد که تورم سالهای ۱۹۲۳- ۱۹۱۹».[7]

ادامه سقوط ارزش پول آلمان باعث شد که دولتهای غربی، به‌خصوص ایالات متحده آمریکا وارد صحنه شدند و با قرار و مدارهای جدید (قرارداد لندن ۱۹۲۴) که سیستم تأمینات اجتماعی مناسبی داشته باشند.

توده‌های بیکارشده و رادیکالیزه نخست سراغ احزاب وسندیکاهای چپ می‌رفتند. ولی چند عامل باعث می‌شد حزب نازی نیز به‌سرعت محل مراجعه آنها باشد.

یکی این که احزاب چپ بیش از آن‌که با دموکراسی وجمهوری وایمار نابود و به طیف راست افراطی کشور گرویدند.

به این ترتیب، دراثرسیاستهای جاری دولتها و به‌خصوص تبلیغات دامه‌دار توسط طیف راست احزاب و گروهها، پیوسته مردم این کشور نسبت به معاهده ورسای حساس نگهداشته شدند. احزاب چپ واردِ این تضادها نمی‌شدند (به خاطر پرهیز ازخطرناسیونالیسم و سوءاستفاده میلیتاریسم تلافی‌جو و...) ولی جریانهای راست و به‌خصوص حزب نازی به رهبری هیتلر یا بیشترین حمله‌اش به «بین‌الملل یهود و بلشویسم» بود و یا به «ورسای» که دومی را نتیجه ثانی همان اولی قلمداد می‌کرد. علاوه برآنها، هیتلر شکست آلمان درجنگ جهانی اول را هم به افسانه‌پردازیهای ارتجاع میلیتاریستی دریاب «خیانت کمونیستها و یهودیان» و افسانه معروف «خنجرازپشت» وصل می‌کرد و به تلافی‌جویی دامن می‌زد. تا زمانی که وضع اقتصاد جهانی آرام و اعتبارات میلیاردی آمریکا جاری بودند، جمهوری وایمار آلمان نیز نسبتاً متعادل و شکوفا دریک مسیرعادی دموکراسی پارلمانی پیش می‌رفت، حزب و افکار نژادی هیتلر نیز یکی ازچند جریان افراطی راست به شمار می‌رفت و بخش کوچک ولی رفته‌رفته فزاینده‌یی از آراء مردم را به خود اختصاص می‌داد. اما با پیش‌آمدن بحران بزرگ و جهانی سال۱۹۲۹ کل جامعه به سرعت متلاطم شد و اوضاع سیاسی نیز درپی ورشکستگیهای گسترده شرکتها و کارخانجات و پیدایش لشکر میلیونی بیکاران به‌کلی دگرگون گردید. از سال۱۹۲۵ به‌بعد ایالات متحده آمریکا سالانه با واردکردن اعتبارات میلیاردی به بازارآلمان سهم مهمی در ثبات و شکوفایی اقتصاد این کشور داشت. ولی وس از سقوط بی‌سابقه بازار بورس نیویورک در۲۵ اکتبر۱۹۲۹ (جمعه سیاه معروف) این اعتبارات متوقف شدند. درنتیجه دهها هزار شرکت و فابریک وابسته به این اعتبارات مجبور شدند ببندند و میلیونها نفر مزد و حقوق خود را از دست دادند، بدون این که سیستم تأمینات اجتماعی مناسبی داشته باشند.

توده‌های بیکارشده و رادیکالیزه نخست سراغ احزاب وسندیکاهای چپ می‌رفتند. ولی چند عامل باعث می‌شد حزب نازی نیز به‌سرعت محل مراجعه آنها باشد.

یکی این که احزاب چپ بیش از آن‌که با فاشیسم و به‌طورکلی پورژوازی بزرگ و محافظ میلیتاریستی در جدال باشند، با همدیگر در جنگ بودند (حزب و سندیکاهای کمونیست ازخط معروف استالین پیروی می‌کردند که سوسیال دموکراسی را ۱۹۲۴ دشمن اصلی اعلام کرده‌بود وآنها را سوسیال فاشیسم می‌نامیدا)، این مناقشات شدید مابین احزاب چپ البته به سود نازیها و کلاً احزاب راست تمام می‌شد نوع رابطه حزب کمونیست با اتحاد شوروی و دنباله‌روی آشکار آنها از نظرات استالین از نظرگاه عمومی محبوب نمی‌توانست باشد.

درمقابل، هیتلر با هوشیاری پیکان اصلی حمله‌اش کماکان متوجه دشمنان خارجی و درداخل متوجه هیأت حاکمه بود.

در این سالهای بحرانی آلمان، ثبات دولتها و کابینه‌های آنها نیز به‌کلی به‌هم‌ریخت. چون از پس مشکلات فزاینده اقتصادی، به‌خصوص بحران بیکاری میلیونی برنمی‌آمدند، مرتب کابینه‌ها و صدراعظمها جابه‌جا می‌شدند و وضعیت بی‌ثبات طبقه حاکمه و رشد چشمگیر احزاب چپ، به‌خصوص قدرت گرفتن حزب کمونیست که مخالف جمهوری وایمار و خواهان انقلاب پرولتری بود، محافل بورژوازی بزرگ و میلیتاریستهای آلمان را سخت دچار نگرانی کرد. چه می‌بایست کرد و چه کسی می‌باید سرکار می‌آمد و سکان کشتی را در شرایط بحرانی به‌دست می‌گرفت که طوفان یک انقلاب اجتماعی همه چیزطبقه حاکمه را درهم نپیچد؟ دراتخابات سال ۱۹۳۰ آلمان، احزاب چپ از یکسو و حزب نازی ازسوی دیگر برد بزرگی داشتند و تعدا آرای آنها چند برابرشده بود. اگر احزاب بزرگ چپ می‌توانستند با هم اتحاد کنند و بخشهای لیبرال دموکرات را هم با خود همراه نمایند، درمجلس اکثریت می‌داشتند و بقیاً شانسی بزرگ و بی‌مانند برای تشکیل هیأت دولت و به‌دست گرفتن قدرت در دسترس بود و ای سیا سرنوشت آلمان و جهان به سمت دیگری می‌رفت و فاجعه‌های بعدی پیش نمی‌آمدند. اما این اما و اگرها با واقعیت سیاسی آن زمان تناسبی نداشت. متأسفانه فقدان اتحاد عمل که هیچ دشمنی احزاب بزرگ چپ باعث شد،بخش بزرگی از توده‌های کارگری، سرخورده ازاین تفرقه‌ها و پریشان از افزایش بیکاری و فقر و فقدان چشم‌انداز حل وفصل بحران از طرف چپ، به راست افراطی و حزب نازی روی آوردند:

«انتخابات مجلس رایش در ۱۹۳۰: تعداد آرا نازیها هشت برابر، انتخابات ۱۹۳۲ تعداد آرا نازیها مجدداً دو برابر».[8]

اوضاع و احوال بی‌ثبات و بحرانی درآلمان اوایل دهه سی ادامه داشت که ناگهان اتفاق خاصی درشرق دور، اروپای صلح‌دوست را شوکه کرد. هیتلر و موسولینی گوشهای خود را تیز کردند به بینند چه اتفاق می‌افتد و این آزمایش تاب‌وتوان «جامعه ملل» به کجا می‌انجامد.

نخستین نشانه سیاست اپیزمنت

تجاوز ژاپن به منچوری

اقتصاد ژاپن در سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ زیر فشار بحران جهانی دچار مشکلات زیادی شده بود. سرمایه‌گذاریهای خارجی خوابیده و بازارهای اروپایی با وضع تعرفه‌های گمرگی سنگین مانع ورود کالاهای ژاپنی بودند. در داخل کشور جمعیت به سرعت رو به افزایش، درحالی که ظرفیت کشاورزی و تولید مواد غذایی به‌اندازه‌ای کافی نبود، نیاز به‌وارد کردن برنج و دیگرمحصولات ازچین مرتب افزایش می‌یافت. علاوه‌بر این، ژاپن بیشترین صادرات را هم به بازار آن کشور داشت (ماشین‌آلات نساجی و...) وازنظر واردات هم به‌خصوص به‌ذغال‌سنگ و سنگ‌آهن چین وابسته بود. اما این کشور از نیمه دهه بیست به‌طور دائم در ناآرامی و انقلاب به‌سرمی‌برد. در اوایل دهه سی، دولت مرکزی چین به دلایل گوناگون (ازجمله درگیری حکومت چیانگ‌کایچک با یک حزب کمونیست و سندیکاها در شهرها و با حزب دیگر کمونیست به رهبری مائوتسه تونگ درنخیهای روستایی) سخت گرفتار مسائل داخلی بود و لذا توان نظامی و دفاع خارجی‌اش به‌شدت تحلیل رفته بود. این شرایط البته ازچشم میلیتاریسم ژاپن پنهان نماند، «موقعیت مناسبی بود» به‌خصوص که درسالهای آخر دهه بیست، نقش نظامیها و سیاستهای میلیتاریستی در دولت روبه‌افزایش گذاشته و در پی بحران۱۹۲۹ فاشیستها بالا آمده بودند. بنابراین، به جای راه‌حل تکنولوژیک مشکلات، خط تجاوز و استثمار همسایه ضعیف شده را در پیش گرفتند.

استان منچوری چین سرزمینی بود ازنظر زیرساخت صنعتی پیشرفته و از نظر منابع زیرزمینی بسیارغنی. جمعیت زیادی هم داشت و بازار مهمی به شمارمی‌رفت.

در سپتامبر۱۹۳۱ دولت ژاپن، ناآرامیهای وقت دراین استان را بهانه و پس ازحمله هوایی و بمباران خط‌آهن منچوری، نیروی نظامی درآن جا پیاده کرد و بعد از سرعت بیرحمانه مقاومت چینیها، به سرعت به تغییر وجایگزینی ساختارهای سیاسی و دولتی آن سرزمین اقدام نمود.

خبر حمله ژاپن به استان منچوری چین مثل یک بمب دراروپا منفجرشد. هیأتهای نمایندگی کشورهای عضو «جامعه ملل» داشتند با زحمت زیاد و دیری یک کارطولانی آماده می‌شدند، اولین کنفرانس بین‌المللی خلع‌سلاح را تشکیل دهند که خبر این تجاوز آشکار نظامی رسید.

آنتونی ایدن، آن زمان معاون وزارت خارجه انگلستان و مسئول هیأت نمایندگی آن کشور در جامعه ملل در جلد دوم خاطرات خود دراین باره،و واکشش چین و دیگران چنین می‌نویسد:

«در۱۸سپتامبر ۱۹۳۱ ژاپن تندرو، جهت تحقق برنامه‌های تجاوزکارانه‌اش دست به اسلحه برده به منچوری حمله نظامی کرده بود.۱۰ ژاپن مدتی پس ازاین عمل، تجاوزکارانه را با یک حمله هوایی به شانگهای نیز گسترش داد...

سه روز پس از حمله ژاپن به منچوری، دولت چین براساس ماده ۱۱اساسنامه جامعه ملل به این ارگان مراجعه کرد و تظلم خواست...

دو کشوری که بلافاصله تحت الشعاع این حمله نظامی قرارداشتند عبارت بودند از اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، ولی هیچکدام آنها درجامعه ملل عضویت نداشتند، وضعیتی که امکان مداخله آنها را دشوار می‌کرد... در بین اعضا جامعه ملل، دولتهای درآن زمان کشوری بود که در اقیانوس آرام تقریباً به‌تنهایی تعهداتی داشت...

دولت ملی فوریه ۱۹۳۲ جامعه ملل درچهارم اجلاس عمومی خود به مشاجره چین - ژاپن پرداخت، بدون این که بتواند دراین مورد تصمیمی بگیرد».۱۱

جامعه آسوده در حالی تمام قبلا آمده است تنها بخش کوچکی از سرکوب افسار گسیخته رجالگان قدارمبند حاکمند که برای جلوگیری از سیل اعتراضات به‌حق مردم ایران در پیش‌گرفته شده‌است.

فاشیسم و به‌طورکلی بورژوازی بزرگ و محافظ میلیتاریستی در جدال باشند، با همدیگر در جنگ بودند (حزب و سندیکاهای کمونیست ازخط معروف استالین پیروی می‌کردند که سوسیال دموکراسی را ۱۹۲۴ دشمن اصلی اعلام کرده‌بود وآنها را سوسیال فاشیسم می‌نامیدا)، این مناقشات شدید مابین احزاب چپ البته به سود نازیها و کلاً احزاب راست تمام می‌شد نوع رابطه حزب کمونیست با اتحاد شوروی و دنباله‌روی آشکار آنها از نظرات استالین از نظرگاه عمومی محبوب نمی‌توانست باشد.

درمقابل، هیتلر با هوشیاری پیکان اصلی حمله‌اش کماکان متوجه دشمنان خارجی و درداخل متوجه هیأت حاکمه بود.

در این سالهای بحرانی آلمان، ثبات دولتها و کابینه‌های آنها نیز به‌کلی به‌هم‌ریخت. چون از پس مشکلات فزاینده اقتصادی، به‌خصوص بحران بیکاری میلیونی برنمی‌آمدند، مرتب کابینه‌ها و صدراعظمها جابه‌جا می‌شدند و وضعیت بی‌ثبات طبقه حاکمه و رشد چشمگیر احزاب چپ، به‌خصوص قدرت گرفتن حزب کمونیست که مخالف جمهوری وایمار و خواهان انقلاب پرولتری بود، محافل بورژوازی بزرگ و میلیتاریستهای آلمان را سخت دچار نگرانی کرد. چه می‌بایست کرد و چه کسی می‌باید سرکار می‌آمد و سکان کشتی را در شرایط بحرانی به‌دست می‌گرفت که طوفان یک انقلاب اجتماعی همه چیزطبقه حاکمه را درهم نپیچد؟ دراتخابات سال ۱۹۳۰ آلمان، احزاب چپ از یکسو و حزب نازی ازسوی دیگر برد بزرگی داشتند و تعدا آرای آنها چند برابرشده بود. اگر احزاب بزرگ چپ می‌توانستند با هم اتحاد کنند و بخشهای لیبرال دموکرات را هم با خود همراه نمایند، درمجلس اکثریت می‌داشتند و بقیاً شانسی بزرگ و بی‌مانند برای تشکیل هیأت دولت و به‌دست گرفتن قدرت در دسترس بود و ای سیا سرنوشت آلمان و جهان به سمت دیگری می‌رفت و فاجعه‌های بعدی پیش نمی‌آمدند. اما این اما و اگرها با واقعیت سیاسی آن زمان تناسبی نداشت. متأسفانه فقدان اتحاد عمل که هیچ دشمنی احزاب بزرگ چپ باعث شد،بخش بزرگی از توده‌های کارگری، سرخورده ازاین تفرقه‌ها و پریشان از افزایش بیکاری و فقر و فقدان چشم‌انداز حل وفصل بحران از طرف چپ، به راست افراطی و حزب نازی روی آوردند:

«انتخابات مجلس رایش در ۱۹۳۰: تعداد آرا نازیها هشت برابر، انتخابات ۱۹۳۲ تعداد آرا نازیها مجدداً دو برابر».[8]

اوضاع و احوال بی‌ثبات و بحرانی درآلمان اوایل دهه سی ادامه داشت که ناگهان اتفاق خاصی درشرق دور، اروپای صلح‌دوست را شوکه کرد. هیتلر و موسولینی گوشهای خود را تیز کردند به بینند چه اتفاق می‌افتد و این آزمایش تاب‌وتوان «جامعه ملل» به کجا می‌انجامد.

نخستین نشانه سیاست اپیزمنت

تجاوز ژاپن به منچوری

اقتصاد ژاپن در سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ زیر فشار بحران جهانی دچار مشکلات زیادی شده بود. سرمایه‌گذاریهای خارجی خوابیده و بازارهای اروپایی با وضع تعرفه‌های گمرگی سنگین مانع ورود کالاهای ژاپنی بودند. در داخل کشور جمعیت به سرعت رو به افزایش، درحالی که ظرفیت کشاورزی و تولید مواد غذایی به‌اندازه‌ای کافی نبود، نیاز به‌وارد کردن برنج و دیگرمحصولات ازچین مرتب افزایش می‌یافت. علاوه‌بر این، ژاپن بیشترین صادرات را هم به بازار آن کشور داشت (ماشین‌آلات نساجی و...) وازنظر واردات هم به‌خصوص به‌ذغال‌سنگ و سنگ‌آهن چین وابسته بود. اما این کشور از نیمه دهه بیست به‌طور دائم در ناآرامی و انقلاب به‌سرمی‌برد. در اوایل دهه سی، دولت مرکزی چین به دلایل گوناگون (ازجمله درگیری حکومت چیانگ‌کایچک با یک حزب کمونیست و سندیکاها در شهرها و با حزب دیگر کمونیست به رهبری مائوتسه تونگ درنخیهای روستایی) سخت گرفتار مسائل داخلی بود و لذا توان نظامی و دفاع خارجی‌اش به‌شدت تحلیل رفته بود. این شرایط البته ازچشم میلیتاریسم ژاپن پنهان نماند، «موقعیت مناسبی بود» به‌خصوص که درسالهای آخر دهه بیست، نقش نظامیها و سیاستهای میلیتاریستی در دولت روبه‌افزایش گذاشته و در پی بحران۱۹۲۹ فاشیستها بالا آمده بودند. بنابراین، به جای راه‌حل تکنولوژیک مشکلات، خط تجاوز و استثمار همسایه ضعیف شده را در پیش گرفتند.

استان منچوری چین سرزمینی بود ازنظر زیرساخت صنعتی پیشرفته و از نظر منابع زیرزمینی بسیارغنی. جمعیت زیادی هم داشت و بازار مهمی به شمارمی‌رفت.

در سپتامبر۱۹۳۱ دولت ژاپن، ناآرامیهای وقت دراین استان را بهانه و پس ازحمله هوایی و بمباران خط‌آهن منچوری، نیروی نظامی درآن جا پیاده کرد و بعد از سرعت بیرحمانه مقاومت چینیها، به سرعت به تغییر وجایگزینی ساختارهای سیاسی و دولتی آن سرزمین اقدام نمود.

خبر حمله ژاپن به استان منچوری چین مثل یک بمب دراروپا منفجرشد. هیأتهای نمایندگی کشورهای عضو «جامعه ملل» داشتند با زحمت زیاد و دیری یک کارطولانی آماده می‌شدند، اولین کنفرانس بین‌المللی خلع‌سلاح را تشکیل دهند که خبر این تجاوز آشکار نظامی رسید.

آنتونی ایدن، آن زمان معاون وزارت خارجه انگلستان و مسئول هیأت نمایندگی آن کشور در جامعه ملل در جلد دوم خاطرات خود دراین باره،و واکشش چین و دیگران چنین می‌نویسد:

«در۱۸

دلارهای آمریکایی آب رفته را به جوی باز می‌گردانند

جمشید پیمان

ا
اعلیحضرت بدجوری نومید بودند!
نمی‌دانم چه پیش آمده بود که حزب توده هم به اعضایش دستور داده بود روز ۲۸مرداد در خانه‌هایشان بمانند و مثل دوسه روز قبلش تظاهرات نکنند. راستش را بخواهی هنوز که هنوز است معلوم نشده است اینها که سه روز مملکت را گذاشته بودند روی سرشان و به کمتر از جمهوری دموکراتیک خلق رضایت نمی‌دادند، چه شد که عدل آن روز تپیدند. توی خانه‌هایشان و چیکشان در نیامد. مصدق منتظر بود که شاه تکلیف خودش را روشن کند. یا بیاید سر کار و زندگیش و سلطنتش را بکند یا این که شورای سلطنت تشکیل بشود. از آن‌جا که شاه جدی جدی در رفته بود و به‌قول ثریا، همسرش، می‌خواست برود دنبال پروش اسب، اصلا دیگر کاری به این کارها نداشت. برای او هم چیز تمام شده بود. خودش هم نه امیدی به برگشت داشته و نه فکرش را می‌کرد.
ولی حیف، به‌قول معروف :
هزار نقش برآرد زمانه و نبود
یکی چنان که در آئینه تصور ماست
شاه خدا بیامرز خاصیت عجیبی داشت. تا نقی به توقی می‌شد و در آسمان رعد و برقی می‌زد، دم می‌رفت. دلش به اندازه یک دانه ارزن بود. بنده خدا شرطی شده بود. مرتب می‌ترسید که یکی سرش را زیر آب کند. برای همین دائماً در فکر بود خودش را از آن تنیست‌ها در سلطنت بر ملت محروم، راحت کند. اما سرنوشت برایش چیز دیگری رقم زده بود که در بغداد و رم، رو نمی‌شد. باید سر از دور زدن دنیا، از مراکش و آمریکا و پاناما سردربیاورد و آخر کار هم توی قاهره شد کت. بله، اعلیحضرت با این خلقیات، وقتی دید بختش نگرفت و فرمانش را روز ۲۵مرداد کسی نخواند، راه افتاد برود برای خودش یک زندگی بی‌دردسر درست کند. خدایی‌اش را بگویم، این درست‌ترین فکری بود که به سرش زده بود. فکری که البته پشتش یک تصمیم قرص و محکم نبود. اما آمریکاییها راهش را زدند. یعنی حقیقتش را بخواهی، اگر می‌دانست ۳۵سال بعد باید تاجش را تحویل خمینی بدهد و با آن همه فلاکت دربرود، محال بود بعد از ۲۸مرداد برگردد.
بی‌خیال پشت پرده، دم را بچسب!
می‌خواستم از روز ۲۸مرداد برایت بگویم. ما آن وسط چکاره بودیم؟ از پشت‌پرده و خوابهایی که آمریکا و انگلیس برای مملکت دیده بودند و نقشه‌هایی که کشیده بودند، بی‌خبر بودیم. عشقی می‌کردیم که پاشو گاهی در کار نیست که مجبور باشیم از روز ۱۴آبان و ۱۵بهمن و ۳اسفند برویم جلوی او به خط بشویم و رژه برویم. کیف می‌کردیم که آرزوی پدرمان برآورده شده و اعلیحضرت همایونی حب جیم را بالا انداخته است. ما بروبچه‌ها، زیاد چیزی از سیاست سرمان نمی‌شد. نزدیک به صفر بودیم. یعنی فقط یک کمی بیشتر از بزرگترهایمان، حالیمان بود. اما بعضی‌ها بودند که خوب بو می‌کشیدند. بعضی‌ها هم خبرهایی داشتند که پشت‌پرده چه می‌گذرد. برای همین هم آنهایی که شامه‌شان تیز بود، این چند روز سکوت کردند و چیکشان در نیامد. چندتایی عکس شاه را هم پواشکی توی صندوقخانه‌هایشان پنهان کرده بودند. اما آنهایی که خبرهایی داشتند، یا بهتر بگویم، خبرشان کرده بودند و دستشان در کار بود، دلشان قرص بود. وسط همان شعارهای گوش پاره‌کن مرگ بر شاه فراری، این ور و آن‌ور، یک جاوید شاهی هم می‌گفتند. اما آنها هم جرأت عرض‌اندام بیشتر نداشتند. منتظر بودند تا ارباب دستور آخر را برایشان صادر کند. میان آنها یکی بود که روز آخر و توی همان شلوغیها، به فکر نجات مصدق افتاده بود! یعنی در حقیقت یک نوع دوراندیشی کرده بود که اگر باز هم تیر دشمنان مصدق به سنگ بخورد، طرف بتواند از مصدق طلبکاری کند. سید ابوالقاسم کاشانی که دلش می‌خواست سر به‌تن مصدق نباشد، دست دم دمای آخر، خوابیده‌اند شده بود که به مصدق کمک کند! نمی‌کردند برای دولت، اتفاق ناجوری بیفتد چه رسد به این که علیه مصدق کودتا بشود، پرداخت یک نامه چند سطری به مصدق نوشت و مثلا اتمام‌حجت کرد و به او هشدار داد. توی نامه نوشته بود اطلاع دارد یک عده قصد کودتا دارند. پس تا دیر نشده با ایشان کنار بیاید تا جلوی کودتا را بگیرند. مصدق هم آن روز در وضعیتی نبود که دستش را بگذارد در دست کسی که بزرگترین هدفش شده بود براندازی خود مصدق. برای همین هم جوابش داد برو پی‌کارت آقاجان. من با ملت طرفم نه با تو امثال تو. اگر دیوار ملت محکم باشد، هیچ نکبه‌گاهی محکم‌تر از آن نیست.اگر هم که ملت پشتت نباشد، هیچ تانبانده‌یی نمی‌تواند نگهبت دارد. حالا که گذشته و رفته، اما یکی نبود به آن مرد بزند بگوید اگر می‌دانی که قرارداست کودتا بشود و اگر دوست داری جلوی کودتا را بگیری و اگر با کودتا و کودتاچی مخالفی، چرا مثل سی تیر حکم صادرنمی‌کنی که مردم بریزند توی خیابانها و همان‌طور که نگذاشتند پیاز حکومت قوام ریشه بگیرد، این بار هم نگذارند یک مشت آشغال خودفروخته، ریشه مملکت را ببرند. پس معلوم می‌شود که فلز کاشانی پر از خودشیفته بوده است، و همان‌طوری هم که بعد از پیروزی کودتا نشان داد، به بزرگترین آرزویش رسید. پس آن نامه الکی و چاخان بود و می‌خواست با آن کار، هر طوری که دفتر ورق بخورد، او بتواند بار خودش را ببندد. به زبان خودمانی عرض کنم که درحقیقت می‌خواست هم توبره را داشته باشد، هم آخور را.
صبح ۲۸مرداد طرفداران مصدق، توی خانه‌هایشان مشغول استراحت بودند. دشمن را نه تنها حقیر و بیچاره شمرده بودند، بلکه او را اصلا ازبین‌رفته می‌دانستند. تودەایها هم که قرار بود از میدان ۲۴اسفند و جلوی دانشگاه تظاهرات راه بیندازند و بروند طرف بهارستان، طبق دستور رهبرانشان، حتی یکنفرشان هم از خانه بیرون نیامد. اما از آن طرف، آخرین تیر ترکش را آمریکاییها رها کردند.
سوزش که یک باختن، از باختن بیشتر است!
شعبان جعفری از یک‌طرف، طیب رمضان یخی از طرف دیگر، ماشالا قری از شمال، مصطفی مقدم از جنوب، برادران رشیدی از شرق، شمس قنات‌آبادی از غرب، کارچاق‌کنها و کارگران شهر نو از میدان اعدام و راه‌آهن، با شعار جاوید شاه آمدند طرف میدان. اگر هیچ‌کس از طرفداران مصدق نبود که جلوی آنها در بیاید. کسی باور نمی‌کرد اینها بتوانند مصدق و دولتش و تمام اعوان و انصارش را توزیع بکنند. باور کن از ساعت۹ و ۱۰صبح که راه افتادند، تا ساعت ۱۲ظهر تعدادشان به زور به ۵۰۰تا می‌رسید. خوب یادم هست که شعبان جعفری خودش را به هر در و دیواری زده بود، اما نتوانسته بود دسترسی به امید و دلخوشی نداشتند. می‌خواست از در خانه بزند بیرون که مادرم چاقوی آشپزخانه را برداشت و رفت جلویش ایستاد و گفت سید به جست قدم اگر قدم از قدم برداری این چاقو را توی شکمم فرو می‌کنم. گیر سید! تو و رفقایت باید از امروز صبح علی‌الطلوع توی کوچه و خیابان می‌ماندید. نه این که حالا تازه یادت بیفتد که باید بروی بیرون.حالا که سیل آمده و همه چیز را برده است، داری می‌روی دنبال بره و گوساله بگردی؟ پدرم کوتاه آمد. آخر حرف مادرم درست و حسابی بود. وقتی رادیو حکم عزل مصدق را پخش کرد، بابام زد زیر گریه. انگار پدرش مرده باشد. خودش توی همان اوضاع و احوال، با مشت می‌کوبید به سر و صورتش. بعضی ازهمسایه‌ها با چندتایی از کاسبهای محل که به طرفداری از مصدق معروف بودند، جمع شده بودند توی خانه ما. هیچ‌کدامشان رنگ به رخسار نداشتند. ترس نفسشان را بریده بود. حالا نوبت پدرم بود که آنها را آرام کند. بهشان دلداری می‌داد.می‌گفت حتما یک تقشه‌یی در کار هست. لابد مصدق می‌خواهد ته‌وتوی قضایا را دربیاورد. آن‌وقت حسابشان را برسد. می‌گفت شما نترسید. اوضاع از ۳۰تیر پارسال خیلی بهتر می‌شود. این دفعه حتی یکبشان هم نمی‌تواند در برود. دست آخرش هم دیوان حافظ را برداشت که ازش سؤال کند که آخوجه‌هاست کار، چه می‌شود. من با همه بجگیم وقتی بابام رفت سراغ حافظ، فهمیدم اوضاع خیلی خراب هست. چشمهایش را بست. فاتحه‌یی خواند و انگشتش را گذاشت توی یک کتاب. کتاب را باز کرد. یک نگاهی به غزلی که آمده بود انداخت و گفت الله‌اکبر، الله‌اکبر. مژده که حافظ هم می‌داند این وضع آخرش به نفع کی تمام می‌شود. من گفته بودم غصه نخورید. گفته بودم دشمنان مصدق الکی دارند زور می‌زنند. بفرمائید تماشا کنید. اینهم شاهد از غیب. این هم حافظ کاشف اسرار که چهوقت حرفش غلط از آب درنمی‌آید. بعدش شروع کرد به خواندن:
یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
من تا همان سن‌وسال، لااقل ۱۰بار شاهد بودم که بابام از حافظ این غزل را به اسم قال خوانده بود. تقریباً هر ۱۰بارش هم خدا وکیلی نتیجه یک چیز دیگر، از آب درآمده بود. فقط مانده بود حیران که چطور می‌شود هر وقت بابام گیر می‌کند و می‌رود سراغ حافظ، عدل این غزل را می‌آورد. پدرم غزل را تا آخرش خواند. یکی از کاسبها رو کرد به پدرم و گفت جناب آسید حسن، زبانم لال زبانم لال، من نمی‌خواهم به حافظ بی‌احترامی کنم. اما این بنده خدا همین نکرده است که یوسف گمگشته کی بالاخره برمی‌گردد؟
بابای خدا بیامرزم به مرز سکته رسیده بود. آخر بعد از چند ماه دوندگی و جان‌کندن، حالا باید تماشا کند که چطوری چهارتا لات بی‌سروپا، در عرض ده دوازده ساعت، حکومت مصدق را سرنگون می‌کنند. ترش می‌زدی خوش درنمی‌آمد. هی توی حیاط راه می‌رفت و هی فحش به زمین و زمان می‌داد. کاسبهای محل دقیقه به دقیقه خبرهای جدید را بهش می‌رساندند.خبرهایی که هیچ‌کدامشان بویی از امید و دلخوشی نداشتند. می‌خواست از در خانه بزند بیرون که مادرم چاقوی آشپزخانه را برداشت و رفت جلویش ایستاد و گفت سید به جست دارى می‌روی دنبال بره و گوساله بگردی؟ پدرم کوتاه آمد. آخر حرف مادرم درست و حسابی بود. وقتی رادیو حکم عزل مصدق را پخش کرد، بابام زد زیر گریه. انگار پدرش مرده باشد. خودش را به دردوبواز می‌زد. با مشت می‌کوبید به سر و صورتش. بعضی ازهمسایه‌ها با چندتایی از کاسبهای محل که به طرفداری از مصدق معروف بودند، جمع شده بودند توی خانه ما. هیچ‌کدامشان رنگ به رخسار نداشتند. ترس نفسشان را بریده بود. حالا نوبت پدرم بود که آنها را آرام کند. بهشان دلداری می‌داد.می‌گفت حتما یک تقشه‌یی در کار هست. لابد مصدق می‌خواهد ته‌وتوی قضایا را دربیاورد. آن‌وقت حسابشان را برسد. می‌گفت شما نترسید. اوضاع از ۳۰تیر پارسال خیلی بهتر می‌شود. این دفعه حتی یکبشان هم نمی‌تواند در برود. دست آخرش هم دیوان حافظ را برداشت که ازش سؤال کند که آخوجه‌هاست کار، چه می‌شود. من با همه بجگیم وقتی بابام رفت سراغ حافظ، فهمیدم اوضاع خیلی خراب هست. چشمهایش را بست. فاتحه‌یی خواند و انگشتش را گذاشت توی کتاب. کتاب را باز کرد. یک نگاهی به غزلی که آمده بود انداخت و گفت الله‌اکبر، الله‌اکبر. مژده که حافظ هم می‌داند این وضع آخرش به نفع کی تمام می‌شود. من گفته بودم غصه نخورید. گفته بودم دشمنان مصدق الکی دارند زور می‌زنند. بفرمائید تماشا کنید. اینهم شاهد از غیب. این هم حافظ کاشف اسرار که چهوقت حرفش غلط از آب درنمی‌آید. بعدش شروع کرد به خواندن:
یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
من تا همان سن‌وسال، لااقل ۱۰بار شاهد بودم که بابام از حافظ این غزل را به اسم قال خوانده بود. تقریباً هر ۱۰بارش هم خدا وکیلی نتیجه یک چیز دیگر، از آب درآمده بود. فقط مانده بود حیران که چطور می‌شود هر وقت بابام گیر می‌کند و می‌رود سراغ حافظ، عدل این غزل را می‌آورد. پدرم غزل را تا آخرش خواند. یکی از کاسبها رو کرد به پدرم و گفت جناب آسید حسن، زبانم لال زبانم لال، من نمی‌خواهم به حافظ بی‌احترامی کنم. اما این بنده خدا همین نکرده است که یوسف گمگشته کی بالاخره برمی‌گردد؟

نقش شورای رهبری در پایداری با شکوه

دکتر ابراهیم جدی

هنوز پژواک صدای آن شیر همیشه بیدار، که درسال ۷۲ برای اولین بار، من و همه مجاهدین را در آن تالار بزرگ، که بعدها «تالار احمدی» نامگذاری شد، درگوشم نجوا می‌کند. ۱۴سال گذشت و من، به یقین نمی‌دانستم که آنروز، چه برگ زرینی دردفتر انقلاب نوین ایران، ورق می‌خورد. من آن روزها فقط، کوروسیی یا تصویری بسیار مبهم از آن‌چه که به نام «شورای رهبری» نامگذاری شده بود، را می‌توانستم، حس کنم. هرچند که خواهر مریم، همه آنها را در آن گردهمایی بزرگ، به خط کرده و گفته بود:
«... و این، صفی است تا تهران...»
در آن روزگار، البته بیش از ما مجاهدین، رژیم دوریالش افتاد. و هم طور استخوانهای آن آخوند جلاد و شیاد قرن بیستم، هم درقبر لرزیدند. آن روز، برای مجاهدین تولدی دیگر بود. من، هرچند درآن داستانها، به‌لحاظ تئوری صرف، تضادی با اصل مسأله نمی‌یافتم، بلکه از این کار سازمان، بسیار مسرور و شادمان هم بودم. اما آن‌چه که دردرونم می‌گذشت، وصف حال دیگری بود. چرا که به وضوح می‌شنیدم که بعد از انتخاب «شورای رهبری» یعنی بالاترین ارگان تصمیم‌گیرنده درجنبش پیشتاز، زنان مجاهد خلق خواهند بود. تردیدهای بسیاری سرتاپای وجودم را فراگرفته بود. من که تا آن سالها تجربه انقلاب درونی مجاهدین را، از سر گذرانده بودم، به تبع آن، توانستیهای خواهران مجاهد را، درعرصه‌های تشکیلاتی و همین طور نظامی و پشتیبانی ارتش، دیده بودم و حتی در خیلی وقتها، البته درچشم فرورفته بود. اما تصور این که در همه قسمتهای ارتش آزادیبخش هم، همان سازمان کار باید اعمال گردد، در ذهن کوچک من نمی‌گنجید. وآنرا لااقل درآن مقطع زمانی، واقعی و عملی نمی‌دیدم و همه‌اش دنبال اسامی برخی از برادران «بزرگ قوم» می‌گشتم. ولی هرچه بیشتر می‌گشتم، آن «می‌یافت نشود آنم آرزوست» می‌شد. یعنی یک خیال باطل و دست نیافتنی! و وقتی هم به طور تصادفی، از یکی از همرزمانم که راجع به همین مساله بحث می‌کردیم، شنیدم که گفت:
«از این به بعد، شورای رهبری بعد از رهبری سازمان، ذیصلاحترین ارگان تصمیم‌گیرنده خواهد بود» دیگر همه چیز برای همیشه درذهنم فروریخت. من آن روزها یک احساس متناقض داشتم. از یک طرف به‌عنوان یک روشنفکر انقلابی، که سالها در درون کتابها و رسالەها و بحثهای مختلف با این و آن و در میان نسلهای گذشته و حال، دنبال آن بودم که بلکه جنس دوم هم به گونه‌یی رهایی و آزادی خودش را در همه زمینه‌ها به‌دست بیاورد و دوشادوش جنس اول در انقلاب نوین مسئولیت پذیرد و راه باز کند، اما واقعیت این است که دریک پراتیک روزمره، که خودم را می‌خواستم، چک کنم، برایم سخت و طاقت فرسا می‌نمود و درتمایلات خودم، می‌گفتم که اگر این بحثها، درحد همان ۵۰ به ۵۰ که همه پذیرفته‌ایم، می‌ماند، بهتر بود. وبعد هم برای اثبات نظراتم روی این مساله پای می‌فشردم که، درکدام جنبش دموکراتیک، انقلابی، تا کنون زنان توانسته‌اند به مدارجی از مسئولیت‌پذیری برسند، که ما، درمجاهدین شاهدش هستیم. متأسفانه درآن روزهای پر تب‌وتاب هرگز نتوانستم برای این سؤالات دردهن خودم، جوابی قانع کننده پیدا کنم.
بعد از معرفی شورای رهبری، زمان به سرعت بادهای وحشی دریایی، گذشت. و درمیان تغییر و تحولات بین‌المللی و خصوصاً منطقه‌یی،خیلی چیزها عوض شدند. دیوارهای برلین فروریخت. ایدئولوژیهای آینده که سالها انقلابیون دنیا را، کنار هم جمع کرده بودند، یک چشم بهم زدن، آن چنان ازهم پاشید، که انگار نه انگار روزگاری نیمی ازهمه جهان ما را زیر سلطه خود داشتند! درآن افت و خیزها، چه آدمها که به زیر کشیده شدند! چه حکومتها که سرنگون شدند! سیلهای بنیان‌کنی جاری گشتند و خیلی از خانمانها را با خود به نیستی وتباهی کشاندند! رهبرانی رفتند و رهبرانی آمدند! چه تندیسهای بزرگی که از قله‌های آمال و آرزوهای بشر قرن بیستم پایین کشیده شدند! چه پرتره‌ها، صورتها و صورتکها ی مختلفی، شکل گرفتند و یا رنگ باختند!
البته همه این حوادث و رویدادها را وقتی که باقوانین تکاملی بررسی کنیم، می‌بینیم که برتمامی آنها، قوانین مشخصی حاکم بود. نیروهای میرا و کهنه، همیشه و به زوال بوده و خواهند بود. نیروهای نو و تازه، در تکوین جریان تکامل و به عنوان پیشتاز، همیشه استوار باقی خواهند ماند. یعنی این که نیروهای کهنه، اگر چنانچه در برابر تضادهای جدید سرفرود نیارند و خودشان را در آدیاتسیون اکتیو نگه ندارند، از پس این تضاد برنخواهند آمد. و دیر یا زود، هرانداز‌ه‌ای قوی باشد، بالاخره از پای درخواهند آمد. حوادث سالهای قرن اخیر، برای همه ما که آن روزها را به خوبی به خاطر می‌آوریم، مملو از درسهای فراموش‌ناپذیر می‌باشد.
من، که دراین سالها به این حوادث، طوفانها، سونامیها نظر می‌افکنم و آنها را بازبینی می‌کنم ، خیلی چیزها عایدم می‌شود.
من به همه این صحنه‌ها که نگاه می‌کنم، به‌عنوان کسی که از نزدیک درکوران تمامی اتفاقات درعراق بودم و باتمامی لحظات آن بالا و پایین رفته‌ام. به پایداری جنبش پیشتاز دراین شرایط بحرانی و بسیار پیچیده فکر می‌کنم که چگونه توانست خودش را از این معرکه بیرون بکشد! آن وقت خیلی خوب می‌توانم به نقش بی‌همتا و بی‌جانشین «شورای رهبری» به عنوان سکاندار این کشتی، گواهی بدهم. که اگر نبود آن آهنین عزم و اراده‌های پولادین، که درتک‌تک اعضای «شورای رهبری» برجسته و مشخص بود، هرگز، مجاهدین نمی‌توانستند، از خاکستر آن شعله‌های خفته در خاک، باز دیگر دوباره برافروزند و جهانی را به شگفتی و عظمت و تعجب وادارند. این همان فولاد آبدیده‌یی است که درکوران آزمایشهای ۱۴ساله خودش، در برخورد با تضادهای واقعی و البته کمرشکن، توانسته است، جنبش ظفرنمون را تا کنون سرزنده نگاه دارد.
به باور من، امروز بعداز یک‌صدسال و اندی که به عدم‌موفقیت جنبشهای عدالت‌خواهانه مردم خودمان، نگاه می‌کنیم، بایستی یک بار از این زاویه هم مسأله را مورد بررسی قرار داد. هرچند که شرایط تاریخی این مسأله، درآن روزگاران، نه فراهم بود و نه امکان فراهم کردنش وجود داشت. به همین دلیل هم است که درعصر ما، وقتی جنبش انقلابی به این فرازها و قله‌ها می‌رسد که در برابر حکومت خمینی جلاد این‌قدر می‌ایستد و هرگز از خواستها و آرمانهایش عقب‌نشینی نمی‌کند که درجای خود بی‌نظیر است، یک وجهش به این عنصر پیگیر برمی‌گردد. و چقدر ما باید به خود ببالیم که جنبش ما به این درجه از غنا رسیده است که نه یکی، بلکه صدها تن از آنها را توانسته، درطی فقط یک دهه تقدیم مردم ایران بکند.
همه این بحثها یک طرف، وقتی به کارکرد و رانده‌شدن کار همین «شورای رهبری» در طی فقط چهارسال پایداری با شکوه مجاهدین شهر اشرف، در برابر جنگ و هجوم عمله‌های با مزد و بی‌مزد ارتجاع خون‌آشام آخوندها، نگاه می‌کنم، بی‌اختیار در برابر این پایداری باشکوه و این اندیشه و این تفکرانسان‌ساز، انگشت به دهان می‌مانم و مرشگین از آن انقلابیون درآن «تالار بزرگ احمدی» و درآن سالهای طول و دراز گذشته، و از خودم می‌پرسم: «چی شد این چهار سال؟ چگونه و با چه سرفرازی من و همه مجاهدین توانستیم با سرشاری تمام، این راه درخشان را طی کنیم. همه توطئه‌های خائنین به مردم و میهن را، پشت سر بگذرانیم، ازهفت دریا خون و از هفت دریا آتش و دود، عبور کنیم، بی‌سلاح، اما بادنیاهای اراده‌هایمان را، برافرازیم و درصدف مروارید این کویر سوزان، دربرابر دشمن قد بکشیم و از آرمانمان دفاع کنیم که آرمان همه خلق است...
«رهبری» دراین سالها، این‌طوری توانسته سازمان را حفظ و حراست کند. همچون مادری دائماً و لحظه به‌لحظه دنبال حل وفصل مسائل و تضادهای فرزندانش بوده تا فرزندانی باشند که در برابر نامایمات و سختیها خم به ابرو نیاورند، بایستند و از جوهر انسانی خودشان دفاع کنند تاخودشان خودشان باشند.اردوهای آهنین و عزمهای پولادین که باشعار «کس نخاردبشت من، جزناخن انگشت من»
به جنگ نامایمات و سختیها رفته‌اند و توشه باری از صدق و فدا را به ارمغان آورده‌اند. امروز دره‌های فتح و پیروزی، اگر چیزی ممکن شده است و یا ممکن می‌شود چیزی نیست جز نقش بی‌همتا و کارکرد بسیار دوران ساز آن «شورای رهبری».
به‌درستی که اگر این «شورای رهبری» توانسته درتپه‌ها و دره‌ه‌ری و غربت، درزیر این همه سونامیها، دربرابر این حکومت قرون وسطایی، و این بنیادگرایی مذهبی و اتفاقاً درشکل و شمایل اسلامی و از نوع شیعی‌اش بایستد و این حماسه های جاودانی را خلق کند، پس بهادرستی روزی که زنجیرهایی که آخوندها و مماشاتگران بین‌المللی‌اش به دست و پای آن بسته‌اند، باز شود، و این حکومت را از بلندترین کنگت، طمأ با اتکا به مردمش و سرمایه‌های انسانی آن و خلاصه با اندیشه و دیدگاه مردم‌گرایانه و مجاهدی‌اش، چه نامکن‌ها را که ممکن نخواهد ساخت. اگر امروز مجاهدین صدبار قویتر از گذشته روی سرنگونی رژیم دمدمنش آخوندی پای می‌فشارند و نوید آزادی و آبادانی و رهایی خلقی را می‌دهند، پشتشان لابد به چیزهایی بیش است که این گونه استوار ایستاده‌اند. آن پشت چیزی نیست، جز همان که ما آن«شورای رهبری» سازمان پرافتخار مجاهدین خلق می‌نامیم.
حیف و صدحیف که این پدیده بدین عظمت در بیرون از دنیای مجاهدین، فقط رویاست. حتی خیلیها هم حرفهای مرا نمی‌توانند فهم کنند و تصورشان چه‌بسا داستان‌سرایی و ایده‌آلیسم باشد. اما برای کسانی که تنشان به تن مجاهدین سابیده شده و درکوران مبارزه بنا به هر دلیل خاصی نزدیک مجاهدین بودند و یا در رابطه‌یی نزدیک با آنها و نه صرفاً تشکیلاتی، آنرا لمس کرده‌اند، بدون اغراق چه لایکه‌اش، چه مارکسیست‌اش،چه سنی‌اش و چه... به این ادعاهای من البته صادقانه معترف بوده و خواهند بود و می‌دانند که من به‌عنوان یک مجاهد خلق، کم گفته‌ام که بیش نگفته‌ام.
به همین جهت ما همه، بدهکار آن لحظه‌ای هستیم که شیر همیشه بیدار قبل از همه مجاهدین، و پیشاپیش همه ما از آن بهره‌مندیم. این همان اندیشه پویا و نوینی است که قلب تپنده‌ا‌ی‌ا‌ن‌ا‌ن‌ا‌ن

اینجا کسی است پنهان، چون جان و خوشتر از جان...

مجاهد شهید مهدی محمدنژاد: لحظاتی قبل از خارج شدن از بند خطاب به برادران اسیرش گفت: «همان‌طور که می‌بینید من و تعدای از بچه‌ها برای شهادت می‌رویم. این راهی بود که از اول انتخاب کرده بودیم وحتما شما آن را ادامه خواهید داد. نهایتاً دشمن پیروز نخواهد شد. این سنت تکامل است...»

از آن عاشقان شـــرزه...

آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند رفتند و شهر خفته ندانست کیستند

سعید صداقت

یادآوری: آن‌چه که ذیلا می‌خوانید خاطرات پراکنده من از برخی شهیدان است که با هریک به مناسبتی آشنا و از دور و نزدیک می شناختمشان.

هادی صابری

مجاهد شهید هادی صابری متولد۱۳۴۲ بود و در هنرستان صنعتی رشت در رشته مکانیک تحصیل می‌کرد. او از هواداران بسیار پرشور و فعال سازمان در رشت بود. در آبان و آذر ۵۹ که سرکوب مجاهدین توسط چماقداران شدت گرفته‌بود مزدوران رژیم به هنرستانی که هادی در آن جا درس می‌خواند حمله‌ور شده و آن‌جا را از بیرون محاصره کردند. حوالی ظهر که مدرسه تعطیل شد چماقداران با حمایت پاسداران به داخل مدرسه حمله بردند و تعدادی از هواداران مجاهدین را دستگیر کردند. هادی از جمله دستگیرشدگان بود. او و بقیه را دستبند زدند و از مدرسه به مسجدی در محله باقرآباد شهر رشت بردند و با قیچی و چاقو همه را شکنجه کرده و پنشتان را خونین کردند.

در فروردین ۶۰ برای دومین بار هادی در هنرستان دستگیر شد و مدتی در بازداشت بود. این بار پس از آزادی او را از هنرستان اخراج کردند.

هادی پس از اخراج از مدرسه با ایمان هرچه بیشتر به آرمانهای مجاهدین به مبارزه باچماقداران و پاسداران رژیم پرداخت.

او در اواسط سال ۶۰ دستگیر شد و به زندان سپاه رشت و سپس زندان قزلحصار، بند۴ واحد ۱، منتقل شد. او در زندان بسیار با روحیه و مقاوم بود و بیشتر ایام زندان خود را در سلولهای انفرادی گذراند. اما هربار هم که به جمع می‌پیوست بلافاصله شروع به خبرگرفتن از وضعیت جنبش و سازمان می‌کرد.

در قزلحصار او با یک طرح جسورانه دست به فرار از کانال کولرهای زندان می‌زند که موفق نشده و دوباره دستگیر می‌شود. این بار پاسداران او را به سلول انفرادی برده و پس از شکنجه و آزار بسیار به زندان گوهردشت منتقل می‌کنند.

مجاهد قهرمان هادی صابری از جمله زندانیانی بود که در جریان نسل‌کشی سیاه زندانیان مجاهد در سال۶۷ به خیل بیشمار جاودانه فروغها پیوست.

فرانک طاووسی

خواهر مجاهد فرانک طاووسی در کرمانشاه متولد شد و تحصیلات خود را در همان شهر ادامه داد. او پس از گرفتن دیپلم در دانشگاه گیلان پذیرفته شد. فرانک در سال۵۸ با مجاهدین آشنا شد و از آن پس فعالیتهای سیاسی خود را آغاز کرد. او در دانشگاه بارها مورد تهدید قرار گرفت اما خللی در اراده انقلابی او پدیدار نشد. پس از تهاجم ضدانقلابی رژیم به دانشگاهها که منجر به تعطیلی دانشگاههای کشور شد او به صورت حرفه‌یی به فعالیت انقلابی و افشاگرانه علیه رژیم پرداخت.

فرانک با این که اهل کرمانشاه بود اما پس از تعطیلی دانشگاه هم‌چنان در شهر رشت و تشکیلات گیلان ماند. در سال ۶۰ مزدوران رژیم به خانه‌یی در شهر رشت حمله و او را دستگیر کردند. پاسداران و شکنجه‌گران رژیم مدتهای مدیدی فرانک را در زیر فشار بازجویی قرار می‌دهند که بفهمند چرا با این که او اهل کرمانشاه است و دانشگاهها هم تعطیل بودند در تشکیلات رشت بوده است؟ اما فرانک قهرمان هیچ‌گونه اطلاعاتی به آنها نداد. فرانک در زندان عنصری بسیار پرشور بود و در مدت زندان خود طرح یک فرار را با جسارت انجام می‌دهد که موفق نشده و دوباره دستگیر می‌شود. او در زندان از چنان روحیه بالا و مهاجمی نسبت به شکنجه‌گران برخوردار بود که حتی دختران بسیجی نیز به او احترام می‌گذاشتند.

فرانک تا سال۶۷ به مقاومت خود ادامه داد و عاقبت در جریان شهادت ۳۰هزار زندانی مجاهد در آن سال به شهادت رسید.

مهدی محمد نژاد

مجاهد شهید مهدی محمدنژاد در سال ۱۳۳۸ در شهر لاهیجان به‌دنیا آمد. دوران تحصیل تا دیپلم را در لاهیجان گذراند و در سال ۵۶ وارد دانشگاه شد. از همین دوران بود که با مسائل سیاسی آشنا و پس از آشنایی با مجاهدین به‌عنوان هوادار سازمان به تبلیغ مجاهدین پرداخت.

مهدی از فعالان تظاهرات دانشجویی در خارج و داخل دانشگاه بود. او بعد از مدتی به لاهیجان بازگشت و به همراه

مجاهد شهید مهدی محمدنژاد

برادرانش (مجاهدین شهید فریدون و محمد محمدنژاد) و تعداد دیگری از هواداران به سازماندهی تظاهرات ضد شاه پرداخت. همین جمع آنها بود که پس از سقوط دیکتاتوری شاه بلافاصله جنبش ملی مجاهدین را تشکیل دادند.

در تمام دوران فعالیتهای سیاسی مهدی از جمله هواداران بسیار پرشور و فعال بود که در کلیه گردهم‌آیی‌ها، سخنرانی‌ها و فعالیتهای سیاسی شرکت داشت. پس از ۳۰خرداد۶۰ نیز مهدی به فعالیتهای خود ادامه داد. تا این که عاقبت در مرداد سال۶۰ در لاهیجان دستگیر شد.

دوران زندان برای مهدی فراز جدیدی از مبارزه انقلابی او بود. دژخیمان با توجه به شناختی که از مهدی داشتند بعد از دستگیریش او را به‌شدت زیر شکنجه بردند و مدت ۵۰روز دستبند زده در سلول انفرادی نگاهش داشتند. پس از آن مهدی به بند رختشویخانه که مزدوران به آن بند معدومین می‌گفتند منتقل شد. خود او بعد از ورود به بند برای یاران دیگرش تعریف کرده است: «معاون فرمانده سپاه لاهیجان مزدوری بود به نام ابراهیمی که به لحاظ چهره خیلی شبیه من بود. وقتی اولین بار او را دیدم به ذهنم زد با توجه به شباهت چهره می‌توانم خود را به جای او جا بزنم و از در خروجی به طور رسمی خارج شوم. به این ترتیب او شروع به آماده‌سازی طرح خود برای فرار از زندان می‌کند و تا حد بسیار زیادی هم موفق می‌شود. اما در آخرین لحظات یکی از پاسداران متوجه شده و او را دم در خروجی زندان دستگیر می‌کنند.

مهدی در زندان خبر شهادت برادرش محمد را می‌شنود اما بدون کوچکترین درنگی به کار خود در مورد راه انداختن تشکیلات مجاهدین اسیر ادامه می‌دهد.

در مهرماه ۶۰ پس از طرح شعار «مرگ بر خمینی» که به صورت گسترده و در سطح اجتماعی مطرح شد مزدوران به کینه‌کشی از مجاهدین دربند برخاستند و در روز ۱۱مهر ماه بود که مهدی را همراه ۱۵مجاهد اسیر دیگر به جوخه تیرباران سپردند.

مهدی قهرمان لحظاتی قبل از خارج شدن از بند خطاب به برادران اسیرش گفت: «همان‌طور که می‌بینید من و تعدای از بچه‌ها برای شهادت می‌رویم. این راهی بود که از اول انتخاب کرده بودیم وحتماً شما آن را ادامه خواهید داد. نهایتاً دشمن پیروز نخواهد شد. این سنت تکامل است».

و سپس با گاهیابی استوار به سوی میدان تیرباران شتافت.

از خانواده مجاهد،پرور محمدنژاد ۳فرزند به نامهای، فریدون، مهدی و محمد به شهادت رسیده‌اند.

فریدون (دارای لیسانس) بزرگترین فرزند خانواده از مسئولان تشکیلات رشت بود که در شهریور۶۰ به شهادت رسید.

و محمد(دیپلمه) از مجاهدین مستقر در جنگهای رامسر بود که در چند عملیات موفق از جمله حمله به بانک صادرات و مجازات برخی مزدوران شرکت داشت.

حسن افتخار بنی‌هاشمی

حسن در سال۵۴ وارد فعالیتهای سیاسی شد. پدر حسن در منطقه بازار رشت کتابفروشی داشت. او از این موقعیت استفاده کرد و با مطالعه بسیار زیاد، سطح دانش و آگاهی خود را بالا برد. حسن در مسیر مطالعات خود فراوزنیهای بسیاری را طی کرد. ابتدا در انجمن حجتیه فعال شد و سپس با اندیشه‌های دکتر شریعتی آشنا شد و بعد از دی ماه سال۵۷ به سلک هواداران سازمان پیوست.

پس از پیروزی انقلاب با تشکیل جنبش ملی مجاهدین در رشت وارد جنبش شد و خیلی سریع پروسه رشد تشکیلاتی را طی کرد و از مسئولان انجمن دانش‌آموزان هوادار مجاهدین شد. و در جریان برگزاری رژه میلیشیا در سال۵۸ در شهر رشت از فرماندهان اصلی میلیشیا بود.

حسن مسئولیت بخشی از مدارس و دبیرستانهای بخش دانش‌آموزی را به عهده داشت و از پاییز۵۹ مسئولیت بخش دانش‌آموزی شهر رشت را تحویل گرفت و به خوبی از عهده انجام وظایفش برآمد. فعالیتهای حسن باعث شد که او بزودی توسط عناصر فالانژ و مرتجع شناخته شود. به طوری که از همان دوران فاز سیاسی چندین بار مورد تهاجم آنان قرار گرفت. عاقبت به خاطر شناخته‌شدگی در فروردین۶۰ حسن به تشکیلات لاهیجان منتقل شد. در آن‌جا نیز با سخت‌کوشی لیاقتهای بسیاری از خود نشان داد.

پس از ۳۰خرداد۶۰ و شروع مرحله جدید مبارزه با ارتجاع حسن قهرمان مانند بسیاری از مبلیشیاهای دیگر سلاح شرف و افتخار بر کمر بست و راهی میدان نبرد با ارتجاع هار وخونریز شد. و عاقبت در مرداد همان سال به اتفاق دو مجاهد دیگر دستگیر شد. دژخیمان که از حسن کینه بسیاری داشتند او را زیر شدیدترین شکنجه‌ها بردند اما نتوانستند کوچکترین اطلاعاتی به‌دست آورند. حسن به‌رغم داشتن اطلاعات بسیار گسترده سرفرازانه تمامی شکنجه‌ها را تحمل کرد و سپس به بند عمومی منتقل شد. این مجاهد قهرمان در اسارت نیز هم‌چنان پرشور و استوار باقی ماند و تا روز شهادتش به اتفاق برادران مجاهدش رضا ماهیان و فیروز رحیمیان مسئولیت تشکیلاتی برادران مجاهد اسیر را به عهده داشت.

عاقبت در روز یازده مهرماه ۶۰، ۱۵مجاهد دلاور دیگر از جمله مهدی محمدنژاد، عباس صدیقی، حمید جاماسبی، اورنگ عبدالنژاده، علیرضا شاه‌منصوری به جوخه تیرباران سپرده شد.

قاسم پروانه:

«کی بیداره؟ کسی حرفی نزد. «کسی بیدار نیست؟» پاسدار مزدور در نیمه‌شب به سراغ بچه‌ها می‌آمد. این بار قاسم گفت: «من بیدارم». پاسدار گفت: «پا شو بیا».

همه زیر بازجویی بودیم. ساعت یک و دو شب بود. با سر وصدای پاسدار همه از خواب بیدار شدیم. پاسدار قاسم را با خود برد. می‌دانستیم در آن موقع شب جز بازجویی و شلاق و کابل چیز دیگری نصیب آدم نمی‌کنند. چند لحظه بعد صدای ضربات کابل و فریادهای پی‌در پی قاسم بلند شد. بعد از یک ساعت او را برگرداندند. کمی چشم بند را بالا زدم و دیدم که پاهایش به طور واقعی دو برابر شده است. پس از پرسیدن برای چه گفتی بیدار هستی؟ گفت خواستم بروم پیک‌نیک و ما از روحیه بالا و جسارت انقلابی او بسیار آموختیم.

قاسم در قسمت زیر پله ساختمان اصلی ۶طبقه سپاه لاهیجان بود. آن‌جا را به دلیل کثرت زندانیان به صورت یک سلول برای نفراتی که زیر بازجویی بودند درآورده بودند. پس از چند روز بچه‌های آن‌جا را که۱۷نفر بودند به بند۱ بردند.

هنگام ورود به بند چشم‌بندمان را باز کردند. دیدم دست راست قاسم با یک تکه نخ به گردنش بسته شده است. معلوم شد که هنگام حمله مزدوران رژیم به پاگیاهشان توانسته بود فرار کند اما در خیابان او را با گلوله زده و دستگیر کرده بودند. مدت دو ماه گلوله در دست او مانده بود اما پاسداران او را به بیمارستان نمی‌بردند تا او بیشتر درد بکشد. در آن‌جا که فضایی ۱۱۰متری بود، ۹۵زندانی را جا داده بودند. جایمان بسیار تنگ بود و هرشب ۱۵نفر داوطلبانه به صورت چمباتمه می‌نشستند تا بقیه بتوانند بخوابند. در چنان محیطی قاسم برای روحیه‌دادن به دیگران با همان دست تیرخورده‌اش دیگران را به ورزش تشویق می‌کرد. در اواخر شهریور۶۰ بود که یک مسابقه کشتی در سطح بند راه انداختیم که سه روز به درازا انجامید. قاسم با این که فقط از دست چپش می‌توانست استفاده کند چند نفر را ضربه‌فنی کرد و به‌عنوان یک قهرمان نام خودش را برسر زبانها انداخت.

یکبار او را به‌بازجویی و دادگاه فراخواندند، خودش بعد از بازگشت برایمان تعریف کرد که در دادگاه یک آخوند و دو پاسدار بودند و روبه‌رویشان حاکم ضد شرع نشسته بود. یک صندلی هم برای زندانی وجود داشت. قاسم در دادگاه از خطمشی سازمان شجاعانه دفاع کرد. وقتی به زندان برگشت گفت چیزی در مورد حکم به او نگفته‌اند ولی با توجه به اتهامات وارده و دفاع از خط سازمان حتماً به من حکم اعدام می‌دهند. چند ساعت بعد صدایش کردند. ما همه می‌دانستیم برای چه او را می‌خواهند ببرند. خودش هم می‌دانست. با آرامش کامل گفت: اول دو رکعت نماز می‌خوانم بعد می‌روم. نمازش را خواند و همراه مجاهد حسن افتخار او را از بند ما بردند.

دو روز بعد، در ۱۱مهر۶۰، قاسم قهرمان با پلدنی مجروح همراه با ۱۵مجاهد دلیر دیگر تیرباران شد.

بیژن قربانپور

مجاهد شهید بیژن قربانپور در سال۱۳۴۲ در شهرستان فومن متولد شد. او هنرجوی رشته ساختمان هنرستان صنعتی پسران بود. بیژن پس از آن که به هواداری از مجاهدین برخاست مسئولیت هنرستان خود را پذیرفت و با شایستگی تمام به انجام وظایف انقلابی‌اش در این هنرستان پرداخت. فعالیتهای گسترده بیژن باعث شد که توسط بسیجیان و افراد انجمن اسلامی هنرستان مورد شناسایی قرار گیرد و در درگیریها و تهاجماتی که آنها انجام می‌دادند همواره بیژن یکی از کسانی بود که در معرض تهدید، کتک‌خوردن و دستگیری قرار داشت. از جمله در آبان۵۹ وقتی که چماقداران به هنرستان حمله کردند او از دستگیرشدگان بود و بعد از آن هم به خاطر فروش نشریه همواره با آنها درگیری داشت.

بیژن مدتی به دلیل بیماری قلبی به مدت ۱/۵ماه در بیمارستان قلب تهران بستری بود. اما پس از بهبودی نسبی مجدداً فعالیتهای انقلابی خود را از سر گرفت.

در ۲۲بهمن۵۹ بیژن به همراه صدها هوادار دیگر به محله صمد بهرنگی رشت رفت. آن‌جا یکی ازمحلاتی بود که سازمان کتابخانه، مسجد و نیروهای زیادی داشت. حوالی ساعت۹/۵ مزدوران رژیم به مسجدی که دست هواداران بود حمله کرده تلاش داشتند آن‌جا را از دست مجاهدین خارج‌کنند. آن روز در سر تا سر خیابان بچه‌ها صف کشیده بودند تا مانع تهاجم چماقداران شوند. متقابلاً مزدوران رژیم هم با سلاحهای نیمه‌سنگین که بر روی خودروهای شخصی و ارتشی کار گذاشته بودند رد می‌شدند تا با وحشت‌آفرینی اراده‌ها را درهم بشکنند. مزدوران وقتی آرامش بچه‌ها را دیدند سعی کردند تعدادی از آنها را دستگیر کنند که با مقاومت جمعی همه مواجه شده و نتوانستند کاری انجام دهند. درگیری بالا گرفت و «مجاهد با شلیک گلوله مزدوران مجروح شدند و خون بسیاری دیگر بر زمین ریخته شد. بیژن از جمله میلیشیاهایی بود که در این روز به شدت مضروب شد.

پس از ۳۰خرداد۶۰ مزدوران رژیم به پایگاهی در حوالی شهر لاهیجان حمله کردند. حاضران در پایگاه ازآن‌جا خارج شدند اما بیژن به‌خاطر بیماری قلبی توانست محل را ترک کند. مزدوران او را دستگیر و به زندان لاهیجان منتقل کردند. در زندان بیژن به‌شدت مورد شکنجه واقع شد اما نه تنها روحیه‌اش را از دست نداد و تسلیم نشد بلکه با جسارت تمام موفق شد از زندان بگریزد. بلافاصله پس از فرار از زندان بیژن ارتباط خود با سازمان را برقرار کرد و تا سال۶۲ به فعالیتهای مخفی خود ادامه داد. در این سال مجدداً دستگیر و به زیر شکنجه برده شد. عاقبت دژخیمان که موفق به شکستن روحیه این مجاهد ارزشمند نشده بودند او را در سال۶۳ به جوخه تیرباران سپردند.

طرح از سلا آذری

سهیلا و مسعود حسام

خواهر مجاهد سهیلا حسام در سال ۱۳۴۲در محله پل‌عراق در شهر رشت به دنیا آمد. او در خانواده زحمتکشی بزرگ شد. سهیلا از همان دوران کودکی با ستم و استثمار آشنا شد.

او فعالیت سیاسی خود را از سال۵۷ همزمان با اوجگیریهای تظاهرات ضد شاه آغاز کرد.

در آن ایام سهیلا دانش‌آموز دبیرستان بود و در ادامه فعالیتهای سیاسی خود با مجاهدین آشنا شد و به جمع هواداران پیوست. او از جمله دانش‌آموزان فعالی بود که در آن سالها بارها از طرف عوامل رژیم در مدرسه تحت اذیت‌وآزار قرارگرفت و نهایتاً به دلیل فعالیت انقلابی و ضدارتجاعی از مدرسه اخراج گردید. از آن پس تمام زندگی سهیلا وقف فعالیتهای انقلابی شد. بعد از ۳۰خرداد۶۰ او توسط عناصر چماقدار مورد شناسایی قرارگرفته و پس از دستگیری به زندان سپاه رشت منتقل شد. پس از دستگیری دژخیمان او را بهزیر شدیدترین شکنجه‌های قرون‌وسطایی بردند اما او با استواری تمام در راهی که برگزیده بود باقی ماند و عاقبت در جریان قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی مجاهد به شهادت رسید.

برادر کوچکتر سهیلا مجاهد شهید مسعودحسام از شهیدان مجاهد خلق است. مسعود در سال۱۳۴۳ در محله پل‌عراق رشت به دنیا آمد. در سال۵۸، زمانی‌که دانش‌آموز دبیرستان ابوریحان بود، با سازمان آشنا شد و به صورتی فعال در تظاهرات ضدارتجاعی علیه چماقداری در دبیرستان و محله خود شرکت داشت و بیشتر عناصر فالانژ او را می‌شناختند. به همین دلیل در ابتدای سال۶۰ مورد شناسایی پاسداران رژیم قرارگرفته دستگیر و پس از مدتی به زندان قزلحصار منتقل شد. او تا سال۶۵ در بندهای مختلف آن، از جمله بند۴ واحد۱، به سر برد.

در سال۶۵ پس از آزادی از زندان مسعود در صدد ارتباط با سازمان برآمد و بعد از مدتی دوباره دستگیر شد. از آن پس هیچ گونه اطلاعی از او در دست نیست. او از جمله مجاهدین گمنامی است که توسط ارتجاع خونریز به شهادت رسیده است.

آفتابکاران

جلد اول: دشت آتش

اوین (شهریور تا آذر-۱۳۶۰)

خاطرات زندان

(۱۱)

محمود رؤیایی

در حال برگشت بودند که محافظ اولش گفت:

– کسی نیـــود؟ اگه به ساعت دیگه التماس بکنین قبول نمی‌کنیم، همین الان هرکی می‌خواد! بلند شه.

یکی از افردی که چند روز قبل آمده بود و به‌دلیل سکوتش او را مشکوک می‌دانستیم، در حالی‌که سرخ شده بود و می‌لرزید، بلند شد و همراه پاسدار رفت.

راست می‌گفت «هنوز نشناخته بودیمش».

در تمام این مدت به این فکر می‌کردم که این فرد کیست و صدایش را قبلا کجا شنیده‌ام. وقتی فهمیدم جلاد معروف اوین، لاجوردی بود یادم افتاد که یک بار صدایش را درشعبه۴ زیر بازجویی شنیدم که به بازجو گفت:

رحم نکن اینا فقط با کابل زیونشون باز می‌شه.

چند دقیقه بعد دوباره وارد شد و گفت:

اگه نمی‌تونی بیام...

چند بار هم صدایش را از اتاقهای دیگر بازجویی شنیده بودم.

نیم ساعت بعد از استراحت، صدای رگبارها و تیر خلاصها شروع شد. نمی‌دانم چه تعداد، ولی تمام نمی‌شد. انگار تا حوالی صبح ادامه داشت.

۱۵

صبح با صدای لخ لخ پاسدار بند، خودمان را برای هواخوری آماده می‌کردیم که اسم من و چند نفر از بچه‌ها را با عصبانیت و پرخاشگری برای بازجویی صدا کرد. این‌بار بدون معطلی مستقیم به‌سمت دادسرا و شعبه رفتیم. بازجو تعدادی عکس که روی کاغذ زیراکس شده و زیر هر کدام شماره‌یی داشت را نشان داد و گفت:

– به هر کدوم که اشاره می‌کنم بگو اسمش چیه و ردش کجاست.

بلافاصله از ترکیب عکسها،که یکی هم عکس خودم بود، فهمیدم همه عکسها را از مدرسه گرفته‌اند. بعد از جوابهای پرت‌وپلایی که به چند عکس اول دادم، حسابی عصبانی شد و در حالی‌که با خودکار به سروصورتم می‌زد گفت:

– بدبخت اینا که میگی رد شون رو نداری، دستگیرشدن و همه اطلاعات تو رو دادن! بعد با خودکار به عکس خودم اشاره کرد.

– این خودمم.

از آن‌جا که فکر می‌کرد دستش انداخته‌ام، در همان محل پشت صندلی با کابل و چوب به جانم افتاد. هر چه گفتم: عکس خودمه چرا می‌زنی؟ توجهی نکرد و گفت:

– فکر کردی بازم می‌تونی ما رو برقصونی؟

– به خدا عکس خودمه.

مکثی کرد و رفت. شماره زیر عکس را با اسمهایی که در صفحه دیگر داشت، مطابقت داد و دید اسم خودم را نوشته و دیگر ادامه نداد.

فهمیدم قیافام در این یکماه کلی تغییر کرده. به‌محض این‌که بازجو از اتاق خارج شد به پاسداری که در اتاق بود، گفتم:

– می‌خوام برم دستشویی.

– به دقیقه صبرکن الان بازجوت میاد بش بگو.

– توالت چیکار به بازجو داره به ساعت منتظرم یکی بیاد منو ببره.

می‌خواستم به بهانه توالت، هم از اتاق بازجویی که تخشش تازه خالی شده و ظاهراً بمن چشم دوخته بود دور شوم و هم در آینه‌یی که در توالت بود خودم را ببینم. در بند هم هیچ وسیله‌یی که بتوانیم خودمان را ببینیم وجود نداشت. همان پاسدار لحظه‌یی بعد دستم را گرفت و به‌سمت توالت برد. همین‌که وارد توالت شدم گفت:

– دست به چشم‌بندت نمی‌زنی‌ها، درم باز باشه!

به حرفش توجه نکردم در را بستم. با لگد در را باز کرد و گفت:

آشغال مگه نشنیدی چی گفتم؟

بعد از چند لحظه بیرون آمدم. می‌خواستم ضمن شستن دست، چشم‌بند را بالا زده و نگاهی به‌آینه کنم که چون پاسدار همان‌جا کنارم ایستاده بود از خیرش گذشتم. به‌سمت شعبه حرکت کردم ولی به‌دلیل این‌که بازجو نبود، نیم ساعتی بیرون شعبه نشستم و با اولین صدای "بندیها پاشن" بلند شده و به‌بند آمدم.

وارد سلول شدم محمدرضا با چشمکی تیز همراه با تکان دادن سرش گفت:

– چه خبر؟

–هیچ خبری نبود. رفته بودم خودم رو شناسایی کنم.

بعد موضوع عکس و کابل را با آب و تاب تعریف کردم. "محمد" گفت:

– یعنی عکس قدیمیتو آورده بودن.

– نه بابا، قیافه منو این‌جوری نیگا نکن! تو مبارزه سوختم...

– یعنی یکی دو ماه پیش این‌طوری نبودی؟

– به هیکل داشتم که از این در تو نمی‌یومد، قبل۱۹۵ مو بورن چش آبی، هر طرف نیگا می‌کردم ۱۰نفر ولو می‌شدن. محمدرضا بهشون بگو.

محمدرضا ضمن لبخندی صمیمی گوشه لبش را گاز گرفت (تا من متوجه شوم که دارم رابطه قبلی‌مان را در جمع فاش می‌کنم). در همین فاصله سه نوبت در باز شد و چند نفر جدید وارد شدند. ابتدا حاج زارع، مرد سالخورده‌یی که خود شاهد زجرکش و مرگ فرزندش در شعبه بازجویی و بی‌حرمتی به عروسش در همان شعبه و همان تخت بود، با لبخند گرمی که در گونه سرخ و ریش سپیدش مثل شعله‌یی در برف می‌درخشید، با پاهای زخمی و قامتی خمیده وارد شد. مشغول خوش‌وبش با بیرمرد بودیم که حسین(الف) بلندقد با ابروهای مشکی و پیوسته که در صورت قهوه‌یی (و بقول خودش برنزه) و تعریض سفید و جوگندمیش جلب توجه می‌کرد، وارد شد. آن موقع حدود چهل ساله می‌نمود، ظاهراً سالها در فرانسه بوده و بعد از انقلاب بعایران آمده و یک کارگاه تولیدی در خیابان کوشک حوالی میدان فردوسی راه انداخته بود. ضمن معارفه در حالی که از سابقه کارهای هنری و تحصیلاتش در فرانسه می‌گفت، گفتم:

– امشب تُرنا بازی داریم باید هنرت رو، رو کنی.

– براتون سوت می‌زنم.

بعد مکثی کرد و موزیک «قصه عشق» را با سوت به طور کامل اجرا کرد. واقعاً در این کار استاد بود. حسن حسینی، سربازی با سیل کلفت و آویزان که در صورت زرد و نکیده‌اش برق می‌زد، با حالتی نگران وارد شد.

آخرین نفری که وارد شد جوان بلندقد و لاغر اندامی به نام خسرو امیری بود، که به‌محض ورودش گل از گل حسین پروانه شکفت و بدون هیچ ملاحظه‌یی به‌سمتش رفت. خسرو از بچه‌های سه‌راه آذری و هم‌مدرسه‌یی حسین پروانه بود که به‌رغم ظاهر ساکت و بی‌آزارش شور و شیطنت در نگاهش موج می‌زد. از آن‌جا که یک هفته بیشتر از دستگیریش نمی‌گذشت و به‌بروز بود تمام اخبار بیرون را از طریق «حسین» منتقل کرد.

شب، مراسم تُرنابازی راه افتاد. تقریباً اکثر بچه‌ها برنامه‌یی اجرا کردند. یکی از زندانیان سالخورده چند خاطره از بچه‌محلش (رجایی؛ رئیس‌جمهور ناکام!) در زندان شاه تعریف کرد. آن‌جا که رجایی پسته و فندق ملاقاتش را از دید مسئول صنفی پنهان می‌کرد و شبها در زمان استراحت صدای قرچ و قرچ شکستن فندقها و خرج و خرج خوردنش از زیر پتو همه را بیدار می‌کرد. هم‌چنین خاطره دیگری از همان دوران که یکی از مسئولان ساواک، زندانیان را جمع کرده و بعد از تهدید و تشویق بسیار خواسته بود هرکسی عفو ملوکانه می‌خواهد دستش را بلند کند و رجائی، که دید هیچ دستی بالا نمی‌رود، ترسان و لرزان انگشت اشاره‌اش را آرام از قسمت سینه تا مقابل صورتش بالا برد تا هم کسی نبیند و هم زندانیان و مأمور ساواک متوجه شوند.

در این برنامه، محمد(ر) خاطره و شعری زیبا، حسن و یکی دیگر از بچه‌های غیرمذهبی ترانه‌یی شمالی و ترانه‌یی اصیل اجرا کردند. من باز هم شعری از شاملو، هیت قطعه‌یی طنز، «حسین» ترانه ترکی و انقلابی، سعید یکی از سروده‌های کوهستان، تعدادی شعر و خاطره و حسین(الف) هم موزیک فیلم حکومت نظامی را با سوت اجرا کرد.

۱۶

صبح مشغول مرتب کردن سلول و آماده شیدن اسمم در لیست بازجویی بودم که خسرو در گوشه‌یی، کنار محل کفشها مشغول نرمش و حرکات زنی شد. هرچه بچه‌ها با شوخی سعی کردند منصرفش کنند با لبخندی که در صورت سبزه و استخوانیش می‌درخشید به‌حرکاتش که گاه با صدای "ها، هو..." شکسته و ریتمیک می‌شد، ادامه داد. با صدای دریچه و لیست بازجویی، ورزش تمام و بچه‌ها آماده شعبه شدند. وقتی دیدم اسمم در لیست بازجویی نیست، نفس راحتی کشیده و سراغ خسرو رفتم.

بیرمرد در حالی‌که هنوز پایش را می‌کشید و معلوم بود خیلی درد دارد به‌سمت‌مان آمد، دستی به شانه خسرو کشید، خندید و گفت:

– منو یاد علی‌مدینه تشنه انداختی.

تقریباً هیچ وسیله فردی و امکانی برای سلول نداشتیم. به‌همین خاطر قرار شد صبح نفراتی که برای بازجویی نمی‌روند با روشهای ابتکاری، ضمن بازکردن فضای سلول؛ در زیباسازی محیط تلاش کنند. هرچند نفر دنبال طرح و ایده‌یی بودند که بتوانند با دست خالی، امکان و وسیله‌یی برای سلول زنده کنند. در باز شد و پاسدار بند گفت:

– یه‌نفر هواخوری.

بازهم با ناباوری بدون جشمبند وارد محوطه‌یی شدیم که با دیوارهای بلندی محصور بود. بچه‌ها با تکه‌های پارچه (جوراب کهنه‌یی که از کمیته مشترک آورده بودند و تکه ابری که از زیر هشت، قبل از ورود به سلول بلند کرده بودیم و...) توپ کوچکی درست کرده و منتظر هواخوری بودند. سریع بازکشی کرده، تیمهای پرنفره تشکیل شد و فوتبال ۴دقیقه‌یی راه افتاد. من که مشغول صحبت با «محمد» و مهدی بودم از نگاه پاسداری که به فوتبال بچه‌ها خیره شده بود، فهمیدم هر ضربه‌یی که بچه‌ها به توپ مچاله شده و قلمبه‌یی که چندان کروی هم نبود، می‌زنند مثل نیشتر و خنجری به قلبشان می‌نشیند. به مهدی گفتم:

– نیگاش کن چشمش داره در میاد.

– حق داره دادش، آخه کی حالشو داره با پای زخمی‌فوتبال بازی کنه، اینا فکر کردن وقتی همه رو لت‌وپار کردن هر کی یه گوشه‌یی ولو میشه. حالا فهمیدن بچه‌ها هرچی کتک می‌خورن روشون بیشتر می‌شه.

ادامه دارد

معرفی کتاب

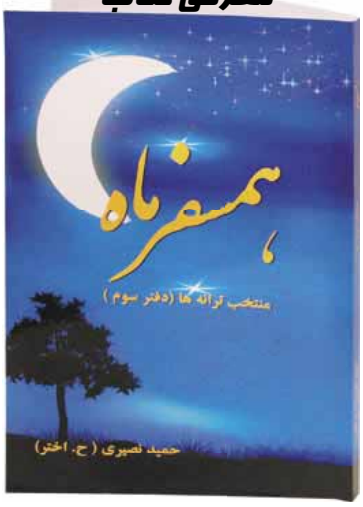

به سنگ بگو
نامت را بر روی گریه شیشه نوشتم
شاید در شبهای طوفانی بی اعتمادی
همدم رازم باشی

شعر «سنگ و شیشه»
از مجموعهٔ رستاخیز گل

«همسفر ماه» و «رستاخیز گل»

گزیـده شعرها و ترانـه‌های حمیـد نصیری«ح. اختـر»

«همسفر ماه» نام مجموعه ترانه‌ها و «رستاخیز گل» گزیدهٔ شعرهای حمید نصیری(ح. اختر) شاعر و نویسنده مجاهد خلق است که اخیرا توسط انتشارات «بنیاد رضاییها» منتشر شده است.

حمید در مقدمه کتاب خود کلامی درباره کار شعر و ترانه‌سرایی خود نوشته که تا اندازه زیادی روشنگر دیدگاه و نگاه خاص او به این مقوله است. در مقدمه او آمده است: «ترانه‌ها، و شعرهایم خیلی به‌هم نزدیک هستند و شانه بشانه هم می‌سایند. شکل دیگر شعرهایم هستند. با تصویرها و مضامین مشترک ولی با زبانی ساده‌تر و عامتر. بعضیها در کمتر از چند ساعت سروده شده، بعضیها تا دو روز هم وقت بردهاند. بعضیها خودجوش و با تلنگری به ذهن، بعضیها به مناسبتی یا حادثه‌یی یا برروی ملودی و آهنگی شکل گرفته و ساخته شده‌اند»

دو تصویر در شعر و در ترانه زیر نمونه‌یی از این دست است:

«من خنده‌هایت را دزدیدم
تا در پوست شادی تزریق شوم»
(از شعر رستاخیز گل)
«گل خورشید خواهد شد
چراغ روی بام تو
کنار سفره مهتاب
خدا مهمان شام تو»
(از ترانهٔ آرزو)

در این دو مجموعه با شاعر و ترانه‌سرایی روبه‌رو هستیم که کار شعر و ترانه وجهی از زندگی مبارزاتی اوست. زندگی حمید از آرمان او جدا نیست و آرمانش در شعرها و ترانه‌هایش بازتاب یافته‌اند. این واقعیت را خود شاعر در مقدمهٔ کتاب «رستاخیز گل» به صورتی صریح این چنین بیان کرده‌است: «یک یادآوری ضروری هم درخصوص لاغر بودن مجموعه حاضر و مجموعه‌های دیگر شعر من. علت این است که بخشی از گوشت تنشان را در هجوم ۱۷ژوئن۲۰۰۳ قصابان اعزامی دولت شیراک (د. اس. ث پلیس فرانسه) به دفاتر مقاومت ایران و خانه‌های پناهندگان، کندند و با خود بردند و گویا به آخوندها قول داده‌اند تا وقتی که آنها در قدرت باشند، هم چنان با ساطور به کنکاش سلولها و بافتهای شعر و دیگر نوشته‌های من برای دست یافتن به آلودگی "تروریسم" ادامه دهند».

هم از این رو خواننده کتابها از همان اولین سطرهای شعر و یا نخستین ترانه‌ها در می‌یابد که با شاعر و ترانه‌سرایی مواجه است که مسائلش نه مسائل و مصائب فردی و شخصی که معضلات جامعه‌یی است و تحت حاکمیتی ارتجاعی است. شاعر «رستاخیز گلها» در شعر زیبای «فریاد واژه» همه کلمات را می‌فشارد، می‌فشارد و در پایان «ناگهان، از دهانش درآمد این سرود، آزادی درود» و یا در شعر بیداد از قانون گرم دریدگان می‌گوید که: «از درخت، دار می‌سازند، از انسان، دژخیم و از قلب، سنگ».

اما آن‌چه که به شعر و ترانه حمید ویژگی و رنگ خاصی می‌بخشد پیوند او با مبارزه‌یی است عمیق برای تحقق آزادی در صف مجاهدان و رزمندگانی که زیباترین ترانه‌ها و ماندگارترین شعرهای مقاومت یک میهن را با مقاومت حماسی خود در «اشرف» رقم زده‌اند.

او از ایران می آغازد و در ترانه «آرزو» برای مهینش می‌سراید:

«سرهر کوچه باید کاشت
نهال سبز آبادی
بزن سازی که هرشعری
بشه فریاد آزادی»

و سپس در ادامه آرزویی چنین زیبا برای وطنش در ترانهٔ انگیزاننده «شهر طلوع» به اشرف به عنوان پایگاه امید و شرف مردم ایران برای آزادی اشاره می کند و می‌سراید:

اشرف تو خورشید منی
اشرف تو امید منی
ای که تو را از تو سرودم
ای که تو افسانه ما
ای که تویی خانه ما
نام تو سیمای وجودم
و باز در در ترانه دیگری به نام لشگر گلها با سربلندی می‌سراید:
«اشرف از تو سرفراز و سینه ام پرشور باد
گر همیشه مهر تو در قلب من معمور باد»

در چنین شور و حالی است که ترانه‌های حمید نصیری از ضروریتی بیرونی و اجتماعی آغاز می‌گیرد و آتش به جان خود ترانه‌سرا می اندازد. به طوری که مثلا در ترانهٔ زیبای «میلاد شکوفه» در این باره می گوید:

«حالا تو باغ بهارم
عطرم از جشن سپیده
شعلهٔ بال رهایی
به تنم آتش کشید»

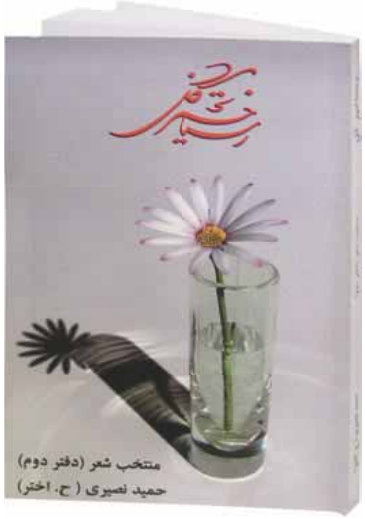

زندگانی ام خاک گرفته است
غربالی می خواهم
بادی و تکانی.
پیراهنم را در باد بگیر
کوله باری مرا.
اینک سلامی.

شعر خانه تکانی از مجموعهٔ رستاخیز گل

طنـز تلخ تاریخ

علی خلخال

قسمت اول: چرند و پرند به قلم شادروان علی اکبر دهخدا (روزنامه صوراسرافیل شماره۲۱ ـ ۱۳۲۵هجری قمری)

در نه هزار ونهصد ونود ونه سال پیش، یک روز یک نفر از عرفای دوره کیان، خرقه ارشاد را به سر کشیده و با زور وقوت مراقبه یک ساعت بعداز آن، به عالم مکاشفه، داخل شد، وقتی که در آن عالم مجرد شفاف پرده‌های ضخیم زمان ومکان از جلو چشمش مرتفع شد، در آخرین نقطه‌های خط استقبال یعنی در نه هزار ونهصدونود ونه سال بعد، چشمش افتاد به یک غول بیابانی که درست قدش به اندازه عوج بن‌عنق بود، درحالی که یک گلیم قشقایی را به وزن دویست ونود وهشت من سنگ شاه به جای ریش به خود آویخته، وگنبد دواری هم مرکب از هشتصد ونود ودو پارچه عبا وقبا و آرخالق از الیـه شعار خلفای عباسی (یعنی سیاه) شل وشلاته ژولیده وگوریده به سر گذاشته، ویک حفت پست خربزه‌های چهارچو را که به تصدیق اهل خبره هردوتاداناش بار یک شتر است به‌پا کشیده بود با قدمهای بلند از عالم غیب رو به عالم شهود می‌آمد، مرشد مزبورکه به محض دیدن این هیأت هولناک چشمش را از ترس رویهم گذاشته بود، محض این که برای دفعه آخر آن غول صحرای مکاشفه را درست وراندازکند چشمش را باز کرد، این دفعه دید یک نفر از ملاکهای غلاظ‌وشداد قدری از دودهای تنورهای جهنم در یک کاسه تباکو خرد کرده و با یک قلم کتیبه‌نویسی از آن خمیر برداشته در پیشانی همین غول بیابانی چیزی می‌نویسد،

مرشد صبرکرد تا ملائکه کارش را به انجام رسانید،آن وقت مرشد در پیشانی همان غول باخط جلی این دو کلمه را خواند: «سید علی را بپا».

از دیدن این منظره هولناک وعوالم مرموز و مجهول، ترس بر شیخ مزبور مستولی شده و تکانی به خود داده خرقه را یک سو انداخته، وبه عبارت اخری از قوس صعود به قوس نزول و از عالم ملکوت به عالم ناسوت و از جهان حال، به دنیای قال، مراجعت کرد، در حالتی که از کثرت غلبه حال، عرق از سر و ریشش می‌ریخت وخود به خود می‌گفت: «سید علی را بپا» آن بنده‌ای صاف وصادق خدا، آن مریدهای خاص‌الخاص مرشد، یعنی آن ده‌های شش دانگ شیخ هم که تا حال، مراقب حال شیخ بودند، این دو کلمه را از زبان او شنیده، وآن را از قبل شطحیات فرض کرده و محض «تشبیه به کامل» (۱) یکدفعه با شیخ هم‌آواز شده آنها هم می گفتند: «سید علی را بپا».

این دفعه این کلمه را با شیخ گفتند، اما بعدها هم خودشان در هر محفل انس درهر مجلس سماع، و با هر ذکر شبانه و باهم ورد سحرگاهی باز این دو کلمه را گفتند، اگر نوع انسان در خواب غفلت نبود، اگر فرزند آدم «بلید وکند» نبود، اگر نوع بشر در کلمات بزرگان غور وتأمل لازمه را به‌جا می آورد، این ورد را باید این مریدها اقلا آن وقت بفهمند، که مقصود از این «سرجوش دیگ» عرفان چیست ؟، اما افسوس که ذره‌یی هم از معانی این دوکلمه صاف ساده نفهمیدند، و مثل تمام معماهای عرفان، لاینحل گذاشته وگذشتند، پس از آنها هم در مدت نه هزار ونهصد ونود ونه سال راسته بازار عبور کرد، باز هم کاسبهای آن راسته به‌هم گفتند که: «سید علی را بپا» در توی هر قهوه خانه، در گود هر زورخانه و در سرهر پاتوق هم، وقتی بچه‌های یک محله یک آدم نایاب میان خودشان دیدند باز به یک دیگر اشاره کردند که: «سید علی را بپا»(۲)

قسمت دوم : ۷۰ – ۶۰ سال بعداز تحریر مقاله مرحوم دهخدا :

به قول دهخدا: (از آن‌جا که ما نوع انسان «ظلوم و جهول») (۳) در فلک تحت‌القمر هستیم، نفهمیدیم رموز معانی این مکاشفه را، که ناظر برزمان و مکان نیست، هرزمان بنا به مقتضیات زمانه (وهاب الصور) (٤) این رمز را به شکلی بازر می‌کند، که در آن سالها یعنی ٤٠-٣٠سال پیش، که سیدعلی تازه پا به عرصه جامعه گذاشت بود ازهمان اوان نوجوانی یک گذشته نکبت‌باری را باخود حمل کرده است که ما به بخشی کوچکی از آن به طورخلاصه با همان ترجیع بند مرحوم دهخدا اشاره می کنیم:

۱ـ فرهنگ کثیف طلبه‌خانه‌ها نه مخفی‌کردنی نه قابل انکار است، افراد درآستانه شباب در این طلبه‌خانه‌ها به سرعت با دستگاه ضد ارزشی آن آشنا و تا فرق سر در منجلاب فرومی‌روند، تولیدات آن نیز از قبل تجربه شده و قابل مشاهده است نیازی به توضیح بیشتری نیست، بازاریهای آشنا با سید جواد آقا پدرش (پیشنماز مسجد آذربایجانیها بازار قالی‌فروشان سرشور) رساندند که ما نگران هستیم: « سید علی را بپا! »

واکشش پدر، نشان از جدی‌بودن پیچ‌پچ‌های درگوشی مردم بود، اورا به قم نزد برادر بزرگتر سید محمد فرستاد که موقتاً آرامش خاطری به‌دست آورد.

۲ـ این جوانک درسالهای بعدترکه قبای آخوندی را برازنده قامت خود یافت، با چشم و هم‌چشمی با آقازاده‌های میلانی و.... در کنار منقل وافور طلایی، به‌دنبال شعر و موسیقی با عماد خراسانی و برادر بزرگ همین واعظ طلبی و... مجلس انسی به هم زدند، هرزگاهی (دور از چشم اغیار) در حلقه دروبیشان، با قمیزهای به اصطلاح عارفانه (پیپ توتون آمفورا) به خودنمایی می‌پرداختند. جای شادروان دهخدا خالی که بگوید: «سید علی را بپا»

۳ـ سالهای٤٢ به سرعت سپری شد، آخوندک در رویاهای طلایی پا را از گلیم خود فراتر نهاد! از طریق همان محافل انس، با تیمساران و وزرای درباری شاه سر و سری به هم زد، همان پارتها «ایرانشهر»را به جای اوین مناسبتر به حالش دیدند ؟!، این‌جا یکبار دیگر، تجربه دهخدا باید کارساز می‌افتاد که گفته شود: «سید علی را بپا»

٤ـ بعد ازبازگشت از ایرانشهر معمولاً جلسات نیمه‌خصوصی برگزارمی‌کرد (که شبه شبها بود) افراد محدودی می‌آمدند، دریکی از همین جلسات بی‌مقدمه بحث را به محمد آقای حنیف کشاند وگفت گاهی می‌شد که برای ملاقات من به مشهد می‌آمد، که دریکی از همین ملاقاتها که (به طورمعمول) کسی در خانه نبود، یکمرتبه صدای چرخش کلید در قفل درحیاط، مرا سراسیمه کرد من به محمد آقا نگاه کردم که جوابی نداشتم اما (محمد آقا معطل نکرد مانند پرنده‌یی که ناگهان پر می‌کشد از روی تراس حیاط به آن طرف دیوار پرید)، طوری این حرکت سریع و غیر منتظره انجام شد، که(عیال مربوطه وقتی وارد خانه می‌شود فقط سایه‌یی را در حال پرش از روی دیوار به بیرون می‌بینند) گفتن چنین فاکتی آن هم در شرایطی که ضریب امنیتی بالا بود، وآدمها اصل و نسبشان شناخته شده نیست و به دور از رعایت اصل امنیتی است که این سوال مقدر را به ذهن متبادر می‌کند، که هدف از این خاطره چی بود؟ آیا جلب مشتری؟ یا دانه پاشیدن برای...؟

۵ـ در آخرین دیگیری او یعنی سال ۱۳۵۳ که همین آخوندک با زور و تزویر خودش را هوادار سازمان جا زده بود، تعدادی از هواداران به سراغ همین شیخ واعظ‌طبسی رفته وپیشنهاد یک اعتراض به مناسبت دستگیری سیدعلی، از طرف علماء و مدرسین حوزه مشهد را بردند، درآن نیمه‌شب همین شیخ خونخوار از این حرکت خودجوش هواداران به وجد آمد وگفت: شما در ردیف صحابه مانند جناب مقداد، ابوذر و... هستید. من همراه یک هیأت چند نفره به سراغ تک‌تک آقایان رفتیم از قبیل حاج‌آقا مرواریدی، حاج میرزا جواد آقای تهرانی، شیخ ابوالحسن شیرازی (که حتی بعد از انقلاب به جایگاه امام جمعه هم دست یافت) وتعداد دیگر. ضمن این که خیلی محترمانه باما برخورد کردند، اما به ما حالی کردند که شما هنوز کبک نوبت به این آخوند خام هستید و زیر بار اعتراض حتی به میزان تعطیل یک نوبت نمازجماعت یا درس نرفتند، بالاتفاق مستقیم وغیرمستقیم به ما حالی کردند که به قول دهخدا: «سید علی را بپا»

٦ـ سال۱۳٥٤ اوج اختناق شاهنشاهی دو نفر از کسانی که بامن در ارتباط بودند در مرداد ماه دستگیر شدند و بعد از یک ماه همین آخوند، پیغام فرستادکه فلانی و فلانی را جدیداً از مشهد به اوین منتقل کردند، اگر چیزی دور و برتان دارید جمع‌وجور کنید، از شنیدن این خبر(به کلی سری) ساواک، شیطان هی مرا وسوسه کرد که نکند زیرکاسه نیم کاسه‌ایست، باز هم جای دهخدا خالی که بگوید: باهمه (کند ویلدی) به ذهن ما زد که! «سید علی را بپا»

۷ـ مسجد کرامت: این مسجد درشرایطی جایگزین مسجد امام حسن شد که رژیم شاه وارد تشدید تضاد با مردم شده بود، و همان این تحول بحث‌انگیز ظن خبلیها را برانگیخت، کسی که منزل شخصی خود را به اصطلاح وقف (یا هبه) کرده بود تا آن‌جا که به خاطرات من برمی‌گردد آدم خوشنامی نبود. و درگذشته جزء باند اکبر مصدق و عباس قصاب که از لمپنهای مشهور مشهد بودند قراردداشت، درجریان کودتای ضدملی علیه دکتر مصدق جزء غداره‌کشان و تاراج‌کنندگان خانه‌های مردم بودند (شیبه شعبان بی‌مخ درتهران) و در آن زمانی که این فرد خانه شخصی خود را برای مسجد به سید علی واگذارکرد این خانه چند میلیون ارزش داشت و صاحب یک چلوکبابی درقلکه بالا خیابان بود! و این امر به سادگی قابل هضم نبود، که شاید از بالاترها دستورگرفته باشد، و بعد از انقلاب پسر (همان اکبر مصدق لمپن ضدمصدقی معروف) کمیته‌چی شد و در جریان شهادت شکرالله مشکین‌قلم درستاد جنبش مجاهدین در روز ۳۰فروردین۵۹ در خیابان بهشت کوی دکترها با ژ-۳، دیده شده بود که به طرف ساختمان شلیک می‌کرده است، حال باید گفت جای دهخدا خالی که می‌آمد ومی‌گفت دیدید که گفتم: «سید علی را بپا»

۸ ـ ردکردن گزارش از مجاهدین به ساواک که یک نمونه آن پارسال در نشریه مجاهد به قلم برادرمجاهد اسماعیل مرتضایی (به نام چشم دون دنیا دار را!) چاپ شد و درآن قید گردیده بود که مجاهد شهید عباس محسن‌زاده کاشانی برای گرفتن کمک به آخوند مهایی مراجعه کرده و او نه این که کمک نکرده بود بلکه، یک گزارش درباره مجاهد شهید عباس محسن‌زاده به ساواک داده بود، (که درسال ۱۳۵۸ عین سند در نشریه مجاهد چاپ شد) تا آن‌جا که من آخوند مهایی را می‌شناختم آخوند کودنی بود که بدون اجازه علی گدا آب نمی‌خورد و ردکردن این گزارش بی‌شک در کادر اختیارات او به تنهایی نبود، الا این که از اربابش اجازه داشته باشد، بعد از لورفتن این سند هیچ توبیخی هم نشد دوباره همان لباس و همان مقام را به دست آورد، این ماجراها بخش خیلی کوچکی است از آن‌چه انجام گرفته که ما خبر داریم! اما مقدمه خیز بزرگتری بود که باسرقت انقلاب توسط خمینی تا سقف امامت پیشرفت تا حرث ونسل مردم ایران را به هلاکت رساند امروز دیگر هرشهر سهمیه روزانه دارد که چگونه باید بکشد وبزند وببندد ورواله اوین کند تا حکومت نگیتش سرپا بماند.

در شب و روزهای انقلاب، این طلبه مطول(٥) خوان، برای کسب کرسی و مقام دامن ازکف داده بود. اما آخوند رفسنجانی هم برای عمامه (سیاه) و ریش آرام و قرار نداشت، حالا شما این‌طور فرض کنید که شیخ کوسه با خودش حساب کرده بودکه دخلش به خرجش می ارزد، این بابا هم سید است و هم ریش پهن، در شراکت با او کم کسری ما جبران می‌شود ؟! اما من چی به او می‌دهم هیچ ؟؟؟ می‌برمش سرچشمه برش می‌گردانم تشنه!. حتماً عده‌یی من باب نصیحت به آخوند رفسنجانی رسانده بودند که یارو را دست کم نگیر که به قول دهخدا «سید علی را بپا »

۹ـ بعداز زهرخوردن و مردن خمینی همین شیخ بهرمانی (از بابت همان حساب وکتابهای قبلی)، برای رساندن شریک خود به کرسی ولایت، با ترفند گفت من (فقط) شنیدم که خمینی گفت: «وقتی خامنه‌ای این سید جلیل را دارید دنبال کسی نگردید». باهمین ترفند اورا از خم رنگزری خبرگان، یک‌شبه ولی فقیه بیرون داد، درست همچو فرض کنید یک «خرگوش» از کلاه شعبده‌باز. این بار دیگر طشت رسوایی از بام افتاده بود. دیگر این عامه مردم بودند که دیدند ولی فقیه یک‌شبه دارد خودش با ادا و اطوار خمینی تراز می‌کند به هم می‌گفتند: «سید علی را بپا»

بعد از روی کار آوردن احمدی‌نژاد به آخوند رفسنجانی شارلاتان و خرمردند باید گفت علی گدا که هیچ! همین شیخ مصباح یزدی که با نان فقیری حوزه زندگی می‌کرد وشیش (آه) یک لپه از شال وقبایش بالا می‌رفت را باید باسوته دلی تحمل کنی!

بعد از نه هزار و نهصد و نود و نه سال به علاوه صد و سه سال هجری قمری بعد از تحریر آن غول صحرای مکاشفه ودنیای مجرد پا به دنیای وجود گذاشت و از عالم حال به دنیای قال نقل مکان نمود واکنون دیوانه‌وار نعره می‌کشد و از قضای نام این غول دراین روزگار «سید علی» است

واین «طنز تلخ تاریخ» است. مسند ولایت (که هم شیخ را نمایندگی و هم شاه را) این تفاوت دو قدرت، یک تفاوت با دوران مشروطه دارد، استبداد محمدعلی شاهی ومشروعه‌طلبی شیخ فضل‌اللهی دو روی یک سکه بودند، هرکدام نقش خود را بازی می‌کردند. اما در حاکمیت خمینی قدرت سیاسی با قدرت مذهبی در خمینی و جانشین او گره خورد.

وقتی آدم در شباناگهان استبداد صغیر، به ادبیات آن عصر نگاه می‌کند، گویا زبان حال امروز را بیان می‌کند، چون استبدادسیاسی و استبداد مذهبی (شیخ فضل‌اللهی) رویدر روی خواست مردم یعنی (آزادی) قراردداشت، و بیانی سادەتر تضاد اصلی آن دوران و این زمان هیچ فرقی نکرده گرچه در تقسیم کار تغییراتی بوجود آمده ولی در ماهیت استبداد فرقی ایجادنشده، بلکه خونخوارتر وخونریزتر هم شده به فاشسیم مذهبی ارتقا یافته، که دومؤلفه از ویژگیهای بارز آن است صدور بنیادگرایی و تروریسم و جنگ افروزی به خارج مخصوصاً به عراق و لبنان و فلسطین، سرکوب در منتهای قساوت و بیرحمی و اعدامهای جمعی برای مقابله با خیزشهای اجتماعی درداخل.

پاورقی

۱. تشبیه به کامل یعنی: مراد از این عبارت (انطباق بامرشد کل) درطریقت صوفیه.

۲. از شماره بیست و یکم روزنامه صوراسرافیل (پنجشنبه ۱۸ذیحجه۱۳۲۵ هجری قمری، مقاله است از سلسله مقاله‌های چرندوپرند.

۳. یعنی: انسانهای بالقوه دارای ادراکات و خواهش هستند، (کتاب سه فیلسوف مسلمان، وجودشناسی ابن‌سینا) ازسید حسین نصر صاحب کرسی فلسفه

٤.علم‌الصور: علم‌دهم از وجودشناسی ابن‌سینا مآخذ شماره٤

٥. مفتاح، تلخیص، مطول، حداتق السحر، کتابهایی در معانی وبیان وبدیع وصنایع شعری‌اند، از مقالات چرند و پرند دهخدا.

میکل آنجلو آنتـونیـونی: معلم بـزرگ

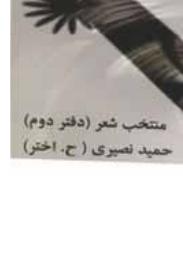

«آنتونیونی توانست بی‌مسئولیتی ونبودن اتحاد را به‌شدت مورد انتقاد قرار دهد »

رئیس جمهور ایتالیا

«طرزاستفاده از دوربین فیلمبرداری برای درک صحیح از اشیاء ، فضا و زمان را از آنتونیونی آموختم» .

مارتین اسکورسزه، کارگردان سینما

جمشید آشوغ

امیکل آنجلو آنتونیونی کارگردان سینما که در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۲ در شهرفرارا در شمال ایتالیا متولد شده بود، غروب ۳۱ژوئیه۲۰۰۷ در سن ۹٤سالگی در منزل مسکونی خود واقع در شهر رم دیده از جهان فرو بست.

زادگاه وی، سرزمینی است که تمام دوران زمستان را زیر پوشش «مه»های غلیظ و سنگین که چشم، چشم را نمی‌بیند سپری می‌کند، درنتیجه اوکه در چنین محیطی با زندگی آشنا می‌گردد، عاشق نور، رنگ و سکوت می‌شود. آن‌قدر در نور فرارفته بود که برای مردن، ۳۱ژوئیه۲۰۰۷ را آرزو می‌کرد زیرا که در فرهنگ شرق ماه در این شب کاملتر،شفافتر و نورانی‌تر از شبهای دیگر سال می‌باشد.

او فردی بود کم حرف، زمخت، قاطع و ظاهراً سرد هم‌چون یخ، اما سرشار از عشق، یخی که می‌سوزاند.

آنتونیونی طی ٥٠سال کار سینمایی ۱۹فیلم می‌سازد، و در فیلم« شیخ سفید» اثر فدریکو فلینی، در صحنه‌پردازی دستیار او می‌شود.

در سالهای بعد آنتونیونی، فلینی، ویسکونتی و دیگر کارگردانان بزرگ ایتالیایی تمام عرصهٔ سینمای جهان را به‌خود اختصاص داده بودند. نظرات آنها نه تنها بر روی پردهٔ نقره‌یی رنگ سینما، می‌شد.

وی تقریباً ۲۱سال پیش بر اثر سکته مغزی علاوه بر فروسینی از بدن، «قدرت تکلم» خود را نیز از دست داده و به سکوت «زبان» مجبور می‌شود. اما او با وجود چنین ضربه‌یی با جدیت بیشتر به کار خود ادامه می‌دهد. از این پس همسر وی خانم انریکا فیکو نقش به‌سزائی در بیان نظرات آنتونیونی به‌عهده می‌گیرد. کارگردان خلاق و تیزهوش حرفهایش را فقط با حرکات «چشم» بیان می‌کند و همسرش آنها را به «زبان» آورده و برای وی نقش مترجم احساسات و دیدگاههایش را بازی می‌کند.

آنتونیونی در سالهای آخر زندگی برای ابراز احساسات، و انعکاس رنگها و نورها به نقاشی روی آورده بود. تا این که در آخرین نمایشگاه از کارهایش در سپتامبر۲۰۰٦ یک مرتبه می‌گوید: «نمی‌بینم، دیگر نمی‌بینم».

واین چنین بود که مردی که عاشق نور، رنگ و سکوت بود، بعد از سکوت «زبان»، چشمش هم «سکوت» اختیار می‌کند.

نگاه عمیق او به «زن»، توجه شدیدش به حساسیت و ظرافت «انسان»، نورپردازی و نگاه جادوئیش از پشت دوربین به زندگی «انسان» از او کارگردانی متمایز از دیگران ساخته بود.

اولین فیلم او «فریاد» در سال۱۹٥۷ وآخرین فیلمش به اسم «اُرُس» در سال۲۰۰٤ تهیه شد. در فاصلهٔ این دو فیلم، فیلمهایی از قبیل صحرای سرخ که در سال۱۹٦٤ شیر طلائی جشنواره ونیز ایتالیا، و فیلم Blow up که در سال۱۹٦٦ جایزه نخل طلائی جشنوارهٔ کان فرانسه را برای وی به ارمغان آوردند مورد توجه خاصی قرار دارند.

در سال۱۹۹٥ آکادمی سینمای آمریکا به پاس خدمات آنتونیونی به وی جایزه اسکار می‌دهد. از او هنگام دریافت جایزه پرسیدند: از میان کارگردانان آمریکایی چه کسی را دوست دارد و او با صداقت و صراحت و سرد هم‌چون یخ پاسخ داد: «هیچ‌کدام».

بدین طریق سینمای آمریکا نتوانست تائیدیه‌یی برای کارهایش از کارگردانان طراز اول ایتالیا به‌دست آورد. آنتونیونی معتقد بود در آمریکا فیلمهای زیادی تولید می‌شود که گاه دیدنی هم هستند. اما سینما پدیدهٔ دیگری است.

کم‌حرفی وگاه سکوت مطلق در فیلمهای آنتونیونی تا بدان جا پیش می‌رفت که گاه برای بیننده خسته وکسل‌کننده بود. او در جهانی شلوغ به سکوت اعتقاد داشت. با او «سکوت» جلوه‌یی خاص به خود گرفته بود. او بیشتر، زنان بازیگر فیلمهای خود را به سکوت می‌کشاند. در فیلمهایش از طعنه زدن فطره می‌رفت و با زبانی برنده ونیز در پی کشف «خلأ معنوی» در انسان بود.

همان‌طور که اشاره شد آنتونیونی در سپتامبر۲۰۰٦ آخرین نمایشگاه از کارهای نقاشی خود را در شهر رم بر گزار کرد. در همین نمایشگاه چشم وی نیز «سکوت» اختیار کرد. او این نمایشگاه را با چنین نامی افتتاح کرده بود: «سکوت رنگها».

سومین هفته آکسیونهای اعتراضی حامیان مقاومت علیه اعدامهای وحشیانه در ایران

اورنج کانتی

برلین

بقیه از صفحه۱۶

بزرگداشت خاطره ۳۰هزار زندانی شهید قتل‌عام ۱۳۶۷ در اورنج کانتی، کالیفرنیا- آمریکا

حامیان مقاومت در اورنج کانتی، کالیفرنیا نوزدهمین سالگرد قتل‌عام زندانیان مجاهد و مبارز را گرامی داشتند.این جلسه در سالن دانشگاه فلورتن اورنج کانتی برگزار شد. برنامه با اجرای جمعی سرود قسم آغاز شد. سپس ۴ تن از شاهدان قتل‌عام زندانیان سیاسی خاطرات خود را از مقاومت مجاهدین در سیاهچالهای دژخیمان آخوندی شرف و سربلندی آنها در پای حلقه‌های دار بازگو کردند.

همچنین یکی از حاضران قطعه شعری درباره اعدامهای اخیر در ایران دکلمه کرد. سپس فیلم نکان‌دهنده‌یی درباره نقض حقوق‌بشر در ایران پخش شد.

در پایان شرکت‌کنندگان یک‌بار دیگر با شهیدان تجدید پیمان کردند. در خارج سالن محل برگزاری این برنامه، نمایشگاه نقض حقوق بشر برقرار شده بود.

برلین ـ آلمان

تظاهرات ایرانیان هوادار مقاومت در برلین علیه کشتار جوانان ایران توسط آخوندهای حاکم پنجمین روز خود را پشت سر گذاشت

این تظاهرات روز ۲۴مرداد در خیابان براندنبورگ برلین برگزار شد.

در این تجمع اعتراضی، هموطنان ایرانی با فریادهای کوبنده شعارمیدادند:«احمدینژاد یک تروریست است» و «به معامله و ممانات با این رژیم جنایتکار پایان بدهید» و «ایران رجوی، رجوی ایران».

موج محکومیت اظهارات دژخیم جعفرالموسوی علیه مجاهدین توسط نیروها و شخصیتهای ملی و دموکراتیک عراقی

بقیه از صفحه۷

کمیته پارلمانی دوستی و همبستگی با مردم ایران در مجلس عراق

بسیار منزجر کننده است که چنین اظهارات غیرمسئولانه‌یی درست پس از پایان سفر هیأت دولت عراق و شخص الموسوی به ایران صورت می‌گیرد

کمیته پارلمانی دوستی و همبستگی با مردم ایران در مجلس عراق، که از دهها نماینده از فراکسیونهای مختلف تشکیل شده، طی بیانیه‌یی ضمن محکوم کردن اظهارات جعفر الموسوی علیه مجاهدین نسبت به نقض حقوق مجاهدین شهر اشرف هشدار داد. متن کامل بیانیه کمیته پارلمانی دوستی و همبستگی با مردم ایران در مجلس عراق از این قرار است.

بیانیه مطبوعاتی

رژیم ایران مدتی است فشارهای خود برای اخراج مجاهدین خلق ایران از عراق با اعمال محدودیتهای هرچه بیشتر علیه آنان را قویاً افزایش داده است. اما آن‌چه باعث نگرانی مضاعف می‌باشد منعکس شدن چنین خواستی در اظهارات برخی از مقامات دولتی و قضایی عراق است که آخرین نمونه آن اظهارات جعفر الموسوی دادستان دادگاه ویژه جنایی عراق است که گفت «اقدامات اولیه قضایی در خصوص پرونده سازمان مجاهدین خلق ایران شروع شده است».

بسیار منزجر کننده است که چنین اظهارات غیرمسؤلانه‌یی درست پس از پایان سفر هیأت دولت عراق و شخص الموسوی به ایران صورت می‌گیرد که به‌خودی‌خود بیانگر ماهیت و انگیزه واقعی چنین اظهاراتی می‌باشد.به‌خصوص که کلیه نیروهای میهن‌پرست و دموکراتیک عراقی سفر نوری مالکی به تهران را که از پیش با وعده سرکوب مجاهدین رسوا شده بود، مفتضح و محکوم شناختند.

مطابق تحقیقات ما و بر اساس اسناد و مدارک مربوط به کنوانسیونها و قوانین بین‌المللی و نظریه‌های متقن کارشناسان حقوق بین‌المللی طرح هرگونه دعوای محاکمه علیه سازمان مجاهدین خلق یک نقض آشکار قوانین بین‌المللی می‌باشد. به‌خصوص این که ما از طریق کمیته بین‌المللی حقوقدانان مطلع شده‌ایم که بعد از این که این کمیته رسماً از آقای الموسوی درخواست کرده بود که اسناد پرونده‌یی را که مدعی آن است برای این کمیته ارسال کند، بعد از گذشت ۵ ماه هنوز حتی یک برگ سند و مدرک به کمیته بین‌المللی حقوقدانان ارائه نشده است.

این باعث تأسف است که محکمه جنایی عالی که برای اهداف دیگری تشکیل شده است، اکنون به ابزاری برای توطئه علیه اپوزیسیون رژیم ایران مبدل شده است. این امری خطرناک است که باید بلافاصله متوقف شود و بانیان آن علت دست‌زدن به این بازیهای کثیف را به مردم عراق توضیح دهند.

از این روست که کمیته پارلمانی دوستی و همبستگی با مردم ایران ضمن محکوم کردن چنین بسیج حیرت‌انگیز شیطان‌سازی از جانب رژیم ایران علیه نیروی اصلی اپوزیسیونش، هم‌چنان که صلیب‌سرخ بین‌المللی و کمیساریای عالی پناهندگان و پارلمان اروپا اعلام کرده‌اند، بر حقوق ساکنان اشرف تأکید نموده و با یادآوری تعهدات دولت عراق و دستگاه قضایی در احترام به اصول و قوانین بین‌المللی، نسبت به نقض حقوق مجاهدین هشدار می‌دهد.

کمیته پارلمانی دوستی و همبستگی با مردم ایران

جبهه گفتگوی ملی عراق

اظهارات ساختگی الموسوی چیزی جز تخریب روابط تاریخی بین مردم دو کشور نیست

جبهه گفتگوی ملی عراق به ریاست دکتر صالح مطلق در بیانیه‌یی اظهارات جعفر الموسوی علیه مجاهدین را «ساختگی» دانست و آن را محکوم نمود.

متن این بیانیه از این قرار است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جبهه گفتگوی ملی عراق قویاً اظهارات جعفر الموسوی، دادستان دادگاه جنایی در رابطه با سازمان مجاهدین خلق ایران را محکوم می‌کند. این اظهارات ساختگی، جز تخریب روابط تاریخی بین مردم دو کشور نیست. روابطی که برپایه احترام متقابل، عدم دخالت در امور یک‌دیگر، حسن همجواری و مبارزه مشترک علیه بردگی و دیکتاتوری سیاسی و دینی بنا شده است.

جبهه گفتگوی ملی عراق به رژیم ایران هشدار می‌دهد که از کشتار مردم عراق و تخریب زیر بناهای اجتماعی و مذهبی عراق دست برداشته و دستگاه قضایی عراق را بازیچه اهداف خود قرار ندهد و عدالت را بین خلقهای دو کشور محترم شمرده و مرزها را بر روی مرگی که به‌طور روزانه به‌عنوان هدیه برای مردم عراق ارسال می نماید، ببندد و سلسله اتهاماتی را که مزدورانش در داخل عراق علیه عراقیان و غیرعراقیان شریفی که در عراق ساکن هستند، ازجمله سازمان مجاهدین خلق ایران، روا می دارد، متوقف کند.

جبهه گفتگوی ملی عراق
۱۴اوت۲۰۰۷

انتفاضه شعبانیه در کربلا

اظهارات جعفر الموسوی علیه مجاهدین دیکته شده توسط وزارت اطلاعات آخوندها و عاری ازحقیقت است

بعد از گذشت کمتر از یک هفته از بازگشت جعفر الموسوی از تهران، وی مجدداً دروغهای تکراری و متعفن خود علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را مبنی بر سرکوب انتفاضه در سال ۱۹۹۱ و قتل شیعیان، تکرار کرد. ما مردان انتفاضه که در پطن انتفاضه سال ۱۹۹۱ بوده‌ایم، یک‌بار دیگر اعلام می کنیم که:

اولاً: مجاهدین هیچ نقشی در حوادث ۱۹۹۱ نداشته‌اند و اظهارات الموسوی دیکته شده ولی فقیه رژیم و وزارت اطلاعات این رژیم است و عاری از حقیقت می‌باشد.

ثانیاً. هرگز از دوستانمان در استانهای دیگر هیچ خبری مبنی بر حضور مجاهدین خلق در سرکوب انتفاضه نشنیده‌ایم.

ثالثاً. ما سازمان مجاهدین خلق را یک هم‌پیمان استراتژیک و برادران خودمان در مبارزه مشترک علیه تروریسم صدامی‌ـ‌ایرانی آخوندی و گسترش دخالتهایش در عراق به‌منظور بلعیدن کشورمان، می‌دانیم.

رابعاً. آمادگی خود را برای شهادت‌دادن در هر دادگاه رسمی و بی‌طرف بین‌المللی برای اثبات بی‌پایه بودن دعاوی الموسوی اعلام می‌کنیم.

علامه محمد علی الحسینی، دبیرکل شورای اسلامی عربی در بیروت

توطئه‌های رژیم ایران که از طریق دولت و قضاییه عراق عملی می‌شود اجرای اوامر ولی فقیه رژیم ایران علیه مجاهدین است

علامه محمد علی الحسینی، دبیرکل شورای اسلامی عربی در بیروت در گفتگو با خبرگزاری اخبار عراق توطه‌های رژیم ایران را که از طریق دولت و قضاییه عراق عملی می‌شود، اجرای اوامر ولی فقیه رژیم ایران علیه مجاهدین دانست و برای تشکیل یک جبهه متحد علیه این رژیم فراخوان داد.

دبیرکل شورای اسلامی عربی در بیروت در پاسخ به سؤال خبرگزاری اخبار عراق درباره اظهارات جعفر الموسوی علیه سازمان مجاهدین گفت: در خصوص آن‌چه که جعفر الموسوی به آن اقدام کرده و علیه برادران مجاهد در اشرف اقامه دعوا نموده می گوییم که این دعوایی است بر اساس باطل و هر چه که براساس باطل بنا شده باشد، باطل است و عواقب این دعوا هم باطل است. بنابراین اگر با زبان حقوقی خواسته باشیم صحبت کنیم می گوییم که قانون از برادران مجاهد و اشرف حمایت می کند چرا که قبلا گفتیم سازمان ملل متحد قید کرده که مجاهدین خلق مشمول [قوانین مربوط به] حمایت از پناهندگان به‌ویژه کنوانسیون چهارم ژنو می‌شوند و قانوناً نقض این مسأله به‌هیچ‌وجه جایز نیست.

دبیرکل شورای اسلامی عربی در بیروت افزود: ما به الموسوی یا زبان منطق شرع می گوییم کسی که مدعی است بایستی استدلال نماید و کسی که منکر است تنها سوگند یاد می کند. این مدعی هیچ دلیل یا بینه‌یی ندارد. ما می‌دانیم اقدامی که امروز در چارچوب این دولت مطرح می‌شود، یک اقدام منکوک در راستای خواسته اطلاعات رژیم ایران است و در نتیجه جعفر و هم بالگیهای جعفر مطابق با «دستورالعمل و تصمیمهای اطلاعات رژیم ایران حرکت می‌کنند.

حرف ما حرف امام علی‌بن‌بیطالب(ع) است که گفت انسان تا زمانی که موضع حقی داشته باشد، هدف قرار می گیرد و این گفته در مورد حقانیت کار برادران مجاهد در اشرف و برادران مجاهد ایرانی که علیه این رژیم مبارزه می کنند، صدق می کند.

دبیرکل شورای اسلامی عربی در بیروت از ادامه گفت: امروز برای ما ثابت شده است که دولت مالکی در کادر طرح و برنامه رژیم ایران حرکت می کند و نتیجتاً طبق فرمان ولی‌فقیه توطئه می کند. هم‌چنان که ما نیز این جا در لبنان گروههایی را داریم که برنامه‌های ملاهای ایران را پیاده می کنند.

ولی مالکی متأسفانه از علی دقدوق که دست به اعمال تروریستی علیه مردم عراق می‌زد و در عراق دستگیر شد، چشم پوشی می کند و از فعالیتهای سپاه قدس و سپاه پاسداران ایران که در چارچوب برنامه‌های رژیم ایران در عراق فعالیت می کنند صرفنظر می کند و به رژیم ایران تضمین داده و می‌دهد که برای آنها هیچ محدودیتی فراهم نکند. ولی همزمان مجاهدین را تهدید کرده و به تروریسم متهم می کند. بنابراین تمامی این تصمیمها که علیه برادران مجاهد در شهر اشرف گرفته شده، تصمیمهایی تماماً ایرانی هستند (خبرگزاری اخبار عراق ۲۴مرداد۸۶).

تجمع حقوقدانان مستقل عراق

اظهارات دژخیم جعفر الموسوی علیه مجاهدین خلق اظهاراتی آلوده به رژیم ایران و غیرقانونی است

تجمع ما که مدافع حقوق‌بشر در همه جا می‌باشد، اظهارات جعفر الموسوی در ۱۳اوت ۲۰۰۷ را که با نسبت دادن اتهام هدر دادن اموال عراق و قتل و سرکوب مردم، به مجاهدین خلق، موضوع او وارد یک مجرای قضایی نمود، مورد بررسی وتحلیل قرار داد. این اظهارات عجیب‌تر از اظهارات گذشته مقامات دولت عراق نمی‌باشد. این دعاوی و امثال آن خارج از پهنه جنگ بین سازمان مجاهدین خلق با رژیمی که بعد از سرنگونی دولت سابق عراق، با تمام قوا و امکاناتش علیه این سازمان که خطرناک‌ترین دشمن آن محسوب می‌گردد، نیست. این رژیم برای اجرای خواسته‌های خود میلیونها دلار به مزدورانش درعراق پول می‌دهد. خواستهایی که از شورای حکومتی منحله در دسامبر۲۰۰۳ شروع شد و بعد از عدم موفقیتش در اخراج سازمان در انتها دست به‌دامن قوه قضاییه عراق شده است.

در ادامه بیانیه تجمع حقوقدانان مستقل عراق آمده است:

اما پاسخ ما به این اظهارات آلوده به رژیم ایران وتماماً غیرقانونی این است که:

این سازمان دارای موقعیت قانونی درعراق می‌باشد و اعضایش بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۳ مشترک در همه کنوانسیونهای ژنو اشخاص حمایت شده محسوب می گردند و نیروهای چند ملیتی براساس قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی از آنان حمایت می کنند و مانند شهروندان کشور اصلی خودشان از حقوق انسانی اساسی مانند خدمات و غذا و امکانات پزشکی برخوردارند. این درحالی است که دولت عراق براساس تمایل رژیم ایران که کماکان در امور داخلی عراق دخالت می کند، همه تلاشش را برای قطع و ممنوعیت رساندن این خدمات به سازمان به کار برده است. حال که دیگر برگی ندارد، دست به پرونده‌سازی قضایی وتوطئه علیه این سازمان زده است.

تجمع حقوقدانان مستقل عراق تأکید کرد:

حقوق سازمان مجاهدین خلق در عراق از طرف بسیاری از سازمانهای بین‌المللی انساندوست از جمله صلیب سرخ بین‌المللی تصریح شده است. کمااین‌که درنامه ۲۰ مارس ۲۰۰۷ صلیب اعلام شده کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ وضعیت را درعراق یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی ارزیابی می‌کند و به طرفهای این مخاصمه التزامشان درراحترام به مقررات لازم‌الاجرای قانون انساندوستانه بین‌المللی را خاطرنشان می‌نماید (ماده‌سوم مشترک درکنوانسیونهای ژنو واحکام حقوق بین‌الملل عرفی که در یک تخاصم مسلحانه غیربین‌المللی لازم‌الاجراست). در مورد گزارشهای پیگرد قضایی ساکنان اشرف، کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ به طرفهای این امر التزامشان را طبق قوانین بین‌المللی خاطرنشان می‌کند.

هم‌چنین حقوق این سازمان توسط کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفته و بر اهمیت اجرای قوانین انساندوستانه بین‌المللی و توافقنامه های مربوط به حمایت از حقوق‌بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق‌بشر در سال ۱۹۴۸ و ماده ۳ مشترک در کنوانسیونهای ژنو، تأکید کرده است.

پارلمان اروپا در تاریخ ۲۰مارس ۲۰۰۷ بیانیه‌یی در همین رابطه صادر کرده که در آن به اصل عدم بازگشت اجباری اشاره کرده است و این‌که پناهندگان نبایستی از هیچ طرفی مورد تعرض قرار گیرند و بایستی از خدمات و حقوق مانند هر شهروند دیگر برخوردار باشند.

در ادامه بیانیه تجمع حقوقدانان مستقل آمده است:

ما اکنون در صدد دفاع از سازمان مجاهدین خلق نیستیم، غیر از این‌که احساس می‌کنیم رژیم ایران که در شرایط بحران داخلی شدیدی از جمله اعدامهای گسترده در خیابانها و سرکوب زنان و دانشجویان بسر می‌برد، می‌خواهد از این فرصت برعلیه سازمان استفاده کند. اقداماتی سرکوبگرانه که مورد خشم همه ایرانیان تبعیدی در کشورهای جهان قرار گرفته و اعتراضات گسترده‌یی را علیه این رژیم در حال سقوط بر انگیخته است و شاید که به‌کارگیری قضاییه عراق کارت آخری باشد که رژیم ایران با آن بازی می‌کند. ما از سازمانهای انساندوست و قانونی می‌خواهیم که در برابر توطئه‌های رژیم ایران و افتضاحات آن چه در رابطه با مردم عراق و یا سازمان مجاهدین خلق ایستادگی کنند.

تجمع عشایر دموکراتیک و ملی و مستقل استان دیوانیه

دور از انتظار نیست که جلاد الموسوی بلافاصله پس از بازگشت از تهران، یکبار دیگر شانس ولی فقیه‌اش را در سوءاستفاده از قوه قضاییه علیه مجاهدین، بیازماید

به‌نام تجمع عشایر دموکراتیک وملی و مستقل اعلام می‌کنیم که:

۱. اظهارات جعفرالموسوی و مواضعش بر اساس توجهات رژیم ایران است نه برای مصالح مردم مجروح عراق.

۲. اگر او دادستان دادگاه جنایی عراق است چرا برای خلع ید رژیم آخوندی در عراق تلاش نمی‌کند؟ رژیمی که تمام هم و غمش بلعیدن عراق از طرق مختلف است.

۳. ما از اظهارات الموسوی همزمان با بازگشتش از تهران شگفت‌زده شدیم، این سخنان در شرایطی است که همه مردم می‌گویند دولت مالکی در ۱۴ماه گذشته نه تنها هیچ گامی برای برقراری امنیت برنداشته بلکه وضعیت امنیتی و خدمات عمومی از قبل هم بدتر شده است، آن قدر که فریاد مردم از فرط مصیبتها به آسمان بلند است.

۴. دور از انتظار نیست که جلاد الموسوی در حسرت اخراج مجاهدین خلق ایران بلافاصله پس از بازگشت از تهران، بخواهد که یکبار دیگر شانس ولی‌فقیهش را در سوءاستفاده از قوه قضاییه، بیازماید. چرا که او برای گرفتن آخرین دستورالعملها به تهران احضار شد، البته نقش میلیاردها دلار نفتی بر کسی پوشیده نیست.

۵. رژیم ولایت‌فقیه سیاست اشغال خزنده عراق را پیش گرفت، به‌طوری که به اشغالگر اصلی تبدیل شد و ما از این اظهارات که از جانب مزدورش در قوه قضاییه علیه مجاهدین، این سد محکم در برابر دخالتهای رژیم در عراق گفته است، تعجب نمی‌کنیم.

۶. ما این اظهارات را محکوم می‌کنیم و آن‌را زمینه‌سازی برای کشتار مجاهدین دانسته و به‌مثابه جنایت جنگی می‌دانیم.

زمـــان، زمـــان بـرخـاســـتـن اســـت

بقیه از صفحه۱۱

تعداد اعتراضات تیرماه امسال با یک جهش کیفی نسبت به ماههای قبل به ۱۳۹۰ حرکت اعتراضی و درگیری رسیده است:

تیرماه امسال سراسر میهنمان صحنه اعتراضات ضدحکومتی بود. براساس آمار ثبت شده، آمار اعتراضات و درگیریهای این ماه نسبت به ماه قبل با ۲۱۲درصد افزایش به ۱۳۹۰ مورد رسید. این آمار بدین معناست که هرروز شاهد ۴۵حرکت اعتراضی علیه سیاستهای سرکوبگرانه و غارتگرانه حکومتی از سوی مردم به جان آمده میهنمان بوده است.

بدلیل تغییر دوران و شرایط متحول منطقه‌یی و بین‌المللی اخبار اعتراضات بیش ازپیش توسط رسانه‌های معتبر جهانی چاپ و منتشرمی‌شود.

روزنامه گاردین انگلستان درشماره ۱۵ مرداد به نقل از گزارشگرانش درتهران می نویسد:

«احتمالاً آرامش کنونی یک خیال باطل باشد چرا که بسیاری از مردم بیشتر سهمیه ماهانه‌شان را با استفاده ازکارت هوشمند اولیه مصرف کرده اند.

هنگامی که این سوخت به‌پایان برسد و مردم دیگر نتوانند سرکار بروند، احتمالا با دور دیگری ازخشم و نارضایتی مواجه خواهیم شد».

روزنامه الوطن چاپ عربستان هم نوشت: « رژیم ایران امروز از انفجار داخلی بیش‌از حمله نظامی خارجی وحشت دارد. سیاستهای اقتصادی و سیاسی احمدی نژاد علت فروپاشی اجتماعی ایران است. به ادعای کارشناسان خود رژیم، دولتی که ادعا می کند برای نجات فقرا و محرومین روی کار آمده است به افزایش شکاف میان طبقات مردم کمک کرده است».

سرکوب عریان رژیم با وجود افسارگسیختگی فوق‌تصور، از آن‌جا که قادر نبوده است مردم را خانه‌نشین کرده و از اعتراضات آنها جلوگیری نماید، لاجرم تضاد را به‌درون حاکمیت ریخته ودربالای هرم رهبری، باعث تشدید تضادها و جنگ و دندان نشان‌دادن به یکدیگر شده است.

جنگ و جدال باندهای درون حاکمیت

سایت آفتاب ارگان وابسته به حسن روحانی دبیرسابق شورای عالی امنیت رژیم می نویسد:

«کارشناسان، مهمترین دلیل استعفای علیرضا طهماسبی از وزارت صنایع و معادن را اختلاف شدید وی با احمدی‌نژاد... عنوان کرده اند».

ـ رفسنجانی درصفحه ۱۷۳ ازکتاب خاطراتش می‌نویسد:«...نماینده شوشتر هم آمد و پیشنهاد قطع شعارمرگ برآمریکا و مرگ بر شوروی را داد. گفتیم به‌طور اصولی تصمیم گرفته‌ایم، امام هم موافقت کرده‌اند و ما منتظر فرصت هستیم...

حسین شریعتمداری درپاداداشت کیهان ولی‌فقیه دراین رابطه نوشته است، هاشمی‌رفسنجانی در برداشت خود از امام دچار خطا شده‌اند و بی‌آن‌که خود بخواهند یک نظر غیرواقعی به امام راحل نسبت داده‌اند که این خطا با توجه به شرایط این روزها قبل‌از آن‌که برای ملت زیان‌آور باشد به شخصیت هاشمی آسیب می‌رساند و صد البته تصحیح آن ضروری است.(۱۰)

بیان آخوندی وحوزوی آن، دعوت به شکرخوری است!

ـ سیاست روز یکی از روزنامه‌های حامی دولت در رابطه با قاضی القضات، شاهرودی:

« شش سال گذشت و هنوز براریکه ریاست قضاییه کشور نشسته‌اید و از وضعیت ویرانه می‌نالید. خنده دارنیست؟! آش آن‌قدر شور است که به نمایندگان مجلس به بهانه دخالت در کار قاضی،اجازه تحقیق و تحفص نمی دهید و وقتی نمایندگان خواستار رسیدگی به منافع مالی قوه قضاییه می‌شوند، حتی آنهارا به درون دفترتان هم راه نمی‌دهید. بله، حق دارید!»(۱۱)

حسین کاوسی‌فر، جوانی‌که یکی از همین قضات جنایتکار را به هلاکت رسانده بود در چند قدمی سربردارشدنش، با قامتی سرفراز وگردنی برافراشته رودررروی مرتضوی جنایتکار گفته بود نه تنها ازکرده خود پشیمان نیست، بلکه قصد داشته است آن‌قدر ازاین به‌اصطلاح قضات را نفله کند که اشک شاهرودی را سرازیرسازد!

یک‌بار یک انقلابی گفته‌بود که انقلاب و دگرگونی بنیادین زمانی درجامعه‌یی رخ نمی‌نمایاند که پایینی‌ها نخواهند وبالایی‌ها نتوانند. راستی خیزش سراسری و قهرمانانه مردم ایران درجای‌جای میهن شهیدان، آن‌هم در دوران استبداد و خفقان مطلق، اگر نشان ازاضمحلال وفروپاشی نظام نیست ، پس چیست؟!

برای حسن ختام مطلب حاضر، بجاست به بخشی از پیام تاریخی شیر همیشه بیدار مردم ایران ـ مسعود خجسته خلق ـ دراین رابطه اشاره داشته باشم که مثل همیشه الهام بخش وانگیزاننده است.

«هموطنان!

جوانان مجاهد ومبارز!

حرف اصلی، باخود ما و درون خانه است:

اولاً قطعنامه شورای امنیت به روشنی شاخص این حقیقت است که رژیم پس افتاده ضد تاریخی، ظرفیت مصالحه و معامله ندارد و الا در عرض هشت ماه به سه قطعنامه نیاز نمی داشت.

ثانیاً قیل‌وقال و تیغ کشیهای سردمداران رژیم تماماً از موضع ضعف و درماندگی در برابر خطر محتوم تغییر و سرنگونی است که به زعم آنها فقط با بمب اتمی می‌توان از آن ممانعت کرد.

ثالثاً،هرگونه عقب‌نشینی ،جامعای زهر زنجیره‌یی به‌دنبال دارد و مشخصاً طلسم اختناق را درهم می‌شکند. پس تکرار باید کرد که زمان برخاستن است! برخاستن برای آزادی و رهایی از شر دژخیمان دین فروشی که تمامی یک خلق ویک میهن را برای ادامه حکومتشان به اسارت و گروگان گرفته‌اند». (۱۲)

پانویس‌ها

۱- خبرگزاری ایسنا ۱۱ مردادماه ۸۶

۲- خبرگزاری حکومتی ایرنا اول مرداد ۸۶

۳- خبرگزاری حکومتی ایرنا اول مرداد ۸۶

۴- رسانه های حکومتی ۲۴ مرداد ۸۶

۵- رسانه های حکومتی ۲۴ مرداد ۸۶

۶- رسانه های حکومتی ۲۴ مرداد ۸۶

۷- رسانه های حکومتی ، شنبه ۶ مرداد ۸۶

۸- رسانه های مقاومت، چهارمرداد ۸۶

۹- رسانه های معتبرجهانی ۲۲ مرداد ۸۶

۱۰- سایت دولتی بازتاب، ۲۷ مرداد ۸۶

۱۱- سایت دولتی بازتاب، ۲۷ مرداد ۸۶

۱۲- ازپیام شورای ملی مقاومت ، نوروز ۸۶

سومین هفته تظاهرات اعتراضی حامیان مقاومت علیه اعدامهای وحشیانه در ایران

این تظاهرات در شهرهای لندن، استکهلم، برلین، لاهه، فرانکفورت، هامبورگ، سانفرانسیسکو، میامی، اتاوا و ونکوور برگزار شد و هم‌چنان ادامه دارد

لندن

لندن ـ انگلستان

روز چهارشنبه۲۴ مرداد حامیان مقاومت در لندن در مقابل ساختمان نخست‌وزیری انگلستان در تظاهراتی خشم و انزجار مردم ایران را علیه موج اعدامهای جمعی توسط فاشیسم مذهبی حاکم برایران ابراز نمودند.

خانم آزاده ضابطی ازجانب کمیته وکلای ایرانی مقیم انگلستان، ضمن خوشامدگویی به شرکت‌کنندگان علت اعدامهای وحشیانه رژیم جنایتکار خمینی را ضعف مطلق و عدم حمایت مردمی دانست و افزود که رژیم اعدامهای رذیلانه خود را به خیابانها و میادین شهرهای ایران کشانده تا بزعم خود استبداد مطلق را در ایران حاکم نماید.

اولین سخنران این تظاهرات، خانم الیسن اسیتر، پروفسور تئوری فمینیسم در دانشگاه «وست» انگلستان، ضمن محکوم‌کردن اعدامهای وحشیانه توسط ملایان حاکم بر ایران گفت این اعدامها دقیقاً نشاندهنده ضعف رژیم است که با مردم کشور تحت حاکمیت خود و به‌خصوص با جوانان با این شیوه برخورد می‌کند. به‌همین دلیل ملایان نمی‌توانند مدت زیادی در قدرت بمانند.

آقای مسعود ضابطی دومین سخنران این تظاهرات ضمن اشاره به بیهودگی سیاست کثیف مماشات و دیالوگ با جنایتکاران حاکم بر ایران گفت: این رژیم با دخالتهای آشکار در عراق از هر تهدید دیگری به‌مراتب خطرناکتر است و صلح و امنیت جهانی را به‌خطر انداخته است. وی بر اهمیت راه‌حل سوم ارائه شده توسط خانم مریم رجوی برای تغییر دموکراتیک در ایران تأکید کرد.

سپس آقای جان برنر، از شخصیتهای مدافع حقوق‌بشر در انگلستان، گفت: جنایات اخیر رژیم ایران باید توسط تمامی انسانهای متمدن و دولتهای جهان محکوم و تقبیح شود. اکثر ما از وقوع چنین جنایاتی خبر نداریم. رسانه‌های گروهی ما چیزی در این مورد نتوشته و منتشر نمی‌کنند. هم‌چنان‌که دولتهای ما نیز سکوت پیشه کرده است. به‌نظر می‌رسد که یک «توطئه سکوت» در جریان است. ما در این‌جا جمع شده‌ایم تا این سکوت را بشکنیم.

در بخش دیگری از این گردهمایی، دکتر رضا پجراک، ضمن محکوم‌کردن جنایات اخیر رژیم ملایان، دو قطعه شعر از سروده‌های خود را قرائت کرد.

سپس آقای موسی ضابطی، وکیل و نماینده انجمن جوانان هوادار مقاومت ایران خطاب به جوانان ایرانی گفت: در این گردهمایی ما پیام واضحی را به دانشجویان ایرانی می‌فرستیم که برای دموکراسی تلاش می‌کنند. حامیان مقاومت ایران در همه‌جا پشتیبان شما هستند.

در پایان این گردهمایی هیأتی به نمایندگی از سوی شرکت‌کنندگان در تظاهرات، قطعنامه پایانی آن را به نماینده دولت انگلستان در دفتر نخست وزیری ارائه کردند.

استکهلم ـ سوئد

در استکهلم سوئد، نهمین اجتماع اعتراضی حامیان مقاومت علیه اعدامهای وحشیانه در ایران، در روز ۲۳مرداد برگزار شد.

در این اجتماع که خواسته ایرانیان برای سرنگونی جنایتکاران حاکم را منعکس می‌کرد، هموطنان با فریادهای کوبنده، موج اعدامهای گسترده را محکوم کردند و خواستار پایان دادن به سیاست مماشات غرب با دیکتاتوری سفاک آخوندها شدند.

همراه با این اجتماع، نمایشگاهی از برخی صحنه‌های جنایات رژیم برپا بود که مورد بازدید بسیاری از شهروندان سوئدی قرار گرفت.

تظاهرکنندگان در استکهلم از کشورهای غرب به‌خصوص از اتحادیه اروپا خواستار آن شدند که:

ـ هرگونه مراودات اقتصادی و دیپلوماتیک ونفتی را با رژیم ملایان منوط به بهبود وضع حقوق‌بشر در ایران کنند.

ـ به اقدام عاجل برای جلوگیری از موج فزاینده اعدامهای خودسرانه که در تعارض آشکار با استانداردهای به‌رسمیت شناخته حقوق‌بشر است، مبادرت ورزند.

ـ یک قطعنامه مبنی بر محکومیت نقض حقوق‌بشر در ایران در مجمع عمومی ملل متحد ارائه کنند.

ـ یک گزارشگر ویژه ملل متحد برای نظارت بر وضعیت حقوق‌بشر در ایران منصوب کنند.

استکهلم

سانفرانسیسکو ـ آمریکا

در سانفرانسیسکو روز یکشنبه ۲۱مردادماه، «جامعه اتحاد برای ایران آزاد» در شمال کالیفرنیا سومین روز تظاهرات خود را علیه اعدامهای جمعی توسط رژیم آخوندی برگزار کرد.

تظاهرکنندگان ضمن افشای نقض حقوق‌بشر در ایران، پلاکاردهایی را در محکومیت توطئه‌های رژیم آخوندی علیه مجاهدین شهر اشرف که از طریق مزدورانش در عراق صورت می‌گیرد، محکوم نمودند.

بر روی پلاکاردها نوشته بود:

مالکی، وقاحت، رذالت، جنایت

رژیم آخوندی آدمخوار و اشغالگر است.

مالکی باید نگران امنیت عراق باشد، نه نگران امنیت ایران.

تظاهرکنندگان پلاکاردهایی حاوی تصاویر اعدام‌شدگان حمل می‌کردند. شهروندان آمریکایی با دیدن این تصاویر خشم و انزجار خود را از دیکتاتوری فاشیستی آخوندی و جنایات آن علیه مردم ایران ابراز می‌کردند.

سانفرانسیسکو

لاهه ـ هلند

حامیان مقاومت و ایرانیان مقیم هلند روز ۲۳مرداد در برابر وزارت خارجه این کشور در لاهه گرد آمدند و ضمن محکوم‌کردن نقض حقوق‌بشر و حق‌آویز پی‌درپی جوانان ایران توسط رژیم آخوندی و موضعگیری ذخیم جعفرالموسوی دادستان مزدور ولایت فقیه در عراق را محکوم کردند.

سپس هیأتی از سوی تظاهرکنندگان در محل وزارت خارجه هلند حضور یافت و بیانیه‌ها و مدارکی درباره جنایتهای رژیم آخوندی را به نماینده وزارت خارجه ارائه کرد.

لاهه

اتاوا ـ کانادا

روز دوشنبه ۲۳ مرداد حامیان مقاومت در شهر اتاوا کانادا یک اجتماع اعتراضی علیه موج اعدامهای جمعی توسط رژیم ضد بشری آخوندی برگزار کردند. این برنامه در کنار بنای یادبود حقوق بشر در شهر اتاوا اجرا شد.

در خلال برگزاری این اجتماع اعتراضی، عده زیادی از شهروندان کانادایی بیانیه محکومیت جنایتهای رژیم آخوندی را امضا کردند.

ونکوور ـ کانادا

دومین تظاهرات ایرانیان حامیان مقاومت در ونکوور علیه کشتار جوانان ایران توسط آخوندهای حاکم درروز ۲۶ مرداد برگزار شد.

این تظاهرات در ساعت ۷ بعداز ظهر آغاز گردید. و طی آن حامیان مقاومت با نشان دادن صحنه‌های اعدام و سرکوب جوانان و زنان در ایران به افشای ماهیت ددمنش رژیم آخوندی پرداختند.

ایرانیان از دولت کانادا خواستند که نقض فاحش حقوق‌بشر در ایران را محکوم کند. تظاهرکنندگان خواستار تعقیب قانونی سعید مرتضوی دادستان جنایتکار رژیم در تهران شدند که مسئول قتل زهرا کاظمی خبرنگار کانادایی-ایرانی و نیز قربانیان اعدامهای اخیر است.

ونکوور
اتاوا

میامی ـ آمریکا

شهر میامی آمریکا بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۱ مرداد شاهد برگزاری تظاهراتی از سوی جامعه ایرانیان جنوب فلوریدا بود. تظاهرکنندگان که پلاکاردهایی علیه نقض حقوق‌بشر و گسترش موج اعدامهای وحشیانه در ایران در دست داشتند، یک صدا فریاد می‌زدند: «اعدام و سنگسار را در ایران متوقف کنید»، «۱۲اعدام در یک روز، اقدام فوری بدون تاخیر». آنها هم‌چنین شعارهایی به‌منظور محکوم کردن توطئه مزدوران رژیم آخوندی علیه مجاهدین در عراق سردادند.

فرانکفورت و هامبورگ ـ آلمان

روز سه‌شنبه ۲۳مرداد ایرانیان هوادار مقاومت مقیم شهر فرانکفورت یک تجمع اعتراضی علیه موج اعدامهای وحشیانه که توسط رژیم آخوندی شدت یافته برگزار کردند.

هموطنان در این اجتماع یک صدا فریاد می‌زدند که اعدام و سنگسار در ایران باید خاتمه یابد. به مماشات با آخوندهای جنایتکار پایان دهید.

در این گردهمایی هم‌چنین تصاویری تکان‌دهنده‌یی از اعدامهای بی‌وقفه در خیابانهای شهرهای ایران به‌نمایش گذاشته شد.

در شهر هامبورگ نیز اجتماعی در اعتراض به اعدامهای وحشیانه توسط رژیم آخوندی در مرکز این شهر برگزار شد که توجه و همدردی شهروندان آلمانی را برانگیخت.

بقیه در صفحه ۱۵

میامی
فرانکفورت

زوزه‌های دردآلود ارگان ولی‌فقیه ارتجاع از تظاهرات اعتراضی مقاومت

جمهوری اسلامی: منافقین با برگزاری تجمعات اعتراض‌آمیز علیه اعدامهای اخیر چهره‌یی بسیار تیره از جمهوری اسلامی در جهان ایجاد کردند

ورق‌پاره جمهوری اسلامی، غیظ و وحشت ولی‌فقیه ارتجاع و سردمداران رژیم را از تظاهرات سراسری هواداران مقاومت ایران در کشورهای مختلف جهان که به‌واکنشهای گسترده بین‌المللی علیه آخوندها منجر شده، ابراز کرد.

ارگان ولی فقیه ارتجاع در شماره روز ۲۸ مرداد خود نوشت: پس از اعدام مجید کاووسی‌فر و همدستش، در تاریخ ۱۰ مرداد ماه، در روزهای اخیر در مقابل سفارت ایران در پاریس و چند پایتخت دیگر اروپایی، منافقین با برگزاری نمایشگاه عکس و فیلم و اجرای نمادین مراسم اعدام و تجمعات اعتراض‌آمیز علیه اعدامهای اخیر در کشورمان اعتراض کرده‌اند. انتشار وسیع عکسهایی از این اعدام منجر به ایجاد چهره‌یی بسیار تیره از جمهوری‌اسلامی در جهان شده است.

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: کار به جایی رسیده است که در نمایشگاه عکس هفته گذشته مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در فرانسه از «مجید کاووسی‌فر» به عنوان یک آزادیخواه و قهرمان ملی که حتی در لحظه اعدام هم با روحیه‌یی بالا برای مردم و طرفدارانش دست تکان می‌داده تجلیل شده است.